ایران

• پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵
• ۱ صفر ۱۴۴۸
• ۱۶ جولای ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۷۵
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

شرح جنگ با ایران و روند تصمیم‌گیری در کاخ سفید، به روایت کتاب «تغییر رژیم»

روایت یک اشتباه بزرگ

۱۰ ۱۱

رئیس جمهوری در دولت تأکید کرد

حفظ انسجام ملی مسئولیت همگانی

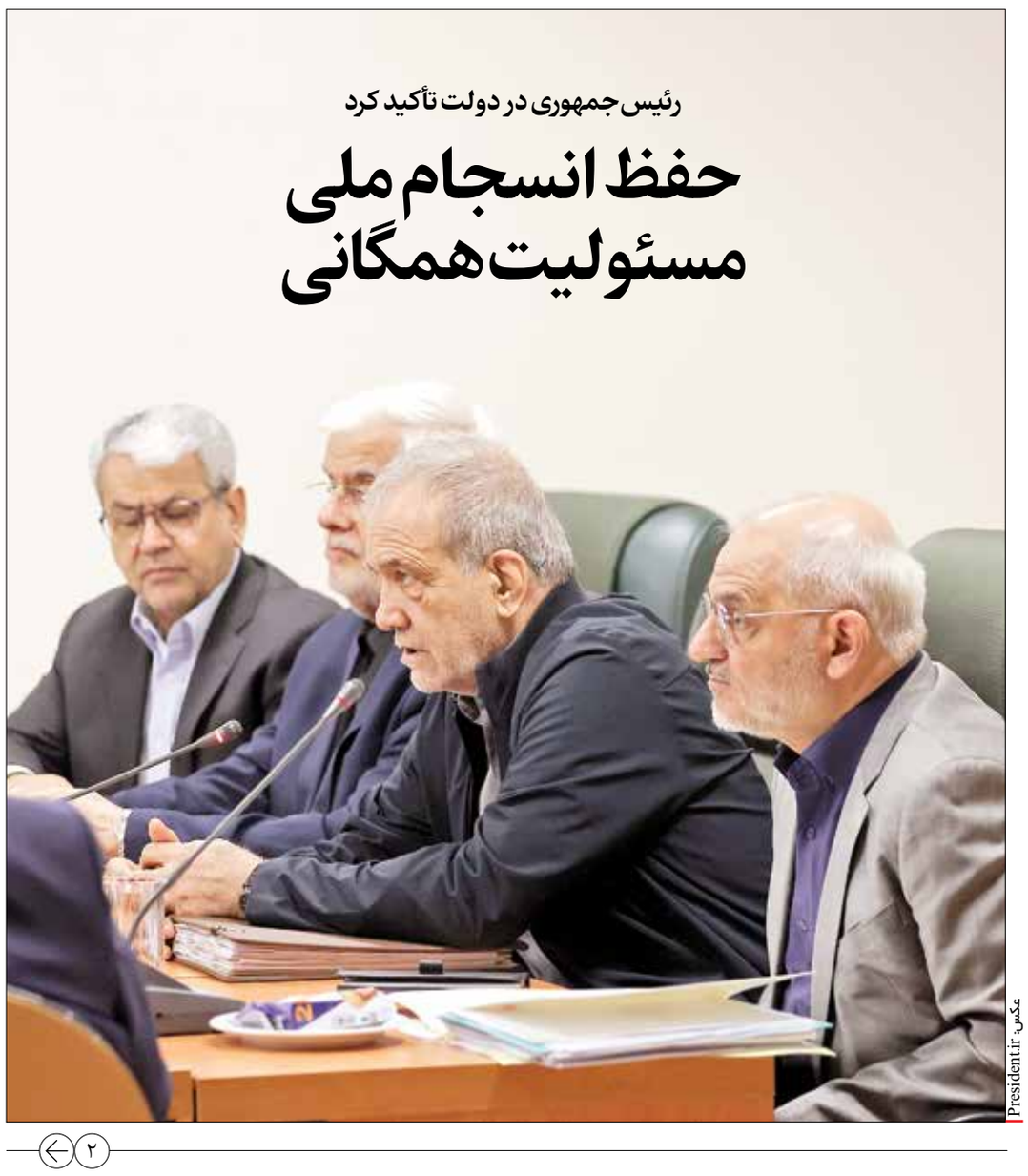

عکس: President.ir

۲

غلامعلی حداد عادل:

مذاکره منافاتی با خونخواهی رهبر شهید ندارد

۲

تیپ ۳۸۸ ارتش ۷ شهید تقدیم کشور کرد

جنایت جدید آمریکا در ایرانشهر

۲

مثلث اضطراب‌آور ترافیک، اشعه فرابنفش و «اوزون سطحی»

با چالش چله تابستان چه کنیم؟

۱۴

واکنش هنرمندان به حملات اخیر دشمن به شهرهای جنوبی کشور

همه جای ایران سرای من است

۱۶

«ایران» تولید برنامه‌های جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

سبقت هیاهو از تحلیل

مجید رضائیان، استاد دانشگاه و پژوهشگر رسانه: تولید محتوا باید به سمت فرهنگ‌سازی برود

۱۵

بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه: ایران یک پیکر است؛ شمال و جنوب ندارد

تفاهم‌نامه زمانی ارزش دارد که تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی ما باشد

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: «در پاسخ به بدعهدی و پیمان‌شکنی طرف مقابل دست‌مان بسته نیست و رزمندگان‌مان با قوت و قدرت پاسخ تجاوزات آمریکا را می‌دهند و در سایر بندهای تفاهم‌نامه هم هرجا که متقابلاً تعهدی داشتیم، تعهدمان را اجرا نکرده‌ایم.»

به گزارش ایرنا، «اسماعیل بقائی»، سخنگوی وزارت امور خارجه در حاشیه مراسم بزرگداشت رهبر شهید و شهید مصباح‌الهدی باقری‌کنی در دانشگاه امام صادق(ع)، در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در مورد وضعیت تفاهم‌نامه پایان جنگ میان ایران و آمریکا و اینکه آیا این تفاهم‌نامه وجود دارد یا نه، توضیح داد: «ما ندیم منافع ملی هستیم. تفاهم‌نامه، توافق‌نامه و امثال آنها تا زمانی برای ما ارزش دارند که تأمین کننده منافع و امنیت ملی باشند.»

وی گفت: «با این نگاه از همان اول ما گفتیم تعهد در برابر تعهد؛ یعنی ما تعهداتمان را تا زمانی اجرا می‌کنیم که طرف مقابل به تعهداتش پایبند باشد. وقتی طرف مقابل نقض کرد ما هم متقابل هر جا که لازم بود از اجرای تعهدات‌مان خودداری کردیم.»

بقائی تصریح کرد: «این یک اصل است و در ادامه هم همین مسیر ادامه خواهد داشت. خیلی مهم نیست که حالا ما بگوییم تفاهم‌نامه‌ای وجود دارد یا وجود ندارد، اصل این است که تفاهم‌نامه مجموعه‌ای از تعهدات و تکالیف متقابل است. در مورد این تفاهم‌نامه هم طرف مقابل تعهداتش را اجرا نکرده‌است.»

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: «من عبارت مثله کردن را استفاده کرده‌ام آقای غریب آبادی گفتند متلاشی شده‌است؛ دلیلش این است که طرف مقابل از همان ابتدای بند اول به بدعهدی و پیمان‌شکنی پرداخت. ما هم دست‌مان بسته نیست و رزمندگان‌مان با قوت و قدرت پاسخ تجاوزات آمریکا را می‌دهند و در سایر بندها هم هرجا که متقابلاً ما تعهدی داشتیم تعهدمان را اجرا نکرده‌ایم.»

بقائی در پاسخ به سؤالی در مورد تجاوز نظامی آمریکا به سواحل کشور گفت: «در دفاع از کشور کسی تردید نمی‌کند، نیروهای مسلح ما با تمام توان جواب می‌دهند. این اقدام‌ها همه مصداق تجاوز است. کل این حملات غیر قانونی است. وقتی می‌زنند، می‌خورند.»

وی ادامه داد: «نیروهای مسلح ما نشان داده‌اند که در دفاع از کشور، جنوب و شمال و شرق و غرب نمی‌شناسند، هر قطعه‌ای از خاک ایران، هر بخشی از خاک ایران، به همه مردم ایران متعلق است و بنابراین هر ضربه‌ای که دشمن به بخشی از خاک ایران بزند قطعاً با پاسخ متقابل ما مواجه می‌شود.»

وی در پاسخ به سؤالی درخصوص روند مذاکرات با آمریکا گفت: «فعلاً روی دفاع متمرکز هستیم.»

ایران یک جان به هم پیوسته است

سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به استفاده از عبارت «جنوب ایران» نوشت: «ایران را نه با خط‌کش جغرافیا می‌توان برید و نه با واژه‌ها می‌توان تکه‌تکه کرد. ایران، شمال و جنوب و شرق و غرب ندارد؛ ایران، یک پیکر است، یک جانِ به‌هم‌پیوسته.»

«اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، عصر چهارشنبه ۲۴ تیر با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: آنان که عامدانه از «جنوب ایران» سخن می‌گویند، در پی آن‌اند که در ذهن مخاطب تصویری از سرزمینی بسازند که به جهات جغرافیایی‌اش معرفی می‌شود. ایران را نه با خط‌کش جغرافیا می‌توان برید و نه با واژه‌ها می‌توان تکه‌تکه کرد. ایران، شمال و جنوب و شرق و غرب ندارد؛ ایران، یک پیکر است، یک جانِ به‌هم‌پیوسته. از بلندای کوهستان‌هایش تا ژرفای دریایش، از سواحل آفتاب‌سوخته‌اش تا سکوت باشکوه کویرهایش، هر ذره از این خاک، ایران است. این سرزمین، قلبی است به وسعت تاریخ؛ قلبی که هزاران سال است می‌تپد، زخمی می‌شود، می‌خروشد، اما هرگز از تپیدن بازنمی‌ایستد. ایرانی همه جای این سرزمین را قلب می‌داند، قلبی در سینه مالامال از مهر به این میهن پرغرور و مقاوم.

همه عالم تن است و ایران دل
نیست گوینده زین قیاس خجل
چون که ایران دل زمین باشد
دل ز تن به بود، یقین باشد

هشدار آیت‌الله شیخ عیسی قاسم:

تشیع در بحرین با تهدید وجودی و شدید مواجه است

آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، رهبر شیعیان بحرین با صدور بیانیه‌ای با هشدار نسبت به وضعیت حقوق سیاسی و شهروندی شیعیان در این کشور تأکید کرد که مذهب تشیع و تمام ارکان تبلیغی و دینی آن در بحرین، با تهدیدی وجودی و شدید مواجه است.

به نقل از پایگاه جنبش الوفاق بحرین، متن بیانیه آیت‌الله شیخ عیسی قاسم به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حقوق سیاسی شهروندان شیعه در بحرین و عموم حقوق شهروندی آنان، دچار فرسایش شدیدی شده است که تقریباً چیزی از آن باقی نمانده و دامنه انکار این استحقاق‌ها به‌طور فاحشی گسترش یافته است. هیچ مجالی برای مسامحه در بازپس‌گیری این حقوق وجود ندارد و ضرورت دارد که جدیت در مطالبه آنها تداوم یابد؛ باید روزی فرا برسد که این حقوق به صاحبان دینی و قانونی آن بازگردد.

اما سرنوشت مذهب شیعه در بحرین، علما، خطبا، نویسندگان، معلمان، مبلغان و تمامی کسانی که به پرسش‌های دینی و فقهی مردم پاسخ می‌دهند، تحت تهدیدی وجودی و شدید قرار دارد؛ وضعیتی که شامل حال زندانیان و قربانیان احکام ناعادلانه و دیگران نیز می‌شود.

آیا در سراسر سرزمین‌های اسلامی و میان ملت‌ها یا دولت‌های مسلمان، کسی هست که منکر ظلم باشد، امر به معروف کند و برای خدا خشمگین شود؟! ای یاری‌کننده مظلومان، ما را یاری کن که تو داناتر از همه به ظالمان و مظلومانِ بندگانت هستی.

در ماه‌های اخیر، روند اعمال فشار بر شیعیان بحرین با افزایش بازداشت‌های امنیتی و محدودیت‌های مذهبی همراه بوده است. در اردیبهشت گذشته، نیروهای امنیتی بحرین با یورش به مناطق شیعه‌نشین، شماری از روحانیون و فعالان مذهبی را بدون ارائه حکم قضایی بازداشت و به مکان‌های نامعلوم منتقل کردند.

همچنین در آستانه ماه محرم، گزارش‌هایی از تشدید محدودیت‌های مذهبی علیه شیعیان این کشور منتشر شد. بر اساس این گزارش‌ها، روحانیون، خطیبان و مداحان شیعه احضار و بازجویی شده و از آنان تعهد گرفته شد که در مراسم مذهبی از طرح برخی موضوعات خودداری کنند. علاوه بر این، محدودیت‌هایی برای برگزاری مراسم عزاداری، مدت زمان سخنرانی‌ها و سفر شهروندان بحرینی به ایران و عراق اعمال شد.

گروه‌های سیاسی و فعالان حقوق بشری بحرین با محکوم کردن این اقدامات، خواستار آزادی فوری بازداشت‌شدگان، پایان دادن به بازداشت‌های خودسرانه و توقف سیاست‌های امنیتی و محدودیت‌های اعمال‌شده علیه جامعه شیعه این کشور شدند.

محمدعلی موحد در رونمایی از نسخه قطع کوچک مثنوی عنوان کرد

خداوند مرا گرفتار مثنوی و مولانا کرد

پریسا احدیان: عصر سه‌شنبه ۲۴ تیر، شصت‌وسومین نشست سه‌شنبه‌های مجله «بخارا» به رونمایی از نسخه قطع کوچک مثنوی با حضور محمدعلی موحد و جمع بسیاری از دوستداران ایشان در شهر کتاب نیاوران برگزار شد. در ابتدای این نشست علی دهباشی با خوشامدگویی به میهمانان گفت: «قطع کوچک مثنوی در شش جلد به همراه فهرست و کشف الابیات در جلد جداگانه از سوی نشر هرمس منتشر شده است. این چاپ جیبی با قطع و شکل متفاوت و وزن سبک عرضه شده که جامع همه محسنات و مزایای چاپ‌های قبل است.»

سپس محمدعلی موحد از فراز و نشیب تصحیح مثنوی و آشنایی با مولانا و شمس چنین سخن گفت: «گرفتاری برای ما از اوان جوانی بود. از همان زمان گرفتار مولانا شدیم و هنوز هم گرفتارش هستیم و خیلی خوشحالم از این جهت و بسیار خوشبخت. حس می‌کنم خداوند مرا با مثنوی گرفتار کرد. مدارک و طبقاتی در درگیری کار با مولانا وجود دارد. مسأله تصحیح مثنوی و خواندن آن و فکر در این‌باره که این آدم می‌خواسته چه بگوید و قضیه شمس تبریز و مقالات او و ارتباط آنها با مثنوی و کیفیت گرفتاری مولانا با شمس و شمس با مولانا که هر کدام داستانی دارد، در ظاهر به نظر می‌آید با هم وفق ندارند ولی باید این روایت‌ها را کنار هم گذاشت. من از اول زندگی او آغاز کردم و بعد قضیه تصحیح مثنوی و عرضه مثنوی که در تصحیح اول در مقدمه‌ام به آنها اشاره کردم. دوست داشتم در مقدمه کتاب‌ها به خواننده‌ام بگویم که چطور درگیر این جریان شدم. اگر یادتان باشد شرح مفصلی برای مقدمه «فصوص الحکم» ابن عربی نوشتم. شاید ظاهراً ارتباطی به کار مثنوی نداشته باشد اما با آن مرتبط است. من به مثنوی از راه مقالات شمس راه پیدا کردم. با این اثر پیش از شناخت مقالات آشنا بودم اما یک شناخت سطحی بود. بعدها که قضیه مقالات پیش آمد از این متن‌ها دوباره به شناخت مثنوی رسیدم. مستشرقینی که این مقالات را به قول مرحوم مینوی از خزائن کتابخانه‌های ترکیه کشف کردند همه باور دارند که پس از خواندن آن حالا باید دوباره مثنوی را خواند.»

اشعار مولانا در اوج عرفان و زیبایی‌شناسی است

موحد در ادامه افزود: «شمس تبریزی گمنام زیسته بود و خودش هم این را می‌گوید. مأموریتش این بود و می‌گفت از عالم غیب به من گفته‌اند آن بنده نازنین ما در میان قوم ناهموار گیر کرده و حیف است که او را به زیان برند. آن هم در مورد مولانایی که در چند مدرسه مشهور بود و سخنرانی خوب و مفتی شهر بود با سوادی که در کتاب‌هایش پیداست و تمام ظرایف و دقایق را در یک لحظه می‌بیند. با وجود این درویشی بی‌نام و نشان یک روز صبح پیدا شده و جلوی مولانا را گرفته و بیان کرده: به من گفته‌اند تو را نجات بدهم و از آن تاریخ به بعد است که مولانا، مولانا می‌شود. همان‌طور که تا ۳۸ سالگی او و وصل به شمس، از مولانا هیچ نمی‌دانیم. شمس تبریزی نقطه عطف زندگی مولاناست. اگر شمس نبود مولانا را به آن شکلی که می‌شناسیم نداشتیم همان‌طور که بدون افلاطون نمی‌توانستیم به حکمت سقراط برسیم. او شگفتی جهان بشری است و هر عصر حقیقتی تازه از او می‌یابد.»

دکتر موحد سپس در مورد تأکید نیکلسون به مقالات شمس و شناخت مثنوی از طریق این مقالات گفت: «مرحوم فروزانفر در مجلس یادبود نیکلسون آخرین نامه از او را رو می‌کند و می‌گوید که حالا من شب و روز گرفتار مقالات هستم و آنها را می‌خوانم. تصحیح مقالات برای من هم دری بود که به روی مثنوی باز شد. در مقدمه ابن عربی مطرح کردم که مولاناشناس‌های قدیم و جدید گفته‌اند که ما مثنوی را از پشت عینک ابن عربی می‌شناختیم. در مقاله‌ام از شارحین نقل کرده‌ام که مثنوی کتابی است مشکل‌تر از مشکل و آسان‌تر از آسان. می‌دانم اگر ۲۰۰ سال دیگر هم عمر کنم باز مثنوی مورد استفاده من و دریایی است که موج می‌زند و هر بار که می‌خوانی چیز تازه‌ای می‌بینی. مولانا در اوج عرفان به زیبایی‌شناسی ادبی نیز دست یافت. با موازینی که در غرب به عنوان زیبایی‌شناسی مطرح شده است به مسأله شاعرانگی مولانا تأکید دارند. در معیارهای زیبایی‌شناسی و ادبیات امروز، مولانا به دلیل دقت در نظر شعری و توانایی در بیان رمزها در جایگاه فوق‌العاده‌ای قرار دارد.»

دکتر موحد در لحظات پایانی این نشست در مورد انتشار شرح مثنوی گفت: «شرح دفتر اول روی میز کارم است و ضعف چشم و دست یاری نمی‌کند. به سبب بیماری‌ها و از دوران کرونا قلم از دستم افتاده است. ولی به هر طریق باید منتشر شود.» در پایان این مراسم علی جعفرآبادی، مدیرعامل شهر کتاب نماد سیمرغ را به رسم یادبود به استاد موحد تقدیم کرد.

خبر

حدادعادل:

مذاکره با خونخواهی رهبر شهید منافاتی ندارد

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد که مذاکره با خونخواهی رهبر شهید منافاتی ندارد.
غلامعلی حدادعادل روز گذشته در حاشیه مراسم بزرگداشت رهبر شهید و شهید مصباح‌الهدی باقری‌کنی در دانشگاه امام صادق(ع) در جمع خبرنگاران، گفت: «اینکه ملت و رهبر ملت، خواهان انتقام باشد، منافاتی با مذاکره ندارد. مذاکره نیز می‌تواند در مسیر تأمین منافع ملت باشد و انتقام هم حق طبیعی ملتی است که رهبرشان به دست جنایتکاران ترور شده است.»
حدادعادل همچنین در مراسم سالروز بازدید رهبر شهید از پژوهشگاه رویان و همزمان با هفتمین روز خاکسپاری این شهید، با گرامیداشت یاد وی اظهار کرد: «پژوهشگاه رویان از جمله مراکزی بود که با توجه و حمایت ویژه رهبر شهید شکل گرفت و رشد کرد. مرحوم دکتر سعید کاظمی‌آشتیانی از شخصیت‌های مورد اعتماد ایشان بود و اگرچه رهبر شهید از مراکز علمی متعددی حمایت می‌کردند، اما رویان برای ایشان جایگاه ویژه‌ای داشت.»
وی تأکید کرد: «رهبر شهید معتقد بودند علم به تنهایی کافی نیست، بلکه باید به فناوری و سپس به اقتصاد منتهی شود. از نگاه ایشان، کشوری که از علم برخوردار باشد، می‌تواند فناوری تولید کند و فناوری نیز اقتصاد را تقویت خواهد کرد.» حدادعادل افزود: «ایشان نمی‌خواستند ننگ عقب‌ماندگی علمی بر پیشانی مسلمانان باقی بماند؛ زیرا تاریخ تمدن اسلامی خلاف این را نشان می‌دهد. زمانی که اروپا دوران تاریکی خود را می‌گذراند، دانشجویان اروپایی برای فراگیری علم و زبان عربی به مراکز علمی جهان اسلام سفر می‌کردند.»
حدادعادل با اشاره به خاطره‌ای از سال ۱۳۶۵ گفت: «آن زمان معاون وزارت آموزش و پرورش بودم و تصمیم داشتیم برای اولین بار شش دانش‌آموز ایرانی را به المپیاد جهانی ریاضی در کوبا اعزام کنیم. کشور درگیر جنگ بود و هیچ تجربه‌ای در این زمینه نداشتیم.» وی ادامه داد: «از ایشان درخواست کردم پیش از اعزام، دانش‌آموزان را به حضورشان ببریم. با روی باز پذیرفتند، دانش‌آموزان را مورد تشویق قرار دادند و روحیه دادند. همان اولین حضور، آغاز مسیری شد که امروز به موفقیت‌های بزرگ انجامیده است؛ به‌گونه‌ای که همین هفته گذشته نیز تیم ایران در المپیاد جهانی ریاضی در چین موفق شد چهار مدال طلا کسب کند.»

توجه ویژه به فرهنگ، زبان فارسی و هویت ملی

وی با اشاره به فعالیت‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی اظهار کرد: «سال‌هاست که در فرهنگستان مشغول تدوین «فرهنگ جامع زبان فارسی» هستیم؛ طرحی بزرگ که اجرای آن چند دهه زمان می‌برد. جلد اول این فرهنگ، با بیش از ۸۵۰ صفحه، تنها به حرف «آ» اختصاص دارد و حدود ۱۵۰ صفحه مقدمه علمی درباره مبانی و شیوه‌های نوین فرهنگ‌نویسی در جهان دارد.»
حدادعادل ادامه داد: «یک بار این مجموعه را به رهبر شهید تقدیم کردم. حدود یک ماه بعد، دوباره خدمت ایشان رسیدم. در همان دیدار درباره مقالات دکتر سالار، استاد دانشگاه کالیفرنیا، که در دفاع از هویت ملی ایران نوشته شده بود، صحبت کردند و از من خواستند پیام تشکر ایشان را به نویسنده منتقل کنم. این میزان توجه به مباحث فرهنگی و هویتی، در کنار اشراف ایشان به علوم نوین، برای من بسیار قابل توجه بود.»
رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان اینکه رهبر شهید تنها حامی علم نبود، بلکه خود منشأ شکل‌گیری بسیاری از نهادهای علمی نیز بود، گفت: «سال ۱۳۶۲ ایشان جمعی از پژوهشگران را دعوت کردند و فرمودند که چرا مسلمانان برای تحقیق درباره معارف اسلامی همچنان باید به دایرةالمعارف‌هایی مراجعه کنند که دیگران نوشته‌اند و چرا خودمان دایرةالمعارف جامع جهان اسلام را تدوین نکنیم.»
وی افزود: «همین پیشنهاد، زمینه تأسیس بنیاد دایرةالمعارف اسلامی را فراهم کرد؛ مرکزی که اکنون پس از بیش از چهار دهه فعالیت، به مجموعه‌ای بزرگ با حدود یکصد عضو هیأت علمی، کتابخانه‌ای با بیش از ۳۰۰ هزار جلد کتاب، صدها عنوان نشریه تخصصی و ده‌ها جلد از «دانشنامه جهان اسلام» تبدیل شده است.» حدادعادل ادامه داد: «شاید بسیاری ندانند که رهبر شهید خود از مؤسسان این مجموعه بودند و نام ایشان به عنوان مؤسس در اسناد رسمی ثبت شده است. امروز این مرکز یکی از معتبرترین مراجع پژوهشی درباره اسلام، ایران و تشیع در داخل و خارج از کشور به شمار می‌رود و بخشی از آثار آن به زبان انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شده است.»
وی با تأکید بر اینکه اگر بخواهیم همه اقدامات علمی و فرهنگی رهبر شهید را فهرست کنیم، فهرستی بسیار طولانی خواهد شد، گفت: «ایشان همواره دغدغه کرامت انسانی، پیشرفت علمی و آینده نسل جوان را داشتند و معتقد بودند نخبگان مسئولیت سنگینی در استمرار مسیر پیشرفت کشور بر عهده دارند.»
حدادعادل گفت: «بارها گفته‌ام که نسل امروز در معرض حجم گسترده‌ای از تبلیغات منفی قرار دارد و باید بیش از گذشته مورد حمایت قرار گیرد. رهبر شهید شخصیتی عمل‌گرا و توسعه‌یافته داشت و در نهایت نیز با فیض شهادت از این دنیا رفت.»

رئیس جمهوری در جلسه هیأت دولت تأکید کرد

حفظ انسجام ملی، مسئولیتی همگانی است

دولت

روزگذشته جلسه هیأت دولت به ریاست رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان برگزار شد. پزشکیان در این نشست با تأکید بر ضرورت هم‌افزایی و هماهنگی میان تمامی دستگاه‌های اجرایی، انسجام درونی دولت را پیش‌نیاز ارتقای کیفیت خدمات عمومی دانست و تصریح کرد که تعامل مؤثر میان بخش‌های مختلف، زمینه‌ساز پاسخگویی مطلوب به مطالبات مردم و افزایش کارآمدی نظام اجرایی کشور خواهد بود.
وی با اشاره به ضرورت صیانت از سرمایه اجتماعی، مطالبات مردم را بحق توصیف کرد و حفظ انسجام ملی را مسئولیتی همگانی دانست.
رئیس دولت چهاردهم همچنین بر پرهیز از هرگونه موضع‌گیری و اظهارنظر تفرقه‌افکنانه تأکید کرد و وحدت ملی را مهم‌ترین پشتوانه کشور در عبور از چالش‌ها و خنثی‌سازی اهداف دشمنان برشمرد. پزشکیان در ادامه توسعه دستاوردها، تداوم خدمت‌رسانی مؤثر و ارتقای کیفیت خدمات به اقشار مختلف جامعه را از ارکان اصلی تقویت اقتدار ملی عنوان کرد و بر مسئولیت تمامی وزرا و مدیران اجرایی در حفظ کیفیت و استمرار ارائه خدمات عمومی تأکید کرد.
در ادامه این نشست، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، از ثبت ملی آیین وداع، بدرقه و تشییع پیکر رهبر شهید در فهرست میراث فرهنگی ناملموس کشور خبر داد.
وی این آیین را نمادی از فرهنگ غنی سوگواری و همبستگی اجتماعی ایرانیان توصیف و اعلام کرد که این میراث معنوی در تاریخ ۹ تیرماه ۱۴۰۵ با شماره ۳۳۶۵ در فهرست میراث ناملموس ملی به ثبت رسیده است.
در بخش دیگری از جلسه، تعدادی از اعضای هیأت دولت و معاون حقوقی رئیس‌جمهور گزارش‌هایی از آخرین اقدامات، برنامه‌ها و موضوعات مرتبط با حوزه‌های تخصصی خود ارائه کردند.
همچنین شماری از پیشنهادها و مسائل اجرایی، حقوقی و اقتصادی کشور در دستور کار هیأت دولت قرار گرفت.

اهتمام دولت خدمت‌رسانی به مردم آسیب دیده از جنگ است

سخنگوی دولت نیز با ارائه جزئیاتی از مباحث مطرح شده در جلسه دیروز هیأت دولت گفت: «در این جلسه گزارشی از آخرین وضعیت استان‌های جنوبی و اقدامات انجام شده پس از حملات اخیر دشمن ارائه شد و ابعاد مختلف موضوع، از جمله روند خدمت‌رسانی، امدادرسانی و تأمین نیازهای مردم مورد بررسی قرار گرفت.»
فاطمه مهاجرانی افزود: «رئیس‌جمهوری با محکوم کردن این اقدام، بر تداوم بی‌وقفه خدمت‌رسانی به مردم و بسیج همه ظرفیت‌های دستگاه‌های اجرایی برای حمایت از مناطق آسیب‌دیده تأکید کرد.» وی با محکوم کردن حملات دشمن به مناطق جنوبی کشور و به شهادت رساندن بیش از ۳۰ نفر از شهروندان کشور عزیزمان، افزود: «این اقدامات مغایر با اصول انسانی و قواعد شناخته شده حقوق بین‌الملل است و جمهوری اسلامی ایران این جنایات را قویاً محکوم می‌کند.»
مهاجرانی با اشاره به اینکه در جلسه دیروز همچنین از استانداران استان‌های جنوبی، مدیران استانی، نیروهای امدادی، کادر درمان، نیروهای خدمات‌رسان و همه دستگاه‌هایی که از اولین ساعات وقوع این حملات در کنار مردم حضور داشته‌اند، قدردانی شد، گفت: «همراهی و مدیریت میدانی مسئولان و تلاش شبانه‌روزی نیروهای اجرایی، نقش مهمی در کاهش مشکلات و استمرار ارائه خدمات به مردم داشته است.»
وی افزود: «رئیس‌جمهوری در این جلسه بر ضرورت تداوم بی‌وقفه خدمت‌رسانی به مردم تأکید کردند و خواستار آن شدند که همه دستگاه‌های اجرایی، وزارتخانه‌ها و نهادهای مسئول با حداکثر توان، امکانات و ظرفیت‌های خود را برای پشتیبانی از مناطق آسیب‌دیده، جبران خسارات و تأمین نیازهای مردم به کار گیرند.»

> پزشکیان بر پرهیز از هرگونه اظهار نظر تفرقه افکنانه تأکید کرد و وحدت ملی را مهم‌ترین پشتوانه کشور در خنثی‌سازی اهداف دشمنان دانست

مأموریت رئیس جمهوری اجرایی می‌شود

تدوین برنامه عملیاتی تأمین آب و انرژی

خبر

نشست بررسی و تصویب شیوه‌نامه اجرایی «نظام مدیریت، پایش و بهینه‌سازی مصرف آب و حامل‌های انرژی» با حضور محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، نمایندگان وزارت کشور، مدیران شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، شرکت ملی گاز ایران، شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و دیگر دستگاه‌های مرتبط برگزار شد. این نشست و تدوین شیوه‌نامه یادشده، در پی ابلاغ مأموریت رئیس‌جمهوری به معاون اجرایی رئیس‌جمهور و در اجرای دستور مسعود پزشکیان در همایش «حکمرانی هم‌افزا» در دستور کار قرار گرفت.
شیوه‌نامه اجرایی نظام مدیریت، پایش و بهینه‌سازی مصرف آب و حامل‌های انرژی با هدف ارتقای کارآمدی حکمرانی، ترویج فرهنگ مصرف بهینه و تدوین برنامه‌های کاهش مصرف در سطوح ملی و استانی، در این نشست به تصویب رسید و مقرر شد پس از انجام اصلاحات نهایی، حداکثر ظرف یک تا دو هفته آینده برای اجرا، ابلاغ شود.
قائم‌پناه در این نشست با تأکید بر اینکه باید این شیوه‌نامه حداکثر ظرف یک تا دو هفته آینده، نهایی و برای اجرا ابلاغ شود، گفت: «پیشنهاد ما این است که بر اساس شاخص‌های روشن و قابل‌اندازه‌گیری، الگوی مصرف هر استان تعیین و میزان تحقق آن به‌صورت مستمر پایش و ارزیابی شود.»
وی افزود: «در حوزه برق، آب، گاز، بنزین، گازوئیل و دیگر فرآورده‌های نفتی با محدودیت‌هایی مواجه هستیم و به دستور رئیس‌جمهوری باید سازوکاری جامع، اجرایی و قابل پایش برای مدیریت مصرف تدوین کنیم.»
معاون اجرایی رئیس‌جمهور ادامه داد: «پیشنهاد می‌کنم سهمیه و الگوی مصرف هر استان با توجه به شاخص‌های جمعیتی، اقلیمی، تولیدی و اقتصادی مشخص و با هماهنگی وزارت کشور از طریق بخشنامه به استانداری‌ها ابلاغ شود. پس از ابلاغ نیز روند سهم هر استان از آب و حامل‌های انرژی بر اساس شاخص‌های مناسب معین و به استانداران و فرمانداران اختیارات لازم برای مدیریت این سهمیه مطابق با نیازها و شرایط استان‌ها داده خواهد شد.»

مصرف بالای انرژی در کشور

همچنین قائم‌پناه یادآور شد: واقعیت این است که با مصرف غیرمتعارف منابع آب و انرژی مواجه هستیم و میزان مصرف در کشور با ظرفیت‌های اقتصادی و تولیدی تناسب ندارد. برای نمونه، به ازای هر مترمکعب آب مصرفی، حدود پنج دلار تولید ناخالص داخلی ایجاد می‌شود، در حالی که متوسط جهانی این شاخص حدود ۲۲ دلار است. در حوزه گاز و دیگر حامل‌های انرژی نیز وضعیت مشابهی وجود دارد.
وی اضافه کرد: تعیین الگوی دقیق، ایجاد مشوق‌های مؤثر، نظارت مستمر و همراه‌کردن مردم می‌تواند به کاهش پایدار مصرف و افزایش بهره‌وری منابع منجر شود.
قائم‌پناه ادامه داد: موفقیت این برنامه به اقناع افکار عمومی و مشارکت مردم نیاز دارد. دستگاه‌های مسئول باید در سطح ملی و استانی، برنامه‌های رسانه‌ای، فرهنگی و آموزشی مشخصی از جمله پویش‌های مدیریت مصرف و طرح‌هایی مانند سه‌شنبه‌های بدون خودرو را طراحی و اجرا کنند.
در پایان این نشست، معاون اجرایی رئیس‌جمهور از دستگاه‌های مسئول خواست برنامه عملیاتی خود را در حوزه آب، برق، گاز، بنزین و فرآورده‌های نفتی، برای گزارش دهی در نشست احتمالی با حضور رئیس‌جمهوری تدوین و ارائه کنند.

سپاه پاسداران خطاب به مردم اردن و کویت:

ارتش شیطان بزرگ را از خاک خود بیرون کنید

در پی حمله آمریکا، ۷ نفر از کارکنان پایور و وظیفه تیپ ۳۸۸ ایرانشهر شهید و ۱۳ نفر مجروح شدند

دفاعی

اکنون چهار روز از آغاز تبادل آتش میان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ارتش ایالات متحده در خلیج فارس می‌گذرد؛ درگیری‌هایی که پس از حملات تجاوزکارانه آمریکا به مناطقی از جنوب کشورمان و نقض تفاهمنامه اسلام آباد از سوی آمریکایی‌ها و تلاش آنها برای ایجاد اخلال در مدیریت تنگه هرمز از سوی ایران آغاز شده است. در واکنش به اقدامات آمریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با آغاز عملیات نصر۲، پایگاه‌های نظامی و تأسیسات مرتبط با آمریکا در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را مورد حملات دقیق خود قرار داده است. بحرین، کویت و اردن که میزبان مهم‌ترین پایگاه‌های آمریکا در منطقه و همچنین مبدأ اغلب حملات به خاک کشورمان هستند، در چند نوبت مورد اصابت موفق موشک‌ها و پهپادهای نیروهای مسلح ایران قرار گرفته‌اند.
در همین رابطه، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اولین ساعات روز گذشته، با انتشار اطلاعیه شماره۱۰، از انجام موج سوم از عملیات نصر۲ خبر داد. بنابر این اطلاعیه، طی یک عملیات همزمان موشکی و پهپادی، چندین سوله نگهداری تسلیحات و قطعات شناورها و هواگردهای دشمن در پایگاه شیخ عیسی بحرین منهدم شدند و همچنین با حمله موشکی به رمپ استقرار پهپادهای MQ9 دشمن در پایگاه علی السالم کویت، تعدادی از پهپادها نابود و یا به آنها خسارت وارد شد.
سپاه پاسداران تأکید کرد که این حملات در پاسخ تجاوزات ارتش آمریکا به تعدادی از ایستگاه‌های ساحلی نیروهای مسلح ایران انجام گرفته است.
سپاه پاسداران همچنین تصریح کرد که «تا زمانی که شرارت‌های آمریکا در منطقه وجود دارد یک قطره نفت و گاز از منطقه صادر نخواهد شد و این تجاوزها جز تأخیر در بازگشایی تنگه هرمز نتیجه‌ای نخواهد داشت.»
در موج چهارم عملیات نصر۲ نیز، مرکز اصلی آماد و پشتیبانی ارتش آمریکا در غرب آسیا در بندر مینا عبدالله کویت به آتش کشیده و منهدم شد.
روابط عمومی سپاه پاسداران در اطلاعیه شماره ۱۲ خود نیز، از انجام پنجمین موج از عملیات نصر۲ خبر داد و اعلام کرد: «مرکز مدیریت ان اس آی، مرکز کنترل فرماندهی، انبارهای بزرگ قطعات و تجهیزات نظامی و مخازن سوخت ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین درهم کوبیده و منهدم شدند.»
در همین اطلاعیه، سپاه تأکید کرد: «دشمن بداند حال که راهزنان او مسیر صادرات نفت و گاز به دنیا از اقیانوس هند را که منافع رقبای اقتصادی آمریکا را به مخاطره می‌اندازد بسته‌اند، باید منتظر بسته شدن سایر مسیرهای صادراتی نفت و گاز که منافع آمریکا و هم پیمانانش را تأمین می‌کند باشند.» مخاطب اطلاعیه شماره ۱۳ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مردم اردن بودند. در این اطلاعیه سپاه خطاب به مردم اردن آمده است:
«سحرگاه امروز (چهارشنبه) که شرارت‌های ارتش کودک‌کش آمریکا علیه ملت ما مجدداً از سر گرفته شد، در پاسخ به جنایت‌های شیطان بزرگ که بخش عمده آن با استفاده از پایگاه‌های آمریکایی در خاک اردن صورت می‌گیرد، مجاهدان نیروی هوافضای سپاه با حمله متقابل به پایگاه آمریکا در الازرق در موج ششم عملیات نصر ۲ با رمز یاالله یاالله یاالله در عملیات مقابله به مثل خود، آشیانه جنگنده‌های اف ۱۵، ۱۶ و ۳۵ را در هم کوبیدند و تعدادی از پهپادهای راهبردی MQ9 آمریکا در این پایگاه را از بین بردند. سرزمین مقدس اردن قدمگاه انبیاست و جای اشغالگران و جنایتکاران بین‌المللی نیست، انتظار امت اسلامی از شما مردم نجیب و غیور که بیش از هر ملتی شاهد عینی جنایت آمریکا و رژیم صهیونیستی در حق فلسطین مظلوم بوده‌اید این است که به حضور ارتش شیطان بزرگ در خاک خود پایان دهید و نگذارید آن سرزمین مقدس مبدأ حملات تجاوزکارانه به خاک کشورهای اسلامی و زورگویی به ملت فلسطین باشد. هیچ فرصتی را برای تخریب مؤسسات آمریکایی و اخراج ارتش اشغالگر آمریکا از اردن از دست ندهید.»
روابط عمومی سپاه، در اطلاعیه شماره ۱۴ خود نیز خطاب به مردم کویت اعلام کرد: «بیش از چهار ماه پیش، ارتش کودک کش شیطان بزرگ آمریکا با به شهادت رساندن رهبر بزرگ اسلامی و مرجع تقلید بی‌نظیر حضرت امام خامنه‌ای رحمت‌الله و کشتار و قطعه قطعه کردن ۱۶۸ کودک و دانش‌آموز مدرسه میناب، جنگی را علیه ما آغاز کرد که تا امروز ادامه دارد و مبدأ بسیاری از تجاوزات در این جنگ پایگاه‌های نیروهای اشغالگر آمریکایی در خاک مقدس کویت است. در ادامه این تجاوزات شب گذشته، متجاوزان آمریکایی چند پایگاه در جنوب ایران را هدف قرار دادند از جمله از روی عجز و قصاوت یک انبار خرید گندم از کشاورزان در شهر هویزه خوزستان و کارخانه آب معدنی در دهلران ایلام را بمباران کردند.
در پاسخ به این تجاوزهای دشمن رزمندگان نیروی زمینی و هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در موج هفتم عملیات نصر۲ با رمز مبارک یا رسول‌الله(ص) مرکز ارتباطات ماهواره‌ای، رادار دفاع موشکی و هوایی، مجتمع پدافند هوایی پاتریوت، آمادگاه پایگاه نظامی آمریکا در کویت و سکوهای پرتاب موشک‌های های‌مارس را مورد حمله موشکی و پهپادی قرار داده و منهدم و در هم کوبیدند. شما به خوبی می‌دانید که ما با شما نه تنها هیچ دشمنی نداریم بلکه ملت شریف و نجیب کویت را خیلی دوست داریم. این عملیات پاسخ به جنایتکاران آمریکایی بود و انتظار از شما ملت مسلمان و کریم این است که این کودک کشان اشغالگر را از خاک خود بیرون بریزید، خاک پاک سرزمین کویت نمی‌باید در اشغال جنایتکارانی باشد که تنها طی دو سال گذشته هفتاد هزار فلسطینی از جمله بیست هزار کودک را در غزه قهرمان به شهادت رساندند و فاجعه مدرسه میناب را مرتکب شدند. انتظار داریم هیچ فرصتی را برای تخریب مؤسسات آمریکایی متجاوز و رهایی سرزمین‌های اسلامی از پایگاه اشغالگران آمریکایی از دست ندهید.»
در همین حال، ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز، در مرحله هفتم و هشتم عملیات صاعقه و در پاسخ به تجاوزات مکرر دشمن، پایگاه و مراکز راهبردی ارتش تروریستی آمریکا در اردن را آماج حملات پهپادی قرار داد. در این مرحله از عملیات، محل استقرار جنگنده‌های اف ۱۸، ساختمان اسکان و سوله بزرگ تجهیزات ارتش آمریکا در پایگاه الازرق اردن، هدف حملات پهپادهای انهدامی قرار گرفت.

> سپاه پاسداران: تا زمانی که شرارت‌های آمریکا در منطقه وجود دارد یک قطره نفت و گاز از منطقه صادر نخواهد شد و این تجاوزها جز تأخیر در بازگشایی تنگه هرمز نتیجه‌ای نخواهد داشت

برش

شهادت ۷ نفر از کارکنان پایور و وظیفه نیروی زمینی ارتش

بامداد روز چهارشنبه، ارتش ایالات متحده با شلیک ۱۳ فروند موشک، آسایشگاه و محل اسکان یکی از پادگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بمپور ایرانشهر را هدف قرار داد.
به گزارش روابط عمومی ارتش، با وجود گستردگی حمله و شدت اصابت موشک‌ها که با قصد گرفتن بیشترین تلفات انسانی انجام شد، به دلیل رعایت اصول پدافند غیرعامل و تدابیر اتخاذ شده، از افزایش تلفات جلوگیری به عمل آمد. در جریان این حمله ارتش تروریستی آمریکا، ۷ تن از کارکنان پایور و وظیفه تیپ ۳۸۸ ایرانشهر به مقام شهادت نائل آمده و تعداد ۱۳ نفر از کارکنان، مجروح شدند که تحت درمان قرار دارند. در این حمله شهید استواردوم فرشاد علوی، شهید استواردوم رضا شفیعی، شهیدان وظیفه علی‌رضا قاسمی، حسین جعفری، عباس حسن‌شاهی، عباس حسام‌الدینی و ابوالفضل ملایی به مقام رفیع شهادت نائل آمدند.
حسین کرمانپور، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز آخرین آمار مربوط به مجروحین جنگ را اعلام کرد و نوشت: «در موج جنگ‌افروزی جدید علیه کشورمان، تا کنون بیش از ۲۶۰ نفر مجروح شده‌اند که ۳ نفر زن و ۶ نفر هم زیر ۱۸ سال هستند. متأسفانه در میان شهدا ۲ نفر خانم هستند. ۲۲۲ نفر از مجروحین، درمان و ترخیص شدند.»

نمایندگان ارشد زیست‌بوم فناوری با عارف دیدار کردند

هدف‌گذاری ارتقای سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص ملی

دولت

نشست مشترک فعالان اقتصاد دیجیتال با معاون اول رئیس‌جمهور، با حضور کلیدی‌ترین اعضای اقتصادی دولت برگزار شد. در این نشست که به ریاست محمدرضا عارف و با حضور وزرای ارتباطات و فناوری اطلاعات، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، راه و شهرسازی و رئیس کل بانک مرکزی برگزار شد، دغدغه‌ها، چالش‌ها و راهکارهای توسعه اکوسیستم نوآوری و اقتصاد دیجیتال کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

عارف در این جلسه با تبریک روز فناوری اطلاعات (سالروز تولد خوارزمی)، به ریشه‌های علمی ایران اشاره کرد و اظهار کرد: «غربی‌ها با واژه «الگوریتم» که برگرفته از نام «الخوارزمی» است، ارزش این دانشمند را به خوبی درک کردند. ما نیز باید با تکیه بر این پیشینه، نگاه به فناوری‌های نوظهور را تغییر دهیم.»

معاون اول رئیس‌جمهور با نقد رویکردهای سنتی و ترسی که در گذشته نسبت به ابزارهای نوین وجود داشت، تصریح کرد: «در گذشته نسبت به هر فناوری جدیدی وحشت و موضع‌گیری منفی وجود داشت. به عنوان مثال از ابتدا درباره اینترنت موضع‌گیری شد بدون آنکه از کاربرد آن اطلاعی وجود داشته باشد. اما واقعیت این است که اینترنت مانند یک شاهراه است؛ هیچ‌کس تردد در شاهراه را ممنوع نمی‌کند، بلکه تنها بار غیرمجاز را کنترل می‌کنند. نگاه مبتنی بر ترس، تحریم و مونتاژکاری باید جای خود را به بومی‌سازی و توسعه حداکثری بدهد و کلمه «منع» دیگر در ادبیات توسعه فناوری ایران جایی ندارد.»

طرح صریح مطالبات و گلایه‌های فعالان بخش خصوصی

در ادامه این نشست، نمایندگان ارشد زیست‌بوم فناوری و اقتصاد دیجیتال کشور به تشریح چالش‌های صنفی و زیرساختی خود پرداختند:

* ضرورت ثبات شبکه و لزوم رفع اختلالات: پویا پیرحسینلو با اشاره به خسارات سنگین فیلترینگ بر امنیت سایبری و بدنه اقتصاد دیجیتال خواستار رفع اختلالات اینترنت به جای مبارزه با فیلترشکن‌ها شد و تأکید کرد که صدای کسب‌وکارهای خرد در این بحران‌ها شنیده نمی‌شود.
* پایداری پلتفرم‌ها و لزوم مشارکت در تصمیم‌گیری: میرنیما قاضی، با یادآوری پایداری پلتفرم‌ها در شرایط بحرانی (مانند جنگ ۱۲ روزه و حملات سایبری)، خواستار حضور نمایندگان بخش خصوصی در ستادهای تصمیم‌ساز فضای مجازی شد.
* چالش‌های فین‌تک و بازار رمزدارایی‌ها: آشتیانی، با اشاره به جامعه ۱۲ میلیون نفری کاربران رمزارز در ایران، از فشارهای دوطرفه رسانه‌های خارجی و انسدادهای داخلی نظیر بسته شدن درگاه‌های پرداخت گلایه کرد. همچنین میری یکی دیگر از فعالان این حوزه، خواستار توقف مداخله‌گری بانک‌ها و نهادهای سنتی در بازار طلا و تمرکز دولت بر تنظیم‌گری پویا شد.
* سلامت دیجیتال و موانع تنظیم‌گری: خدادادی، بر لزوم استفاده از مشورت‌های بخش خصوصی در حوزه سلامت هوشمند تأکید کرد و خواستار مرزبندی مشخص میان تنظیم‌گری و مداخله‌گری شد.
* حل ناترازی سوخت از مسیر لجستیک هوشمند: صدوقی راهکار حل ناترازی و مصرف ۳۵ درصد سوخت اضافی ناوگان حمل‌ونقل کشور را انحصارزدایی و توسعه پلتفرم‌های هوشمند لجستیک جاده‌ای دانست.
* توسعه زیرساخت‌های بزرگ‌مقیاس: محمدی با تأکید بر تاب‌آوری بالای اقتصاد دیجیتال در ایران، تحقق پروژه‌های بزرگ ملی را نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان حاکمیتی روی زیرساخت‌های حیاتی، بویژه هوش مصنوعی خواند.

> اینترنت مانند یک شاهراه است؛ هیچ‌کس تردد در شاهراه را ممنوع نمی‌کند، بلکه تنها بار غیرمجاز را کنترل می‌کنند. نگاه مبتنی بر ترس، تحریم و مونتاژکاری باید جای خود را به بومی‌سازی و توسعه حداکثری بدهد و کلمه «منع» دیگر در ادبیات توسعه فناوری ایران جایی ندارد

پاسخ دولت و تأکید بر سهم ۱۰ درصدی اقتصاد دیجیتال از GDP

در پاسخ به مطالبات مطرح شده، سید ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با تقدیر از شکل‌گیری این ستاد توسط معاون اول رئیس‌جمهور، به اقدامات زودهنگام دولت اشاره کرد و گفت: «تصمیمات مهمی مانند بهبود دسترسی آحاد ملت به اینترنت و همچنین عدم اعمال محدودیت در جریان مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب، نمونه‌هایی از رویکرد جدید دولت برای انعکاس مناسب رویدادها به سراسر جهان بوده است.»

در پایان جلسه، عارف با جمع‌بندی مباحث مطرح شده، نقشه راه دولت را در سه محور اصلی تبیین کرد:

۱. دولت رقیب بخش خصوصی نیست: راهبرد دولت این است که تنها در حوزه‌های فاقد سودآوری برای بخش خصوصی وارد شود و نقش حاکمیت صرفاً حمایتی و تنظیم‌گری باشد.

۲. هم‌راستایی منافع دولت و بخش خصوصی: مرزهای فرضی میان دولت و بخش نوآوری باید برداشته شود؛ دولت و بخش خصوصی دو بخش جداگانه نیستند و باید در چارچوب امنیت ملی، شفافیت و توسعه گام بردارند.

۳. تحقق سهم ۱۰ درصدی از GDP: با رفع موانع حقوقی و اجرای کامل سیاست‌های اصل ۴۴، هدفگذاری دولت افزایش سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص ملی به بالای ۱۰ درصد است.

معاون اول رئیس‌جمهور در پایان خاطرنشان کرد که پیشنهادهای صریح این جلسه به دقت بررسی و مصوب خواهد شد تا مبنای اقدام و عمل در حوزه اقتصاد دیجیتال کشور قرار گیرد.

رئیس سازمان فضایی ایران در نشست خبری:

برنامه ۱۰ ساله فضایی کشور در مسیر تحقق است

گزارش

میترا جلیلی / رئیس سازمان فضایی ایران در یک نشست خبری، توسعه فناوری‌های صنعت فضایی را جزو اولویت‌های کشور حتی در شرایط جنگ دانست. حسن سالاریه، ماهواره‌ها را جزو ضروریات کشور دانست و یادآور شد: «ماهواره اعم از سنجشی و مخابراتی جزو لاینفک تصمیم‌گیری و مدیریت در تمام کشورها محسوب می‌شود.

هرقدر دسترسی به تصاویر در بازه‌های زمانی کوتاه‌تری انجام شود، تصاویر دقیق‌تری از سطح زمین داشته باشیم و بتوانیم ارتباطات را بر بستر فضایی برقرار کنیم، طبیعتاً ابزار مدیریتی بهتری هم برای انواع افزایش بهره‌وری‌ها و ارائه خدمات به کسب و کارهای مختلف خواهیم داشت.»

سالاریه با اشاره به اهمیت بالای توسعه ماهواره‌ها، تأکید کرد: «به‌رغم شرایط جنگی، مشکل ویژه‌ای برای این توسعه ایجاد نشده است.» رئیس سازمان فضایی ایران یادآور شد: «به هر حال در شرایط بحرانی و جنگ، ممکن است اجرای برخی پروژه‌ها با سختی‌هایی مواجه شود و ما هم منکر آن نیستیم ولی این حرف به این مفهوم نیست که یک پروژه متوقف شده یا کار پیش نرفته باشد.»

دانش فضایی ما بومی است

معاون وزیر ارتباطات دلیل این موضوع را نیز بومی بودن غالب دانش فضایی در کشور دانست و یادآور شد: «با توجه به این مزیت برتر، موفق شدیم درهمین شرایط جنگی، خود را با شرایط وفق دهیم و کار را جلو ببریم. ما با شرایط جنگی کنار آمده‌ایم و موضوعی نیست که بتواند به این صنعت آسیب بزند و مانع پیشرفت پروژه‌های ما شود.»

سالاریه با اشاره به اینکه صنعت فضایی با وجود تمام مشکلات، کاملاً به روز و سرحال است، گفت: «آسیب به چند ساختمان به این معنا نیست که صنعت فضایی متوقف شده است.»

او در ادامه توضیح داد: «علاوه بر بومی بودن دانش فضایی، موضوع مهم دیگر توزیع صنعت است. ما مجموعه‌های مختلفی در شرکت‌های خصوصی داریم که درحال فعالیت در صنعت فضایی و ساخت بسیاری از زیرسامانه‌ها هستند.» رئیس سازمان فضایی ادامه داد: «مقام عالی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات هم بر پیشرفت بدون توقف این صنعت تأکید دارد. ما در ایام بعد از آتش‌بس با معاون اول رئیس‌جمهور هم دیداری داشتیم؛ رویکرد دولت کاملاً مثبت است و تأکید دارد که صنعت فضایی با قدرت و قوت پیش برود.»

سالاریه البته یادآور شد: «در طول جنگ، آسیب‌هایی هم در بخش‌ها و مکان‌های مختلف به صنعت فضایی وارد شده است که آنها هم متناسب با شرایط، به‌تدریج جبران و جایگزین می‌شوند.»

پیشرفت در ساخت ماهواره های مخابراتی

معاون وزیر ارتباطات در این نشست همچنین با تشریح مهم‌ترین برنامه‌ها و پروژه‌های فضایی کشور، از پیشرفت در ساخت ماهواره‌های مخابراتی ناهید ۲ و ۳ و همچنین پیگیری منظومه شهید سلیمانی در سال ۱۴۰۵ خبر داد.

سالاریه با اشاره به اینکه در حوزه زیرساختی، از سال‌های گذشته و در چارچوب برنامه ۱۰ ساله فضایی، پروژه‌های متعددی در کشور تعریف شده، یادآور شد: «این پروژه‌ها هم در زمینه مراکز کنترل ماهواره، هم در حوزه پایگاه پرتاب و هم در بخش طراحی و ساخت آزمایشگاه‌ها و مراکز تکمیلی و تست ماهواره دنبال شده‌اند.»

معاون وزیر ارتباطات با تأکید بر اینکه در سال ۱۴۰۴ پیشرفت بسیار خوبی در این بخش‌ها حاصل شد و برخی از این مراکز ازجمله مرکز سلماس نیز به بهره‌برداری رسید، گفت: «در سال جاری نیز این روند با وجود شرایط جنگی، با جدیت ادامه دارد و پروژه‌های مربوط به آزمایشگاه‌ها، پایگاه پرتاب در منطقه چابهار و دیگر مراکز زیرساختی در حال پیگیری است.»

سالاریه با بیان اینکه مراکز کنترل ماهواره در نقاط مختلف کشور توزیع شده‌اند، گفت: «امسال بنا داریم این مراکز در قالب یک شبکه منسجم فعالیت کنند تا هم ارتباط با ماهواره‌ها برقرار شود و هم دریافت داده‌ها و تصاویر ماهواره‌ای باکیفیت و سرعت بیشتری انجام شود.»

نخستین ماهواره راداری ایران رونمایی می‌شود

معاون وزیر ارتباطات با اشاره به پروژه ماهواره‌های راداری گفت: «نخستین ماهواره راداری کشور با عنوان «رادار ۱» از پروژه‌های مهم فضایی کشور است که بزودی از نمونه آن رونمایی خواهد شد.»

وی افزود: «بنا بود این رونمایی در اواخر سال ۱۴۰۴ یا اوایل سال ۱۴۰۵ انجام شود، اما به دلیل برخی ملاحظات فنی که در این گونه پروژه‌ها طبیعی و عادی است، با اندکی تأخیر مواجه شد.» سالاریه یادآور شد: «رونمایی از اولین ماهواره راداری ساخت داخل و ساخت ایران، یکی از اتفاقات بسیار مهم و مبارک برای کشور خواهد بود و امیدواریم این رویداد به‌زودی محقق شود.»

رئیس سازمان فضایی ایران، ماهواره «راد ۲» را نیز دومین ماهواره راداری کشور دانست که از نظر کلاس دقت، نسبت به رادار ۱ در سطح بالاتری قرار می‌گیرد؛ این ماهواره نیز توسط پژوهشگاه فضایی ایران و با راهبری وزارت ارتباطات ساخته می‌شود.

معاون وزیر ارتباطات درباره ماهواره‌های سنجشی گفت: «سال گذشته یکی از اتفاقات بسیار مهم، پرتاب همزمان سه ماهواره ظفر ۲، پایا و کوثر بود که در دی‌ماه انجام شد. این رویداد از این جهت ارزشمند بود که سه مجموعه متفاوت شامل یک مجموعه دانشگاهی، یک شرکت خصوصی و یک مجموعه دولتی در آن نقش‌آفرینی کردند.» سالاریه افزود: «از میان این سه ماهواره، یکی از رویدادهای مهم، رونمایی از اولین تصاویر ماهواره پایا بود که در دهه فجر و در ۱۴ بهمن‌ماه انجام شد و خبرنگاران و حاضران در آن جلسه در جریان جزئیات آن قرار گرفتند. روند توسعه ماهواره‌های سنجشی در سال ۱۴۰۵ نیز ادامه خواهد داشت و در این بخش چند پروژه مهم در دستور کار قرار دارد.»

پذیرش تنوع و تکثر جامعه زیر سایه همبستگی ملی

یادداشت

محمدعلی وکیلی
نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی

حضور گسترده مردم در آیین‌های تشییع، افزون بر نمایش همبستگی اجتماعی، پیام‌هایی در عرصه داخلی و خارجی داشت. پیام‌هایی که حفظ دستاوردهای آن را به تغییر در شیوه حکمرانی، افزایش کارآمدی و به رسمیت شناختن تکثر اجتماعی گره می‌زند.

مراسم تشییع رهبر شهیدمان که در شهرهای تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد برگزار شد، صرفاً یک آیین سوگواری نبود، بلکه به صحنه‌ای برای نمایش ابعاد مختلف قدرت اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی و گستره نفوذ فرهنگی و مذهبی آن در جهان تشیع تبدیل شد. حضور گسترده مردم در این مراسم نشان داد که جایگاه رهبر شهید، تنها به مرزهای ایران محدود نیست و بازتاب آن در میان شیعیان منطقه نیز قابل مشاهده است. این حضور، در عرصه بین‌المللی نیز حامل پیامی روشن بود. پیامی که نشان می‌داد بخشی از تحلیل‌های ارائه‌شده درباره جامعه ایران، میزان انسجام اجتماعی و قدرت تشیع با واقعیت فاصله دارد. از همین منظر، گفته می‌شود که حتی در میان تصمیم‌گیران آمریکایی نیز نسبت به دقت اطلاعات و تحلیل‌های ارائه‌شده درباره ایران تردیدهایی به وجود آمده و نارضایتی‌هایی از کیفیت این ارزیابی‌ها مطرح شده است. از سوی دیگر، این تشییع را می‌توان نماد ناکامی اهداف و آرزوهای رقبای جمهوری اسلامی نیز دانست. بر اساس این نگاه، طراحان فشارها و جنگ اخیر در پی آن بودند که ابتدا زمینه براندازی نظام را فراهم کنند، سپس ایران را به سمت تجزیه سوق دهند و اگر این اهداف محقق نشد، با تکیه بر شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، چنددستگی داخلی را تعمیق بخشند و توان ملی را کاهش دهند. اما آنچه در میدان دیده شد، تصویری متفاوت از این محاسبات بود. حضور گسترده مردم، صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی و اجتماعی، نشان داد که بسیاری از این برآوردها با واقعیت جامعه ایران همخوانی نداشته است. از این منظر، اگرچه این مراسم، تشییع پیکر رهبر شهید بود اما در معنایی نمادین می‌توان آن را نابودی آرزوهایی دانست که برای فروپاشی انسجام ملی ایران طراحی شده بود.

با این حال، شاید مهم‌ترین پیام این حضور گسترده، در عرصه داخلی قابل مشاهده باشد. میلیون‌ها نفری که در مراسم تشییع شرکت کردند، یکدست و هم‌شکل نبودند. این جمعیت، نماینده طیف‌های متنوعی از جامعه ایران با سبک‌های مختلف زندگی، نگرش‌ها و سلیقه‌های فرهنگی بودند. همین واقعیت نشان می‌دهد که اگر قرار است سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته در این مقطع حفظ شود، اولین گام، به رسمیت شناختن همین تکثر اجتماعی است.

اداره ایران امروز، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند پذیرش تنوع جامعه و فاصله گرفتن از نگاه‌های تک‌بعدی است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که در بسیاری از مقاطع تاریخی، پس از شکل‌گیری همبستگی ملی، به‌تدریج جامعه و مسئولان به الگوهای پیشین بازگشته‌اند. الگوهایی که در آن حذف رقیب، رویکردهای تک‌بعدی و نادیده گرفتن تفاوت‌ها دوباره به رویه غالب تبدیل شده است. اگر چنین روندی تکرار شود، سرمایه اجتماعی به‌دست‌آمده نیز به‌سرعت از میان خواهد رفت. مشاهدات میدانی از مراسم تشییع نیز همین واقعیت را تأیید می‌کند. در میان عزاداران، جوانانی حضور داشتند که ظاهر و سبک زندگی آنان شاید در نگاه اول با چنین مراسمی همخوان تلقی نمی‌شد، اما با همان شور و احساس، در سوگواری مشارکت می‌کردند. این تصویر نشان می‌دهد که انسجام ملی الزاماً به معنای یکسان بودن ظواهر، سبک زندگی یا دیدگاه‌های فرهنگی نیست. آنچه مردم را در کنار یکدیگر قرار داده، احساس تعلق به ایران، عزت ملی و همدلی در بزنگاه‌های تاریخی است؛ سرمایه‌ای که نباید با نگاه‌های محدودکننده و طردکننده تضعیف شود.

اگر از این وضعیت با عنوان «ملت مبعوث‌شده» یاد شود، معنای آن این است که اقشار مختلف جامعه، با همه تفاوت‌هایشان، در پرتو هزینه‌هایی که کشور در جنگ پرداخت کرد، بار دیگر به یک احساس مشترک جمعی و عمیق دست یافته‌اند. از کودکان بی‌گناه بندرعباس گرفته تا فرماندهان و رهبر شهید، خون‌هایی که بر زمین ریخته شد، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی همبستگی دوباره شد. نتیجه این روند، احیای غرور ملی و تقویت احساس تعلق به سرزمین است؛ احساسی که امروز در احترام به پرچم، توجه به هویت ملی و افتخار به ایران، بیش از گذشته قابل مشاهده است.

با این همه، شکل‌گیری این سرمایه ملی تنها آغاز راه است و اهمیت اصلی در حفظ آن نهفته است. استمرار این همبستگی، بیش از هر چیز، به حکمرانی خردمندانه نیاز دارد. سعه‌صدر در اداره کشور، تغییر در سبک حکمرانی، تقویت روحیه جوانمردی در رفتار مسئولان و احترام عملی به مردم، از مهم‌ترین الزامات حفظ این سرمایه اجتماعی است. مردمی که در روزهای سخت به میدان آمدند، انتظار دارند حضور و همراهی آنان دیده شود و مورد قدردانی قرار گیرد. این قدردانی صرفاً در قالب سخنرانی و شعار معنا پیدا نمی‌کند، بلکه باید در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و نحوه اداره کشور نمود عینی داشته باشد. در نهایت، مهم‌ترین راه صیانت از این انسجام ملی، افزایش کارآمدی نظام حکمرانی است. اگر این همبستگی قرار است پایدار بماند، باید آثار آن در بهبود معیشت مردم، حمایت از تولید، ارتقای کیفیت زندگی، افزایش عزت شهروندان، اصلاح شیوه‌های مدیریت، بهینه‌سازی ساختارهای اجرایی و پاسخگویی بیشتر مسئولان به جامعه دیده شود. سرمایه اجتماعی با شعار حفظ نمی‌شود بلکه زمانی ماندگار خواهد بود که مردم آثار آن را در زندگی روزمره خود احساس کنند. تنها در چنین شرایطی است که همبستگی شکل‌گرفته در این مقطع تاریخی می‌تواند به پشتوانه‌ای پایدار برای آینده کشور تبدیل شود.

آگهی مناقصه تأمین خودرو به‌همراه راننده، مورد نیاز سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران

جهاد کشاورزی — وزارت جهاد کشاورزی

سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران در نظر دارد تأمین خودروی مورد نیاز سازمان در حوزه ستادی با حداقل ۲۴ دستگاه خودروی سواری به‌همراه راننده را به مدت یک سال از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌هایی که مجوز لازم از مراجع ذی ربط را داشته باشند و مشمول شرایط اختصاصی باشند، واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت می‌شود حداکثر ظرف مدت ۷ روز از تاریخ درج آگهی در روزنامه با مراجعه به سیستم سامانه الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir و یا سایت سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران www.corc.ir با توجه به آگهی مناقصه در سیستم به‌شماره ۲۰۰۵۰۰۱۱۵۱۰۰۰۰۰۲ نسبت به برداشت اسناد مناقصه و تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ نسبت به ارائه پیشنهادات اقدام نمایند.

روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران

نوبت دوم

CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره م ن ۴۰۵/۰۳

پتروشیمی بندر امام

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: بازسازی ساختمان‌های پشتیبانی، اداری و کارگاههای تعمیرات مجتمع آب نیرو شرکت پتروشیمی بندرامام

۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: ۶/شش ماه شمسی

۳- مبلغ برآورد اولیه مناقصه ۱،۱۹۸،۲۹۵،۸۲۸،۳۶۰ ریال می‌باشد.

۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۴۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

۵- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:

۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۵-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۶- مهلت توزیع اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.

۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۷-۱) آگهی تأسیس(درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)

۷-۲) گواهی نامه صلاحیت پیمانکاری

۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس فوق‌الذکر -امور مراجعین حراست تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ در مجتمع پتروشیمی بندر امام

۱۰-امکان حضور مناقصه‌گران به‌صورت مشارکتی در مناقصه حاضر میسر نمی‌باشد و به درخواست‌های مشارکتی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۱- مناقصه‌گرانی که در زمان برگزاری فرآیند مناقصه حاضر، سه قرارداد در دست اجرا به ظرفیت شرکت پتروشیمی بندر امام داشته باشند، مجاز به شرکت در این مناقصه نخواهند بود.

تذکر۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحسابهای ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفتر خانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.

تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.

تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضا مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

تذکر۵: شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌بایست حداقل دارای پایه چهار در رسته ابنیه (معتبر) ثبت شده و قابل استعلام از سامانه اطلاعات عوامل و نظام فنی و اجرایی کشور به آدرس اینترنتی http://sajar.mporg.ir باشند. بدیهی است سایر مدارک متفرقه و قدیمی مبنی بر رتبه بندی شرکت از نظر مناقصه‌گزار نامعتبر بوده و شرکت‌کنندگان در مناقصه از لیست ارزیابی حذف خواهند شد.

شرکت‌کنندگان در مناقصه ملزم به رعایت بخش‌نامه شماره ۶۹۴۳۲ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۰ سازمان برنامه و بودجه درخصوص ظرفیت کارهای مجاز پیمانکاران می‌باشند. بدیهی است درصورت عدم رعایت سقف کارهای مجاز مطابق بخش‌نامه مذکور کلیه تبعات مالی و حقوقی آن متوجه مناقصه‌گر می‌باشد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

تهران پس از آغاز محاصره دریایی از سوی آمریکا اعلام کرد دیگر تعهدی برای اجرای تفاهم احساس نمی کند

ضربه نهایی واشنگتن به تفاهم اسلام‌آباد

گزارش

گروه دیپلماسی

در حالی که روند تحولات میدانی و سیاسی در روابط تهران و واشنگتن با سرعتی بی‌سابقه در حال عبور از مرز تنش‌های متعارف است، برداشت مقام‌های کشور از اقدامات اخیر ایالات متحده مبتنی بر این واقعیت است که نمی‌توان رفتار ایالات متحده را صرفاً نقض تعهدات تفاهم مشترک توصیف کرد؛ چه آمریکا با زیر پا گذاشتن مهم‌ترین مفاد تفاهمش با ایران در عمل آن را از حیز انتفاع خارج کرده و مسیر تقابل مستقیم را برگزیده است. در چنین فضایی حملات نظامی آمریکا از اواخر هفته گذشته به بهانه هدف قرار گرفتن یک نفتکش در تنگه هرمز که با حمله به اهداف نظامی در جنوب ایران و سپس صدور فرمان بازگشت محاصره دریایی همراه شد، بخشی از راهبرد شکست خورده گذشته را تشکیل می دهد.

در مقابل، تهران نیز با اعلام آمادگی برای تحمیل هزینه‌ای بی‌سابقه به هرگونه اقدام تجاوزکارانه آمریکا، بر این نکته تأکید کرده است که هرگونه ماجراجویی بزرگ نظامی با پاسخی متناسب و فراتر از محاسبات واشنگتن همراه خواهد شد.

سرنوشت عملی تفاهمنامه

به این ترتیب با افزایش دوباره تنش‌ها، اختلاف بر سر سرنوشت یادداشت تفاهم اسلام‌آباد وارد مرحله تازه‌ای شده است. مقام‌های کشورمان معتقدند اقدامات اخیر آمریکا دیگربه معنای نقض برخی تعهدات این تفاهم نیست که اساس حقوقی و اجرایی آن را به طور کامل از میان برده است. به همین دلیل، دو مقام ارشد کشورمان یکی در تهران و دیگری در سازمان ملل از پایان عملی این تفاهم گفته و مسئولیت آن را متوجه واشنگتن دانسته‌اند.

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و امور بین‌الملل وزارت خارجه سه‌شنبه شب در یک برنامه تلویزیونی با اشاره به ازسرگیری عملیات نظامی آمریکا علیه ایران، این اقدام را مهم‌ترین دلیل فروپاشی تفاهم اسلام‌آباد توصیف کرد. به گفته او حتی اگر آمریکا سایر تعهدات خود را نیز اجرا می‌کرد، صرف آغاز دوباره حملات نظامی برای آنکه کل چارچوب توافق از بین برود، کافی بود؛ زیرا مهم‌ترین پایه این تفاهم خودداری از اقدام نظامی و ایجاد فضای لازم برای پیشبرد تعهدات متقابل بود. غریب‌آبادی در ادامه تأکید کرد که اکنون دیگر بحث بر سر اجرای بندهای مختلف تفاهم موضوعیت ندارد؛ زیرا از نگاه ایران، واشنگتن تمامی تعهدات خود را کنار گذاشته و همزمان اقدامات نظامی و تجاوزکارانه را از سر گرفته است. او افزود که «در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران هیچ تعهدی را احساس نمی‌کند؛ زیرا اساساً دیگر تفاهمی وجود ندارد که بتوان درباره اجرای تعهدات آن سخن گفت.»

واشنگتن به عنوان متجاوز نه قربانی

همزمان با این موضع‌گیری، پرونده تجاوز نظامی آمریکا بار دیگر به شورای امنیت سازمان ملل کشیده شد. امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در نامه‌ای رسمی به شورای امنیت، آمریکا را به کارشکنی هدفمند در اجرای تفاهم اسلام‌آباد متهم کرد. این نامه پس از حمله نظامی آمریکا به یک کارخانه تولید آب معدنی در استان ایلام ارسال شد که در آن تصریح شد که واشنگتن به عنوان «متجاوز، نه قربانی» مطرح است. ایروانی همچنین نماینده آمریکا در شورای امنیت را متهم کرد که از تریبون این شورا برای طرح ادعاهای سیاسی و انتشار اطلاعات گمراه کننده استفاده می‌کند. او در بخش دیگری از نامه خود اعلام کرد ایران تاکنون ۴۲ مورد نقض آشکار و اساسی یادداشت تفاهم از سوی آمریکا را ثبت و مستند کرده است. به گفته وی، این مستندات نشان می‌دهد ادعای پایبندی واشنگتن به تعهدات خود فاقد پشتوانه و اعتبار است. پیشتر نیز اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه با تصریح اینکه اجرای تفاهمنامه وارد بحران شده است، تأکید کرد که ایران بر اصل «تعهد در برابر تعهد» پایبند است و تا زمانی که طرف مقابل به تعهدات خود عمل کند، به تعهداتش پایبند خواهد ماند اما در برابر ادامه نقض تعهدات از سوی آمریکا، اجرای تعهدات خود را نیز متوقف خواهد کرد. مجموع این مواضع نشان می‌دهد با از میان رفتن پایه‌های اصلی تفاهم اسلام‌آباد این چارچوب در عمل کارکرد خود را از دست داده و مسئولیت این وضعیت نیز مستقیماً متوجه ایالات متحده است.

> امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در نامه‌ای رسمی به شورای امنیت، آمریکا را به کارشکنی هدفمند در اجرای تفاهم اسلام‌آباد متهم کرد. این نامه پس از حمله نظامی آمریکا به یک کارخانه تولید آب معدنی در استان ایلام ارسال شد که در آن تصریح شد که واشنگتن به عنوان «متجاوز، نه قربانی» مطرح است

رویای واشنگتن؛ تغییر موازنه پس از جنگ

یادداشت

فردین قریشی
استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

آمریکا از دور تازه فشار و تجاوز نظامی علیه ایران چه می‌خواهد؟ آیا واشنگتن در پی کشاندن بحران به یک جنگ همه‌جانبه است یا می‌کوشد با فشار محدود، دست بالا را در مذاکرات آتی به دست آورد؟ و اگر اسرائیل نیز وارد صحنه شود، آیا می‌تواند الگوی جنگ ۴۰ روزه را تکرار کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها برای فهم مسیر بحران کنونی و آینده امنیت خلیج فارس، اهمیت اساسی دارد.

به نظر می‌رسد هدف اصلی آمریکا در این مقطع، نه صرفاً آغاز یک درگیری تازه، بلکه برهم‌زدن موازنه‌ای است که در فرآیند جنگ ۴۰ روزه شکل گرفت. ایران در آن دوره توانست با تکیه بر قدرت آفندی، پشتیبانی اجتماعی و موقعیت ژئوپلتیک خود و بویژه اهرم تنگه هرمز، هزینه ادامه جنگ را برای آمریکا و متحدانش بالا ببرد و در نتیجه، نوعی موازنه بازدارنده جدید را بر بحران تحمیل کند. همین موازنه بود که واشنگتن را ناچار کرد از برخی اهداف اولیه خود عقب بنشیند و به سمت تفاهم اسلام‌آباد حرکت کند. از این منظر، حملات و تهدیدهای اخیر را باید تلاشی برای آزمودن میزان پایداری این موازنه دانست؛ تلاشی برای سنجش اینکه آیا ایران همچنان قادر است از اهرم‌های راهبردی خود برای تحمیل هزینه به طرف مقابل استفاده کند یا نه.

در کنار این هدف راهبردی، بُعد حیثیتی ماجرا نیز نباید نادیده گرفته شود. آمریکا و شخص ترامپ از آغاز این دور از تنش‌ها با موجی از انتقادهای داخلی و خارجی روبه‌رو شده‌اند. از همین رو، نمایش قدرت برای او فقط یک ابزار فشار بر حریف نیست، بلکه وسیله‌ای برای ترمیم اعتبار آسیب‌دیده خود نیز هست. ترامپ می‌کوشد این تصور را القا کند که آمریکا هنوز ابتکار عمل را در دست دارد و می‌تواند نتیجه میدان را به سود خود رقم بزند. تهدید، حمله محدود و عملیات روانی در چنین چارچوبی، بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر برای بازسازی اقتدار و بازگشت به موضع دست بالا به شمار می‌روند.

با این حال، نشانه‌ها حاکی از آن است که آمریکا به‌دنبال جنگی همه جانبه نیست. تجربه‌های پرهزینه عراق و افغانستان هنوز در حافظه راهبردی واشنگتن زنده است و تصمیم‌گیران آمریکایی به‌خوبی می‌دانند که ورود به جنگی گسترده با ایران، هزینه‌ای سنگین و دستاوردی نامطمئن خواهد داشت. افزون بر این، آمریکا درگیر رقابت جهانی با چین است و نمی‌خواهد در خاورمیانه به باتلاقی تازه فرو رود. از همین رو، آنچه فعلاً دیده می‌شود، بیشتر شبیه فشار هرچه زیادتر و آزمون خطوط قرمز ایران است تا تصمیمی قطعی برای جنگ فراگیر. با این همه، باید توجه داشت که همین سیاست فشار اگر از کنترل خارج شود، می‌تواند به‌سرعت بحران را به سطحی وسیع‌تر سوق دهد.

در مورد اسرائیل نیز باید واقع‌بین بود. این رژیم بدون هماهنگی و رضایت آمریکا، ظرفیت و اراده ورود به یک جنگ بلندمدت را ندارد. البته احتمال عملیات محدود و ترورهای هدفمند همچنان وجود دارد، اما چنین اقداماتی بیشتر در چارچوب فشار روانی و کسب دستاورد تبلیغاتی معنا پیدا می‌کند تا آغاز یک جنگ فرسایشی. در این زمینه اگر ایران بتواند بازدارندگی خود را حفظ کند و به‌گونه‌ای عمل کند که هر حمله‌ای با هزینه متقابل همراه باشد، دامنه این‌گونه اقدامات نیز کاهش خواهد یافت. در نتیجه، حتی در صورت ورود اسرائیل به صحنه، محتمل‌تر آن است که با حملات کوتاه‌مدت و حساب‌شده روبه‌رو شویم، نه با تکرار الگوی جنگ ۴۰ روزه.

با توجه به مراتب فوق‌الذکر، چشم‌انداز کلی تنش‌ها را باید ناپایدار، اما قابل مدیریت دانست. در کوتاه‌مدت، ادامه تهدیدها، عملیات نمایشی و فشار سیاسی محتمل است؛ اما در میان‌مدت، اگر واشنگتن دریابد که این اقدامات نه عزم و توانایی ایران را در هم شکسته و نه کنترل تنگه هرمز را از دست تهران خارج کرده، ناچار به عقب‌نشینی نسبی خواهد شد. در آن صورت، ترامپ احتمالاً با چند موضع‌گیری رسانه‌ای و حفظ ظاهر، دوباره به مسیر گفت‌وگو بازمی‌گردد. آینده بحران را از این رو باید نه در مسیر جنگ همه‌جانبه، بلکه در رفت‌وبرگشت میان فشار، آزمون، عقب‌نشینی تاکتیکی و بازگشت تدریجی به مذاکره دید. در مجموع آمریکا امروز بیش از هر چیز در حال آزمایش ظرفیت ایران برای حفظ موازنه جدید است؛ موازنه‌ای که بیشتر بر پایه تنگه هرمز شکل گرفته و همچنان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های بازدارنده تهران به شمار می‌رود. اگر این موازنه حفظ شود، واشنگتن ناگزیر از پذیرش واقعیت‌های تازه خواهد شد؛ واقعیت‌هایی که نشان می‌دهد امنیت خلیج فارس را نمی‌توان بدون درنظرگرفتن نقش ایران و اهرم‌های آن تعریف کرد. از همین رو، مسأله اصلی دیگر فقط این نیست که آمریکا چه می‌خواهد، بلکه این است که تا چه اندازه حاضر است هزینه تغییر موازنه‌ای را بپردازد که ایران با تکیه بر موقعیت خود ایجاد کرده است.

با مدیریت مصرف، برق پایدار را برای همه حفظ کنیم

مشترکین گرامی
شرکت توزیع برق شهرستان اصفهان

روزهای پیش رو با افزایش محسوس دمای هوا همراه خواهد بود و به‌تبع آن، استفاده گسترده از وسایل سرمایشی، مصرف برق را به بالاترین میزان خود در فصل تابستان می‌رساند. در این شرایط، پایداری شبکه برق بیش از هر زمان دیگری به‌همراهی و مشارکت مسؤولانه همه مشترکان وابسته است.
صنعت برق اصفهان با تلاش شبانه‌روزی کارکنان، کارشناسان و نیروهای عملیاتی، تمام ظرفیت خود را برای تأمین برق مطمئن و پایدار به کار گرفته است. اما عبور موفق از روزهای گرم تابستان بدون همکاری مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که کاهش حتی مقدار اندکی از مصرف برق در هر خانه، واحد تجاری یا اداری، در مجموع تأثیر چشمگیری در کاهش بار شبکه و جلوگیری از بروز محدودیت‌های احتمالی دارد.
مدیریت مصرف به معنای صرفه‌جویی همراه با محرومیت نیست؛ بلکه استفاده هوشمندانه از انرژی، انتخاب زمان مناسب برای استفاده از وسایل برقی و پرهیز از مصارف غیرضروری است. با رعایت چند نکته ساده می‌توان ضمن حفظ آسایش خانواده، به تأمین برق پایدار برای همه شهروندان، مراکز درمانی، صنایع، واحدهای تولیدی و خدمات عمومی کمک کرد.
از همه مشترکان عزیز درخواست می‌شود در روزهای گرم پیش رو با رعایت نکات زیر، صنعت برق را در ارائه خدمات پایدار یاری کنند:

- دمای کولر گازی را روی ۲۵ درجه تنظیم کنید.
- از دور کند کولر آبی استفاده کنید.
- وسایل پرمصرف را در ساعات اوج روشن نکنید.
- چراغ‌های اضافی را خاموش کنید.
- وسایل بلااستفاده را از برق جدا کنید.
- درها و پنجره‌ها را هنگام استفاده از کولر بسته نگه دارید.
- از نور طبیعی روز استفاده کنید.
- از روشن گذاشتن هم‌زمان چند وسیله پرمصرف خودداری کنید.
- در واحدهای تجاری و اداری، روشنایی و سامانه‌های سرمایشی را به میزان مورد نیاز تنظیم کنید.

بی‌شک، همراهی و احساس مسؤولیت اجتماعی هریک از شهروندان، نقش مهمی در حفظ پایداری شبکه برق و استمرار خدمت‌رسانی به همه مشترکان خواهد داشت. با مشارکت همگانی و مدیریت صحیح مصرف، می‌توانیم روزهای گرم تابستان را با کمترین فشار بر شبکه و بیشترین اطمینان از تأمین برق پایدار پشت سر بگذاریم.

روابط عمومی شرکت توزیع برق شهرستان اصفهان

طرح ملی سیما وزارت نیرو

بهترین نیروگاه، مدیریت هوشمند مصرف توسط شهروندان است.

برق پایدار، حاصل همکاری همه ماست

آگهی مناقصه عمومی

شرکت تولید رینگ سایپا در نظر دارد موارد مورد نیاز ذیل را از طریق مناقصه عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. متقاضیان جهت اطلاع بیشتر به آدرس وب‌سایت شرکت به نشانی www.kswco.com مراجعه فرمایید.
۱- تأمین وخرید ۱۱۶۰ دست تی شرت و تعداد ۶۶۰ دست شلوار کارگری جهت سایت تهران وخرمشهر.
۲- تأمین وخرید ۶۷۰ جفت کفش ایمنی جهت سایت تهران وخرمشهر

آگهی تجدید مناقصه ۰۵/۱۱۵۴ق

- شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر در نظر دارد مجدداً از طریق مناقصه عمومی نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط " خرید یک ست پوسته کمپرسور اسکرو ساخت داخل مربوط به گاز سیل واحدهای احیاء" در محل کارخانه سیرجان اقدام نماید.
- متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سایت اینترنتی شرکت به آدرس WWW.GISDCO.COM، بخش مزایده ها و مناقصه‌ها مراجعه نمایند.
- نشانی محل تحویل مدارک:
۱- دفتر کارخانه به آدرس، کرمان، سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده شیراز، کیلومتر ۵ جاده اختصاصی، شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر، دبیرخانه کمیسیون معاملات - تلفن ۳۱۲۹۴۰۷۶ - ۰۳۴.
۲- دفتر تهران به آدرس، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم غربی، پلاک ۲۲، کد پستی ۱۵۱۶۶۴۶۱۱۱- تلفن: ۴-۸۸۱۹۷۶۷۰۲۱ نمابر: ۰۲۱-۸۸۱۹۹۴۰۳.
-مناقصه حاضر به صورت یک مرحله ای بوده، لذا مناقصه گران می بایست پاکت "الف"، "ب" و "ج" را شامل ضمانت نامه، پیشنهاد فنی و مالی در زمان ومحل مقرر تحویل نمایند.
- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۰۳۴۳۱۲۹۴۰۷۶ و یا شماره تلفن ۰۹۱۳۱۷۸۷۰۴۷ بنام آقای حیدری نسب در روزهای شنبه الی چهارشنبه در ساعات اداری تماس حاصل فرمایید.
-بازدید از سایت محل پروژه الزامی نمی باشد اما در صورت تمایل به بازدید جهت هماهنگی با آقای حیدری نسب با شماره فوق تماس حاصل فرمایید.
همچنین پاسخ سوالات فنی مناقصه گران که از طریق فرم TCL موجود در اسناد فنی منضم به آدرس ایمیل a.heidari@gisdco.ir ارسال شده، در سایت بارگذاری خواهد شد.
- آخرین مهلت ارسال مدارک: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر
GOLGOHAR IRON & STEEL DEVELOPMENT CO.
دبیرخانه کمیسیون معاملات

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
تسطیح و اجرای پیوینگ فضای جنوبی ایستگاه گاز
به‌شماره مناقصه HPC-1405-0058
نوبت اول

شرکت پتروشیمی هنگام در نظر دارد تسطیح و اجرای پیوینگ فضای جنوبی ایستگاه گاز را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. فلذا از شرکت‌هایی که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه را داشته و دارای سوابق و تجربیات مؤثر و مرتبط می‌باشند دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی به تارنمای(وب‌سایت) پتروشیمی هنگام به آدرس WWW.hengampc.com مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
موعد زمانی مناقصه: تاریخ درج آگهی: روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ و روز شنبه ۱۴۰۵/۰۴/۲۷
آخرین مهلت تحویل اسناد ارزیابی کیفی: ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷
متقاضیان در صورت دریافت اسناد ارزیابی از طریق تارنمای فوق، لازم است کلیه اسناد از طریق پیام رسان داخلی بله به‌شماره ۰۹۰۴۴۶۴۶۶۵۹ ارسال گردد و نیازی به ارسال مدارک به‌صورت فیزیکی نیست. به اسناد و مدارک واصله بعد از مهلت مقرر، ترتیب اثر داده نخواهد نشد. تاریخ ارسال پیشنهادات (پاکات الف، ب و ج) پس از مرحله ارزیابی کیفی، به شرکت‌هایی که حائز حداقل امتیاز کیفی لازم می‌باشند، اطلاع‌رسانی خواهد شد.
آدرس مناقصه‌گزار: عسلویه، منطقه ویژه پارس جنوبی، فاز ۲ پتروشیمی‌ها، بعد از پتروشیمی مروارید، شرکت پتروشیمی هنگام کدپستی: ۷۵۱۱۸۱۱۳۶۰، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۲۸۰۴
تلفن تماس شرکت: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰ داخلی (۱۵۱۵-۲۶۰۶)
* درصورت قطع دسترسی به وب‌سایت، جهت دریافت اسناد مناقصه به پیام رسان بله ما پیام دهید.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است. ضمنا هزینه آگهی در دو نوبت اول و دوم در تاریخ‌های ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ و ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ جراید بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

اطلاعیه تمدید آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
خرید انواع گسکت GASKETS
به‌شماره مناقصه HPC-1404-0051 / به شماره تقاضای 0438501

اسناد مناقصه ارزیابی کیفی در تارنمای شرکت پتروشیمی هنگام به آدرس WWW.hengamp.com در دسترس و قابل دریافت می‌باشد و مهلت تحویل ارزیابی کیفی تا ساعت ۱۴ بعد از ظهر روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ تمدید می‌گردد متقاضیان در صورت دریافت اسناد ارزیابی از طریق تارنمای فوق لازم است کلیه اسناد به صورت ایمیل از طریق پیام رسان بله به‌شماره ۰۹۰۴۴۶۴۶۶۵۹ ارسال گردد و نیازی به ارسال مدارک به صورت فیزیکی نیست. به اسناد و مدارک واصله بعد از مهلت مقرر، ترتیب اثر داده نخواهد نشد.
آدرس مناقصه‌گزار:
عسلویه، منطقه ویژه پارس جنوبی، فاز ۲ پتروشیمی ها، بعد از پتروشیمی مروارید، شرکت پتروشیمی هنگام
کدپستی: ۷۵۱۱۸۱۱۳۶۰، تلفن: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۲۸۰۴
تلفن تماس شرکت: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰ داخلی (۱۵۱۵-۲۶۰۶)
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است.

برق چگونه به گلوگاه ژئواکونومیک هوش مصنوعی بدل شد؟

از نبرد تراشه‌ها تا نبرد نیروگاه‌ها

یادداشت

فرشید فرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

تصمیم تاریخی اخیر کمیسیون تنظیم مقررات انرژی فدرال آمریکا نشان می‌دهد که رقابت جهانی بر سر هوش مصنوعی دیگر فقط بر سر تراشه‌های پیشرفته نیست؛ بلکه به نبردی بر سر برق، شبکه‌های انتقال، حقوق انرژی، امنیت ملی و ژئواکونومی زیرساخت‌های دیجیتال تبدیل شده است.

رقابت جهانی بر سر هوش مصنوعی دیگر در کارخانه‌های تولید تراشه تعیین نمی‌شود؛ بلکه در نیروگاه‌ها، شبکه‌های انتقال برق و اتاق‌های تصمیم‌گیری نهادهای تنظیم‌گر انرژی رقم می‌خورد. این شاید مهم‌ترین تغییری باشد که امروز در اقتصاد و سیاست بین‌الملل در حال وقوع است؛ تغییری که هنوز به اندازه انقلاب تراشه‌ها مورد توجه قرار نگرفته؛ اما می‌تواند مسیر رقابت میان قدرت‌های بزرگ را برای دهه‌های آینده بازتعریف کند. تا همین چند سال پیش، هرگاه سخن از رقابت جهانی در حوزه هوش مصنوعی به میان می‌آمد، نگاه‌ها به سمت نیمه‌هادی‌های پیشرفته، کارخانه‌های تولید تراشه، پردازنده‌های گرافیکی، مدل‌های زبانی بزرگ و سرمایه‌گذاری‌های میلیارددلاری غول‌های فناوری معطوف می‌شد. کمبود تراشه، محدودیت اصلی توسعه هوش مصنوعی تلقی می‌شد و دولت‌ها میلیاردها دلار برای بومی‌سازی صنعت نیمه‌هادی هزینه می‌کردند.

اما امروز، معادله قدرت به‌آرامی در حال تغییر است. حتی پیشرفته‌ترین تراشه‌های جهان نیز بدون دسترسی به برق پایدار، ارزان و قابل اعتماد، چیزی بیش از قطعاتی خاموش نیستند. آموزش یک مدل پیشرفته هوش مصنوعی یا بهره‌برداری از یک مرکز داده نسل جدید، به مصرف برق در مقیاسی نیاز دارد که تا همین چند سال پیش تنها در صنایع فولاد، آلومینیوم یا مجتمع‌های بزرگ پتروشیمی مشاهده می‌شد. به‌بیان دیگر، جهان از «نبرد تراشه‌ها» وارد «نبرد نیروگاه‌ها» شده است. این تغییر پارادایم، فقط یک تحول فناورانه نیست؛ بلکه نشانه ظهور نوعی ژئواکونومی برق است؛ نظمی نوظهور که در آن، ظرفیت تولید برق، کیفیت شبکه انتقال، سرعت اتصال به زیرساخت و کارآمدی نهادهای تنظیم‌گر، به همان اندازه تراشه و الگوریتم، در تعیین جایگاه کشورها در اقتصاد دیجیتال نقش خواهند داشت.

در این چارچوب، تصمیم اخیر کمیسیون تنظیم مقررات انرژی فدرال آمریکا (FERC) اهمیتی فراتر از یک اصلاح مقررات اداری پیدا می‌کند. این نهاد که وظیفه تنظیم بازار عمده‌فروشی برق و نظارت بر شبکه انتقال بین‌ایالتی را برعهده دارد، با اقدامی کم‌سابقه به شش اپراتور بزرگ شبکه برق آمریکا تنها ۶۰ روز فرصت داده است تا قواعد اتصال بارهای بزرگ، به‌ویژه مراکز داده را اصلاح یا از آنها دفاع کنند؛ در غیر این صورت، خود FERC مقررات جدید را تدوین خواهد کرد در نگاه نخست، این تصمیم شاید صرفاً یک اختلاف فنی درباره نحوه اتصال یک مصرف‌کننده بزرگ به شبکه برق به نظر برسد؛ اما درواقع، این پرونده در نقطه تلاقی چند روند راهبردی قرارگرفته است: انفجار تقاضای برق ناشی از هوش مصنوعی، رقابت فناورانه آمریکا و چین، افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت انرژی، بازتعریف نقش دولت در سیاست صنعتی و چالش‌های ناشی از تقسیم صلاحیت میان دولت فدرال و ایالت‌ها. به همین دلیل، تصمیم FERC را باید نخستین واکنش بزرگ حقوق به عصر هوش مصنوعی دانست؛ واکنشی که نشان می‌دهد فناوری، بسیار سریع‌تر از قواعد حقوقی و ظرفیت زیرساختی در حال حرکت است.

برق؛ گلوگاه اقتصاد هوش مصنوعی

در اقتصاد صنعتی قرن بیستم، برق تنها یکی از نهاده‌های تولید بود؛ اما در اقتصاد دیجیتال قرن بیست‌ویکم، به زیرساخت اصلی قدرت محاسباتی و توسعه هوش مصنوعی تبدیل‌شده است. هر پردازش، تحلیل، تصویر یا محتوای تولیدشده توسط مدل‌های هوش مصنوعی، درنهایت به مصرف برق وابسته است و با بزرگ‌تر شدن مدل‌ها، نیاز آنها به انرژی نیز به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. از همین رو، برخی ابرمراکز داده در حال ساخت، به‌اندازه یک شهر متوسط برق مصرف خواهند کرد.

این تحول، پرسش راهبردی رقابت جهانی را نیز تغییر داده است. اگر تا دیروز رقابت بر سر تولید پیشرفته‌ترین تراشه‌ها بود، امروز پرسش اصلی این است که کدام کشور می‌تواند برق کافی، پایدار و ارزان برای اقتصاد هوش مصنوعی خود فراهم کند. درنتیجه، برق از یک کالای عمومی به یک دارایی راهبردی تبدیل شده که مستقیماً بر رقابت‌پذیری اقتصادی، امنیت ملی و جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی اثر می‌گذارد.

در این چارچوب، برق همان نقشی را برای اقتصاد دیجیتال ایفا می‌کند که نفت برای اقتصاد صنعتی قرن بیستم داشت؛ اما برخلاف نفت که عمدتاً سوخت حمل‌ونقل و صنایع سنگین بود، برق امروز موتور داده، رایانش ابری، الگوریتم‌ها و قدرت محاسباتی است.

از همین منظر، تصمیم اخیر کمیسیون تنظیم مقررات انرژی فدرال آمریکا صرفاً یک اصلاح مقررات شبکه برق نیست؛ بلکه بخشی از راهبرد آمریکا برای حفظ برتری در رقابت جهانی هوش مصنوعی است. چالش اصلی واشنگتن دیگر فقط توسعه فناوری نیست؛ بلکه هماهنگ کردن سرعت توسعه زیرساخت انرژی با شتاب تحول فناوری است. در عصر هوش مصنوعی، همان‌گونه که کمبود تراشه می‌تواند توسعه فناوری را متوقف کند، کمبود ظرفیت شبکه برق نیز به یک گلوگاه راهبردی برای رشد اقتصادی و رقابت ژئوپلتیکی تبدیل خواهد شد.

کیفیت تنظیم‌گری برق در اقتصاد هوش مصنوعی

رقابت جهانی در حوزه هوش مصنوعی دیگر تنها بر سر تراشه‌های پیشرفته، سرمایه‌گذاری یا جذب استعدادهای انسانی نیست؛ بلکه کیفیت زیرساخت‌های انرژی و کارآمدی نظام تنظیم‌گری نیز به عوامل تعیین‌کننده قدرت اقتصادی تبدیل شده‌اند. اگر در گذشته ایالت‌های آمریکا برای جذب صنایع بزرگ با عواملی مانند زمین ارزان، نیروی کار، معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های سرمایه‌گذاری رقابت می‌کردند، امروز یک مزیت راهبردی جدید به این فهرست افزوده شده است: کیفیت تنظیم‌گری و سرعت دسترسی به شبکه برق.

برای شرکت‌های بزرگ فناوری، پرسش اصلی دیگر صرفاً قیمت برق نیست؛ بلکه این است که چه زمانی می‌توانند به شبکه متصل شوند، چه میزان از هزینه توسعه زیرساخت را باید بپردازند و آیا چارچوب‌های حقوقی و مقرراتی در طول اجرای پروژه ثابت، شفاف و قابل پیش‌بینی خواهد بود یا خیر. در اقتصاد دیجیتال، سرعت تصمیم‌گیری و اطمینان حقوقی به‌اندازه ظرفیت تولید برق اهمیت یافته است؛ زیرا هرماه تأخیر در اتصال یک مرکز داده می‌تواند به معنای از دست رفتن میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری و عقب ماندن از رقابت جهانی باشد.

این موضوع، علت اصلی نگرانی آمریکا را نیز توضیح می‌دهد. ایالات‌متحده همچنان پیشتاز توسعه مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی و میزبان بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری جهان است، اما زیرساخت برق آن با شتاب تحول اقتصاد دیجیتال همگام نشده است. بخش عمده شبکه برق آمریکا در دوره‌ای طراحی شد که بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی، کارخانه‌های فولاد، صنایع شیمیایی و واحدهای تولیدی بودند؛ نه مراکز داده که به‌صورت شبانه‌روزی و در مقیاسی معادل مصرف برق یک شهر متوسط فعالیت می‌کنند.

این چالش با ساختار پیچیده حکمرانی برق آمریکا تشدید شده است. بازار برق این کشور میان دولت فدرال، ایالت‌ها، شرکت‌های برق، اپراتورهای مستقل شبکه (ISOs) و سازمان‌های منطقه‌ای انتقال (RTOs) تقسیم‌شده است. هر یک از این نهادها بخشی از فرآیند صدور مجوز، اتصال به شبکه، قیمت‌گذاری یا توسعه زیرساخت را برعهده دارند. نتیجه این پراکندگی نهادی، افزایش بروکراسی، اختلاف بر سر مسئولیت‌ها، طولانی شدن فرآیندهای فنی و شکل‌گیری نااطمینانی برای سرمایه‌گذاران است.

برآوردها نشان می‌دهد که میانگین زمان اتصال یک مرکز داده جدید به شبکه برق آمریکا اکنون از چهار سال فراتر رفته است؛ درحالی‌که چرخه نوآوری در صنعت هوش مصنوعی معمولاً کمتر از دو سال است. این شکاف زمانی به‌خوبی نشان می‌دهد که سرعت تحول فناوری از ظرفیت نهادهای تنظیم‌گر و زیرساخت‌های انرژی پیشی گرفته است. در چنین شرایطی، حتی پیشرفته‌ترین تراشه‌ها و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها نیز بدون دسترسی به برق پایدار و اتصال به‌موقع به شبکه، مزیت رقابتی خود را از دست خواهند داد.

از همین رو، ظرفیت شبکه برق و کیفیت نظام تنظیم‌گری به دارایی‌های راهبردی اقتصاد هوش مصنوعی تبدیل‌شده‌اند. ایالت‌هایی که بتوانند فرآیند اتصال مراکز داده را سریع، شفاف و قابل پیش‌بینی طراحی کنند، احتمال بیشتری برای جذب سرمایه‌گذاری‌های آینده خواهند داشت؛ در مقابل، مناطقی که با کمبود ظرفیت انتقال، تأخیرهای اداری یا اختلافات حقوقی مواجه هستند، ممکن است فرصت‌های تاریخی اقتصاد دیجیتال را از دست بدهند.

به همین دلیل، پرونده مراکز داده دیگر صرفاً یک مسأله فنی در حوزه برق نیست؛ بلکه به یکی از مهم‌ترین پرونده‌های ژئواکونومی برق تبدیل‌شده است. در این چارچوب، کارآمدی نهادهای تنظیم‌گر، شفافیت مقررات و توان توسعه شبکه برق، همان نقشی را برای اقتصاد هوش مصنوعی ایفا می‌کنند که دسترسی به منابع انرژی و سرمایه در انقلاب‌های صنعتی گذشته ایفا می‌کرد. از این منظر، تصمیم اخیر FERC صرفاً اصلاح چند مقرره اداری نیست، بلکه تلاشی برای رفع یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های رقابت فناوری آمریکا در عصر هوش مصنوعی است؛ عصری که در آن، مزیت کشورها نه‌تنها با قدرت محاسباتی، بلکه با کیفیت حکمرانی انرژی نیز سنجیده خواهد شد.

> جهان در حال عبور از دوره‌ای است که در آن نفت، محور اصلی قدرت ژئوپلتیکی بود و وارد دوره‌ای می‌شود که برق، زیرساخت اصلی قدرت محاسباتی خواهد بود

نسل جدید رابطه هوش مصنوعی و شبکه برق

یکی از مهم‌ترین ابعاد رویکرد جدید FERC، توجه به مفهوم انعطاف‌پذیری بار است؛ رویکردی که می‌تواند رابطه سنتی میان مصرف‌کنندگان بزرگ برق و شبکه را دگرگون کند. در الگوی سنتی، مصرف‌کنندگان صرفاً دریافت‌کننده برق بودند، اما مراکز داده هوش مصنوعی می‌توانند با زمان‌بندی بخشی از پردازش‌های خود، مصرف برق را از ساعات اوج بار به دوره‌های کم‌مصرف منتقل کنند یا در زمان فشار بر شبکه، به‌طور موقت مصرف خود را کاهش دهند. این قابلیت، مراکز داده را از یک مصرف‌کننده پرمصرف به ابزاری برای مدیریت پایداری شبکه تبدیل می‌کند و می‌تواند نیاز به سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه در توسعه زیرساخت‌های انتقال را کاهش دهد.

همزمان، شرکت‌های بزرگ فناوری نیز در حال تغییر الگوی تأمین انرژی خود هستند. استفاده از قراردادهای بلندمدت خرید برق، سرمایه‌گذاری مستقیم در نیروگاه‌ها و بررسی بهره‌گیری از راکتورهای هسته‌ای کوچک نشان می‌دهد که این شرکت‌ها دیگر تنها خریدار برق نیستند، بلکه به بازیگران فعال بازار انرژی تبدیل می‌شوند. این روند، مرز سنتی میان صنعت فناوری و صنعت انرژی را به‌تدریج از میان برمی‌دارد. در آینده، رقابت در حوزه هوش مصنوعی تنها به توسعه الگوریتم‌ها یا تراشه‌های پیشرفته محدود نخواهد بود، بلکه توانایی شرکت‌ها در تأمین و مدیریت منابع انرژی نیز به بخشی از مزیت رقابتی آنها تبدیل خواهد شد. از این منظر، تصمیم FERC صرفاً درباره تسریع اتصال مراکز داده به شبکه نیست؛ بلکه گامی در جهت بازتعریف ساختار بازار برق و نقش شرکت‌های فناوری در حکمرانی انرژی عصر هوش مصنوعی است.

نگرانی اصلی در این میان، اما پدیده‌ای است که در اقتصاد انرژی با عنوان انتقال هزینه یا یارانه پنهان شناخته می‌شود. اگر قواعد شفاف وجود نداشته باشد، ممکن است خانوارها و کسب‌وکارهای کوچک، به‌طور غیرمستقیم بخشی از هزینه توسعه زیرساخت‌هایی را بپردازند که عمدتاً برای شرکت‌های بزرگ فناوری ایجادشده است. از همین رو، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های دستور FERC، الزام اپراتورهای شبکه به شفاف‌سازی هزینه‌های اتصال است. این اقدام می‌تواند به ایالت‌ها اجازه دهد سیاست‌های دقیق‌تری برای تقسیم هزینه‌ها طراحی کنند و مانع شکل‌گیری تعهدات مالی مبهم شوند. به‌بیان‌دیگر، FERC تلاش می‌کند مسأله‌ای را که تاکنون در بسیاری موارد در یک «جعبه سیاه» میان شرکت برق، اپراتور شبکه و سرمایه‌گذار باقی می‌ماند، به حوزه نظارت عمومی وارد کند.

امکان تغییر مرزهای فدرالیسم آمریکا در عصر هوش مصنوعی

تصمیم اخیر FERC پیش از آنکه یک اقدام فنی درباره اتصال مراکز داده به شبکه برق باشد، یک آزمون بزرگ برای ساختار حقوقی انرژی آمریکا محسوب می‌شود؛ آزمونی که در آن، مرز میان اختیارات دولت فدرال و ایالت‌ها در عصر فناوری‌های پرمصرف دوباره مورد بررسی قرارگرفته است.

در نظام حقوقی آمریکا، بازار برق بر پایه نوعی تقسیم پیچیده صلاحیت شکل‌گرفته است. بر اساس قانون فدرال برق، دولت فدرال عمدتاً مسئول تنظیم بازار عمده‌فروشی برق، انتقال بین‌ایالتی و تضمین دسترسی منصفانه به شبکه است؛ در مقابل، ایالت‌ها اختیار گسترده‌ای بر فروش خرده‌فروشی برق، شرکت‌های توزیع و سیاست‌های محلی انرژی دارند. این تقسیم صلاحیت، در دوران رشد تدریجی مصرف برق قابل مدیریت بود؛ اما ظهور مراکز داده هوش مصنوعی، این مرزهای سنتی را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است.

یک مرکز داده بزرگ، ازنظر حقوقی ممکن است تنها یک «مشترک برق» باشد؛ اما ازنظر اقتصادی و فنی، می‌تواند به‌اندازه یک شهر انرژی مصرف کند. اتصال چنین بار عظیمی به شبکه، دیگر صرفاً یک رابطه میان شرکت برق محلی و یک مشتری نیست؛ بلکه می‌تواند بر ظرفیت انتقال برق، قیمت انرژی و امنیت شبکه در چندین ایالت اثر بگذارد. همین موضوع باعث شده است که برخی نهادهای ایالتی و شرکت‌های برق نسبت به افزایش نقش FERC هشدار دهند. نگرانی اصلی آنها این است که تنظیم‌گر فدرال، با ورود به حوزه اتصال بارهای بزرگ، به‌تدریج دامنه صلاحیت خود را گسترش دهد و تعادل تاریخی میان دولت فدرال و ایالت‌ها را تغییر دهد.

نهادهایی مانند مؤسسه ادیسون الکتریک (EEI) و انجمن تنظیم‌گران خدمات عمومی ایالت‌ها (NARUC) تأکید کرده‌اند که اصلاحات باید با همکاری ایالت‌ها و اپراتورهای منطقه‌ای شبکه انجام شود؛ نه از طریق تمرکز بیش‌ازحد قدرت در سطح فدرال؛ اما استدلال FERC متفاوت است. این نهاد معتقد است که مسأله اصلی، تنظیم فروش برق به مصرف‌کنندگان نیست؛ بلکه اطمینان از آن است که شبکه انتقال کشور بتواند به‌صورت منظم، شفاف و غیرتبعیض‌آمیز به تقاضاهای جدید پاسخ دهد. درواقع، FERC تلاش می‌کند میان دو ضرورت متعارض تعادل برقرار کند: نخست، جلوگیری از تبدیل‌شدن کندی مقررات به مانعی برای توسعه اقتصاد هوش مصنوعی و دوم، جلوگیری از آنکه شتاب توسعه مراکز داده، هزینه‌های پنهانی بر دوش سایر مصرف‌کنندگان برق قرار دهد.

از ژئوپلتیک نفت تا ژئواکونومی برق

تصمیم اخیر کمیسیون تنظیم مقررات انرژی فدرال آمریکا (FERC) را نباید صرفاً یک اصلاح فنی در قواعد اتصال شبکه دانست. این تصمیم می‌تواند پیامدهایی گسترده برای آینده اقتصاد دیجیتال داشته باشد: (۱) برق به مزیت رقابتی اصلی اقتصاد هوش مصنوعی تبدیل می‌شود: در سال‌های گذشته، رقابت شرکت‌ها بر سر دسترسی به تراشه‌های پیشرفته و پردازنده‌های گرافیکی قدرتمند (GPUs) متمرکز بود؛ اما اکنون یک عامل جدید وارد معادله قدرت شده است: ظرفیت انرژی. در آینده، کشورها و مناطقی که برق ارزان، پایدار و قابل پیش‌بینی داشته باشند، مزیت بیشتری در جذب مراکز داده و سرمایه‌گذاری هوش مصنوعی خواهند داشت. به‌عبارت‌دیگر، ظرفیت شبکه برق به شاخص جدید قدرت فناوری تبدیل خواهد شد.

(۲) حقوق انرژی به بخشی از سیاست فناوری تبدیل می‌شود: تصمیم FERC نشان می‌دهد که آینده هوش مصنوعی فقط در آزمایشگاه‌های فناوری یا وزارتخانه‌های صنعت تعیین نمی‌شود؛ بلکه در نهادهای تنظیم‌گر انرژی نیز رقم می‌خورد. قواعد اتصال شبکه، نحوه تخصیص هزینه‌ها، تعرفه‌های برق و ساختار تنظیم‌گری، مستقیماً بر سرعت توسعه فناوری اثر خواهند گذاشت. به همین دلیل، حقوق انرژی به یکی از اجزای سیاست صنعتی قرن بیست‌ویکم تبدیل خواهد شد.

(۳) رقابت کشورها از تراشه به زیرساخت منتقل می‌شود: قدرت هوش مصنوعی در آینده حاصل ترکیب چهارعنصر خواهد بود: تراشه پیشرفته؛ داده گسترده؛ قدرت محاسباتی؛ زیرساخت انرژی. کشوری که تنها یکی از این عناصر را داشته باشد، نمی‌تواند رهبری اقتصاد هوش مصنوعی را تضمین کند. رقابت آینده میان قدرت‌ها، رقابت میان «اکوسیستم‌های کامل فناوری–انرژی» خواهد بود.

(۴) عدالت توزیعی به چالش سیاسی توسعه هوش مصنوعی تبدیل می‌شود: اگر هزینه توسعه شبکه برای تأمین برق مراکز داده بر دوش خانوارها و صنایع کوچک قرار گیرد، توسعه هوش مصنوعی ممکن است با مقاومت اجتماعی روبه‌رو شود؛ بنابراین، مسأله فقط سرعت توسعه فناوری نیست؛ بلکه نحوه تقسیم منافع و هزینه‌های آن نیز اهمیت دارد. آینده اقتصاد هوش مصنوعی نیازمند تعادلی میان نوآوری و عدالت توزیعی است.

(۵) برق به مؤلفه‌ای از امنیت ملی تبدیل می‌شود: همان‌گونه که در قرن بیستم امنیت عرضه نفت بخشی از راهبرد قدرت‌های بزرگ بود، در قرن بیست‌ویکم امنیت زیرساخت برق و مراکز داده نیز به موضوعی راهبردی تبدیل خواهد شد. قدرت نظامی، اقتصادی و فناورانه آینده، بیش از گذشته به ظرفیت محاسباتی وابسته خواهد بود؛ و ظرفیت محاسباتی بدون انرژی پایدار امکان‌پذیر نیست.

تصمیم FERC یک نقطه عطف در تاریخ حقوق انرژی آمریکا است؛ زیرا نشان می‌دهد قواعد سنتی شبکه برق دیگر پاسخگوی اقتصاد دیجیتال جدید نیستند. جهان در حال عبور از دوره‌ای است که در آن نفت، محور اصلی قدرت ژئوپلتیکی بود و وارد دوره‌ای می‌شود که برق، زیرساخت اصلی قدرت محاسباتی خواهد بود. اگر نفت، موتور اقتصاد صنعتی قرن بیستم بود، برق، موتور اقتصاد هوش مصنوعی قرن بیست‌ویکم است؛ اما تفاوت مهم این است که نفت عمدتاً مسأله دسترسی به یک منبع طبیعی بود؛ درحالی‌که برق مسأله‌ای پیچیده‌تر است: ترکیبی از تولید، شبکه، فناوری، حقوق، تنظیم‌گری و حکمرانی. به همین دلیل، رقابت آینده قدرت‌های بزرگ تنها در کارخانه‌های تولید تراشه یا آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی تعیین نخواهد شد؛ بلکه در نیروگاه‌ها، شبکه‌های انتقال برق، مراکز داده و نهادهای تنظیم‌گری انرژی رقم خواهد خورد. درنهایت، تصمیم FERC یک پیام روشن دارد: قدرت محاسباتی بدون قدرت برقی امکان تحقق ندارد و همان‌گونه که نفت، ژئوپلتیک قرن بیستم را شکل داد، برق و زیرساخت‌های انرژی هوش مصنوعی نیز در حال بازتعریف ژئواکونومی قرن بیست‌ویکم هستند.

بدون روتوش

محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

پس از بحران سویدا طمعی که هنوز تازه است!

اگر به یاد داشته باشید، همین ایام یک سال پیش بود که در سویدا استان جنوبی سوریه و هم مرز با سرزمین‌های اشغالی، میان نیروهای حکومت تازه شکل گرفته جولانی و برخی قبائل دروزی این استان درگیری‌هایی رخ داد؛ درگیری‌هایی که موجب شد اسرائیلی‌ها خیلی زود ورود کنند.

صهیونیست‌ها به بهانه حمایت از دروزی‌ها که بخشی از آنها در داخل سرزمین‌های اشغالی ساکنند، نه تنها برخی مناطق نظامی سوریه و حتی پایتخت دمشق را هدف حمله قرار دادند، بلکه پیشروی‌هایی را هم به داخل خاک سوریه انجام دادند. پیشروی‌هایی که البته مقدمه ایجاد یک منطقه حائل امنیتی در داخل سوریه و فراتر از استان سویدا مثل منطقه مهم جبل الشیخ شد و تاکنون هم در آن باقی مانده‌اند تا بر مناطق اشغالی سوریه بیفزایند.

با وجود کاهش شدت درگیری‌ها نسبت به سال گذشته، سویدا هنوز به ثبات پایدار نرسیده است. دولت سوریه همچنان در تلاش است حضور و نفوذ خود را در استان افزایش دهد، اما بسیاری از گروه‌های محلی نسبت به استقرار کامل نیروهای دولتی تردید دارند. از سوی دیگر، ساختار امنیتی استان همچنان متکی بر بازیگران محلی است که از سوی بازیگران خارجی مثل صهیونیست‌ها حمایت می‌شوند.

در مجموع، یک سال پس از بحران، سویدا همچنان در مرحله‌گذار قرار دارد؛ استانی که نه کاملاً در کنترل دولت مرکزی است، نه به خودمختاری رسمی دست یافته و نه از رقابت‌های منطقه‌ای و طمع صهیونیست‌ها مصون مانده است.

شیخ حکمت الهجری، رهبر دروزی‌های استان السویدا، به مناسبت یک سالگی کشتار این استان که از ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵ آغاز شد گفته است که سویدا ممکن است به «کشوری مستقل» تبدیل شود یا تحت حمایت کشور دیگری (رژیم صهیونیستی) قرار گیرد. او همچنان از اسرائیل بابت مداخله‌اش در جریان کشتار جولای ۲۰۲۵ تشکر کرده است! سخن رهبران دروزی‌ها و بازنشر آن در فضای عبری نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها همچنان بر تغییر وضعیت میدانی سوریه طمع دارند. صهیونیست‌ها علیرغم چندین دور مذاکرات امنیتی با سوری‌ها و برخی تغییراتی که در نهایت منجر به لغو تحریم‌ها و خروج سوریه از لیست تروریستی توسط ترامپ شد، اما همچنان با چشم تردید و میدان خطر و رقابت با ترکیه می‌نگرند.

تعلیق یک ساله بحران جنوب سوریه و حضور صهیونیست‌ها در جنوب و عدم حل شدن پرونده، مقدمه‌ای بر تغییر وضعیت جنوب استان سویدا هماهند بلندی‌های جولان پس از جنگ رمضان ۱۹۷۳ است. تحولات نشان می‌دهد طمع رژیم در سوریه و استان سویدا تمام نشده و با حوصله و صبر دنبال می‌شود.

خبر

رسانه‌های عراقی: الزیدی پس از واشنگتن به تهران می‌رود

خبرگزاری نون به نقل از منابع محلی اعلام کرد که «علی فالح الزیدی» نخست‌وزیر عراق به دعوت مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری ایران، هفته آینده سفری رسمی به تهران خواهد داشت.

این منبع می‌گوید که سفر پیش رو در راستای تقویت روابط دوجانبه تهران و بغداد و رایزنی درمورد مسائل مشترک است.

آنها به دستور کار رسمی این سفر و یا مدت آن اشاره‌ای نکرده‌اند.

علی فالح الزیدی که به واشنگتن سفر کرده، با بیان اینکه آمریکا یک شریک استراتژیک برای عراق است، گفت: «بغداد برای عبور از چالش‌های اقتصادی و فناوری به شریکی راهبردی مانند واشنگتن نیاز دارد.»

وی در دیدار با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا افزود: «این سفر با هدف ایجاد همکاری اقتصادی مستحکم میان عراق و آمریکا انجام شده است.»

وی اضافه کرد: «با پایان یافتن حضور نظامی آمریکا در عراق در چارچوب ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش، شاهد حضور اقتصادی شرکت‌های آمریکایی خواهیم بود و این روابط اجتماعی هستند که از حوزه‌های اقتصاد حمایت می‌کنند، نه مشارکت نظامی.»

نخست‌وزیر عراق پیش از این گفته بود که بعد از آمریکا سفرهایی به عربستان، ایران و ترکیه خواهد داشت.

اخبار

رئیس سازمان بهزیستی:

شناسایی ۲۸۰۸ کودک بازمانده از تحصیل

«امسال اعلام کرده‌ایم که تمام کودکانی که در سازمان بهزیستی بازمانده از تحصیل هستند باید به صفر برسند. تاکنون ۲۸۰۸ کودک بازمانده از تحصیل شناسایی شده‌اند و برای هرکدام ۲۵ میلیون تومان سرانه در نظر گرفته‌ایم و تا پایان سال باید آن را به صفر برسانیم.»
به گزارش ایسنا، سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور در بازدید از مرکز شوق زندگی بهشت، با بیان این مطلب و با اشاره به اهمیت این مرکز گفت: «آنچه در این مجتمع اتفاق افتاده اقدام بی‌بدیل است و این مجتمع از نظر ساختاری تلفیقی، ترکیبی، تخصیصی و... در حوزه ساماندهی کودکان است. یکی از دلایلی که در این مجتمع اعلام شده کودکان ظرف ۲۰ روز تعیین تکلیف شوند، این است که همه دستگاه‌ها پای کارند و به انجام کار سرعت می‌دهند. اولویت اول برای تمام کودکان که به هر نحوی به سازمان بهزیستی وارد می‌شوند بازگشت به خانواده است.»
رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: «ما در سطح کشور سالانه حدود ۶ هزار کودک ورودی داریم که با اجرای رویکرد خانواده‌محوری، حدود ۵۰ درصد از آنها به خانواده زیستی خود بازپیوند می‌شوند. با همین رویکرد خانواده محوری، اولویت دوم ما این است که کودک وارد فرآیند فرزندخواندگی با حکم قضایی شود. در حال حاضر حدود ۱۸ هزار خانواده زیستی و بازپیوند و حدود ۲۵ هزار فرزندخوانده در کشور داریم. اکنون حدود ۷۰۰ مرکز شبه‌خانواده در حوزه شیرخوارگان، نوباوه، کودک و نوجوان وجود دارد.»
رئیس سازمان بهزیستی کشور درباره آمار کودکان تحت پوشش سازمان بهزیستی گفت: «در مجموع، حدود ۷۰۰۰ کودک کار و خیابان تحت پوشش خدمات سازمان بهزیستی قرار دارند که در حدود ۹۰ مرکز ساماندهی می‌شوند؛ از این تعداد، ۳۴ مرکز شبانه‌روزی و مابقی روزانه هستند.»

معاون وزارت بهداشت:

هدف پزشک خانواده، دسترسی عادلانه به خدمات سلامت است

معاون بهداشت وزارت بهداشت گفت: «پزشک خانواده برای همه افراد است اما اجرای موفق آن بدون تأمین منابع مالی پایدار امکان‌پذیر نیست.»
به گزارش ایرنا، علیرضا رئیسی در جلسه وبیناری با حضور رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی مجری فاز اول برنامه ملی پزشک خانواده و نظام ارجاع، با اشاره به عزم دولت برای اجرای این برنامه، گفت: «یکی از مهم‌ترین نقاط قوت اجرای پزشک خانواده، حمایت و پیگیری مستمر رئیس‌جمهوری است و دولت مصمم است این برنامه را به سرانجام برساند. در کنار اجرای این برنامه، باید نظام ارجاع نیز به‌طور کامل مستقر شود و طبیعی است که درباره جزئیات و شیوه اجرا، پرسش‌ها و ابهاماتی وجود داشته باشد؛ چرا که تجربه جهانی نشان می‌دهد استقرار چنین برنامه‌ای در هیچ کشوری طی یک یا دو سال محقق نشده و فرآیندی زمان‌بر است.»
رئیسی بر ضرورت هم‌افزایی میان وزارت بهداشت، سازمان نظام پزشکی، بیمه‌ها، کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و سایر دستگاه‌های مرتبط تأکید کرد و گفت: «مشارکت همه بخش‌ها می‌تواند مسیر اجرای موفق برنامه را هموار کند. همچنین سیاست‌گذاری در حوزه سلامت بر اساس اسناد بالادستی، قانون برنامه هفتم توسعه و سیاست‌های کلی نظام انجام می‌شود و همه مدیران موظف به اجرای آن هستند. پزشک خانواده صرفاً به معنای ارائه خدمات درمانی نیست، بلکه محور اصلی آن ارتقای سلامت، پیشگیری، مراقبت، بهداشت و مدیریت سلامت مردم است.»
رئیسی گفت: «پزشک عمومی در سطح یک، سرپرست تیم سلامت است و در کنار مراقبان سلامت، بهورزان و سایر اعضای تیم، مسئول ارائه خدمات جامع سلامت خواهد بود همچنین نظام ارجاع تنها به سطح یک محدود نمی‌شود و سطوح تخصصی، فوق تخصصی، توانبخشی و سایر خدمات نیز باید در این زنجیره دیده شوند.»
معاون بهداشت وزارت بهداشت با تأکید بر حمایت‌های مالی از این طرح گفت: «پرداخت به‌موقع مطالبات ارائه‌دهندگان خدمت یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت این برنامه محسوب می‌شود. اگر پرداخت‌ها به‌موقع انجام شود، رضایت پزشکان، کارکنان سلامت و مردم افزایش خواهد یافت و بسیاری از مشکلات نظام سلامت نیز برطرف می‌شود.»
او با بیان اینکه اجرای پزشک خانواده موجب ساماندهی نظام ارائه خدمات سلامت خواهد شد، گفت: «هدف اصلی این برنامه، ایجاد دسترسی عادلانه مردم به خدمات سلامت، کاهش پرداخت از جیب بیماران، تقویت نظام ارجاع و افزایش کارآمدی نظام سلامت است. جامعه پزشکی ایران همواره در شرایط حساس کشور در کنار مردم بوده و امروز نیز با همراهی و همدلی می‌توان این برنامه ملی را با موفقیت اجرا کرد.»

امتحانات نهایی استان‌های جنوبی لغو شد

طبق اطلاعیه ستاد عالی آزمون‌های وزارت آموزش و پرورش، برگزاری امتحانات نهایی در استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان و سیستان و بلوچستان لغو شد.
به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، ستاد عالی آزمون‌ها در خصوص برگزاری امتحانات نهایی در استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان و سیستان و بلوچستان اطلاعیه‌ای صادر کرد. متن این اطلاعیه به این شرح است: «بر اساس تصمیم ستاد عالی آزمون‌های وزارت آموزش و پرورش و با توجه به شرایط خاص کشور در استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان و سیستان و بلوچستان، امتحانات نهایی تمامی رشته‌های تحصیلی پایه دوازدهم در روز پنجشنبه؛ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ و پایه یازدهم در روز شنبه، ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ لغو و به زمان دیگری که متعاقباً اعلام خواهد شد، موکول می‌شود. بدیهی است امتحانات نهایی سایر استان‌ها و امتحانات بعدی استان‌های مذکور، بر اساس برنامه ابلاغی در موعد مقرر برگزار خواهد شد.»

رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران در گفت‌وگو با «ایران»:

برای تشخیص روانشناسان واقعی لوگوی مشخص طراحی می‌شود

گزارش خبری

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

روانشناسی زرد، در حقیقت نسخه‌های ساده‌سازی‌شده و امیدهای فوری برای سلامت روان است که این روزها بیش از هر زمان دیگری در شبکه‌های اجتماعی و سخنرانی‌های انگیزشی دیده می‌شود؛ روانشناسان زرد در فضای مجازی جولان می‌دهند و مفاهیم پیچیده روان انسان را فقط به چند جمله کلیشه‌ای و راهکارهای یک‌شبه تقلیل می‌دهند. طی سال‌های اخیر، موج گسترده‌ای هم از آموزه‌های شبه‌علمی تحت عنوان «روانشناسی زرد» در بستر فضای مجازی کشور به جریان افتاده است؛ پدیده‌ای که با ارائه راهکارهای تقلیل‌گرایانه و شعارمحور، سعی در جایگزینی درمان‌های تخصصی با نسخه‌های عمومی دارد. چند سال قبل دکتر محمد حاتمی رئیس وقت سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران لیستی از روانشناسان زردی را که بدون پروانه و مدرک در حال فعالیت بودند معرفی کرد که با حاشیه‌های بسیاری همراه شد و نتوانست چندان مانع فعالیت این افراد شود و هنوز هم افراد بسیاری در فضای مجازی برای روان مردم نسخه می‌پیچند. دکتر علیرضا آقایوسفی رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران در پاسخ به این سؤال که بالاخره سازمان نظام روانشناسی در برابر این افراد که با استفاده از عنوان روانشناس در فضای مجازی فعالیت می‌کنند چه اقدامی قرار است انجام بدهد؟ به «ایران» می‌گوید: «با فضایی به نام فضای مجازی مواجه هستیم. با توجه به شرایط امروز جامعه نمی‌توانیم به افراد بگوییم چه چیزی بگویند و چه کاری انجام بدهند یا چه کار نکنند، اما می‌توانیم به افراد بگوییم حرف‌های چه کسانی قابل اطمینان است و به چه کسانی نباید اعتماد کنند. از نظر ما کسانی که دارای شاخص‌هایی باشند و این شاخص‌ها را پاس کرده باشند، قابل اعتماد هستند. بنابراین به جای اینکه بخواهیم لیست روانشناسان زرد را به مردم معرفی کنیم، می‌خواهیم طرح جدیدی را اجرا کنیم.»

طرح سازمان نظام روانشناسی برای روانشناسان زرد

آقایوسفی با بیان اینکه در فضای مجازی هرکسی در هر نقطه از دنیا می‌تواند به زبان فارسی یا هر زبان دیگری مطلبی منتشر و محتوایی را تولید کند، می‌گوید: «برای کنترل این محتواها ما باید یک سازمان عریض و طویل داشته باشیم تا بتوانیم آنها را رصد و محتواها را ارزیابی کنیم، به همین دلیل این کار در عمل ممکن نیست. به جای این کار، ما طرحی را در دست اجرا داریم که به محض اینکه شورای مرکزی سازمان نظام روانشناسی این طرح را تأیید کند، می‌توانیم آن را عملیاتی کنیم. براساس این طرح، افرادی که مطابق قانون سازمان نظام روانشناسی و مشاوره تمایل به ارائه آموزش به مردم در فضای مجازی دارند و می‌خواهند در این زمینه فعالیت کنند به سازمان نظام روانشناسی مراجعه و معیارهایی را که در نظر گرفته‌ایم می‌گذرانند و پروانه‌ای دریافت می‌کنند. احتمالاً لوگویی برای آنها در نظر گرفته می‌شود تا در صفحه خودشان قرار دهند و ما این لوگو را به مردم معرفی می‌کنیم. بنابراین وقتی مردم به هر صفحه مجازی می‌رسند اگر این لوگو را دیدند، می‌توانند مطمئن شوند که این روانشناس معتبر است یا نه.» به گفته رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، برای تأیید صحت لوگو هم احتمالاً «کیو آر کدی» طراحی می‌شود که مردم می‌توانند آن را اسکن کنند یا پروانه فعالیت افراد را در تارنمای سازمان ببینند و به این ترتیب می‌توانند در مورد صحت آن فرد اطمینان لازم را به دست آورند.

> افرادی که مطابق قانون سازمان نظام روانشناسی و مشاوره تمایل به ارائه آموزش به مردم در فضای مجازی دارند و می‌خواهند در این زمینه فعالیت‌کنند به سازمان نظام روانشناسی مراجعه و معیارهایی را که در نظر گرفته‌ایم می‌گذرانند و پروانه‌ای دریافت می‌کنند. احتمالاً لوگویی برای آنها در نظر گرفته می‌شود تا در صفحه خودشان قرار دهند و ما این لوگو را به مردم معرفی می‌کنیم

هزینه‌های روانشناسی برای مردم زیاد و برای روانشناسان کم

با توجه به مشکلات اقتصادی که امروز در جامعه مردم با آن دست به گریبان هستند، بالا بودن تعرفه‌های خدمات روانشناسی باعث شده تا مراجعه کمتری به روانشناسان داشته باشند. با این اوصاف مدت‌هاست که مسئولان این حوزه ورود بیمه‌ها به این حوزه را پیگیری می‌کنند، اما اینکه سازمان نظام روانشناسی و مشاوره چه اقداماتی در این زمینه انجام داده، سؤالی است که آقایوسفی در پاسخ به آن می‌گوید: «در شرایط حاضر از یک طرف برای مردم این هزینه‌ها بسیار گران است و از طرف دیگر همین هزینه‌ها برای روانشناسان بسیار پایین است، به هر حال تورم در زندگی همه تأثیراتی داشته است. ما در سازمان نظام روانشناسی مشاوره با شورای عالی بیمه سلامت جلسه‌ای داشته‌ایم که آنها مسیری را برای ما معرفی کرده‌اند، بنابراین به دنبال آن به شورای مرکزی تقاضا داده‌ایم و شورای مرکزی مجوزی داده تا این مسأله را پیگیری کنیم. هنوز این مجوز به من ابلاغ نشده است بنابراین بر اساس آن مسیری که اعلام شده ما به پیگیری با تمام توان ادامه خواهیم داد. به هر حال باید در این حوزه هم جداول راهنما و شیوه‌نامه‌های درمانی استانداردی را ارائه بدهیم، مراکزی را به شکل آزمایشی فعال کنیم و بیمه‌گرها ببینند که مثل اختلال بیماری‌های جسمانی که راهنماهای مشخصی وجود دارد، ما هم راهنماهایی داریم که می‌توانند از طریق آنها ارزیابی را انجام دهند. بیمه‌گر باید ببیند که اگر برای این کار سرمایه‌گذاری می‌کند، زیانده نباشد. به طور کلی این همه اقداماتی است که در این زمینه انجام داده‌ایم و در حال پیگیری آنها هستیم.»

باید یک خط ملی بحران واحد و شبانه روزی داشته باشیم

برش

رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور با اشاره به پویش ملی «رصد سلامت روان» که ثمره رایزنی‌های سازمان بهزیستی با سازمان نظام روانشناسی و مشاور کشور و سایر ارگان‌های ذی‌ربط است، می‌گوید: «این پویش با هدف شناسایی زودهنگام آسیب‌های روانی در شرایط جنگی و مهار بحران‌های اجتماعی طراحی شده بود.» آقایوسفی، با بیان اینکه ارائه خدمت به جامعه ۹۰ میلیونی نیازمند یک سیاست واحد ملی است، می‌گوید: «تمامی نهادهای فرهنگی، خبرگزاری‌ها و صداوسیما باید در مسیر این برنامه واحد حرکت کنند و برای تمامی تولیدات خود، «پیوست فرهنگی سلامت روان» تدوین کنند.» او با تحلیل پیامدهای روانی پساجنگ، هشدار می‌دهد: «آثار روانی چالش‌ها لزوماً آنی نیست. ما باید برای ۵ تا ۱۰ سال آینده برنامه‌ریزی کنیم. زمانی که ممکن است با موج فزاینده طلاق، همسرآزاری، فروپاشی ساختار خانواده و رشد نرخ خودکشی مواجه شویم. از همین امروز باید زیرساخت‌های لازم برای صیانت از ذهن جامعه و تحکیم خانواده فراهم شود.»
رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره با ارائه پیشنهادی می‌گوید: «ایجاد یک خط تلفنی ملی و شبانه‌روزی برای بحران‌های روانی که با سامانه‌های ۱۲۳ اورژانس اجتماعی، اورژانس ۱۱۵ و پلیس ۱۱۰ در ارتباط باشد، یک ضرورت حیاتی است. این اقدام کاملاً با مأموریت‌های سازمان بهزیستی نیز همسو است و می‌تواند در گام اول از تبدیل شدن فشارهای روانی به بحران‌های حاد جلوگیری کند.» او می‌گوید: «باید یک خط ملی بحران شبانه‌روزی با افراد متخصص داشته باشیم که به محض اینکه فردی در معرض خطر خودکشی، قتل یا اتفاقاتی از این دست قرار گرفت بلافاصله مداخله اولیه انجام شود و سپس آنها را به متخصصان مربوطه ارجاع بدهند. در حقیقت خدمات در یک قالب منسجم باید به افراد ارائه شود و مداخلات هم یکپارچه خواهد بود تا مطمئن شویم افرادی که در معرض آسیب‌های جدی هستند به سلامت از این مرحله عبور می‌کنند.»
آقایوسفی توضیح می‌دهد: «سازمان نظام روانشناسی و مشاوره آمادگی دارد در کنار کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، از ضرورت تخصیص منابع مالی به این خط و سامانه‌های مرتبط دفاع کند تا موانع مالی اجرای این طرح برطرف شود.»

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم:

صندلی‌های خالی اعتبار مدرک دانشگاهی را تهدید می‌کند

گزارش خبری

غزل ثانی
گروه اجتماعی

صندلی‌های خالی در دانشگاه‌ها، حالا نه یک مشکل آماری که به یک فاجعه کیفیتی تبدیل شده است. مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم درباره صندلی‌های خالی هشدار می‌دهد و آن را یک تهدید جدی برای کیفیت سطح سواد دانشگاهی می‌داند. رضا نقی‌زاده مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به مفهوم روشن‌تری از صندلی‌های خالی و چالش‌هایی که ایجاد کرده‌اند، می‌گوید: «برای مواجهه با موضوع صندلی‌های خالی باید نگاه جامع و سیاست‌گذارانه به این مسأله داشته باشیم. مسأله صندلی خالی لزوماً به این معنی نیست که صندلی‌های دانشگاه‌ها خالی می‌ماند، بلکه این عنوان انتخاب شده، اما دقیق نیست. صندلی خالی یعنی دانشگاه‌ها بیش از نیاز، صندلی و فرصت ایجاد کرده‌اند و حالا برای آن فرصت یا صندلی، به اندازه کافی رقابت وجود ندارد و افرادی برای آن صندلی انتخاب می‌شوند که دارای صلاحیت کافی نیستند.»
او درباره حضور افراد با سواد اندک در صندلی دانشگاه‌ها توضیح می‌دهد: «البته در برخی موارد هم ممکن است هیچ شخصی برای آن صندلی پیدا نشود، بنابراین تعریف صندلی خالی فقط این نیست که صرفاً یک‌سری صندلی خالی مانده باشد، بلکه شامل آن تعداد افرادی هم می‌شود که شایستگی کافی برای ورود به آن رشته و دانشگاه را ندارند. به طور مثال ممکن است شخصی که نمره پایینی در ریاضیات به دست آورده، یک صندلی در رشته مهندسی را به خود اختصاص بدهد در حالی که شایستگی آن را ندارد. ممکن است تبعات حضور یک شخص ناشایست به مراتب از خالی ماندن صندلی بیشتر باشد، چرا که با تعدادی دانشجو مواجه می‌شویم که صلاحیت تحصیل در آن رشته تحصیلی را ندارند.»
مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم می‌گوید: «در اینجا دو حالت وجود دارد؛ اول اینکه دانشگاه سختگیری‌های لازم را اعمال کند و حجم زیادی از دانشجویان اخراج شوند، یا اینکه دانشگاه سختگیر نباشد و افرادی که صلاحیت ندارند با عناوین مختلف فارغ‌التحصیل شوند و به سرکار بروند، اما در آینده و در محیط کار مشخص خواهد شد که آن افراد هیچ شایستگی‌ای ندارند.»
نقی‌زاده با اشاره به وجود صندلی‌های خالی در دانشگاه‌های غیردولتی و شهریه‌پرداز می‌گوید: «در بسیاری از مواقع وقتی موضوع صندلی خالی مطرح می‌شود، پای آموزش‌های غیردولتی و شهریه‌پرداز هم وسط کشیده می‌شود. واقعاً لزومی ندارد اگر صندلی‌های خالی دانشگاه‌های شهریه‌پرداز هم پر نشد، آنها را هم در فهرست دانشگاه‌های دارای صندلی خالی حساب کنیم. مثلاً برخی از دانشگاه‌های غیردولتی می‌دانند این صندلی پر نمی‌شود، اما همان میزان ظرفیت سال‌های قبل را مجدد اعلام می‌کنند، چون نگرانند که اگر این ظرفیت کم شود، آیا باز هم می‌توانند برای سال‌های آینده دانشجو بگیرند یا نه.»
مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم درباره طرح این وزارتخانه برای جلوگیری از افزایش صندلی‌های خالی در دانشگاه‌ها توضیح می‌دهد: «در حال حاضر شورای گسترش آموزش عالی مدل تخصیص ظرفیت به دانشگاه‌ها را پیشنهاد کرده تا بتواند مسأله صندلی خالی را به نحوی حل کند که بر اساس این مدل، اصلاحاتی در این بخش انجام خواهد شد.»
او درباره اینکه صندلی خالی بیشتر به کدام گروه و رشته مربوط است، می‌گوید: «این مسأله خیلی به گروه و رشته مرتبط نیست، هرچند ما در حال حاضر در حوزه‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی‌مهندسی با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم، چون گروه‌های علوم پزشکی متقاضی بیشتری دارند. اما تقسیم‌بندی صندلی خالی ربطی به گروه و رشته ندارد و بیشتر بر اساس رشته‌محل هستند. رشته‌محل یعنی ما یک رشته در دانشگاه صنعتی شریف داریم که تمام صندلی‌های آن پر می‌شود، اما همان رشته در دانشگاهی واقع در شهرستان پر نمی‌شود. در اینجا نمی‌توانیم بگوییم که ظرفیت رشته خالی مانده، بلکه رشته‌محل به تعداد کافی پر نشده است.»

> در حال حاضر شورای گسترش آموزش عالی مدل تخصیص ظرفیت به دانشگاه‌ها را پیشنهاد کرده تا بتواند مسأله صندلی خالی را به نحوی حل کند که بر اساس این مدل، اصلاحاتی در این بخش انجام خواهد شد

کاهش جمعیت یکی از دلایل ظهور صندلی‌های خالی

برش

او درباره ریشه اصلی صندلی‌های خالی می‌گوید: «عوامل مختلفی مانند کاهش جمعیت، کاهش جذابیت دانشگاه و بازار کار می‌تواند در بروز صندلی‌های خالی مؤثر باشد و اینها عوامل چندبعدی هستند. به طور مثال موضوع جمعیت‌شناختی در اینجا خیلی مطرح است، جمعیت ورودی به دانشگاه‌ها کاهش پیدا کرده و این کاهش نیز ادامه‌دار است. یک دوره‌ای بیش از یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در کنکور شرکت می‌کردند، اما در حال حاضر شرایط فرق کرده و حتی ذائقه دانشجویان هم عوض شده است. پس لازم است دانشگاه برنامه آموزشی خود را تغییر بدهد. کاهش دوره‌های تحصیلی در جهان یک امر فراگیر شده و اغلب دانشگاه‌های خوب در حال رفتن به سمت آموزش‌های ترکیبی و استفاده از ظرفیت‌های هوش مصنوعی هستند.» مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم توضیح می‌دهد: «طبق مطالعات دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، مهم‌ترین عامل در افزایش جذابیت رشته تحصیلی، بازار کار و جایگاه اجتماعی آنهاست، البته جایگاه اجتماعی زاییده بازار کار است که باید در این زمینه هم برنامه‌ریزی لازم انجام شود، یعنی وزارت علوم باید به مسأله تطبیق اشتغال و گسترش رشته‌ها دقت کند. در برخی موارد آنقدر رشته‌ها گسترش پیدا کرده‌اند که همین گسترش بی‌اندازه باعث شده آن رشته جذابیتش را از دست بدهد.» نقی‌زاده درباره این موضوع که آیا صندلی خالی به معنی افت کیفیت یا اعتبار مدرک است، می‌گوید: «این موضوع به نوع مواجهه ما با بحث صندلی‌های خالی بستگی دارد. در برخی موارد وجود صندلی خالی اجتناب‌ناپذیر است، اما اگر بتوانیم دانشجوی بین‌الملل را به‌خوبی مدیریت کنیم، می‌توانیم تا حد زیادی با استفاده از دانشجوهای خارجی، مسأله صندلی خالی را حل کنیم. اما اگر صندلی خالی ادامه پیدا کند، می‌تواند حتی افت اعتبار مدارک دانشگاهی را نیز در پی داشته باشد.»

نبود صندلی خالی در دانشگاه‌های برتر

دانشگاه‌های برتر کشور به دلیل متقاضی زیاد، صندلی خالی ندارند. نقی‌زاده می‌گوید: «معمولاً دانشگاه‌های برتر ما در دوره‌های روزانه هیچ صندلی خالی ندارند، اما همین هم به این معنی نیست که تمام ظرفیت آن رشته‌ها پر می‌شود، بلکه رشته‌محل‌ها با توجه به جذابیت‌های دانشگاه و منطقه، مورد تقاضای دانشجویان قرار می‌گیرد.»
او درباره اینکه آیا صندلی خالی را می‌توان به عنوان چالش آموزش عالی تلقی کرد، توضیح می‌دهد: «بله این یک چالش است. در اینجا دوباره به همان تعریفی که از صندلی خالی داشتم، اشاره می‌کنم. وقتی متقاضی باکیفیتی برای صندلی‌های خالی دانشگاه‌ها وجود ندارد، با چالش‌های زیادی مواجه خواهیم شد که یا به خاطر مشروط شدن‌های متوالی منجر به اخراج دانشجو می‌شود یا تزریق نیروی بی‌استعداد به بازار کار را در پی دارد. بنابراین باید یک اصلاح اساسی در نظام سنجش و پذیرش دانشجو در کشور داشته باشیم تا بتوانیم افراد باکیفیت‌تر و مستعدتر را به دانشگاه‌ها فرابخوانیم. متأسفانه نظام سنجش و پذیرش ما این مشکل کلیدی را دارد و باید سریع‌تر این مشکل حل شود.»
نقی‌زاده در پاسخ به این سؤال که افزایش ظرفیت خالی تا چه اندازه می‌تواند منجر به افت استانداردهای پذیرش و ورود افراد بدون آمادگی لازم به دانشگاه شود، می‌گوید: «این موضوع به طور مستقیم روی کاهش استانداردها تأثیر می‌گذارد، کما اینکه همین حالا تأثیر خود را گذاشته است.»

چرخ صنعت دارو میان فشار ارز، بسته‌بندی و تأمین مالی سخت می‌چرخد

هفت پیشنهاد برای حفظ جریان تولید دارو

گزارش تازه‌ای که توسط معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی اتاق تهران تهیه شده تصویری اقتصادی از یکی از حساس‌ترین زنجیره‌های تولیدی کشور یعنی «صنعت دارو» ارائه می‌دهد؛ زنجیره‌ای که تنها به کارخانه‌های داروسازی محدود نیست و از صنایع شیمیایی، پتروشیمی، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، خدمات مالی، واردات مواد اولیه، شبکه توزیع و نظام قیمت‌گذاری اثر می‌پذیرد.

گزارش

گروه اقتصادی

صنعت دارو پیش از جنگ تحمیلی اخیر نیز با مجموعه‌ای از چالش‌های ارزی، نقدینگی، قیمت‌گذاری و تأمین مواد اولیه مواجه بود، اما در سه ماه گذشته اهمیت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، تأمین سریع نقدینگی، تسهیل واردات و بازآرایی شبکه توزیع بیش از گذشته آشکار شده است.

نکته مهم آن است که مسأله دارو فقط یک موضوع درمانی نیست؛ بلکه یک مسأله اقتصادی، صنعتی و امنیتی است. هر اختلال در این زنجیره می‌تواند هم تولیدکنندگان را تحت فشار قرار دهد و هم دسترسی مردم به داروهای ضروری را با مشکل مواجه کند. از همین رو، پیشنهادهای گزارش بیشتر ناظر بر حفظ تولید، جلوگیری از توقف خطوط دارویی و تقویت تاب‌آوری زنجیره تأمین است.

دارو؛ صنعتی وابسته به چند زنجیره دیگر

یکی از بخش‌های مهم گزارش، بررسی پیوندهای ساختاری صنعت دارو با سایر بخش‌های اقتصاد ایران است. بر اساس جدول داده-ستانده سال ۱۴۰۰ بانک مرکزی، تولید دارو وابستگی قابل توجهی به صنایع شیمیایی دارد. ضریب پیوند پیشین تولید دارو با بخش «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» برابر با ۰.۲۲۳ اعلام شده است. معنای این عدد آن است که بیش از ۲۲ درصد نهاده‌های مستقیم تولید دارو از صنایع شیمیایی تأمین می‌شود. بنابراین اگر در تولید مواد شیمیایی، پتروشیمی، حلال‌های دارویی یا مواد واسطه‌ای اختلال ایجاد شود، اثر آن به سرعت به صنعت دارو منتقل خواهد شد.

پس از صنایع شیمیایی، بخش‌های دیگری نیز در زنجیره دارو نقش مهم دارند. طبق گزارش، ضریب وابستگی صنعت دارو به تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی ۰.۰۵۴۸ و به تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی ۰.۰۴۸۱ است. این ارقام نشان می‌دهد بسته‌بندی در صنعت دارو صرفاً یک موضوع ظاهری یا تجاری نیست، بلکه بخشی از فرآیند تحویل ایمن دارو به بیمار است.

به بیان ساده، حتی اگر ماده مؤثره دارویی در کشور موجود باشد، کمبود فویل آلومینیوم، شیشه، بلیستر، مقوا، پلیمرهای بسته‌بندی یا اقلام استاندارد می‌تواند مانع خروج محصول نهایی از کارخانه شود.

هزینه بالای تحقیق و توسعه در صنعت دارو

در بخش زنجیره ارزش دارو باید به این موضوع اشاره کرد که صنعت داروسازی، صنعتی زمان‌بر و سرمایه‌بر است. در سطح جهانی، برآوردها نشان می‌دهد تولید هر داروی موفق در مرحله تحقیق و توسعه، به طور میانگین حدود ۲.۵ میلیارد دلار هزینه دارد. همچنین مرحله توسعه بالینی و اخذ تأییدیه‌های رگولاتوری می‌تواند حدود ۶ تا ۷ سال زمان ببرد و نزدیک به دو سوم هزینه‌های تولید دارو را شامل شود. این ارقام نشان می‌دهد آسیب به مراکز تحقیق و توسعه یا شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه دارو، فقط یک خسارت فیزیکی نیست، بلکه می‌تواند جریان دانش فنی، انتقال فناوری و توسعه محصولات جدید را نیز تحت تأثیر قرار دهد. از این زاویه، حفظ توان تحقیق و توسعه داخلی در شرایط جنگی، یکی از ارکان اصلی امنیت دارویی کشور محسوب می‌شود.

> بیش از ۲۲ درصد نهاده‌های مستقیم تولید دارو از صنایع شیمیایی تأمین می‌شود. بنابراین اگر در تولید مواد شیمیایی، پتروشیمی، حلال‌های دارویی یا مواد واسطه‌ای اختلال ایجاد شود، اثر آن به سرعت به صنعت دارو منتقل خواهد شد.

تجارت دارو؛ وابستگی به چند مسیر و چند کشور

بخش دیگری از گزارش به تحلیل تجارت خارجی دارو اختصاص دارد. این تحلیل بر دو فصل اصلی متمرکز است: فصل ۲۹ شامل مواد شیمیایی آلی، مواد اولیه و حدواسط‌های تولید، و فصل ۳۰ شامل محصولات دارویی نهایی، واکسن‌ها، آنتی‌سرم‌ها و داروهای آماده مصرف.

در سمت صادرات مواد شیمیایی آلی، ایران در سال ۲۰۲۳ صادرات قابل توجهی داشته است. طبق داده‌های گزارش، صادرات متانول ایران بیش از ۲ میلیارد و ۵۹ میلیون دلار و صادرات اتیلن گلیکول حدود ۴۵۲ میلیون دلار بوده است. با این حال، تمرکز بالای این صادرات بر بازار چین، یک ریسک تجاری محسوب می‌شود. گزارش تأکید می‌کند که در برخی اقلام، وابستگی صادراتی به بازار چین بین ۸۳ تا ۱۰۰ درصد است. در حوزه صادرات دارویی، آنتی‌سرم‌ها و فرآورده‌های خونی با حدود ۵۸ میلیون دلار صادرات، مهم‌ترین قلم صادراتی ایران بوده‌اند. همچنین صادرات سایر داروهای خرده‌فروشی حدود ۴۹ میلیون دلار ثبت شده که عمدتاً به بازارهای منطقه‌ای مانند سوریه، افغانستان و عراق اختصاص داشته است.

این ارقام نشان می‌دهد ایران در حوزه تولید دارو و برخی فرآورده‌های زیستی ظرفیت صادراتی دارد، اما توسعه بازارهای جدید و کاهش تمرکز جغرافیایی می‌تواند تاب‌آوری تجاری کشور را افزایش دهد.

واردات دارو و مواد اولیه نقاط حساس زنجیره

گزارش در بخش واردات، نقاط آسیب‌پذیرتری را نشان می‌دهد. در حوزه مواد شیمیایی آلی، واردات «سایر آنتی‌بیوتیک‌ها» در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۲۳ میلیون دلار بوده که بیش از ۶۰ درصد آن از چین تأمین شده است. این عدد نشان می‌دهد تولید داخلی برخی داروهای مهم، همچنان به جریان مستمر واردات مواد اولیه وابسته است.

در حوزه داروهای نهایی نیز واردات «سایر داروهای خرده‌فروشی» حدود ۴۴۵ میلیون دلار گزارش شده است. واردات داروهای حاوی هورمون‌ها نیز حدود ۲۰۶ میلیون دلار و واردات آنتی‌سرم‌ها و فرآورده‌های خونی نزدیک به ۱۹۸ میلیون دلار بوده است. همچنین واردات داروهای حاوی انسولین حدود ۹۴ میلیون دلار اعلام شده که طبق گزارش، ۶۲ درصد نیاز کشور در این بخش از دانمارک تأمین می‌شود. این داده‌ها نشان می‌دهد هرچند صنعت داروی ایران در بسیاری از اقلام توان تولید داخلی دارد، اما در داروهای حیاتی، فناوری‌های پیشرفته، انسولین، هورمون‌ها، واکسن‌ها و برخی مواد اولیه حساس، همچنان نیازمند مدیریت دقیق واردات و ذخیره‌سازی هوشمند است.

نقش امارات و بندر جبل‌علی در زنجیره تأمین

یکی از محورهای مهم گزارش، نقش امارات متحده عربی به عنوان هاب لجستیکی واردات دارو و مواد اولیه به ایران است. گزارش تأکید می‌کند که امارات در بسیاری از اقلام، تولیدکننده اصلی نیست، بلکه نقش دروازه ورود کالا به ایران را ایفا می‌کند.

با مسدود شدن یا اختلال در مسیر جبل‌علی، شرکت‌های دارویی ناچار به استفاده از مسیرهای جایگزین مانند عمان، چابهار یا مسیرهای آسیای میانه می‌شوند. این تغییر مسیر، به گفته گزارش، می‌تواند هزینه حمل‌ونقل را بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش دهد.

این افزایش هزینه برای صنعت دارو اهمیت زیادی دارد، زیرا بسیاری از داروها و مواد اولیه دارای تاریخ انقضای محدود یا نیازمند زنجیره سرد هستند. در چنین شرایطی، طولانی شدن مسیر حمل‌ونقل می‌تواند ریسک فساد کالا، افزایش هزینه انبارداری و فشار بیشتر بر نقدینگی شرکت‌ها را به همراه داشته باشد.

فشار هزینه‌ای بر تولیدکنندگان دارو

گزارش اتاق تهران می‌گوید صنعت دارو پیش از جنگ نیز با فشار هزینه‌ای قابل توجهی روبه‌رو بود. تغییرات ارزی، افزایش هزینه مواد اولیه، رشد قیمت بسته‌بندی، افزایش هزینه‌های جانبی و فاصله میان قیمت تمام‌شده و قیمت‌گذاری رسمی، بنگاه‌های دارویی را در وضعیت دشواری قرار داده بود.

برآورد فعالان صنعت دارو نشان می‌دهد در سال جدید، بجز حقوق و دستمزد، هزینه‌های تولید بیش از ۱۴۰ درصد رشد داشته است. این رشد عمدتاً ناشی از تغییر نرخ ارز نهاده‌ها، افزایش قیمت مواد شیمیایی، بسته‌بندی و هزینه‌های لجستیکی است.

در چنین وضعیتی، اگر نظام قیمت‌گذاری متناسب با تغییرات هزینه‌ای اصلاح نشود، امکان دارد برخی خطوط تولید با کاهش صرفه اقتصادی مواجه شوند. البته راهکار پیشنهادی گزارش، آزادسازی بی‌ضابطه نیست، بلکه اصلاح مرحله‌ای قیمت‌ها همراه با حمایت از بیماران و مدیریت نقدینگی تولیدکنندگان است.

راهکار پیشنهادی: اجرای سیاست ۱۰-۹۰

گزارش برای عبور از این وضعیت، مجموعه‌ای از راهکارهای اجرایی پیشنهاد می‌دهد. اولین پیشنهاد، تعیین یک مدیر بحران در سازمان غذا و دارو یا وزارت بهداشت است؛ مدیری که بتواند میان بانک مرکزی، گمرک، وزارت صمت، سازمان غذا و دارو و سایر نهادهای مرتبط هماهنگی ایجاد کند.

پیشنهاد دوم، اصلاح قیمت دارو در دو مرحله است؛ مرحله اول برای جبران هزینه‌های اعمال‌نشده سال قبل و مرحله دوم برای پوشش هزینه‌های جدید ناشی از ارز، تورم و دستمزد. همچنین برای کالاهایی که ارز ترجیحی دریافت نمی‌کنند، گزارش پیشنهاد می‌دهد قیمت‌گذاری منعطف‌تر شود.

یکی از مهم‌ترین پیشنهادهای اقتصادی گزارش، اجرای سیاست ۱۰-۹۰ است. بر اساس این پیشنهاد، شرکت‌های دارویی در زمان ثبت سفارش فقط ۱۰ درصد مبلغ را پرداخت کنند و ۹۰ درصد باقی‌مانده را شش ماه بعد و با نرخ زمان تخصیص ارز تسویه کنند. هدف از این سیاست، کاهش فشار نقدینگی و کمک به سرمایه در گردش شرکت‌های دارویی است. همچنین گزارش پیشنهاد می‌دهد پرداخت حق بیمه سهم کارفرما و مالیات شرکت‌های دارویی به مدت ۶ ماه به تعویق بیفتد. به برآورد فعالان صنعت، تعویق حق بیمه می‌تواند ۲۰ تا ۳۰ درصد از فشار هزینه‌ای شرکت‌ها را کاهش دهد.

دارو نیازمند حکمرانی زنجیره‌ای است

اگر این بسته سیاستی با سرعت و هماهنگی اجرا شود، صنعت داروی ایران می‌تواند از شرایط پرریسک فعلی عبور کند و حتی با تکیه بر ظرفیت تولید داخلی، شبکه شرکت‌های دانش‌بنیان و تجربه عبور از بحران، تاب‌آوری بیشتری در برابر شوک‌های آینده به دست آورد.

جمع بندی

برش

گزارش اتاق تهران نشان می‌دهد صنعت دارو را نمی‌توان فقط از زاویه کارخانه داروسازی تحلیل کرد. این صنعت به ارز، گمرک، حمل‌ونقل، پتروشیمی، بسته‌بندی، شبکه بانکی، توزیع، قیمت‌گذاری و تجارت خارجی متصل است.

از همین رو، حفظ تولید دارو در شرایط جنگی و پساجنگ، نیازمند حکمرانی زنجیره‌ای است؛ یعنی تصمیم‌گیری هماهنگ میان دستگاه‌ها، تأمین نقدینگی، اصلاح تدریجی قیمت‌ها، تنوع‌بخشی به مسیرهای واردات، تسویه بدهی‌های انباشته و حمایت از تولیدکنندگان داخلی.

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۵/۸۸۰۰/۱۱ تک مرحله‌ای

بانک قرض‌الحسنه مهر ایران

بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در نظر دارد، نسبت به تهیه مطبوعات مصرفی بانک از طریق برگزاری مناقصه عمومی تک مرحله‌ای اقدام نماید.

۱ **مهلت دریافت اسناد مناقصه**، حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

۲ **مهلت تحویل پاکت‌ها**، حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ و به آدرس تهران، خیابان میرزای شیرازی، نبش کوچه شهدا، پلاک ۲۲۷، طبقه ۴ دبیرخانه مناقصات و مزایدات بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، می‌باشد.

۳ متقاضیان جهت دریافت اوراق مناقصه باید نسبت به واریز مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب ۲-۲۹۵۴۳۷-۷۱۰-۳۰۰۱، شماره شبای IR۱۶۰۶۰۰۳۰۰۱۷۱۰۰۰۲۹۵۴۳۷۰۰۲ از طریق شعب بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، به‌نام اداره کل تدارکات و پشتیبانی اقدام کرده و اصل رسید آن را هنگام دریافت اوراق تحویل دبیرخانه مناقصه و مزایده دهند (مبلغ مذکور به هیچ عنوان عودت داده نخواهد شد).

۴ هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه است.

۵ **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، دارای شماره ثبت ۳۱۲۱۸۱، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۹۸۶۸، کد اقتصادی: ۴۱۱۳۱۹۸۹۳۸۹۸، کدپستی: ۱۵۸۱۷۷۳۱۱۱، به نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نرسیده به تقاطع مفتح، نبش کوچه مژدهی، پلاک ۲۰۴

۶ بر این اساس متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه، با در دست داشتن معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر و همچنین مطابق با شرایط فوق به دبیرخانه مناقصه و مزایده خیابان میرزای شیرازی، نبش کوچه شهدا، پلاک ۲۲۷، طبقه ۴ مراجعه فرمایند.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه)

نوبت دوم

بیمه ایران

شرکت سهامی بیمه ایران در نظر دارد نسبت به خرید سه دستگاه منبع ذخیره ساز برای شرکت سهامی بیمه ایران از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای اقدام نماید.

از شرکت‌های تأمین‌کننده که دارای گواهی‌نامه و تأییده صلاحیت از مراجع ذیصلاح دعوت می‌شود حداکثر تا ساعت ۱۲روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۱ جهت دریافت فایل الکترونیکی شرایط شرکت در مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) مراجعه و پس از تکمیل مدارک و اسناد درخواستی و بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیک، نسبت به تحویل پاکت‌های پیشنهاد خود حداکثر تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ به دبیرخانه کمیسیون معاملات این شرکت واقع در خیابان ملاصدرا، شیرازجنوبی، برزیل غربی شماره ۵۱ ساختمان شرکت سهامی بیمه ایران طبقه ششم اقدام و رسید اخذ نمایند.

شماره مناقصه ثبت شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۵۰۰۱۰۳۸۰۰۰۰۱۲

دبیرخانه کمیسیون معاملات

آگهی مناقصه عمومی

سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس ARAS FREE ZONE

نوبت دوم

ساخت پل باند دوم اتصال جاده هادیشهر به میدان استاد مولایی و اصلاح هندسی باند موجود

سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۲۱۷۵۰۰۰۰۰۳۹

اطلاعات بیشتر: arasfz.ir

آگهی اصلاحیه مناقصه عمومی صنایع شهید شاهمرادی اصفهان

در مناقصه ۱۴۰۵/۱۰۰/۲۸ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ چاپ گردیده بازسازی و تعمیر اتوبوس شهری چاپ گردیده است که به بازسازی و تعمیر اتوبوس بین‌شهری اصلاح می‌گردد.

روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

(همراه با ارزیابی کیفی) شماره ۱/ع/۱۴۰۵

نوبت دوم

بانک کشاورزی

مدیریت امور شعب بانک کشاورزی در منطقه دو تهران در نظر دارد براساس قانون برگزاری مناقصات و بنابر آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون مذکور؛ نسبت به تجدید برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی؛ از طریق تأمین‌کنندگان صاحب صلاحیت و دارای سوابق کاری درخصوص موضوع مناقصه در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تحت شماره ۲۰۰۵۰۰۱۰۲۴۰۰۰۰۲۳ به‌شرح ذیل اقدام نماید:

۱ **نام و نشانی مناقصه‌گزار:** مدیریت شعب بانک کشاورزی در منطقه ۲ تهران؛ به آدرس: تهران - خیابان ستارخان - نبش خیابان حبیب‌اللهی

۲ **موضوع مناقصه:** امورمربوط به پول‌گذاری پول رسانی نگهداری و نظافت تعداد ۱۴۲ دستگاه خود پرداز خارج شعبه‌ای بانک کشاورزی

۳ **مدت و محل اجرا:** محل و مدت انجام کار به‌شرح اسناد مناقصه می‌باشد.

۴ **مبلغ برآورد مناقصه:** ۱۸۱/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۵ **نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** یک فقره ضمانت‌نامه بانکی (به غیر از بانک کشاورزی) دارای حداقل ۳ ماه اعتبار و یا واریز وجه به‌حساب شماره IR ۹۴۰۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۰۵۱۰۹۶۹۳۲ به مبلغ ۹/۰۶۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال (نه میلیارد و شصت و دو میلیون و پانصد هزار ریال) به‌نام بانک کشاورزی.

۶ **نحوه دریافت اسناد استعلام:** کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی، از تأمین‌کنندگان صاحب صلاحیت که حداقل امتیاز کیفی لازم را کسب نموده باشند جهت حضور درجلسه گشایش پاکات دعوت به‌عمل خواهد آمد. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱

۷ **مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه:** تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ لغایت ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ می‌باشد.

۸ **مهلت ارسال و بارگذاری اسناد:** از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ لغایت ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ می‌باشد.

۹ **محل و تاریخ بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی:** ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ در محل سالن جلسات در نشانی مناقصه‌گزار می‌باشد.

۱۰ **محل و تاریخ بازگشایی اسناد الف، ب و ج درخصوص متقاضیانی که ارزیابی کیفی ایشان تأیید گردیده است:** ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ در محل سالن جلسات در نشانی مناقصه‌گزار می‌باشد.

۱۱ اعلام برنده پس از تأیید فرآیند مناقصه توسط کمیسیون معاملات بانک می‌باشد.

۱۲ **هزینه فروش اسناد مناقصه** ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال در وجه بانک کشاورزی به‌شماره حساب IR ۹۴۰۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۰۵۱۰۹۶۹۳۲ یا شماره حساب مندرج در سامانه ستاد به‌نام بانک کشاورزی می‌باشد.

۱۳ مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهاد مختار است.

۱۴ درصورت انصراف برنده اول پس از انعقاد قرارداد؛ سپرده ایشان به نفع مناقصه‌گزار ضبط خواهد شد.

۱۵ هزینه چاپ و نشر آگهی مناقصه (نوبت اول و دوم) به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۱۶ سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است.

۱۷ متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۶۶۵۵۴۶۴۷-۰۲۱ واحد خدمات تماس حاصل نموده و یا به پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانی اینترنتی http://iets.mporg.ir مراجعه فرمایند.

یادداشت

نوید پاک‌نژاد
پژوهشگر مسکن

ماده ۱۲ قانون ساماندهی؛ راهبردی برای آزادسازی ظرفیت زمین شهری

بازار زمین و مسکن در کشور طی سال‌های اخیر با چالش‌های گسترده‌ای از جمله کاهش عرضه مؤثر زمین شهری، رشد سوداگری، افزایش غیرمتعارف قیمت زمین، کاهش توان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و افت ساخت‌وساز مواجه بوده است. در این میان، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تشدید چالش مسکن و اجاره، حبس و عدم عرضه بخش قابل‌توجهی از اراضی دارای قابلیت ساخت در محدوده شهرهاست؛ اراضی‌ای که به‌رغم برخورداری از زیرساخت، خدمات شهری و قابلیت توسعه، سال‌ها بدون بهره‌برداری باقی مانده‌اند و در عمل از چرخه تولید مسکن خارج شده‌اند. در همین راستا، قانونگذار با تصویب ماده ۱۲ قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها، تلاش کرده است از طریق ایجاد سازوکارهای بازدارنده و تنظیم‌گر، اراضی بلااستفاده و راکد شهری را به چرخه عرضه، سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز بازگرداند. این ماده را می‌توان یکی از ابزارهای سیاستی کشور در جهت مقابله با احتکار زمین، تحریک تولید مسکن و توسعه متوازن شهری دانست.

وضعیت اراضی بلااستفاده شهری و ضرورت مداخله سیاستی

بر اساس گزارش‌ها و برآوردهای کارشناسی، در برخی شهرهای کشور بخش قابل‌توجهی از اراضی واقع در محدوده شهری همچنان بلااستفاده، بایر یا خارج از چرخه ساخت‌وساز باقی مانده‌اند. در برخی برآوردها حتی سهم اراضی راکد و فاقد بهره‌برداری در بعضی شهرها تا حدود ۲۰ درصد نیز عنوان شده است. این مسأله نشان می‌دهد بخش مهمی از ظرفیت توسعه شهری در عمل به دلیل انگیزه‌های سوداگری، انتظار تورمی و نبود هزینه مؤثر برای نگهداری زمین، از چرخه تولید و عرضه خارج شده است. نمونه کلان‌شهر مشهد نشان می‌دهد مسأله کمبود زمین لزوماً به معنای فقدان اراضی شهری نیست؛ به‌طوری‌که حدود ۳۳۰۰ هکتار اراضی خالی، معادل نزدیک به ۱۰ درصد از محدوده شهر، همچنان خارج از چرخه مؤثر عرضه قرار دارد. این اراضی که در مالکیت‌های متنوع دولتی و خصوصی قرار دارند، ظرفیت قابل‌توجهی برای افزایش عرضه زمین و مسکن درون‌شهری ایجاد می‌کنند. ادامه این روند موجب کاهش مصنوعی عرضه زمین شهری، افزایش قیمت اراضی، محدود شدن فرصت‌های سرمایه‌گذاری مولد و تشدید بحران دسترسی خانوارها به مسکن شده است. برآوردهای سناریومحور نشان می‌دهد فعال‌سازی تنها ۵ تا ۱۰ درصد از اراضی خالی و بلااستفاده در محدوده شهرها می‌تواند ظرفیت ایجاد چند میلیون واحد مسکونی جدید را فراهم کند؛ ظرفیتی که نشان می‌دهد مسأله اصلی بازار مسکن صرفاً کمبود زمین نیست، بلکه قفل شدن و غیرفعال بودن بخشی از اراضی شهری است.

آثار اقتصادی اجرای ماده ۱۲ بر بازار زمین و مسکن

یکی از مهم‌ترین آثار اجرای این قانون، افزایش عرضه زمین‌های باکیفیت شهری است. بخش عمده‌ای از اراضی بلااستفاده موجود، در محدوده‌هایی قرار دارند که دارای دسترسی مناسب، زیرساخت شهری، شبکه خدمات عمومی و قابلیت توسعه سریع هستند. ورود این اراضی به چرخه عرضه، موجب کاهش فشار بر توسعه افقی شهرها و افزایش بهره‌وری از زیرساخت‌های موجود خواهد شد. از آنجا که صنعت ساختمان دارای پیوند گسترده با ده‌ها صنعت و بخش اقتصادی است، رونق ساخت‌وساز ناشی از اجرای دقیق ماده ۱۲ می‌تواند آثار گسترده‌ای بر رشد اقتصادی، اشتغال و گردش مالی در اقتصاد شهری داشته باشد. اعمال عوارض بر زمین‌های بلااستفاده، هزینه احتکار را افزایش داده و انگیزه نگهداری غیرمولد زمین را کاهش می‌دهد. این اقدام در میان‌مدت می‌تواند موجب افزایش عرضه، تعدیل قیمت زمین و کاهش فشار بر بازار مسکن و اجاره شود. ورود اراضی راکد به چرخه ساخت‌وساز موجب افزایش بهره‌وری زمین شهری، بهبود توزیع خدمات، ارتقای کارایی زیرساخت‌ها و کاهش هزینه توسعه شهرها خواهد شد.

اهمیت منابع حاصل از عوارض ماده ۱۲ در توسعه شهری و مسکن استیجاری

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این قانون، پیش‌بینی سازوکار هدفمند برای مصرف منابع حاصل از عوارض اراضی بلااستفاده است. برخلاف بسیاری از درآمدهای عمومی، این منابع مستقیماً در خدمت توسعه شهری و سیاست‌های حمایتی بخش مسکن قرار می‌گیرد. مطابق قانون، ۷۰ درصد منابع حاصل از این عوارض به شهرداری‌ها اختصاص می‌یابد و به‌طور ویژه مطابق با نص صریح قانون، شهرداری‌ها مکلفند درآمد حاصل از این حکم را صرفاً در حوزه توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری، بازسازی بافت فرسوده و توسعه کاربری‌های عمومی مصرف کنند. در واقع منابع ناشی از عدم عرضه زمین، مجدداً در همان شهر هزینه شده و صرف عمران، آبادانی و توسعه شهری می‌شود.

۳۰ درصد دیگر منابع نیز به صندوق ملی مسکن اختصاص می‌یابد تا در اجرای سیاست‌های حمایتی حوزه مسکن مورد استفاده قرار گیرد. این منابع می‌بایست توسط وزارت راه و شهرسازی بابت توسعه مسکن استیجاری یا پرداخت کمک‌هزینه اجاره‌بها به گروه‌های جمعیتی آسیب‌پذیر حوزه مسکن تخصیص یابد. بنابراین حتی در شرایطی که برخی مالکان از عرضه زمین خودداری کنند، منابع حاصل از عوارض دریافتی مجدداً در جهت تنظیم بازار مسکن، حمایت از خانوارها و تقویت سیاست‌های اجتماعی بخش مسکن به کار گرفته خواهد شد. این منابع در آینده می‌تواند نقش مهمی در توسعه مسکن استیجاری عمومی و حمایتی ایفا کند.

الزامات نهادی و اجرایی برای موفقیت ماده ۱۲

تحقق اهداف این قانون نیازمند اجرای دقیق، شفاف و هوشمندانه آن در سطح ملی و محلی است. ایجاد بانک اطلاعات جامع اراضی شهری، شفاف‌سازی وضعیت مالکیت و بهره‌برداری، اتصال سامانه‌های شهرداری‌ها، سازمان ثبت اسناد و وزارت راه و شهرسازی و شناسایی دقیق اراضی مشمول، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اجرای موفق این سیاست محسوب می‌شود. همچنین لازم است در کنار ابزارهای بازدارنده، سیاست‌های تشویقی برای توسعه و ساخت‌وساز نیز مورد توجه قرار گیرد. تسهیل فرآیند صدور پروانه ساختمانی، کاهش بوروکراسی، تسریع پاسخگویی دستگاه‌ها و حمایت‌های جدی از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساخت مساکن استطاعتی، می‌تواند انگیزه ورود اراضی به چرخه توسعه با تحقق چند هدف را در پساجنگ افزایش دهد. ضروری است شهرداری‌ها و دستگاه‌های اجرایی از نگاه صرفاً درآمدی به این قانون پرهیز کرده و هدف اصلی آن را فعال‌سازی زمین، افزایش عرضه، رونق ساخت‌وساز و کمک به تعادل بازار مسکن تلقی کنند. موفقیت واقعی این سیاست زمانی محقق می‌شود که سهم اراضی راکد کاهش یابد و ظرفیت‌های بلااستفاده شهری به چرخه تولید و توسعه بازگردد.

خانه‌ها چگونه به بازیگر بهره‌وری تبدیل می‌شوند؟

ابزارهای کوچک، صرفه‌جویی بزرگ

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

با افزایش فشار بر منابع آب و برق، سیاست مدیریت مصرف در بخش خانگی از توصیه‌های کلی عبور کرده و به سمت استفاده از ابزارهای اقتصادی، فناوری‌های هوشمند و نوسازی تجهیزات کم‌بازده حرکت کرده است. تعیین الگوی مصرف ۱۲ مترمکعبی آب برای هر واحد مسکونی در تهران، تخفیف ۲۰ تا ۳۰ درصدی برای مشترکان کم‌مصرف یا استفاده‌کنندگان از تجهیزات کاهنده، نصب ۷ هزار کنتور هوشمند آب در تهران و شناسایی ۲۲ میلیون کولر آبی برای اجرای طرح‌های بهینه‌سازی، نشان می‌دهد مدیریت مصرف دیگر صرفاً به معنای محدودیت نیست، بلکه به مسیری برای افزایش بهره‌وری بدون کاهش رفاه خانوار تبدیل شده است. مسأله آب و برق در بخش خانگی، امروز یک نقطه مشترک دارد؛ مصرف باید مدیریت شود، اما نه از مسیر کاهش آسایش مردم. رویکرد تازه در دو صنعت آب و برق بر این اصل استوار است که با همان سطح خدمات و رفاه، می‌توان مصرف را هوشمندتر، تجهیزات را پربازده‌تر و هزینه خانوار و شبکه را کمتر کرد. به همین دلیل، ترکیب تعرفه‌گذاری پلکانی، مشوق‌های اقتصادی، کنتورهای هوشمند، تجهیزات کاهنده مصرف، بازچرخانی آب و نوسازی وسایل سرمایشی، به محور تازه سیاست‌گذاری در حوزه بهره‌وری تبدیل شده است.

مصرف خانگی نقطه مشترک فشار بر آب و برق

بخش خانگی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مصرف آب و برق در کشور است. از یک‌سو، سرانه مصرف آب در کلان‌شهرها همچنان بالاست و از سوی دیگر، مصرف برق خانگی در ماه‌های گرم سال، به‌ویژه به دلیل استفاده گسترده از وسایل سرمایشی، فشار قابل توجهی به شبکه وارد می‌کند. در چنین شرایطی، صرفاً تکرار توصیه‌هایی مانند «صرفه‌جویی کنید» نمی‌تواند پاسخگوی ابعاد مسأله باشد.

مدیریت مصرف زمانی اثرگذار می‌شود که برای خانوارها قابل لمس باشد؛ یعنی مشترک بداند کاهش مصرف چه اثری بر قبض او دارد، چه ابزارهایی می‌تواند مصرف را کم کند و چگونه بدون تغییر محسوس در کیفیت زندگی، هزینه آب و برق خود را کاهش دهد. این همان نقطه‌ای است که سیاست‌های جدید آب و برق بر آن تمرکز کرده‌اند.

قبض ۷۰ هزار تومانی و مسأله بازدارندگی تعرفه آب

در حوزه آب، یکی از موضوعات مهم، تفاوت میان «سرانه تولید» و «سرانه مصرف» است.

محمداسماعیل محسنی‌نسب، معاون خدمات مشترکین و درآمد شرکت آب و فاضلاب استان تهران، در گفت‌وگو با «ایران» توضیح می‌دهد: «عددی که معمولاً درباره مصرف آب مطرح می‌شود، در واقع سرانه تولید آب است؛ یعنی آبی که به ازای هر نفر در شبکه تولید و توزیع می‌شود و بخشی از آن ممکن است در مسیر توزیع یا در قالب مصارف مختلف محاسبه شود. به همین دلیل، این عدد معمولاً از سرانه مصرف واقعی بیشتر است.»

او با تأکید بر اهمیت راهبردی آب می‌گوید: «آب امروز فقط یک مایع حیاتی نیست، بلکه کالایی راهبردی است که با تاب‌آوری کشور ارتباط مستقیم دارد. از این منظر، مدیریت مصرف آب نه فقط یک توصیه زیست‌محیطی، بلکه ضرورتی برای حفظ پایداری منابع و خدمات عمومی است.»

در تهران، الگوی مصرف آب برای هر واحد مسکونی ۱۲ مترمکعب در ماه تعیین شده که معادل حدود ۱۳۰ لیتر به ازای هر نفر در روز است. تا این میزان، تعرفه آب به صورت یارانه‌ای محاسبه می‌شود و برای مصرف بالاتر از الگو، افزایش پلکانی تعرفه در نظر گرفته شده است. با این حال، فاصله میان قیمت تمام‌شده تأمین آب و مبلغی که مشترکان پرداخت می‌کنند، باعث شده اثر بازدارندگی تعرفه‌ها همچنان محدود باشد. به گفته محسنی‌نسب، «میانگین قبض آب و فاضلاب برای یک واحد مسکونی زیر الگوی مصرف، حدود ۷۰ هزار تومان در ماه است؛ رقمی که برای بسیاری از خانوارها فشار جدی ایجاد نمی‌کند، بنابراین به‌تنهایی نمی‌تواند رفتار مصرفی را تغییر دهد. از همین رو، در کنار تعرفه پلکانی، استفاده از مشوق‌های اقتصادی و ابزارهای کاهنده مصرف اهمیت بیشتری پیدا کرده است.»

مشوق‌های آبفا برای کم‌مصرف‌ها

یکی از نکات مهم در سیاست‌های جدید آبفا، حرکت همزمان در دو مسیر تعرفه‌ای و تشویقی است. شرکت آب و فاضلاب تهران برای مشترکانی که در محدوده الگوی مصرف قرار دارند و بتوانند مصرف خود را کاهش دهند، مشوق در نظر گرفته است. بر اساس توضیحات معاون خدمات مشترکین و درآمد آبفای تهران، «اگر مشترکان در محدوده الگوی مصرف بتوانند مصرف خود را تا ۲۰ درصد کاهش دهند، مشمول ۲۰ درصد تخفیف در تعرفه آب می‌شوند. همچنین در صورت استفاده از تجهیزات و لوازم کاهنده مصرف آب، تا ۳۰ درصد تخفیف در قبض آنها اعمال خواهد شد.» این سیاست از آن جهت اهمیت دارد که مدیریت مصرف را صرفاً به تنبیه پرمصرف‌ها محدود نمی‌کند، بلکه برای مشترکان خوش‌مصرف نیز مزیت اقتصادی ایجاد می‌کند. به بیان دیگر، کاهش مصرف برای خانوار به یک رفتار قابل پاداش تبدیل می‌شود؛ رفتاری که هم به کاهش هزینه خانوار کمک می‌کند و هم فشار بر منابع آبی را کم می‌کند.

کاهش ۲۰ تا ۵۰ درصدی مصرف با تجهیزات ساده

بخش قابل توجهی از مصرف آب خانگی را می‌توان با ابزارهای ساده و کم‌هزینه مدیریت کرد. تجهیزات کاهنده مصرف مانند سرشیرهای کاهنده فشار، سردوش‌های کم‌مصرف، فلاش‌تانک‌های دو زمانه و ابزارهای کنترل جریان آب، از جمله راهکارهایی هستند که بدون کاهش جدی آسایش خانوار، مصرف را پایین می‌آورند.

محسنی‌نسب تأکید می‌کند: «تجربه استفاده از تجهیزات کاهنده نشان داده است که این ابزارها دست‌کم ۲۰ درصد کاهش مصرف به همراه دارند و در برخی موارد، میزان کاهش مصرف به ۳۰ تا ۵۰ درصد نیز رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد بخش مهمی از بهره‌وری آب در خانه‌ها نه از مسیر پروژه‌های بزرگ و پرهزینه، بلکه از طریق اصلاح تجهیزات روزمره و تغییرات کوچک اما فراگیر قابل تحقق است.» از نگاه شرکت آب و فاضلاب، کاهش مصرف به معنای کاهش درآمد نیست، بلکه به دلیل محدودیت منابع آبی، حفظ و ذخیره آب برای دوره‌های مختلف سال یک ضرورت است. این نگاه، مدیریت مصرف را از یک موضوع صرفاً مالی خارج کرده و آن را به مسأله پایداری منابع تبدیل می‌کند.

هدررفت ۹ درصدی و نقش کنتورهای هوشمند

مدیریت مصرف فقط به رفتار مشترکان محدود نمی‌شود. بخشی از بهره‌وری آب به وضعیت شبکه توزیع، نشت‌یابی، کنترل فشار، پایش مداوم و دقت کنتورها مربوط است. در ادبیات مدیریت آب، هدررفت به دو بخش واقعی و ظاهری تقسیم می‌شود. هدررفت واقعی شامل نشت‌ها، شکستگی لوله‌ها و خروج فیزیکی آب از شبکه است و هدررفت ظاهری به مواردی مانند خطای کنتور، مصارف محاسبه‌نشده یا انشعابات غیرمجاز مربوط می‌شود. به گفته محسنی‌نسب، «میزان هدررفت واقعی آب در شبکه تهران اکنون حدود ۹ درصد است. این عدد نسبت به گذشته کاهش یافته و نتیجه اقداماتی مانند نشت‌یابی، پایش شبکه و استفاده از سامانه‌های هوشمند است. با این حال، حتی یک درصد هدررفت نیز در شهری مانند تهران عدد قابل توجهی محسوب می‌شود، زیرا حجم آب توزیعی بسیار بالاست.» در همین راستا، شبکه توزیع آب تهران به تجهیزات اندازه‌گیری و کنتورهای هوشمند در سطح شبکه مجهز شده و حجم عبور آب در بخش‌های مختلف به‌صورت مستمر رصد می‌شود. همچنین نصب کنتورهای هوشمند برای مشترکان نیز در دستورکار قرار دارد و طبق برنامه، امسال حدود ۷ هزار کنتور هوشمند در تهران نصب خواهد شد. اولویت نصب این کنتورها با مشترکان پرمصرف است تا امکان پایش دقیق مصرف و ارسال هشدارهای لازم فراهم شود.

> مسأله آب و برق در بخش خانگی، امروز یک نقطه مشترک دارد؛ مصرف باید مدیریت شود، اما نه از مسیر کاهش آسایش مردم. رویکرد تازه در دو صنعت آب و برق بر این اصل استوار است که با همان سطح خدمات و رفاه، می‌توان مصرف را هوشمندتر، تجهیزات را پربازده‌تر و هزینه خانوار و شبکه را کمتر کرد

آب خاکستری ظرفیت تازه ساختمان‌ها

یکی دیگر از مسیرهای افزایش بهره‌وری آب در بخش خانگی، استفاده از سامانه‌های بازچرخانی آب یا همان آب خاکستری است. آب خاکستری شامل آب مصرفی در بخش‌هایی مانند روشویی، حمام یا شست‌وشوی مواد غذایی است که آلودگی زیادی ندارد و پس از تصفیه ساده می‌تواند در مصارف غیرشرب مانند آبیاری فضای سبز، شست‌وشوی سطوح یا فلاش‌تانک استفاده شود. محسنی‌نسب می‌گوید: «در قوانین و آیین‌نامه‌های موجود، استفاده از سامانه‌های بازچرخانی آب در ساختمان‌ها پیش‌بینی شده و برای اجرای این سامانه‌ها مشوق‌ها و تخفیف‌هایی در نظر گرفته شده است. توسعه این ظرفیت، به‌ویژه در مجتمع‌های بزرگ مسکونی، اداری و تجاری، می‌تواند فشار بر منابع آب شرب را کاهش دهد و بخشی از نیازهای غیرشرب را از مسیر بازچرخانی تأمین کند.»

عبور از توصیه صرفه‌جویی برق به مدیریت هوشمند

در حوزه برق نیز رویکرد تازه، عبور از توصیه‌های عمومی به سمت راهکارهای عملی است. محمد اله‌داد، مدیرعامل شرکت مادرتخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «فرهنگ‌سازی صرفاً با تکرار واژه صرفه‌جویی محقق نمی‌شود.» به گفته او، «مردم بیش از توصیه‌های کلی، به راهکارهای اجرایی، ابزارهای هوشمند و مشوق‌های ملموس نیاز دارند.» او تأکید می‌کند: «رویکرد صنعت برق از کاهش مصرف به معنای محدودسازی رفاه، به سمت مدیریت هوشمند مصرف تغییر کرده است. استفاده از کنتورهای هوشمند، توسعه سامانه‌های اطلاع‌رسانی، ارائه مشوق به مشترکان خوش‌مصرف، تعرفه‌گذاری پلکانی، ترویج تجهیزات پربازده و استفاده از فناوری‌های نوین، بخشی از همین رویکرد است.» اله‌داد معتقد است: «اغلب مردم با صنعت برق همراهی می‌کنند، اما انتظار دارند پیام‌های مدیریت مصرف با راه‌حل‌های روشن و قابل اجرا همراه باشد. هدف، صرفه‌جویی به معنای محروم کردن مردم از آسایش نیست، بلکه افزایش بهره‌وری انرژی است؛ یعنی خانوار بتواند با همان سطح رفاه، برق کمتری مصرف کند.»

۲۲ میلیون کولر آبی بازار بزرگ بهره‌وری انرژی

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های کاهش مصرف برق خانگی، به وسایل سرمایشی مربوط است. در بسیاری از شهرها، بخش قابل توجهی از مصرف برق در فصل گرم سال به کولرهای آبی و گازی اختصاص دارد. فرسودگی بخشی از این تجهیزات باعث شده نوسازی آنها به یکی از برنامه‌های مهم صنعت برق تبدیل شود. عبدالامیر یاقوتی، مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان توانیر، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین برنامه‌های بهینه‌سازی، تعویض کولرهای آبی قدیمی با نسل جدید موتورهای مجهز به فناوری BLDC است. این موتورها، که به عنوان موتورهای جریان مستقیم بدون جاروبک شناخته می‌شوند، به دلیل ساختار مغناطیسی و راندمان بالاتر، مصرف برق را کاهش و کارایی کولر را افزایش می‌دهند.» به گفته یاقوتی، «راندمان موتورهای جدید حدود ۴۰ درصد بیشتر از کولرهای قدیمی است. تاکنون حدود ۲۲ میلیون کولر آبی در کشور شناسایی شده که ظرفیت بزرگی برای اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف به شمار می‌رود. اگر این ظرفیت با سازوکارهای مالی و حمایتی مناسب فعال شود، می‌تواند هم به کاهش مصرف برق کمک کند و هم هزینه انرژی خانوارها را پایین بیاورد.»

سرمایه‌گذاری در صرفه‌جویی

نکته مهم در برنامه‌های جدید صنعت برق، ایجاد مدل اقتصادی برای بهینه‌سازی است. یاقوتی به ظرفیت قانونی «کاربر انرژی» اشاره می‌کند؛ سازوکاری که بر اساس آن سرمایه‌گذاران می‌توانند در پروژه‌های کاهش مصرف مشارکت کنند و از محل انرژی صرفه‌جویی‌شده، منابع مالی خود را تأمین کنند. به بیان ساده، صرفه‌جویی در مصرف برق دیگر فقط یک توصیه اخلاقی یا اجتماعی نیست، بلکه می‌تواند به یک بازار سرمایه‌گذاری تبدیل شود. سرمایه‌گذار با اجرای طرح‌هایی مانند تعویض موتور کولرهای آبی یا نوسازی تجهیزات سرمایشی، مصرف برق را کاهش می‌دهد و سپس از محل فروش انرژی صرفه‌جویی‌شده در بورس انرژی یا تابلوهای مرتبط، بازگشت سرمایه دریافت می‌کند. در مناطق جنوبی کشور نیز برنامه تعویض کولرهای پنجره‌ای قدیمی در دستورکار قرار دارد. به گفته یاقوتی، جایگزینی این کولرها با سیستم‌های جدید می‌تواند جهش قابل توجهی در راندمان ایجاد کند؛ رقمی که او آن را تا ۱۵ تا ۱۶ برابر اعلام می‌کند. با توجه به سهم بالای وسایل سرمایشی در مصرف برق جنوب کشور، اجرای چنین طرح‌هایی می‌تواند اثر قابل توجهی بر کاهش فشار شبکه در دوره اوج مصرف داشته باشد.

هدف کاهش رفاه نیست افزایش بهره وری است

به نظر می‌رسد که با اقدامات در دست اجرا، مدیریت مصرف در کشور وارد مرحله تازه‌ای شده است. در این مرحله، هدف اصلی کاهش رفاه خانوار نیست، بلکه افزایش بهره‌وری از طریق فناوری، مشوق‌های اقتصادی، اصلاح تجهیزات و مشارکت مردم است. در حوزه آب، تخفیف برای مشترکان کم‌مصرف، نصب کنتورهای هوشمند، کاهش هدررفت شبکه، استفاده از تجهیزات کاهنده و توسعه آب خاکستری می‌تواند مصرف را بدون فشار مستقیم بر خانوار کاهش دهد. در حوزه برق نیز نوسازی کولرهای آبی و پنجره‌ای، استفاده از موتورهای پربازده، تعرفه‌گذاری پلکانی و ایجاد بازار سرمایه‌گذاری در صرفه‌جویی، مسیر تازه‌ای برای مدیریت مصرف ایجاد کرده است. پیام مشترک این سیاست‌ها روشن است: در شرایط فشار بر منابع آب و برق، بهره‌وری می‌تواند جایگزین محدودیت شود. اگر خانوار، دولت، شرکت‌های خدمات‌رسان و سرمایه‌گذاران در یک مسیر هماهنگ حرکت کنند، می‌توان با مصرف کمتر، خدمات پایدارتر، هزینه پایین‌تر و رفاه مشابه را تجربه کرد.

وزیر نیرو در نشست مشترک با اعضای کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها:

ساخت مسکن بدون پیش‌بینی آب و برق چالش‌ساز شده است

خبر

وزیر نیرو با تأکید بر ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی در اجرای طرح‌های توسعه‌ای، گفت: «دولت لایحه‌ای به مجلس ارائه کرده است که بر اساس آن، هیچ‌گونه بارگذاری جمعیتی در کشور بدون هماهنگی با وزارت نیرو انجام نشود. وی همچنین تأکید کرد که اجرای طرح‌های ملی مسکن بدون پیش‌بینی زیرساخت‌های آب و برق، چالش‌های جدی برای کشور ایجاد کرده است.» به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (پاون)، نشست تخصصی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی عصر سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵ به میزبانی وزارت نیرو برگزار شد. در این نشست، عباس علی‌آبادی وزیر نیرو، محمدصالح جوکار رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مهم‌ترین مسائل و چالش‌های کشور در حوزه آب و برق را بررسی کردند. علی‌آبادی با اشاره به اینکه چالش‌های آب و انرژی محدود به ایران نیست، اظهار کرد: «کشورهای منطقه از جمله افغانستان، پاکستان و ترکیه و حتی کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آلمان نیز با مشکلات متعددی در حوزه آب و انرژی روبه‌رو هستند و مدیریت این چالش‌ها نیازمند برنامه‌ریزی مستمر است.» وی با اشاره به تأمین زیرساخت‌های طرح‌های ملی مسکن افزود: «دولت لایحه‌ای را به مجلس ارائه کرده است که بر اساس آن، هیچ نقطه‌ای از کشور بدون هماهنگی با وزارت نیرو شاهد بارگذاری جمعیتی نباشد. در برخی مناطق، ابتدا پروژه‌های مسکونی اجرا یا جمعیت مستقر شده‌اند، اما تأمین آب و برق آنها از قبل پیش‌بینی نشده است.»

لزوم تأمین زیرساخت‌ها پیش از اجرای پروژه‌های مسکن

وزیر نیرو با بیان اینکه امکان جبران برخی کمبودهای زیرساختی پس از اجرای پروژه‌ها وجود ندارد، تصریح کرد: «در مناطقی مانند پردیس، منابع آب زیرزمینی وجود ندارد و تنها یک منبع محدود برای تأمین آب در اختیار است. امروز با پروژه‌هایی مواجه هستیم که به دلیل محدودیت منابع آب، امکان تکمیل و بهره‌برداری کامل از آنها با دشواری همراه شده است.» علی‌آبادی همچنین درباره تأمین مالی زیرساخت‌ها گفت: «شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو بر مبنای درآمد و هزینه اداره می‌شوند و هرگونه تکلیف جدید باید همراه با پیش‌بینی منابع مالی باشد. واگذاری مسئولیت اجرای پروژه‌ها بدون تأمین اعتبار، امکان تحقق کامل برنامه‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.»

وزارت نیرو یکی از پیشران‌های تحقق رشد اقتصادی است

در ادامه این نشست، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس با قدردانی از عملکرد کارکنان وزارت نیرو در تأمین پایدار آب و برق مراسم تشییع، وداع و تدفین رهبر شهید، گفت: «هم در صنعت برق و هم در صنعت آب اقدامات ارزشمندی انجام شده و تلاش‌های کارکنان وزارت نیرو شایسته تقدیر است.» جوکار با تأکید بر اهمیت توسعه زیرساخت‌های آب و برق در طرح نهضت ملی مسکن افزود: «صنعت آب و برق زیربنای اقتصاد کشور است و هرچه زیرساخت‌ها سریع‌تر فراهم شود، زمینه برای رشد و توسعه سایر بخش‌های اقتصادی نیز مهیاتر خواهد شد.» وی وزارت نیرو را یکی از گلوگاه‌های اصلی تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی دانست و اظهار کرد: «بسیاری از بخش‌های اقتصادی کشور به عملکرد این وزارتخانه وابسته هستند و توسعه زیرساخت‌های آب و برق، پیش‌نیاز اجرای برنامه‌های توسعه‌ای است.» رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها همچنین با اشاره به ضرورت تقویت امنیت انرژی کشور گفت: «دستیابی به امنیت انرژی مستلزم سرمایه‌گذاری گسترده در بخش تولید برق، بویژه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و برق‌آبی است. مجلس از تأمین سرمایه مورد نیاز این بخش حمایت می‌کند و موضوع تأمین ارز پروژه‌های انرژی از سوی بانک مرکزی را با جدیت پیگیری خواهد کرد.»

گزارشی از مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست و آرزوی دختربچه دارای معلولیت که تختی برای «دنیای خودش» می‌خواست

رویای «هدیه»

گزارش

نیلوفر منصوری / گروه گزارش- تخت، برای بسیاری از کودکان فقط جایی برای استراحت و خواب است؛ اما برای «هدیه» دنیای کوچکی از آرزوهاست. دختربچه‌ای شش ساله که حدود چهار سال است در خانه پناهگاهی در یکی از شهرهای شمالی کشور زندگی می‌کند و دراین مدت، در کنار مراقبت و درمان، شعرهای زیادی یاد گرفته و آرام‌آرام با جهان اطرافش پیوندی تازه پیدا کرده است. هدیه آرزویی ساده داشت؛ تختی که بتواند بخشی از کارهای روزمره‌اش را آسان‌تر کند و کمی آسایش و استقلال بیشتر به زندگی‌اش بدهد. همین آرزوی کوچک، با تلاش حمیدرضا نوروزی معلم و خیرداوطلب و همراهی چند دوست و صنعتگر شنیده شد و شکل گرفت؛ تختی که قرار بود فقط برای هدیه ساخته شود، اما خیلی زود به خواسته مشترک بچه‌های دیگر خانه هم تبدیل شد. حالا قصه یک تخت، فقط قصه هدیه نیست؛ قصه آرزویی است که به ساخت تخت برای ۲۰ کودک معلول دیگر این خانه هم انجامید.

در خانه‌ای در دل سلمانشهر، جایی دور از هیاهوی روزمره، صدایی کودکانه با اعتمادبه‌نفسی شیرین می‌گوید: «من دکتر هدیه‌ام؛ اما تو خونه ملکه صدام می‌کنن.» همین یک جمله کوتاه کافی است تا بفهمیم با کودکی روبه‌رو هستیم که با وجود همه محدودیت‌ها، هنوز جهان خودش را با رویا و بازیگوشی می‌سازد.

گفت‌وگو با هدیه، مخاطب را با دنیای ساده اما پرمعنای یک کودک روبه‌رو می‌کند؛ دنیایی که در آن یک شعر، یک تخت کوچک یا یاد گرفتن چند کلمه، فقط یک اتفاق معمولی نیست و می‌تواند معنایی فراتر داشته باشد. هدیه با وجود سن کم، دختری باهوش و خوش‌بیان است و با اعتمادبه‌نفس از چیزهایی که دوست دارد یا یاد گرفته صحبت می‌کند؛ آن‌قدر که به گفته مسئولان مرکز، حتی در جمع بزرگ‌ترها و در برابر مسئولان نیز بدون اضطراب حرف می‌زند. همین ویژگی، در کنار سادگی کودکانه‌اش، تصویری روشن از دنیای درونی او نشان می‌دهد؛ دنیایی که در آن شنیده شدن یک خواسته کوچک می‌تواند به اندازه یک پشتوانه عاطفی بزرگ اثر بگذارد.

من دختر خیلی خوشبختی هستم

هدیه خودش را «دختر خیلی خوشبخت» معرفی می‌کند. با همان لحن کودکانه اما محکم می‌گوید: «من خیلی چیزها بلدم. سخنرانی بلدم، شعر بلدم، نقاشی بلدم، ورزش می‌کنم.» بعد با سادگی و صداقت کودکانه می‌گوید: «خوندن و نوشتن بلد نیستم، ولی از موبایل مامانم-رقیه قاسمی مربی مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست- شعر یاد می‌گیرم و برای دوستام و مهمونا می‌خونم.» در میان همه داشته‌ها و نداشته‌هایش، یک نکته را با تأکید بیشتری می‌گوید: «من تختم رو خیلی دوست دارم، اون آرزوی من بود.» اما این تختی که هدیه با چنین شوقی از آن حرف می‌زند، قصه جالبی دارد. ماجرا از یک گفت‌وگوی ساده آغاز شد.

روزی که یکی از مراجعه کنندگان به این مرکز از هدیه پرسید آرزویت چیست؟ هدیه بی‌تعارف و بی‌تکلف، تختی را توصیف کرد که در ذهنش ساخته بود؛ تختی با کمد و نور، با جایی برای تلویزیون و میزی کوچک برای غذا خوردن و گذاشتن تبلت تا با توجه به محدودیت جسمی‌اش-هدیه مبتلا به نرمی استخوان است- بتواند کارهای روزمره را راحت‌تر انجام دهد. زرگر این آرزو را شنید اما حمیدرضا نوروزی ، معلم و خیر دست به کار شد و آن را ساخت و به سرانجام رساند؛ نه فقط یک تخت، که جهانی کوچک برای یک دخترک کوچک.

حالا هدیه با برق خاصی در چشم‌هایش از تختش می‌گوید: «تخت من پر از نورهای رنگارنگه، کمد داره، تلویزیون داره، همه چی مو تو کمد می‌ذارم. لباسام، اسباب‌بازیام. تختم همه چی داره.» بعد آرام‌تر و با نوعی غرور کودکانه می‌گوید: «تختم هر چی دلت بخواد داره.» برای او این تخت فقط محل خواب نیست؛ نشانه دیده‌شدن است. نشانه اینکه کسی آرزویش را جدی گرفته و برای تحققش وقت و دل گذاشته است. در دنیای هدیه، این تخت یعنی من مهمم و خواسته‌ام شنیده شد. شاید همین حس شنیده‌شدن است که به او جرأت می‌دهد خودش را «ملکه» بداند.

در میان حرف‌هایش، نام‌ها تکرار می‌شود: «عمو نوروزی رو خیلی دوست دارم. عمو مصطفی و مامانم.» اما وقتی به «مامان» می‌رسد، صدایش تغییر می‌کند، نرم‌تر و جدی‌تر می‌شود: «مامان من عشق منه. تو زندگی بیشتر از همه چی مامانمو دوست دارم.» و بعد دعایی که از عمق جان کودک برمی‌آید: «از خدا می‌خوام پام خوب بشه، برای مامانم کار کنم.»

اینجا تربیت مقدم بر آموزش است

«مامان» در مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست، رقیه قاسمی است؛ بازنشسته بهزیستی که از سال ۱۳۹۴ زندگی‌اش را وقف این خانه کرده است.

خانه‌ای که حالا ۲۰ کودک دارد؛ ۱۰ دختر و ۱۰ پسر، از ۲ ساله تا ۱۶ ساله. قاسمی با نگاهی که بیشتر شبیه نگاه یک مادر است تا مدیر یک مرکز، از سال‌های اول می‌گوید: «وقتی بچه‌ها آمدند خیلی کوچک بودند. خیلی‌هایشان حتی نمی‌توانستند ارتباط بگیرند. اما حالا ماشاءالله هرکدام برای خودشان مردی شده‌اند، خانمی شده‌اند.»

وقتی به هدیه می‌رسد، مکث کوتاهی می‌کند و می‌گوید: «هدیه چهار ساله بود که پیش من آمد. واقعاً یک عروسک کوچولو بود. اصلاً این‌طور نبود که بتواند با کسی ارتباط بگیرد یا صحبت کند.» به گفته قاسمی، بیماری نرمی استخوان و پوکی استخوان، حرکت هدیه را محدود کرده بود و بیشتر وقتش روی تخت می‌گذشت: «همان روزهای اول فهمیدم بچه خیلی باهوشی است. از خدا خواستم کمکم کند بتوانم کاری برایش انجام بدهم. حالا واقعاً تغییر کرده؛ امروز برای خودش یک سخنران شده. با اینکه بیشتر وقتش را روی تخت می‌گذراند و حرکتش محدود است، اما روحیه‌اش خیلی فعال است. همین هوش و انرژی باعث شده با اعتمادبه‌نفس حرف بزند، شعر بخواند و با میهمان‌ها گپ بزند. رشد جسمش محدود است، اما ذهن و زبانش نه.»

قاسمی با بیان اینکه اینجا فقط یک مرکز نگهداری نیست، می‌گوید: «این مرکز برای من و بچه‌ها بیشتر از هر چیز یک خانه است؛ یک خانه بزرگ. هر کسی هم که برای اولین بار می‌آید، معمولاً می‌گوید اصلاً حس نمی‌کند وارد یک مرکز شده، انگار میهمان خانه ما شده است.»

او توضیح می‌دهد که نگاهش از همان ابتدا بر تربیت استوار بوده است: «من همیشه می‌گویم اول از همه تربیت مهم‌تر از آموزش است. اگر بچه آرامش و احترام را یاد بگیرد، بقیه مسیر را هم می‌تواند طی کند.» به گفته قاسمی، نتیجه همین نگاه باعث شده فضای مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست بیشتر شبیه یک خانواده باشد تا یک مجموعه اداری؛ جایی که بچه‌ها با احساس امنیت و آرامش رشد می کنند .

قاسمی درباره وضعیت تحصیلی بچه‌ها هم می‌گوید: «در حال حاضر ۱۲ نفر از بچه‌های ما محصل هستند؛ ۱۱ نفرشان در مدارس استثنایی درس می‌خوانند و یک نفر هم به مدرسه عادی می‌رود. البته آموزش فقط به مدرسه محدود نمی‌شود. بچه‌ها باشگاه می‌روند، هنر یاد می‌گیرند، نقاشی می‌کشند. حتی دو نفرشان فرش می‌بافند. سعی کرده‌ام هر کدام‌شان یک مهارت داشته باشند تا احساس توانمندی کنند .»

مردی که خواسته یک کودک را جدی گرفت

در میان همه این روایت‌ها، تخت هدیه به نمادی از اتفاقی بزرگ‌تر تبدیل می‌شود؛ نشانه‌ای از اینکه اگر آرزوی یک کودک شنیده شود و کسی با جدیت پای آن بایستد، همان آرزوی کوچک می‌تواند معنای تازه‌ای به زندگی بدهد. قاسمی وقتی از این تخت حرف می‌زند، آن را فقط یک وسیله نمی‌داند، بلکه نتیجه توجه و همدلی چند نفر می‌داند که خواسته ساده هدیه را جدی گرفتند. به گفته او، حمیدرضا نوروزی در این مسیر «سنگ تمام گذاشت»؛ نه برای نام و نه برای منفعتی شخصی، بلکه برای دل یک کودک. حالا تخت هدیه با نورهای رنگارنگ، کمد مرتب و تلویزیون کوچکش هر شب زیر سقف مرکز می‌درخشد؛ وسیله‌ای که در ظاهر ساده است، اما برای هدیه به معنای تحقق یک آرزوست.

> میان همه این روایت‌ها، تخت هدیه به نمادی از اتفاقی بزرگ‌تر تبدیل می‌شود؛ نشانه‌ای از اینکه اگر آرزوی یک کودک شنیده شود و کسی با جدیت پای آن بایستد، همان آرزوی کوچک می‌تواند معنای تازه‌ای به زندگی بدهد

> حمیدرضا نوروزی: در صحبت‌هایی که با هدیه داشتم فهمیدم او فقط خوب حرف نمی‌زند، بلکه دقیق می‌داند چه می‌خواهد. از تختی حرف می‌زد که برایش صرفاً محل خواب نباشد؛ تختی که جایی برای تبلتش داشته باشد، با کنترل تنظیم شود، میزی برای غذا خوردن در اختیارش بگذارد و بخشی هم برای وسایل شخصی‌اش داشته باشد

> رقیه قاسمی: این مرکز برای من و بچه‌ها بیشتر از هر چیز یک خانه است؛ یک خانه بزرگ. هر کسی هم که برای اولین بار می‌آید، معمولاً می‌گوید اصلاً حس نمی‌کند وارد یک مرکز شده، انگار میهمان خانه ما شده است

تحقق رویاهای کودکانه

او توضیح می‌دهد: «ساخت این تخت فقط یک کار فنی ساده نبود. از همان ابتدا تلاش کردیم همه چیز با دقت و وسواس پیش برود؛ هم ایمنی کار مهم بود، هم استحکامش، هم ظرافت و حتی زیبایی آن. می‌خواستیم وسیله‌ای ساخته شود که هم نیازهای هدیه را برطرف کند و هم برای او دلنشین باشد. برای پیدا کردن قطعات لازم، بارها در خیابان‌های مختلف تهران رفت‌وآمد کردیم؛ از مغازه‌ای به مغازه دیگر سر زدیم و با تعمیرکارها، تراشکارها، نجارها و فروشنده‌های مختلف صحبت کردیم تا بتوانیم هر قطعه را متناسب با این کار پیدا کنیم.» نوروزی می‌گوید: «در این مسیر اتفاق جالبی هم افتاد؛ هر کسی که از ماجرا باخبر می‌شد، به شکلی خودش را در این کار سهیم می‌کرد. یکی بی‌چشمداشت مشورت فنی می‌داد، دیگری برای آماده کردن قطعه‌ای وقت می‌گذاشت و حتی نجاری بود که با وسواس لبه‌های کار را صاف و هموار کرد. همه احساس می‌کردند در برآورده شدن خواسته هدیه سهمی دارند و همین همراهی‌ها باعث شد این کار قدم‌به‌قدم جلو برود.»

نوروزی با لحنی که هنوز حس ذوق‌زدگی دارد، می‌گوید: «هدیه، وقتی فهمید قرار است این تخت برایش ساخته شود، جمله‌ای گفت که هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود؛ گفت: «عمو، تو داری رویاهای منو می‌سازی.» همان یک جمله برای من کافی بود تا تمام خستگی این مسیر از بین برود. در نهایت این تخت فقط یک وسیله برای خواب نشد؛ بلکه به نشانه‌ای تبدیل شد از اینکه اگر کسی خواسته ساده یک کودک را جدی بگیرد، آدم‌های دیگری هم پیدا می‌شوند که به آن دل می‌بندند و کمک می‌کنند تا آن خواسته به واقعیت تبدیل شود.»

بعد از آن‌که تخت هدیه به مرکز منتقل شد و در اتاقش جا گرفت، اثرش فقط به همان اتاق محدود نماند. نوروزی می‌گوید: «خیلی زود بچه‌های دیگر هم تخت را دیدند و هرکدام به شکلی گفتند که آنها هم دوست دارند تختی داشته باشند که مخصوص خودشان باشد. به همین دلیل بعد از شنیدن خواسته بچه‌ها، همراه چند نفر از دوستان دیگر در همان حوالی یک کارخانه چوب پیدا کردیم. با مسئولان کارخانه هماهنگ شدیم تا برای کودکان مرکز، ۲۰ تخت نو نیز بسازیم و اکنون کودکان دیگر نیز در این مرکز تخت خود را دارند.»

به گفته نوروزی، تجربه ساخت تخت هدیه نشان داد که یک ایده کوچک، اگر با پیگیری و همراهی جمعی همراه شود، می‌تواند به نتیجه‌ای مناسب‌تر برسد. او می‌گوید: «هماهنگی با کارخانه و همراهی چند نفر از دوستان و خیرین باعث شد این کار فقط به تخت هدیه محدود نشود و برای بچه‌های دیگر هم این امکان فراهم شود؛ تلاشی برای اینکه هر کدام از کودکان مرکز، جایی داشته باشند که احساس کنند متعلق به خودشان است و کمی بیشتر حس خانه را تجربه کنند.»

جزئیات یک خانه پناهگاهی

در روایت شکل‌گیری تخت هدیه، نام مصطفی احمدی نیز به میان می‌آید؛ کسی که سال‌ها پیش پایه‌های خانه‌ای را گذاشت که امروز این کودک و کودکان معلول دیگر در آن زندگی می کنند. احمدی، بنیانگذار مجموعه، از مدلی حرف می‌زند که اساس شکل‌گیری این مرکز بوده است؛ مدلی که به گفته او قرار نبود شبیه آسایشگاه‌ها یا مراکز نگهداری معمول باشد، بلکه باید بیش از هر چیز شبیه یک خانه باشد.

او توضیح می‌دهد: «اینجا یک خانه پناهگاهی است؛ یعنی جایی که بچه‌ها احساس کنند خانه خودشان است. این مدل سال‌ها پیش در برخی کشورهای اروپایی اجرا شده بود و ما هم سال‌ها تلاش کردیم نمونه‌ای از آن را در ایران راه‌اندازی کنیم.» در نگاه او، تفاوت اصلی چنین خانه‌ای با مراکز نگهداری معمول، در همین حس تعلق خلاصه می‌شود؛ اینکه هر کودک اتاق خودش را داشته باشد، اسباب‌بازی‌های خودش را بشناسد و جای خواب مشخصی داشته باشد. چیزهایی که شاید در زندگی روزمره بدیهی به نظر برسند، اما برای کودکانی که تجربه بی‌ثباتی داشته‌اند، بخشی از امنیت روانی و آرامش روزانه به شمار می‌آید.

احمدی می‌گوید: «بچه‌هایی که در این خانه زندگی می‌کنند، هر کدام شرایط جسمی یا ذهنی خاص خود را دارند و بسیاری از آنها نیازمند مراقبت‌های درمانی و مصرف دارو هستند. در میان آنها، هدیه هم چند سالی است که به این خانه آمده است. اسم واقعی‌اش مرسانا بود، اما وقتی وارد مرکز شد و کم‌کم با ما دوست شد، گفتیم این بچه انگار هدیه‌ای است که خدا برای ما فرستاده؛ از همان موقع اسمش شد هدیه.»

به گفته او، وقتی هدیه به اینجا آمد، کودکی مضطرب و ترسان بود: «در ماه‌های اول خیلی بی‌قرار بود. از خواب می‌پرید، جیغ می‌کشید و خواب آرامی نداشت. از آدم‌ها، بویژه مردها، می‌ترسید. اما کم‌کم با فضای خانه خو گرفت و حالا شرایطش کاملاً فرق کرده است. امروز هدیه کودکی اجتماعی‌تر و آرام‌تر است و محیط خانه برایش به جایی امن تبدیل شده است.»

در روایت احمدی، نقش مادرش -رقیه قاسمی- نیز پررنگ است؛ زنی که سال‌ها با کودکان، کار کرده و حالا بچه‌های مرکز او را «مامان» صدا می‌زنند. احمدی می‌گوید: «تجربه طولانی او در کار با کودکان باعث شد از همان ابتدا ارتباطی نزدیک با هدیه برقرار کند. مادرم سال‌ها در بهزیستی و مهدکودک کار کرده و با بچه‌ها به‌خوبی ارتباط می‌گیرد. هدیه هم خیلی زود با او انس گرفت و از همان زمان استعدادهایش کم‌کم خودش را نشان داد.»

به گفته احمدی، هدیه با وجود محدودیت‌های جسمی قابل توجه، کودکی بسیار باهوش است. او می‌گوید: «هدیه نرمی استخوان دارد و از نظر حرکتی محدود است، اما از نظر ذهنی بسیار فعال است. شعرهای زیادی بلد است؛ شاید بیش از ۳۰ یا ۴۰ شعر.»

او می گوید که برای درمان هدیه نیز تلاش‌هایی در جریان است: «برای بررسی وضعیتش او را به بیمارستان مفید تهران بردیم. پزشکان گفته‌اند ممکن است راهکارهایی برای بهبود شرایط حرکتی‌اش وجود داشته باشد و روند بررسی و درمان به صورت دوره‌ای ادامه دارد.» با این حال، آنچه احمدی بیش از همه بر آن تأکید می‌کند، فقط درمان جسمی نیست. او می‌گوید: «در اینجا تلاش می‌کنیم استعدادهای هر کودک شناسایی و تقویت شود. این موضوع فقط درباره هدیه نیست؛ درباره همه بچه‌هاست. ما سعی می‌کنیم با کمک متخصصان مختلف ببینیم هر کودک در چه زمینه‌ای توانایی دارد و همان مسیر را دنبال کنیم.»

با این حال، در میان همه این بچه‌ها، هدیه به گفته او ویژگی خاصی دارد: «دختری شیرین‌زبان و پرانرژی که خیلی زود با افراد ارتباط می‌گیرد.» شاید همین روحیه بود که باعث شد آرزوی ساده او برای داشتن تختی مخصوص خودش، در نهایت به یکی از روایت‌های به‌یادماندنی این خانه تبدیل شود؛ تختی که حالا در اتاق کوچک هدیه قرار دارد و برای او فقط یک وسیله نیست، بلکه نشانه‌ای از توجه، استقلال و رویایی است که جدی گرفته شد.

> مصطفی احمدی: اینجا یک خانه پناهگاهی است؛ یعنی جایی که بچه‌ها احساس کنند خانه خودشان است. این مدل سال‌ها پیش در برخی کشورهای اروپایی اجرا شده بود و ما هم سال‌ها تلاش کردیم نمونه‌ای از آن را در ایران راه‌اندازی کنیم

برش

جایی برای بافتن رویای توانمندی

حیاط خانه، قصه دیگری دارد. گوشه‌ای از آن به باغچه‌ای کوچک تبدیل شده است؛ سبزی، خیار، گوجه. بچه‌ها خودشان کاشته‌اند، خودشان آب داده‌اند. وقتی خیارها گل می‌دهد، شادی‌شان شبیه کشاورزی است که اولین محصولش را می‌بیند. زندگی در این حیاط جریان دارد؛ بی‌سر و صدا، بی‌ادعا. قاسمی می‌گوید: «ماه محرم که می‌رسد، همین حیاط کوچک برای بچه‌ها می‌شود یک حسینیه. خودشان تکیه می‌زنند، مداحی می‌کنند و پرچم آویزان می‌کنند. صدای نوحه‌شان توی حیاط می‌پیچد. هر کس یک نقشی دارد؛ یکی مداحی می‌کند، یکی کمک می‌کند، یکی پرچم می‌زند. اصلاً کسی احساس کمبود نمی‌کند.»

اما شاید زیباترین تصویر این مرکز، لحظه‌ای است که بچه‌ها با نقاشی‌هایشان سراغ «مامان» می‌آیند. یکی‌یکی جلو می‌آیند و نوشته‌هایشان را می‌خوانند: «مادر عشق من است.» «مادر، عاشقتم.» «مادر، دنیای من است.» هر کدام جمله‌ای ساده، اما سرشار از احساس. قاسمی می‌گوید: «خدا شاهد است من نمی‌دانستم چه نوشته‌اند.» اما معلوم است این جمله‌ها حاصل سال‌ها مهر و حضور است. هدیه هم سهم خودش را دارد؛ با همان صدای مطمئن می‌گوید: «مامان ستاره منی.»

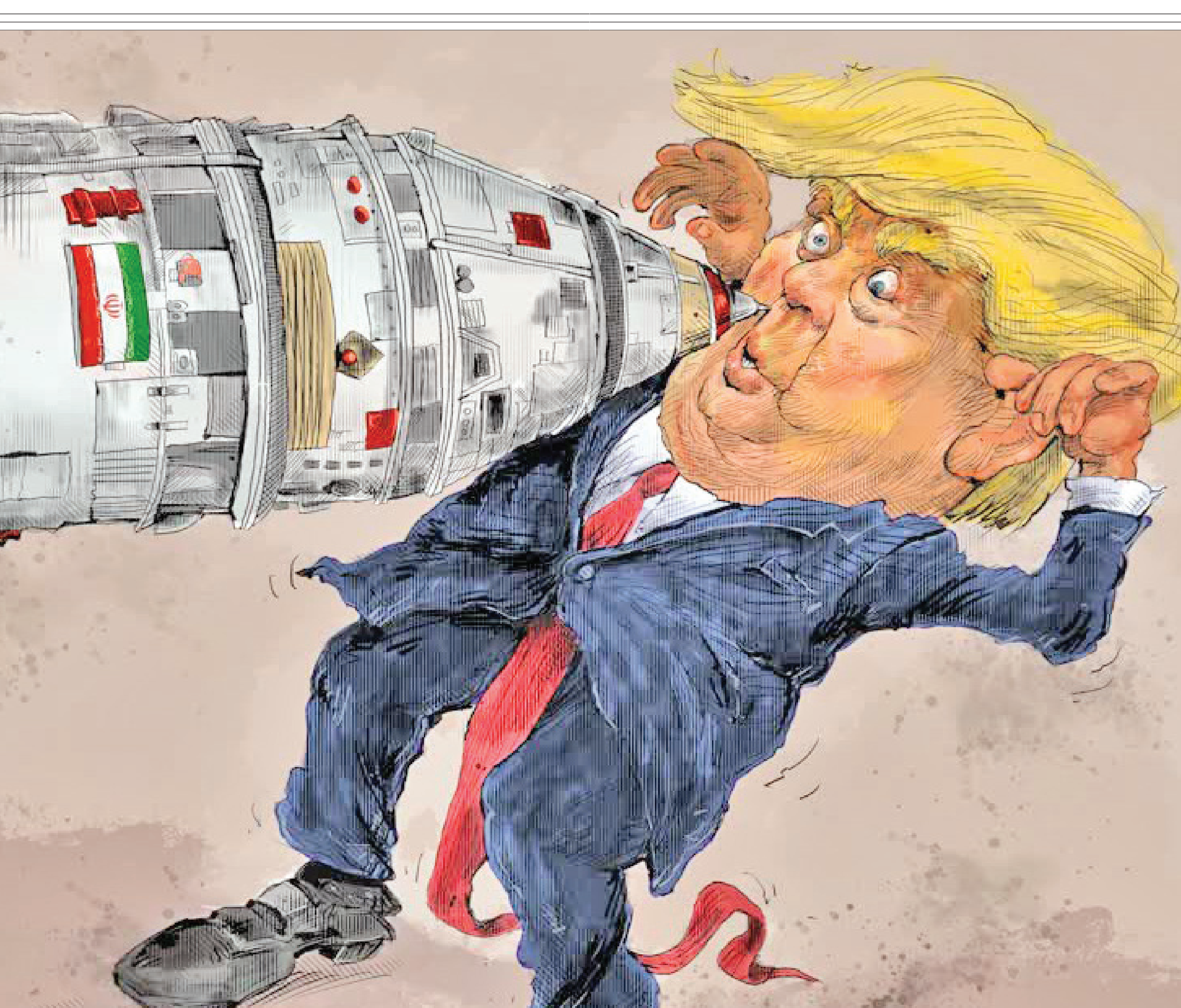

کارتونی از مسعود شجاعی طباطبایی

روایت حمله به ایران

شرح جنگ با ایران و روند تصمیم‌گیری در کاخ سفید، به روایت کتاب تغییر رژیم

ناگفته‌ها

کیاوش کلهر
دانش‌آموخته علوم سیاسی

ترامپ و دور دوم ریاست جمهوری او بار دیگر در کانون یک کتاب مصاحبه‌محور قرار گرفته است، این‌بار «تغییر رژیم» تلاش می‌کند تا با داده‌هایی از دور دوم ریاست جمهوری ترامپ تا کنون، پنجره‌ای جدید به سیاست آمریکا باز کند؛ سیاستی که چنان زیر و زبر شده که شاید استفاده از ترکیب «تغییر رژیم» برای توصیف فرآیند آن، چندان بیراه نباشد. کتاب «تغییر رژیم» یا Regime Change نوشته مگی هابرمن و جاناتان سوان است. این کتاب حاصل بیش از هزار مصاحبه با نزدیکان، مشاوران، معاونین، مسئولین کمپین‌های ترامپ و مقامات کاخ سفید است. بررسی مفصل آن طبیعتاً مجالی جدا می‌طلبد و زمانی مبسوط، به‌خصوص از نظر دولت‌داری در ایالات متحده، اما آن‌چه این کتاب را حائز بررسی در این زمان می‌کند، حجم انبوه روایت‌هایی است که در رابطه با ایران و به‌خصوص دو جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان دارد. گزارش پیش‌رو، گردآوری این قطعات در کنار هم، انسجام‌بخشی به آنان در یک قالب زمانی و روایی است؛ بنابراین، این اطلاعات، روایت‌ها و ماجراها، از نظر زمانی و روایی و شکل کنارهم قرارگیری، به این صورت منسجم در کتاب نیامده‌اند و از بخش‌های مختلفی از کتاب کنار هم نشسته‌اند. نکته مهم دیگر پیش از بررسی و روایت متن آن است که درنظر بگیریم که این گزارش و داده‌های موجود در آن، با آن که برآیند چند صد مصاحبه عمیق با مسئولان آمریکایی است، بسیار یک طرفه و تنها با استناد به منابع آمریکایی است و باید درنظر داشت روایت طرف جمهوری اسلامی ایران، لزوماً می‌تواند با این روایت یکی نباشد.

جدایی از روسیه و چین

کتاب از همان مقدمه ایران را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های ریاست‌جمهوری دوم ترامپ معرفی می‌کند. نویسندگان می‌گویند بزرگ‌ترین قمار زودهنگام او، پیوستن به جنگ تمام‌عیار اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ بود؛ تصمیمی که به روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان، می‌توانست مهم‌ترین تصمیم کل ریاست‌جمهوری او باشد. در همان قاب آغازین، نویسندگان تأکید می‌کنند اسرائیلی‌ها خیلی زود آیت‌الله خامنه‌ای را [شهید کردند]، اما ایران برای ترامپ جنگی کوتاه و ساده نبود. کتاب «تغییر رژیم» الگوی ترامپ را در اینجا چنین تصویر می‌کند: اول اعمال فشار بزرگ، بعد فکر کردن به پیامدها. پیش از آنکه روایت به جنگ ۲۰۲۶ برسد، کتاب، پرونده ایران را در چند لایه زمینه‌سازی می‌کند. یکی از اولین ارجاعات، در بحث روسیه است؛ ویتکاف پس از بازگشت از مسکو با یک تفاهمنامه سرمایه‌گذاری درباره فرصت‌های اقتصادی آمریکا و روسیه می‌آید و کتاب بیان می‌کند که برخی در تیم ترامپ این را فرصتی می‌بینند برای جدا کردن روسیه از چین و ایران. مایک والتز در گفت‌وگو با سناتورهای جمهوری‌خواه نگران سیاست روسیه ترامپ، می‌گوید همکاری فنی و راهبردی روسیه، ایران و چین برایش نگران‌کننده محسوب می‌شود و از نگاه او روسیه تهدید کوچک‌تری است که باید با ترکیبی از امتیاز و فشار از دو رقیب دیگر جدا شود و در جای دیگری، هنگام بحث درباره ونزوئلا، ایران کنار چین و روسیه به عنوان قدرت‌هایی می‌آید که ترامپ می‌خواهد از «حیاط خلوت آمریکا» بیرون‌شان کند؛ کتاب بیان می‌کند ترامپ تا پیش از آغاز جنگ، در فکر کنترل نفت ونزوئلا و بیرون راندن این سه کشور از آن حوزه بود.

تله اسرائیلی

خط اصلی روایت ایران در کتاب «تغییر رژیم» از دیدار نتانیاهو با ترامپ در ۴ فوریه ۲۰۲۵ شروع می‌شود. نتانیاهو، اولین رهبر خارجی است که در دوره دوم به دیدار ترامپ می‌آید. ترامپ در آن دیدار می‌خواهد او آتش‌بس غزه را تمدید کند و آزادی گروگان‌های اسرائیلی را کامل کند، اما نتانیاهو دستورکار اصلی دیگری دارد؛ مقابله با آنچه او «محور ترور ایرانی» می‌نامد. هدف اصلی نتانیاهو براساس کتاب، تخریب تأسیسات غنی‌سازی ایران است و برای این کار کمک آمریکا را می‌خواهد. او در اتاق بیضی برای ترامپ ارائه‌ای آماده کرده و در آن سایت‌های هسته‌ای ایران را توضیح می‌دهد و هشدار می‌دهد اگر فوراً اقدام نشود، ایران به‌زودی اورانیوم با غنای بالا به اندازه ساخت بمب خواهد داشت.

به روایت کتاب، ترامپ حتی پیش از این دیدار هم برای پیام جنگ نتانیاهو آماده بود، چون به‌شدت تحت‌تأثیر عملیات انفجار پیجرها قرار گرفته بود. آن عملیات اعتماد ترامپ به توان نظامی اسرائیل را بالا برد؛ اعتمادی که به روایت کتاب برای قانع شدن او به همراهی با نتانیاهو در یک جنگ پرریسک لازم بود. دقیقاً در همین زمان است که اردوکشی درون تیم ترامپ بر سر حمله به ایران آشکار می‌شود. مایک والتز و مارکو روبیو در کتاب «تغییر رژیم» به عنوان چهره‌های تندروتر در قبال ایران معرفی می‌شوند؛ کسانی که در سال‌های حضورشان در کنگره برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی و فوری برای اسرائیل و آمریکا خوانده بودند. والتز به همکارانش هشدار داده بود که اگر ایران آزمایش هسته‌ای انجام دهد، منطقه، از عربستان و امارات تا ترکیه، به سمت مسابقه هسته‌ای می‌رود و در برابر این نگاه، سوزی وایلز و جی‌دی ونس نسبت به فشار اسرائیل محتاط‌اند. نگرانی اصلی آنها این است که یک مداخله نظامی «محدود» آمریکا در ایران، به جنگی برای تغییر رژیم تبدیل شود. نگرانی فقط درون دولت نیست؛ به روایت کتاب، تاکر کارلسن هم در همان مقطع مستقیم وارد می‌شود. او می‌ترسد ترامپ، بویژه پس از مأموریت لابی‌گری نتانیاهو، به جنگ با ایران کشانده شود. کارلسن به ترامپ هشدار می‌دهد که اطرافیان جنگ‌طلب می‌خواهند او را وارد جنگ کنند و این جنگ می‌تواند دولتش را نابود کند، چون رأی‌دهندگانش جنگ‌های تازه نمی‌خواستند و ترامپ با وعده فاصله گرفتن از جنگ‌های خارجی بالا آمده بود.

به باور کتاب، از نگاه نتانیاهو، هدف اصلی، همراه کردن ترامپ با کارزار تخریب ظرفیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود. در همان حال، ضدمداخله‌گرهای اردوگاه MAGA به دیگران می‌گویند ترامپ از نتانیاهو دل خوشی ندارد و نمی‌خواهد وارد جنگ او با ایران شود. کتاب می‌گوید خود ترامپ هم گاهی به آدم‌های مختلف حرف‌های متفاوت می‌زد؛ حتی به یکی از منتقدان اسرائیل در تیمش گفته بود نمی‌خواهد بخشی از جنگ نتانیاهو علیه ایران باشد و به مشاور دیگری گفته بود نتانیاهو «حقه‌باز» است.

در نهایت، ماجرای حمله به ایران کمی پس از سفر ترامپ به خاورمیانه روی میز قرار می‌گیرد. براساس روایت کتاب، ماجرای مذاکرات هنوز روی میز بود و ترامپ مشغول ارزیابی امکان رسیدن به یک نقطه دیپلماتیک بود؛ در دیگر سو اما؛ نتانیاهو از دسامبر پیشین در حال آماده‌سازی حمله به چند هدف در ایران بود و می‌خواست واشنگتن هم در آن شرکت کند، چون فقط آمریکا بمب‌های ۳۰ هزار پوندی سنگرشکن را داشت؛ بمب‌هایی که شاید می‌توانستند از حدود ۹۰ متر گرانیت و بتن مسلح اطراف تأسیسات غنی‌سازی فردو عبور کنند. به روایت کتاب، به‌رغم آنکه ترامپ نیم‌نگاهی به توافق داشت، اما همزمان با آغاز دولت، به سنتکام اجازه داده بود با اسرائیلی‌ها درباره گزینه‌های نظامی هماهنگی کند. تا اواسط فوریه، مایکل کوریلا چهار گزینه تهیه کرده بود: نقش حداقلی آمریکا در سوخت‌رسانی و اطلاعات؛ حملات مشترک آمریکا و اسرائیل؛ حمله با محوریت آمریکا و پشتیبانی اسرائیل با استفاده از بمب‌افکن‌های B1 و B2، هواپیماهای ناوها و موشک‌های کروز زیردریایی؛ و گزینه چهارمی که به سرعت کنار گذاشته شد و شامل حملات هوایی گسترده آمریکا همراه با عملیات کماندویی اسرائیل بود.

براساس کتاب «تغییر رژیم»، نتانیاهو شرایط منطقه را فرصتی تاریخی می‌دید. او معتقد بود ترامپ دوباره در قدرت است و عناصر «محور مقاومت»، از حزب‌الله و حماس تا دیگر نیروهای نیابتی، به‌شدت تضعیف شده‌اند. کتاب می‌نویسد که نتانیاهو سال‌ها از حمله عمده به ایران پرهیز کرده بود، چون از تلافی می‌ترسید، اما حالا فکر می‌کرد ریسک حمله کمتر از همیشه است و این لحظه را نه فقط فرصت، بلکه وضعیت اضطراری می‌دانست. استدلال نتانیاهو این بود که هر هفته تأخیر، پنجره اقدام را تنگ‌تر می‌کند.

شکاف در ماگا

براساس گزارش مگی هابرمن و جاناتان سوان، در داخل دولت ترامپ، ونس و ویتکاف مدتی جلوی فشارهای فوری نتانیاهو را می‌گیرند. ضدمداخله‌گرانی مثل تاکر کارلسن، استیو بنن و چارلی کرک هم در بیرون از دولت تلاش می‌کنند ترامپ را از جنگ دور نگه دارند. کرک در ظاهر با لحنی ستایش‌آمیز می‌گوید پایگاه ترامپ از جنگ خسته است و جوانان آمریکا فقط خون، مرگ و شن دیده‌اند، اما خصوصی به اطرافیان می‌گوید از کاری که ترامپ ممکن است بکند نگران‌تر از آن است که علناً نشان می‌دهد. ونس هم که به کرک نزدیک بود، از این شکاف نگران می‌شود و نسبت به نتانیاهو بدبین است و از کشیده شدن آمریکا به جنگ تغییر رژیم در ایران می‌ترسد، اما نمی‌خواهد با فشار بیش از حد بر خلاف غریزه ترامپ عمل کند. کتاب شرحی از یکی از جلسات اتاق وضعیت دارد که در آن ونس نگرانی‌اش را این‌طور روشن می‌کند که اگر [رژیم] اسرائیل فقط تأسیسات هسته‌ای را بزند، یک چیز است؛ اما اگر وارد جنگ طولانی‌تر شود، فاجعه‌ای بزرگ خواهد بود. در این میان اما اسرائیل به گواه کتاب، ثانیه‌ای از فشارهایش بر تیم و شخص ترامپ نمی‌کاست. تا اواخر مه ۲۰۲۵، ترامپ هنوز امید به توافق با ایران داشت. پس از سفر ناگهانی نتانیاهو به واشنگتن در ۷ آوریل، که دوباره برای اقدام فوری و بمب‌های سنگرشکن فشار می‌آورد، تیم ترامپ به اسرائیلی‌ها پیام می‌دهد نباید به‌تنهایی و بدون هشدار قبلی به آمریکا به سمت ایران حمله کنند. کتاب می‌گوید خود ترامپ، والتز و روبیو از جمله کسانی بودند که این پیام را رساندند.

روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان از ماجرای دیپلماسی جمهوری اسلامی با آمریکا آن است که ترامپ در آن مقطع واقعاً میل به توافق داشت و حتی به تیمش گفته بود می‌خواهد نامه‌ای مستقیم به آیت‌الله [شهید] خامنه‌ای بفرستد. ویتکاف و والتز پیش‌نویس اولیه را تهیه کردند که شامل موارد مذاکره مستقیم درباره برنامه هسته‌ای، ضرب‌الاجل برای توافق، ممنوعیت غنی‌سازی، ممنوعیت نظامی‌سازی، ممنوعیت موشک‌های دوربرد و دسترسی کامل بازرسان آژانس به سایت‌های هسته‌ای بود. ترامپ در نامه خود همزمان تهدید کرد که اگر توافق نشود، اتفاقات بسیار بدی رخ خواهد داد. ترامپ متن را با عبارت‌پردازی‌های مورد علاقه خودش زیباتر کرد، آن را برای بعضی میهمانان اتاق بیضی خواند و در نهایت ویتکاف را به ابوظبی فرستاد تا نامه از طریق رئیس امارات به شهید خامنه‌ای برسد.

کتاب «تغییر رژیم» از این نقطه به بعد شرحی از مذاکرات ایران و آمریکا پیش از جنگ ۱۲ روزه است. در اولین دیدار با عراقچی در ۱۴ آوریل، ویتکاف پیشنهاد می‌کند ایران بتواند برنامه غیرنظامی خود را در سطح توافق ۲۰۱۵، یعنی برجام، حفظ کند، اما زیر فشار داخلی و پس از مشورت با ترامپ مسیرش را عوض می‌کند. به روایت کتاب، ویتکاف پس از آن اصرار کرد که ایران باید تأسیسات هسته‌ای و برنامه غنی‌سازی‌اش را کاملاً کنار بگذارد و هیچ نوع غنی‌سازی، برای هیچ هدفی، در خاک ایران قابل قبول نیست. این تغییر ناگهانی بعضی‌ها در دولت را غافلگیر و به گزارش کتاب، مقامات ایران را خشمگین کرد. شرط جدید برای تهران غیرقابل قبول بود؛ با این حال، گفت‌وگوها در ماه مه ادامه پیدا می‌کند، اما کاخ سفید از طریق سازمان سیا و نه از خود اسرائیلی‌ها، خبرهایی دریافت می‌کند که رژیم اسرائیل صبرش را از دست داده و آماده حمله بدون کمک واشنگتن است. درون دولت آمریکا احساس خشم و فرسودگی از اسرائیلی‌ها بالا می‌رود؛ حسی که اسرائیلی‌ها هیچ گزینه‌ای جز کارزار نظامی علیه ایران را جدی نمی‌گیرند و مدام می‌کوشند کاخ سفید را از مسیر دیپلماتیک خارج کنند. نگرانی اسرائیلی‌ها این است که اشتیاق شدید ترامپ به توافق، منجر به قراردادی شود که خلاف منافع تل‌آویو باشد. آخرین دور از مبادله پیام ایران با آمریکا، به روایت کتاب «تغییر رژیم» بسیار مغشوش است و ویتکاف متنی نامشخص به ایران می‌دهد.

به استناد کتاب، تا ساعاتی پیش از آغاز جنگ هم ترامپ رفتارهای متفاوتی داشت و به افراد مختلف حرف‌های متفاوت می‌زد؛ به متحدان تندروترش این برداشت را می‌داد که مصمم است تا آخر از رژیم اسرائیل حمایت کند و نگذارد ایران سلاح هسته‌ای بسازد، اما چارلی کرک که آخر هفته پیش از حمله با ترامپ صحبت کرده بود، به دیگران می‌گفت ترامپ از اقدام نظامی نتانیاهو در حالیکه آمریکا هنوز دنبال توافق است حمایت نمی‌کند. کتاب ذکر می‌کند حتی روز حمله، ترامپ هنوز گزینه‌هایش را نبسته بود و به ونس و ویتکاف گفت بار دیگر با ایرانی‌ها تماس بگیرند و ببینند پیشنهادی را می‌پذیرند یا نه. چند ساعت پیش از حمله به یکی از دستیارانش گفت مطمئن نیست و به بی‌بی گفته بود این کار را نکند.

جنگ ۱۲ روزه

روز دوشنبه ۹ ژوئن، نتانیاهو در تماس با ترامپ می‌گوید قصد حمله به ایران را دارد. وقتی رژیم اسرائیل حمله را شروع می‌کند، ترامپ در دو ساعت اول از اظهار نظر خودداری کرد که اگر کارزار بد پیش رفت، بخشی از آن نباشد. نخستین بیانیه رسمی دولت آمریکا را روبیو می‌دهد که به روایت کتاب بیانیه‌ای آرام و فاصله‌گذار بود؛ اقدامی که به صورت آشکاری، برخلاف سنت حمایت علنی دولت‌های آمریکا از اسرائیل در زمان جنگ محسوب می‌شد. به باور مگی هابرمن و جاناتان سوان، دلیل انتخاب این لحن آن بود که آمریکایی‌ها بیم آن داشتند که جمهوری اسلامی ایران در تلافی، به پایگاه‌های آمریکا حمله کند. دستگاه اطلاعات آمریکا یک طرح احتیاطی آماده از جانب ایران را شناسایی کرده بود که براساس آن، اگر ایران هدف حمله قرار گیرد، فرماندهانِ میدانی اختیار داشتند همزمان اهداف آمریکایی و اسرائیلی، از جمله پایگاه‌های آمریکا را در منطقه را بزنند. بنابراین بیانیه اولیه پیامی به تهران بود که این عملیات اسرائیل است، نه آمریکا و دولت ترامپ می‌خواست تا زمان بخرد تا اگر قرار است وارد شود، با شرایط خودش وارد شود.

به گزارش کتاب «تغییر رژیم»، ترامپ پس از مدتی طولانی تماشای فاکس نیوز، زمانی که احساس کرد حملات به خوبی پیش می‌روند، خواست تا سهمی از آن داشته باشد و در تماس با خبرنگاران، حملات را می‌ستاید، می‌گوید خودش نقش مرکزی در هماهنگی با اسرائیلی‌ها داشته و به ایران هشدار می‌دهد حملات بیشتری در راه است. کتاب از قول یکی از مقام‌های دولت اول ترامپ می‌گوید هیچ چیز مثل موفقیت توجه ترامپ را جلب نمی‌کند. همان اتفاقی که در توافق‌های ابراهیم رخ داده بود، اینجا هم تکرار می‌شود: ترامپ بعد از دیدن پوشش خبری پرشور، نمی‌تواند کنار بایستد. او خصوصی شروع می‌کند درباره انداختن «بمب بزرگ» حرف زدن: همان بمب ۱۵ تنی سنگرشکن که نتانیاهو می‌خواست و فقط آمریکا در اختیار داشت.

کتاب در این نقطه به خوبی نشان می‌دهد جریان ماگا چگونه بر سر حمله به ایران دچار انشقاق شدند. به روایت کتاب، کارلسن با ترامپ تماس می‌گیرد و با لحنی تندتر از معمول می‌گوید همه فکر می‌کنند اسرائیل ترامپ را دنبال خود می‌کشد. ترامپ جواب می‌دهد: همه چیز خوب پیش خواهد رفت و باید از زور برای رسیدن به صلح استفاده کرد. کارلسن دوباره هشدار می‌دهد اگر ترامپ وارد جنگ تغییر رژیم با ایران شود، ریاست‌جمهوری‌اش تمام است و روز بعد هم وقتی خبرنگار آتلانتیک از ترامپ می‌پرسد حمایت از جنگ اسرائیل با ایران چگونه با «America First» سازگار است، ترامپ می‌گوید چون خودش این اصطلاح را ساخته، خودش هم تعیین می‌کند معنایش چیست. سپس می‌گوید کسانی که صلح می‌خواهند باید بفهمند با ایران هسته‌ای صلح ممکن نیست.

به گزارش کتاب، چهار روز پس از آغاز تجاوز رژیم اسرائیل، ترامپ تقریباً پیام رسمی آمریکا مبنی بر عدم شرکت در جنگ را خراب می‌کند. در ساعت ۶:۳۰ عصر ۱۶ ژوئن در Truth Social می‌نویسد همه باید فوراً تهران را تخلیه کنند. نیروهای آمریکایی هنوز مأموریت رزمی بر فراز ایران انجام نمی‌دادند، اما پست ترامپ طوری به نظر می‌رسید که انگار آمریکا حمله را شروع کرده است. خبرنگاران اسرائیلی به اشتباه گزارش می‌دهند آمریکا به ایران حمله می‌کند. مقام‌های ارشد پنتاگون هم نگران می‌شوند جمهوری اسلامی ایران این پیام را اعلان جنگ تلقی کند و پایگاه‌های آمریکا در قطر یا عراق را بزند. وقتی ترامپ از توضیح پنتاگون خشمگین می‌شود، او توضیح و شفاف‌سازی نمی‌خواست؛ «می‌خواست ایرانی‌ها بترسند و سردرگم بمانند و ندانند چه چیزی در راه است». کتاب «تغییر رژیم» این کار را بخشی از ترجیح ترامپ در عملیات نظامی می‌داند؛ یعنی ابهام و تهدید. صبح روز بعد هم او می‌نویسد آمریکا کنترل کامل آسمان ایران را دارد و سپس خواسته‌ای مطرح می‌کند که حتی بعضی اعضای تندرو دولتش را شوکه می‌کند: تسلیم بی‌قید و شرط. از آن لحظه، تیم‌های ارتباطی کاخ سفید و پنتاگون عملاً کنار می‌کشند. کسی نمی‌خواهد جلوتر از ترامپ حرف بزند و وقتی خبرنگاران دنبال روشن شدن موضع آمریکا هستند، به صفحه Truth Social ترامپ ارجاع داده می‌شوند.

در نهایت کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان به نقطه عملیات چکش نیمه‌شب می‌رسد و تصریح می‌کند که در این مرحله بیشتر مقام‌های ارشد دولت تردیدهای خود را زیر پا گذاشته‌اند و از اقدام ترامپ حمایت می‌کنند، چون می‌دانند توان قانع کردن او را به راه دیگر ندارند. ونس همان شب پس از حمله مضطرب به نظر می‌رسد و برخی مشاوران این را به ترس او از گسترش جنگ نسبت می‌دهند. در اتاق آبی کاخ سفید، وقتی ترامپ متن سخنرانی‌اش را آماده می‌کند، ونس پیشنهاد می‌دهد بعضی عبارات نرم‌تر شود. ترامپ با تندی پاسخ می‌دهد که می‌داند چه می‌کند و سپس پشتش را به ونس می‌کند. کتاب می‌نویسد بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران در ژوئن، باور نتانیاهو را تقویت کرده بود که ترامپ نهایتاً از هرچه او بخواهد پشتیبانی می‌کند. بعضی مشاوران نزدیک ترامپ هم که معتقد بودند نتانیاهو او را به حملات ژوئن کشانده، همین فرصت را برای مهار نتانیاهو می‌دیدند.

جنگ ۱۲ روزه به روایت کتاب «تغییر رژیم» با تردیدهایی در رابطه با میزان آسیب حملات آمریکا به تأسیسات فردو به پایان می‌رسد. برخی از مشاوران ترامپ در میانه جنگ ۱۲ روزه احساس کردند ترامپ حتی به رژیم اسرائیل حسادت می‌کند و میل دارد تا نقشی بیشتر در جنگ علیه ایران داشته باشد. اما باور مگی هابرمن و جاناتان سوان این است که نوع پایان‌بندی جنگ ۱۲ روزه و پاسخ جمهوری اسلامی ایران به حمله آمریکا، ترامپ را در نهایت برای اقدامات بعدی جسورتر کرد.

اثری از برندن رینولدز، کاریکاتوریست آفریقای جنوبی

> کتاب «تغییر رژیم» از همان مقدمه ایران را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های ریاست‌جمهوری دوم ترامپ معرفی می‌کند. نویسندگان می‌گویند بزرگ‌ترین قمار زودهنگام او، پیوستن به جنگ تمام‌عیار اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ بود؛ تصمیمی که به روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان، می‌توانست مهم‌ترین تصمیم کل ریاست‌جمهوری او باشد

فشار برای دور بعدی

مگی هابرمن و جاناتان سوان در کتاب «تغییر رژیم» می‌نویسند در زمستان ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶، با افزایش فشار اسرائیل برای حمله دوباره، جان رتکلیف، رئیس سازمان سیا، مجموعه‌ای از نتایج ممکن یک کارزار نظامی را به ترامپ ارائه می‌کند. اینها پیش‌بینی قطعی نبودند، بلکه ارزیابی‌هایی مشروط به نوع و طول کارزار بودند. رتکلیف حداقل کارزار را چهار تا شش هفته فرض کرده بود؛ اما در نهایت تصویر اطلاعاتی درباره تغییر رژیم تیره بود. رتکلیف تأکید می‌کند بمباران نظام جمهوری اسلامی را ساقط نخواهد کرد و در نهایت توانایی‌های نظامی ایران را هم بعید است به چالش بکشد.

به باور کتاب، ترامپ این ارزیابی‌های بدبینانه را نمی‌پذیرد. او فکر می‌کند جنگ سریع تمام می‌شود و رژیم سیاسی در ایران ضعیف است؛ به باور نویسندگان این برداشتی بود که پس از جنگ ۱۲ روزه در ذهنش تثبیت شده بود و پس از عملیات موفق علیه مادورو هم بیشتر مجذوب توان نظامی آمریکا شده بود. او به دستیارانش می‌گفت دوست دارد در ایران هم وضعیتی شبیه ونزوئلا شکل بگیرد؛ یعنی همه مزایای تغییر رژیم، بدون دردسر تغییر ساختار کشور را امتحان کند. مدل ذهنی او این بود که رئوس سیاسی حکومت حذف شوند و یک کارگزار ترسیده و مطیع ترامپ جایگزین شود. اما مشاورانش باور نداشتند در ایران بتوان سناریوی ونزوئلا را پیاده کرد. کتاب «تغییر رژیم» می‌گوید ترامپ چندان هم از واقعیت‌ها بی‌خبر نبود، چون رتکلیف و دن کین او را کامل توجیه کرده بودند و اطلاعات روزآمد امنیتی نشان می‌داد نظام ایران عمق بسیار بیشتری دارد، از جمله بعد مذهبی قدرتمند؛ با این حال ترامپ بارها به مشاورانش گفت درباره حمله به ایران «حس خوبی» دارد و می‌خواهد پیش برود.

کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان در این نقطه یک ماجرای جالب از ذهنیت ترامپ، به نقل از اطرافیان او نقل می‌کند. به باور نویسندگان کتاب، اعتماد به نفس ترامپ برای عملیات علیه ایران پس از ربایش مادورو بسیار افزایش پیدا کرد، اما در تمام مدتی که او مشغول شنیدن شرح عملیات توسط ارتش آمریکا یا مشاهده عملیات بود، داشت خودش را با کارتر و این عملیات را هم با ماجرای طبس مقایسه می‌کرد و درد طبس برایش بسیار زیاد بود و گویی دوست داشت تا این عملیات در خاطره تاریخی آمریکا به جای شکست مفتضحانه طبس بنشیند. نکته دیگری که در مقایسه کودکانه با مادورو در کتاب ذکر می‌شود، این است که ازدیاد اعتماد به نفس ترامپ ناشی از ربایش مادورو و بمباران کم هزینه فوردو، این حس را در او به وجود آورده بود که حتی نیازی به گفت‌وگوی عمومی با مردم آمریکا یا حتی به مانند اسلاف خود، پرونده‌سازی برای آغاز جنگ ندارد. کتاب «تغییر رژیم» تصریح می‌کند ترامپ هیچ تلاشی برای ساختن پرونده عمومی جنگ نکرد. او از ابهام کامل درباره نیت خود را ترجیح می‌داد و هرکس را که می‌کوشید شفاف‌سازی کند سرزنش می‌کرد. وقتی حمله رخ داد، چرخشی ناگهانی بود، به‌ویژه چون کمتر از سه ماه قبل، راهبرد امنیت ملی دولتش اعلام کرده بود خوشبختانه روزهایی که خاورمیانه بر سیاست خارجی آمریکا مسلط بود، تمام شده است.

به روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان، نقطه عطف دور دوم جنگ با جمهوری اسلامی و آغاز جنگ رمضان در ۱۱ فوریه رقم می‌خورد؛ زمانی که برای اولین بار، یک رهبر خارجی، یعنی نتانیاهو در اتاق وضعیت کاخ سفید حاضر می‌شود. نتانیاهو در کنار ترامپ، گروه کوچکی از مشاوران ارشد، مقام‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا و مقام‌های اسرائیلی می‌نشیند و روی صفحه هم، بارنئا، رئیس موساد و چند مقام از رژیم اسرائیل حاضرند. ونس هم غایب آن جلسه است، چون در مأموریت رسمی در جمهوری آذربایجان است؛ وزیر انرژی، وزیر خزانه‌داری و تولسی گبرد هم در جلسه نیستند.

به گزارش کتاب «تغییر رژیم»، نتانیاهو در حدود یک ساعت تلاش می‌کند ترامپ را قانع کند که ایران آماده فروپاشی است و این می‌تواند لحظه تغییر رژیم با حمله مشترک آمریکا و رژیم اسرائیل باشد. او در بخشی از ارائه، ویدیویی پخش می‌کند که در آن چهره‌هایی به عنوان رهبران احتمالی پس از سقوط حکومت دیده می‌شوند؛ از جمله رضا پهلوی که نتانیاهو تلاش می‌کند تا او را به عنوان رهبر اپوزیسیون ایران جا بزند. نتانیاهو و تیمش شرایط را طوری ترسیم می‌کنند که تقریباً پیروزی قطعی به نظر برسد: برنامه موشک بالستیک ایران در چند هفته نابود می‌شود؛ ایران آنقدر ضعیف خواهد شد که نمی‌تواند تنگه هرمز را ببندد؛ احتمال ضربه جدی به منافع آمریکا در کشورهای همسایه حداقلی است. نتانیاهو در آن جلسه این ایده را به ترامپ می‌فروشد که اطلاعات موساد نشان می‌دهد اعتراضات در ایران دوباره آغاز می‌شود و با کمک سرویس جاسوسی اسرائیل برای تحریک شورش و آشوب، بمباران شدید می‌توانند شرایط را برای سرنگونی رژیم توسط اپوزیسیون ایران فراهم کند. اسرائیلی‌ها حتی امکان ورود جنگجویان کرد ایرانی از عراق برای باز کردن جبهه زمینی در شمال‌غرب ایران را مطرح می‌کنند.

کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان در این بخش به خوبی نشان می‌دهد که ترامپ عمیقاً تحت‌تأثیر نتانیاهو است و ارائه نتانیاهو برای ترامپ قانع‌کننده و آماده به نظر می‌رسد. ترامپ به نتانیاهو می‌گوید خوب به نظر می‌رسد. از نگاه نتانیاهو، این یعنی چراغ سبز احتمالی برای عملیات مشترک آمریکا و رژیم اسرائیل. مشاوران خود ترامپ هم می‌بینند که او عمیقاً تحت‌تأثیر نمایش توان ارتش و سرویس اطلاعاتی اسرائیل قرار گرفته است. نتانیاهو استدلال می‌کند خطر بی‌عملی اکنون از خطر عمل بیشتر است. او می‌گوید اگر حمله به تعویق بیفتد و ایران فرصت بیشتری برای بازسازی برنامه موشکی و ایجاد سپر اطراف برنامه هسته‌ای‌اش پیدا کند، هزینه اقدام بعداً بالاتر می‌رود. نتانیاهو این ایده را به ترامپ می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند موشک و پهپاد را با هزینه‌ای بسیار کمتر و سرعتی بسیار بیشتر از ساخت رهگیرهای گران آمریکایی تولید کند. کتاب می‌گوید نتانیاهو یک مزیت دیگر هم داشت و آن اینکه با وجود بی‌اعتمادی بسیاری از مشاوران ترامپ به او، نتانیاهو روی موضوعی پافشاری می‌کرد که عمیقاً در ذهن ترامپ شبیه به گره‌ای شده بود. ایران برای ترامپ از میان چالش‌های سیاست خارجی دو دوره‌اش جایگاهی مهم داشت. به باور نویسندگان کتاب «تغییر رژیم» او تهران را دشمنی به‌طور خاص خطرناک می‌دید و حاضر بود برای محدود کردن توان آن در جنگ‌های منطقه‌ای و دستیابی به بمب خطرهای بزرگی بپذیرد. مگی هابرمن و جاناتان سوان در نهایت می‌نویسند نتانیاهو، ترامپ را این‌طور فریفت که او می‌تواند با ساقط کردن رژیم سیاسی در ایران، بزرگ‌ترین رئیس جمهوری تاریخ آمریکا شود.

> در نقطه اتخاذ تصمیم برای آغاز تجاوز علیه ایران، کتاب «تغییر رژیم» تلاش می‌کند تصویری روشن و واضح از فضای اطرافیان ترامپ و تیم امنیت ملی و کابینه او بدهد. به گزارش کتاب، حلقه‌ای از چهره‌های بانفوذ برای حمله به ایران فشار می‌آوردند: ژنرال بازنشسته جک کین، روپرت مرداک، مارک لوین، مارک تیسن و سناتور لیندزی گراهام. نتانیاهو هم ماه‌ها بود که فشار می‌آورد و می‌دانست که بدون آمریکا در یک جنگ بزرگ دستش بسته است

مشورت آمریکایی

کتاب «تغییر رژیم» می‌نویسد دقیقاً از فردای آن روز، دستگاه اطلاعاتی آمریکا به جنب و جوش می‌افتد. دو مقام ارشد اطلاعاتی، پیش از ورود ترامپ، حلقه نزدیک او را توجیه می‌کنند. آنها ارائه نتانیاهو را به چهار بخش تقسیم کرده بودند: اول، حذف رهبران سیاسی؛ دوم، فلج کردن توان ایران برای اعمال قدرت و تهدید همسایگان؛ سوم، قیام مردمی داخل ایران؛ چهارم، تغییر رژیم با نصب رهبر سکولار جدید. ارزیابی آنها این بود که دو هدف اول با توان اطلاعاتی و نظامی آمریکا قابل دستیابی است، اما بخش سوم و چهارم، از جمله ایده حمله زمینی کردها از عراق، از واقعیت جدا است.

کتاب توصیف می‌کند وقتی ترامپ وارد جلسه می‌شود، رتکلیف او را از ارزیابی اطلاعاتی آمریکا درباره ارائه نتانیاهو مطلع می‌کند و سناریوی تغییر رژیم او را با یک واژه توصیف می‌کند: مضحک و غیرواقعی. روبیو هم بلافاصله با عبارتی تندتر همان را تأیید می‌کند. رتکلیف اضافه می‌کند که در جنگ همیشه رخدادها غیرقابل پیش‌بینی‌اند و تغییر رژیم می‌تواند اتفاق بیفتد، اما نباید آن را هدفی قابل تحقق دانست. ونس هم که از آذربایجان برگشته، نسبت به امکان تغییر رژیم بسیار بدبین است. ترامپ نظر دن کین، رئیس ستاد مشترک، را می‌پرسد. کین می‌گوید این، طبق تجربه او، شیوه معمول اسرائیلی‌هاست که ایده‌هایشان را بیش‌فروشی می‌کنند، طرح‌های‌شان همیشه پخته نیست، می‌دانند به آمریکا نیاز دارند و برای همین سخت می‌فروشند. ترامپ ارزیابی می‌کند و نتیجه می‌گیرد تغییر رژیم «مشکل آنها» خواهد بود؛ کتاب در این نقطه می‌گوید روشن نیست منظورش اسرائیلی‌ها بودند یا مردم ایران. اما تصمیمش برای جنگ علیه ایران به تحقق‌پذیر بودن بخش سوم و چهارم ارائه نتانیاهو، یعنی تغییر رژیم در ایران وابسته نمی‌ماند. او همچنان به دو هدف اول علاقه‌مند است: حذف سران سیاسی و رهبران ارشد ایران و برچیدن توان نظامی ایران. دن کین نگرانی‌های جدی خود را مطرح می‌کند. او به ترامپ و اعضای کابینه می‌گوید یک کارزار بزرگ علیه ایران، ذخایر تسلیحات آمریکایی را به‌شدت تهی می‌کند و مسیر روشنی برای جایگزینی سریع وجود ندارد. او از احتمال تلفات قابل توجه آمریکایی، کمبود مهمات و رهگیرها پس از سال‌ها حمایت از اوکراین و اسرائیل و دشواری عظیم تأمین امنیت تنگه هرمز نگران است. ترامپ خطر بستن تنگه را با این تصور کنار می‌زند که رژیم پیش از رسیدن به آن نقطه تسلیم خواهد شد.

به باور نویسندگان کتاب «تغییر رژیم»، مسأله مهمات فراتر از ایران بود. اگر ذخایر کافی وجود نداشت، توان آمریکا در هر جنگ آینده‌ای می‌توانست به‌طور جدی آسیب ببیند. دولت از پیمانکاران دفاعی خواسته بود تولید را به‌شدت افزایش دهند، اما توان صنعتی موجود نمی‌توانست به سرعت و حجم مورد نیاز برای چنین جنگ‌افزارهای پیچیده‌ای برسد. ترامپ هم نمی‌خواست درباره کمبود مهمات علناً حرفی زده شود، چون آن را نمایش ضعف آمریکا می‌دانست. کین هم نقش خود را نه توقف رئیس‌جمهوری، بلکه ارائه گزینه‌ها و پیامدها می‌دید. او مرتب می‌پرسید «بعدش چه؟» اما ترامپ اغلب چیزی را می‌شنید که می‌خواست بشنود. به روایت بسیاری از مشاوران ترامپ که در کتاب با آنان گفت‌وگو شده است، ترامپ توصیه تاکتیکی کین را با مشورت راهبردی اشتباه می‌گرفت و مثال می‌زند که اگر کین در یک جمله از دشواری‌ها می‌گفت و در جمله بعد توضیح می‌داد آمریکا پس از برتری هوایی می‌تواند هفته‌ها با بمب‌های هدایت‌شونده دقیق و ارزان ایران را بزند، این برای کین دو گزاره جدا بود، اما برای ترامپ دومی اولی را خنثی می‌کرد. کتاب می‌گوید هیچ‌گاه در روند تصمیم‌گیری، کین چنان محکم مقابل ترامپ ننشست که بگوید جنگ با ایران ایده‌ای فاجعه‌بار است؛ هرچند برخی همکارانش فکر می‌کردند نظر واقعی او همین است.

در نقطه اتخاذ تصمیم برای آغاز تجاوز علیه ایران، کتاب «تغییر رژیم» تلاش می‌کند تصویری روشن و واضح از فضای اطرافیان ترامپ و تیم امنیت ملی و کابینه او بدهد. به گزارش کتاب، حلقه‌ای از چهره‌های بانفوذ برای حمله به ایران فشار می‌آوردند: ژنرال بازنشسته جک کین، روپرت مرداک، مارک لوین، مارک تیسن و سناتور لیندزی گراهام. نتانیاهو هم ماه‌ها بود که فشار می‌آورد و می‌دانست که بدون آمریکا در یک جنگ بزرگ دستش بسته است. کتاب می‌گوید او (نتانیاهو) که سابقه فعالیت رسانه‌ای در آمریکا داشت، با دقت کانال‌های اثرگذار بر ترامپ را انتخاب کرده بود. او با گراهام هماهنگ بود و از این مزیت بهره می‌برد که حلقه اطلاعاتی ترامپ در دوره دوم بسته‌تر از دوره اول شده بود. مگی هابرمن و جاناتان سوان به خوبی بیان می‌کنند که ترامپ کمتر از منتقدان می‌شنید، بیشتر با چاپلوسان کاخ سفید و مارالاگو احاطه شده بود، و در مارالاگو گروهی از ثروتمندان و سالمندان پالم‌بیچ تلاش و برای پیوستن به اسرائیل در جنگ با ایران را تشویق می‌کردند.

بیعت در اتاق وضعیت

اکنون نوبت وضعیت کابینه است. درون کابینه، هگست بزرگ‌ترین حامی رفتن به جنگ علیه ایران بود. روبیو به گزارش کتاب به صورت خصوصی تردید داشت؛ باور نداشت ایرانی‌ها به توافق تن دهند، اما ترجیحش ادامه فشار حداکثری بود، نه عملیات نظامی تمام‌عیار. با این حال، روبیو در برابر ترامپ با قدرت از این موضع دفاع نمی‌کرد. بیش از همه، ونس نگران جنگ ایران محسوب می‌شد و بیش از دیگران برای توقف آن تلاش می‌کرد. او کار سیاسی خود را بر مخالفت با همین نوع ماجراجویی نظامی ساخته بود و جنگ با ایران را اتلاف عظیم منابع و بسیار پرهزینه می‌دانست. با این حال، کتاب می‌گوید او در همه موارد کبوتر صلح نبود؛ مثلاً در ژانویه، وقتی ترامپ علناً به ایران هشدار داد کشتن معترضان را متوقف کند و وعده داد کمک در راه است، ونس خصوصی او را تشویق کرده بود خط قرمزش را اجرا کند، اما منظورش حمله محدود و تنبیهی شبیه حمله موشکی ۲۰۱۷ به سوریه بود. ترجیح واقعی ونس این بود که اصلاً حمله‌ای انجام نشود؛ اما چون فکر می‌کرد ترامپ احتمالاً به شکلی مداخله می‌کند، تلاش کرد او را به اقدامات محدودتر سوق دهد. کتاب «تغییر رژیم» صورت خوبی از نگرانی‌های ونس به دست می‌دهد که در آن ایام مرتباً به همکارانش می‌گفت جنگ با ایران می‌تواند ائتلاف سیاسی ترامپ را بشکند و برای رأی‌دهندگانی که به وعده عدم ورود به جنگ‌های جدید رأی داده‌اند خیانت به نظر برسد. او نگران کمبود مهمات، تلفات آمریکایی، هرج‌ومرج منطقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی بودن پاسخ ایران هم بود. بزرگ‌ترین ریسک، از نگاه او، تنگه هرمز بود؛ اگر این آبراه که حامل مقادیر عظیم نفت و گاز است بسته می‌شد، پیامدهای سیاسی داخلی در آمریکا از جمله قیمت بنزین غیرقابل محاسبه می‌شد. کارلسن هم بارها طی سال گذشته به اتاق بیضی آمده بود تا به ترامپ بگوید جنگ با ایران ریاست‌جمهوری‌اش را نابود می‌کند. کتاب ذکر می‌کند که چند هفته پیش از آغاز جنگ، ترامپ تلفنی سعی کرد تا نگرانی او را برطرف کند و به او گفت همه چیز خوب خواهد شد. وقتی کارلسن پرسید از کجا می‌داند، ترامپ به سادگی تنها پاسخ داد که چون همیشه همین‌طور است!

مذاکرات در این میان اما متوقف نشده است و هنوز ادامه دارد. کتاب شرحی هم بر دور آخر مذاکرات دارد. کوشنر و ویتکاف به ترامپ می‌گویند شاید بتوانند با مذاکره به چیزی شبیه توافق اوباما، حتی کمی بهتر برسند، اما ماه‌ها طول می‌کشد. از نگاه آنها ایرانی‌ها عجله ندارند و شاید می‌خواهند دوره ترامپ را پشت سر بگذارند. کوشنر می‌گوید اگر ترامپ از آنها می‌پرسد آیا می‌توانند صادقانه بگویند مسأله را حل می‌کنند یا نه، رسیدن به آن نقطه کار زیادی می‌برد. کتاب «تغییر رژیم» در این نقطه یک اعتراف هم دارد و آن هم استفاده از پوشش مذاکره برای انتقال امکانات نظامی است و بیان می‌کند مذاکرات هدف دیگری هم داشت و به ترامپ زمان داد تا جنگ‌افزارهای نظامی را به منطقه منتقل کند و برای جنگ آماده شود.

چند روز پیش از آغاز جنگ، ماجرای دلخوری دن کین و ترامپ بدل به سرخط اخبار شد؛ ماجرایی که ترامپ آن را با نقل‌قولی وفادارانه از کین زود درز گرفت، اما کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان، شرح متفاوتی از آن ماجرا دارد. براساس روایت کتاب، آکسیوس گزارشی کار می‌کند که براساس آن رئیس ستاد مشترک درباره خطر گرفتار شدن و تلفات قابل توجه آمریکایی به ترامپ هشدار داده و او را نسبت به جنگ با ایران بسیار بی‌میل توصیف می‌کند. در همین زمان، واشنگتن‌پست نیز گزارش مشابهی درباره کمبود مهمات و نبود حمایت متحدان منتشر می‌کند. کین از این گزارش‌ها ناراحت می‌شود و می‌گوید نقش او [رفع و رجوع] این موارد نیست. ترامپ سریع روایت را مصادره می‌کند و در Truth Social می‌نویسد کین مخالف جنگ نیست و اگر لازم شود در جنگ به آسانی پیروز خواهد شد؛ کتاب می‌گوید کین چنین چیزی نگفته بود.

به گزارش مگی هابرمن و جاناتان سوان، جدول زمانی حمله به ایران به دلیل تبادل اطلاعاتی مبنی بر جلسه رهبر شهید با فرماندهان تغییر می‌کند و جلو می‌افتد. کتاب می‌گوید ترامپ هفته‌ها قبل در عمل تصمیمش برای حمله را گرفته بود، اما زمان دقیق را نه؛ اما با این گزارش، نتانیاهو او را به سرعت عمل ترغیب می‌کرد. جلسه نهایی تصمیم در ساعت حدود ۵ عصر پنجشنبه ۲۶ فوریه در اتاق وضعیت برگزار می‌شود. همه مواضع روشن شده بود؛ به روایت کتاب، «تنهارئیس‌جمهوری بود» و دیگران از تصمیم او حمایت می‌کردند. نه ارائه‌ای بود، نه کاغذی؛ فقط یک بحث حدوداً ۹۰ دقیقه‌ای. ترامپ در رأس میز بود. در سمت راستش ونس، سپس وایلز، رتکلیف، وارینگتن و استیون چونگ نشسته بودند؛ روبه‌رو لویت، دن کین، هگست و روبیو بودند. حلقه برنامه‌ریزی آن‌قدر بسته بود که وزیر خزانه‌داری و وزیر انرژی، یعنی دو نفری که باید بزرگ‌ترین اختلال عرضه در بازار جهانی نفت را مدیریت می‌کردند، حتی یک روز پیش از شروع جنگ در جریان نبودند. تولسی گبرد هم در جریان نبود.

کتاب «تغییر رژیم» شرحی از این جلسه نهایی اتاق وضعیت دارد. براساس این گزارش، ترامپ جلسه را آغاز می‌کند و می‌خواهد نظر همه را بشنود. ونس اول حرف می‌زند و می‌گوید ترامپ می‌داند او این کار را ایده بدی می‌داند، اما اگر بخواهد انجامش دهد، حمایت خواهد کرد. وایلز می‌گوید اگر ترامپ احساس می‌کند برای امنیت ملی آمریکا باید پیش برود، پس بهتر است که پیش برود. رتکلیف نظر قطعی درباره انجام عملیات نمی‌دهد، اما اطلاعات جدید درباره جلسه رهبر شهید با فرماندهان در مجموعه بیت رهبری را ارائه می‌دهد. دیوید وارینگتن، مشاور حقوقی کاخ سفید هم در این جلسه حاضر بود و بیان می‌کند طرح از نظر حقوقی، به شکلی که مقام‌های آمریکایی طراحی و به رئیس‌جمهوری ارائه کرده‌اند، مجاز است. او ابتدا نظر شخصی نمی‌دهد، اما وقتی ترامپ فشار می‌آورد، می‌گوید به عنوان کهنه‌سرباز تفنگداران دریایی، نظامی آمریکایی‌ای را می‌شناخته که سال‌ها قبل به دست ایران کشته شده بود و مسأله برایش شخصی است. او می‌گوید اگر اسرائیل به هر حال قرار است به ایران حمله کند، آمریکا باید به آن بپیوندد. چونگ هم در جلسه پیامدهای افکار عمومی را توضیح می‌دهد و می‌گوید ترامپ با مخالفت با جنگ‌های تازه انتخاب شده بود، رأی‌دهندگان به جنگ خارجی رأی نداده بودند و این طرح‌ها با همه حرف‌های دولت پس از عملیات چکش نیمه‌شب ناسازگار بود. او از ترامپ می‌پرسد چطور می‌توان توضیح داد که ۸ ماه گفته‌اند تأسیسات هسته‌ای ایران کاملاً نابود شده و حالا دوباره چنین جنگی لازم است؟

کارولین لویت هم که در جلسه حاضر است، می‌گوید این تصمیم ترامپ است و تیم رسانه‌ای پیامدها را مدیریت خواهد کرد. هگست هم در نهایت موضعی محدود و تهاجمی می‌گیرد و بیان می‌کند بالاخره باید روزی با ایرانی‌ها جنگید، پس بهتر است حالا انجام شود. کین با احتیاط ریسک‌ها و پیامدها برای ذخایر مهمات را توضیح می‌دهد و می‌گوید اگر ترامپ دستور دهد، ارتش اجرا می‌کند. روبیو می‌گوید اگر هدف تغییر رژیم یا قیام است، نباید انجام شود؛ اما اگر هدف نابودی برنامه موشکی ایران است، این هدف قابل تحقق است. در نهایت، کتاب می‌گوید همه به غریزه ترامپ واگذار کرده بودند. ترامپ هم در نهایت گفت فکر می‌کند که باید انجامش د هند.

دن کین به ترامپ می‌گوید هنوز کمی وقت دارد و لازم نیست تا ساعت ۴ عصر فردا تصمیم نهایی را بدهد. اما جمعه ۲۷ فوریه، ساعت ۳:۳۸ عصر، در مسیر یک برنامه در تگزاس، ترامپ دستور نهایی را صادر می‌کند. در ساعات اولیه صبح روز بعد، عملیات خشم حماسی و تجاوز به ایران آغاز می‌شود. کتاب کمی به پیامدهای جنگ برای آمریکا و جهان می‌پردازد و آن را بزرگ‌ترین تصمیم ترامپ برای آسیب به بدنه رأی خود می‌داند و نکات جالبی از بررسی جنگ در کاخ سفید را ذکر می‌کند.

به گزارش کتاب «تغییر رژیم»، جنگ برای تیم رسانه‌ای کاخ سفید به مواد اولیه ویدیوهای ویروسی تبدیل شده بود؛ کلیپ‌هایی از حملات هوایی آمریکا با موسیقی پرهیجان و گرافیک شبیه بازی‌های ویدیویی و در همین حال پشت صحنه، برخی دستیاران می‌گفتند ای کاش ترامپ نسبت به خطرهایی که ایجاد کرده و سقوط نظرسنجی‌هایش مضطرب‌تر بود. کتاب به روشنی ذکر می‌کند که ترامپ بسیار آسان و زود، با آغاز جنگ علیه ایران وارد یک قمار با آینده سیاسی و ریاست جمهوری خود شد و جنگ چندان برایش آسان نبود. او گرفتار معضلی شد که بارها از آن گزیده شده بود و آن هم این است: اول اعمال زور عظیم، بعد فکر کردن به پیامدها.

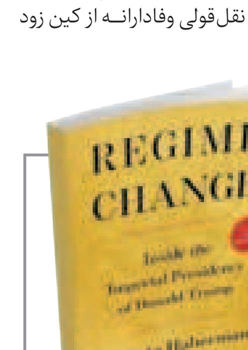

Regime Change
Inside the Imperial Presidency of Donald Trump

تغییر رژیم
درون ریاست جمهوری امپریالیستی دونالد ترامپ

- نویسندگان: Maggie Haberman, Jonathan Swan
مگی هابرمن، جاناتان سوان
- انتشارات: Simon & Schuster
- تعداد صفحات: ۴۹۶ صفحه
- قیمت: ۲۸/۰۱ دلار

روایت گزارشگران نیویورک‌تایمز از ترامپ

مگی هابرمن روزنامه‌نگار آمریکایی و خبرنگار بخش کاخ سفید «نیویورک‌تایمز» است. او اهل نیویورک و فارغ‌التحصیل کالج سارا لارنس است. فعالیت حرفه‌ای هابرمن از «نیویورک‌پست» آغاز شد؛ سپس به پوشش اخبار شهرداری و سیاست شهری پرداخت و بعد به «نیویورک‌دیلی‌نیوز» رفت، سپس به «نیویورک‌پست» بازگشت و انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ را گزارش کرد. هابرمن در سال ۲۰۱۰ به «پولیتیکو» پیوست و خبرنگار ارشد سیاسی شد. «نیویورک‌تایمز» در سال ۲۰۱۵ او را برای پوشش انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ استخدام کرد و پس از پیروزی ترامپ، گزارشگری دولت و کاخ سفید به محور کارش تبدیل شد. او با «سی‌ان‌ان» نیز به‌عنوان تحلیلگر سیاسی، همکاری حرفه‌ای مستمر داشته است.

جاناتان سوان نیز روزنامه‌نگاری استرالیایی، زاده سیدنی و خبرنگار کاخ سفید «نیویورک‌تایمز» است. او کار خود را در استرالیا، در «فرفکس مدیا» و «سیدنی مورنینگ هرالد» آغاز کرد و به‌عنوان خبرنگار سیاسی ملی در گالری مطبوعاتی پارلمان فدرال در کانبرا فعالیت داشت. او اواخر ۲۰۱۶، پیش از آغاز رسمی «اکسیوس»، به این رسانه رفت و در مقام خبرنگار سیاسی ملی، کاخ سفید، حزب جمهوری‌خواه و دولت اول ترامپ را پوشش داد. سوان در ژانویه ۲۰۲۳ به «نیویورک‌تایمز» پیوست. هابرمن و سوان اکنون همکاران بخش کاخ سفید این روزنامه و نویسندگان مشترک کتاب «تغییر رژیم» هستند.

هابرمن و سوان در کتاب «تغییر رژیم»، که حاصل بیش از ۱۰۰۰ مصاحبه است، روایتی از سال اول دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ ارائه می‌دهند. یکی از مضامین کتاب این است که چگونه چالش‌های حقوقی، محکومیت‌ها و تلاش‌های ترور قبلی ترامپ، ریاست‌جمهوری فعلی او را شکل داده است. ترامپ در پستی در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از عناوین توهین‌آمیز مثل «انگل» (magot) و «نویسنده درجه سه» درباره هابرمن، به انتشار کتاب واکنش نشان داد و محتوای آن را «ساختگی و تخیلی» خواند. این کتاب به گسترش قدرت ریاست‌جمهوری ترامپ، از جمله دورزدن بررسی‌های کنگره، نادیده گرفتن احکام دادگاه و تکیه بر غریزه شخصی برای تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر بازارهای جهانی و رهبری خارجی می‌پردازد.

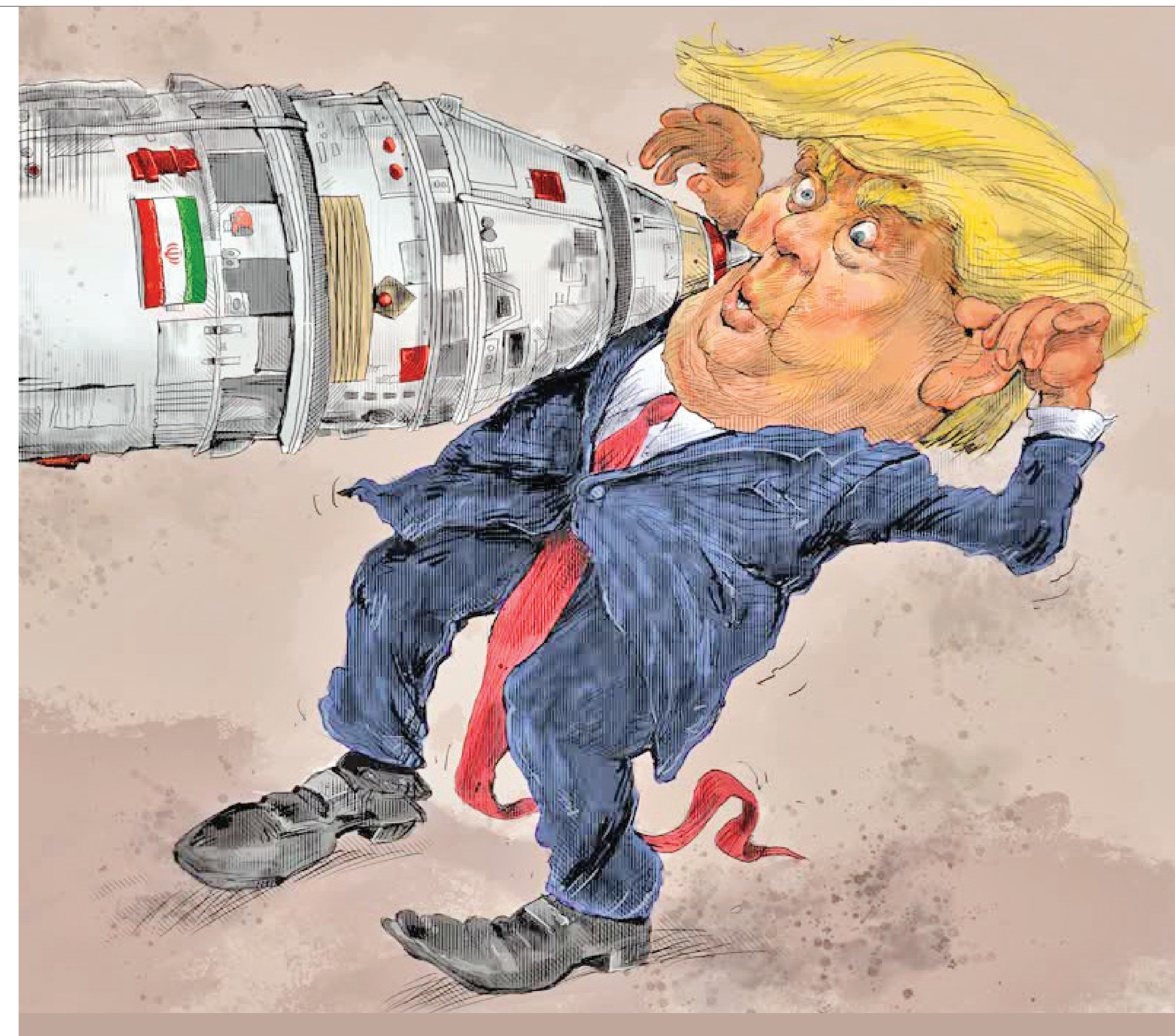

کارتونی از مسعود شجاعی طباطبایی

روایت حمله به ایران

شرح جنگ با ایران و روند تصمیم‌گیری در کاخ سفید، به روایت کتاب تغییر رژیم

ناگفته‌ها

کیاوش کلهر
دانش‌آموخته علوم سیاسی

ترامپ و دور دوم ریاست جمهوری او بار دیگر در کانون یک کتاب مصاحبه‌محور قرار گرفته است، این‌بار «تغییر رژیم» تلاش می‌کند تا با داده‌هایی از دور دوم ریاست جمهوری ترامپ تا کنون، پنجره‌ای جدید به سیاست آمریکا باز کند؛ سیاستی که چنان زیر و زبر شده که شاید استفاده از ترکیب «تغییر رژیم» برای توصیف فرآیند آن، چندان بیراه نباشد. کتاب «تغییر رژیم» یا Regime Change نوشته مگی هابرمن و جاناتان سوان است. این کتاب حاصل بیش از هزار مصاحبه با نزدیکان، مشاوران، معاونین، مسئولین کمپین‌های ترامپ و مقامات کاخ سفید است. بررسی مفصل آن طبیعتاً مجالی جدا می‌طلبد و زمانی مبسوط، به‌خصوص از نظر دولت‌داری در ایالات متحده، اما آن‌چه این کتاب را حائز بررسی در این زمان می‌کند، حجم انبوه روایت‌هایی است که در رابطه با ایران و به‌خصوص دو جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان دارد. گزارش پیش‌رو، گردآوری این قطعات در کنار هم، انسجام‌بخشی به آنان در یک قالب زمانی و روایی است؛ بنابراین، این اطلاعات، روایت‌ها و ماجراها، از نظر زمانی و روایی و شکل کنارهم قرارگیری، به این صورت منسجم در کتاب نیامده‌اند و از بخش‌های مختلفی از کتاب کنار هم نشسته‌اند. نکته مهم دیگر پیش از بررسی و روایت متن آن است که درنظر بگیریم که این گزارش و داده‌های موجود در آن، با آن که برآیند چند صد مصاحبه عمیق با مسئولان آمریکایی است، بسیار یک طرفه و تنها با استناد به منابع آمریکایی است و باید درنظر داشت روایت طرف جمهوری اسلامی ایران، لزوماً می‌تواند با این روایت یکی نباشد.

جدایی از روسیه و چین

کتاب از همان مقدمه ایران را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های ریاست‌جمهوری دوم ترامپ معرفی می‌کند. نویسندگان می‌گویند بزرگ‌ترین قمار زودهنگام او، پیوستن به جنگ تمام‌عیار اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ بود؛ تصمیمی که به روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان، می‌توانست مهم‌ترین تصمیم کل ریاست‌جمهوری او باشد. در همان قاب آغازین، نویسندگان تأکید می‌کنند اسرائیلی‌ها خیلی زود آیت‌الله خامنه‌ای را [شهید کردند]، اما ایران برای ترامپ جنگی کوتاه و ساده نبود. کتاب «تغییر رژیم» الگوی ترامپ را در اینجا چنین تصویر می‌کند: اول اعمال فشار بزرگ، بعد فکر کردن به پیامدها. پیش از آنکه روایت به جنگ ۲۰۲۶ برسد، کتاب، پرونده ایران را در چند لایه زمینه‌سازی می‌کند. یکی از اولین ارجاعات، در بحث روسیه است؛ ویتکاف پس از بازگشت از مسکو با یک تفاهمنامه سرمایه‌گذاری درباره فرصت‌های اقتصادی آمریکا و روسیه می‌آید و کتاب بیان می‌کند که برخی در تیم ترامپ این را فرصتی می‌بینند برای جدا کردن روسیه از چین و ایران. مایک والتز در گفت‌وگو با سناتورهای جمهوری‌خواه نگران سیاست روسیه ترامپ، می‌گوید همکاری فنی و راهبردی روسیه، ایران و چین برایش نگران‌کننده محسوب می‌شود و از نگاه او روسیه تهدید کوچک‌تری است که باید با ترکیبی از امتیاز و فشار از دو رقیب دیگر جدا شود و در جای دیگری، هنگام بحث درباره ونزوئلا، ایران کنار چین و روسیه به عنوان قدرت‌هایی می‌آید که ترامپ می‌خواهد از «حیاط خلوت آمریکا» بیرون‌شان کند؛ کتاب بیان می‌کند ترامپ تا پیش از آغاز جنگ، در فکر کنترل نفت ونزوئلا و بیرون راندن این سه کشور از آن حوزه بود.

تله اسرائیلی

خط اصلی روایت ایران در کتاب «تغییر رژیم» از دیدار نتانیاهو با ترامپ در ۴ فوریه ۲۰۲۵ شروع می‌شود. نتانیاهو، اولین رهبر خارجی است که در دوره دوم به دیدار ترامپ می‌آید. ترامپ در آن دیدار می‌خواهد او آتش‌بس غزه را تمدید کند و آزادی گروگان‌های اسرائیلی را کامل کند، اما نتانیاهو دستورکار اصلی دیگری دارد؛ مقابله با آنچه او «محور ترور ایرانی» می‌نامد. هدف اصلی نتانیاهو براساس کتاب، تخریب تأسیسات غنی‌سازی ایران است و برای این کار کمک آمریکا را می‌خواهد. او در اتاق بیضی برای ترامپ ارائه‌ای آماده کرده و در آن سایت‌های هسته‌ای ایران را توضیح می‌دهد و هشدار می‌دهد اگر فوراً اقدام نشود، ایران به‌زودی اورانیوم با غنای بالا به اندازه ساخت بمب خواهد داشت.

به روایت کتاب، ترامپ حتی پیش از این دیدار هم برای پیام جنگ نتانیاهو آماده بود، چون به‌شدت تحت‌تأثیر عملیات انفجار پیجرها قرار گرفته بود. آن عملیات اعتماد ترامپ به توان نظامی اسرائیل را بالا برد؛ اعتمادی که به روایت کتاب برای قانع شدن او به همراهی با نتانیاهو در یک جنگ پرریسک لازم بود. دقیقاً در همین زمان است که اردوکشی درون تیم ترامپ بر سر حمله به ایران آشکار می‌شود. مایک والتز و مارکو روبیو در کتاب «تغییر رژیم» به عنوان چهره‌های تندروتر در قبال ایران معرفی می‌شوند؛ کسانی که در سال‌های حضورشان در کنگره برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی و فوری برای اسرائیل و آمریکا خوانده بودند. والتز به همکارانش هشدار داده بود که اگر ایران آزمایش هسته‌ای انجام دهد، منطقه، از عربستان و امارات تا ترکیه، به سمت مسابقه هسته‌ای می‌رود و در برابر این نگاه، سوزی وایلز و جی‌دی ونس نسبت به فشار اسرائیل محتاط‌اند. نگرانی اصلی آنها این است که یک مداخله نظامی «محدود» آمریکا در ایران، به جنگی برای تغییر رژیم تبدیل شود. نگرانی فقط درون دولت نیست؛ به روایت کتاب، تاکر کارلسن هم در همان مقطع مستقیم وارد می‌شود. او می‌ترسد ترامپ، بویژه پس از مأموریت لابی‌گری نتانیاهو، به جنگ با ایران کشانده شود. کارلسن به ترامپ هشدار می‌دهد که اطرافیان جنگ‌طلب می‌خواهند او را وارد جنگ کنند و این جنگ می‌تواند دولتش را نابود کند، چون رأی‌دهندگانش جنگ‌های تازه نمی‌خواستند و ترامپ با وعده فاصله گرفتن از جنگ‌های خارجی بالا آمده بود.

به باور کتاب، از نگاه نتانیاهو، هدف اصلی، همراه کردن ترامپ با کارزار تخریب ظرفیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود. در همان حال، ضدمداخله‌گرهای اردوگاه MAGA به دیگران می‌گویند ترامپ از نتانیاهو دل خوشی ندارد و نمی‌خواهد وارد جنگ او با ایران شود. کتاب می‌گوید خود ترامپ هم گاهی به آدم‌های مختلف حرف‌های متفاوت می‌زد؛ حتی به یکی از منتقدان اسرائیل در تیمش گفته بود نمی‌خواهد بخشی از جنگ نتانیاهو علیه ایران باشد و به مشاور دیگری گفته بود نتانیاهو «حقه‌باز» است.

در نهایت، ماجرای حمله به ایران کمی پس از سفر ترامپ به خاورمیانه روی میز قرار می‌گیرد. براساس روایت کتاب، ماجرای مذاکرات هنوز روی میز بود و ترامپ مشغول ارزیابی امکان رسیدن به یک نقطه دیپلماتیک بود؛ در دیگر سو اما؛ نتانیاهو از دسامبر پیشین در حال آماده‌سازی حمله به چند هدف در ایران بود و می‌خواست واشنگتن هم در آن شرکت کند، چون فقط آمریکا بمب‌های ۳۰ هزار پوندی سنگرشکن را داشت؛ بمب‌هایی که شاید می‌توانستند از حدود ۹۰ متر گرانیت و بتن مسلح اطراف تأسیسات غنی‌سازی فردو عبور کنند. به روایت کتاب، به‌رغم آنکه ترامپ نیم‌نگاهی به توافق داشت، اما همزمان با آغاز دولت، به سنتکام اجازه داده بود با اسرائیلی‌ها درباره گزینه‌های نظامی هماهنگی کند. تا اواسط فوریه، مایکل کوریلا چهار گزینه تهیه کرده بود: نقش حداقلی آمریکا در سوخت‌رسانی و اطلاعات؛ حملات مشترک آمریکا و اسرائیل؛ حمله با محوریت آمریکا و پشتیبانی اسرائیل با استفاده از بمب‌افکن‌های B1 و B2، هواپیماهای ناوها و موشک‌های کروز زیردریایی؛ و گزینه چهارمی که به سرعت کنار گذاشته شد و شامل حملات هوایی گسترده آمریکا همراه با عملیات کماندویی اسرائیل بود.

براساس کتاب «تغییر رژیم»، نتانیاهو شرایط منطقه را فرصتی تاریخی می‌دید. او معتقد بود ترامپ دوباره در قدرت است و عناصر «محور مقاومت»، از حزب‌الله و حماس تا دیگر نیروهای نیابتی، به‌شدت تضعیف شده‌اند. کتاب می‌نویسد که نتانیاهو سال‌ها از حمله عمده به ایران پرهیز کرده بود، چون از تلافی می‌ترسید، اما حالا فکر می‌کرد ریسک حمله کمتر از همیشه است و این لحظه را نه فقط فرصت، بلکه وضعیت اضطراری می‌دانست. استدلال نتانیاهو این بود که هر هفته تأخیر، پنجره اقدام را تنگ‌تر می‌کند.

شکاف در ماگا

براساس گزارش مگی هابرمن و جاناتان سوان، در داخل دولت ترامپ، ونس و ویتکاف مدتی جلوی فشارهای فوری نتانیاهو را می‌گیرند. ضدمداخله‌گرانی مثل تاکر کارلسن، استیو بنن و چارلی کرک هم در بیرون از دولت تلاش می‌کنند ترامپ را از جنگ دور نگه دارند. کرک در ظاهر با لحنی ستایش‌آمیز می‌گوید پایگاه ترامپ از جنگ خسته است و جوانان آمریکا فقط خون، مرگ و شن دیده‌اند، اما خصوصی به اطرافیان می‌گوید از کاری که ترامپ ممکن است بکند نگران‌تر از آن است که علناً نشان می‌دهد. ونس هم که به کرک نزدیک بود، از این شکاف نگران می‌شود و نسبت به نتانیاهو بدبین است و از کشیده شدن آمریکا به جنگ تغییر رژیم در ایران می‌ترسد، اما نمی‌خواهد با فشار بیش از حد بر خلاف غریزه ترامپ عمل کند. کتاب شرحی از یکی از جلسات اتاق وضعیت دارد که در آن ونس نگرانی‌اش را این‌طور روشن می‌کند که اگر [رژیم] اسرائیل فقط تأسیسات هسته‌ای را بزند، یک چیز است؛ اما اگر وارد جنگ طولانی‌تر شود، فاجعه‌ای بزرگ خواهد بود. در این میان اما اسرائیل به گواه کتاب، ثانیه‌ای از فشارهایش بر تیم و شخص ترامپ نمی‌کاست. تا اواخر مه ۲۰۲۵، ترامپ هنوز امید به توافق با ایران داشت. پس از سفر ناگهانی نتانیاهو به واشنگتن در ۷ آوریل، که دوباره برای اقدام فوری و بمب‌های سنگرشکن فشار می‌آورد، تیم ترامپ به اسرائیلی‌ها پیام می‌دهد نباید به‌تنهایی و بدون هشدار قبلی به آمریکا به سمت ایران حمله کنند. کتاب می‌گوید خود ترامپ، والتز و روبیو از جمله کسانی بودند که این پیام را رساندند.

روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان از ماجرای دیپلماسی جمهوری اسلامی با آمریکا آن است که ترامپ در آن مقطع واقعاً میل به توافق داشت و حتی به تیمش گفته بود می‌خواهد نامه‌ای مستقیم به آیت‌الله [شهید] خامنه‌ای بفرستد. ویتکاف و والتز پیش‌نویس اولیه را تهیه کردند که شامل موارد مذاکره مستقیم درباره برنامه هسته‌ای، ضرب‌الاجل برای توافق، ممنوعیت غنی‌سازی، ممنوعیت نظامی‌سازی، ممنوعیت موشک‌های دوربرد و دسترسی کامل بازرسان آژانس به سایت‌های هسته‌ای بود. ترامپ در نامه خود همزمان تهدید کرد که اگر توافق نشود، اتفاقات بسیار بدی رخ خواهد داد. ترامپ متن را با عبارت‌پردازی‌های مورد علاقه خودش زیباتر کرد، آن را برای بعضی میهمانان اتاق بیضی خواند و در نهایت ویتکاف را به ابوظبی فرستاد تا نامه از طریق رئیس امارات به شهید خامنه‌ای برسد.

اثری از برندن رینولدز، کاریکاتوریست آفریقای جنوبی

کتاب «تغییر رژیم» از این نقطه به بعد شرحی از مذاکرات ایران و آمریکا پیش از جنگ ۱۲ روزه است. در اولین دیدار با عراقچی در ۱۴ آوریل، ویتکاف پیشنهاد می‌کند ایران بتواند برنامه غیرنظامی خود را در سطح توافق ۲۰۱۵، یعنی برجام، حفظ کند، اما زیر فشار داخلی و پس از مشورت با ترامپ مسیرش را عوض می‌کند. به روایت کتاب، ویتکاف پس از آن اصرار کرد که ایران باید تأسیسات هسته‌ای و برنامه غنی‌سازی‌اش را کاملاً کنار بگذارد و هیچ نوع غنی‌سازی، برای هیچ هدفی، در خاک ایران قابل قبول نیست. این تغییر ناگهانی بعضی‌ها در دولت را غافلگیر و به گزارش کتاب، مقامات ایران را خشمگین کرد. شرط جدید برای تهران غیرقابل قبول بود؛ با این حال، گفت‌وگوها در ماه مه ادامه پیدا می‌کند، اما کاخ سفید از طریق سازمان سیا و نه از خود اسرائیلی‌ها، خبرهایی دریافت می‌کند که رژیم اسرائیل صبرش را از دست داده و آماده حمله بدون کمک واشنگتن است. درون دولت آمریکا احساس خشم و فرسودگی از اسرائیلی‌ها بالا می‌رود؛ حسی که اسرائیلی‌ها هیچ گزینه‌ای جز کارزار نظامی علیه ایران را جدی نمی‌گیرند و مدام می‌کوشند کاخ سفید را از مسیر دیپلماتیک خارج کنند. نگرانی اسرائیلی‌ها این است که اشتیاق شدید ترامپ به توافق، منجر به قراردادی شود که خلاف منافع تل‌آویو باشد. آخرین دور از مبادله پیام ایران با آمریکا، به روایت کتاب «تغییر رژیم» بسیار مغشوش است و ویتکاف متنی نامشخص به ایران می‌دهد.

به استناد کتاب، تا ساعاتی پیش از آغاز جنگ هم ترامپ رفتارهای متفاوتی داشت و به افراد مختلف حرف‌های متفاوت می‌زد؛ به متحدان تندروترش این برداشت را می‌داد که مصمم است تا آخر از رژیم اسرائیل حمایت کند و نگذارد ایران سلاح هسته‌ای بسازد، اما چارلی کرک که آخر هفته پیش از حمله با ترامپ صحبت کرده بود، به دیگران می‌گفت ترامپ از اقدام نظامی نتانیاهو در حالیکه آمریکا هنوز دنبال توافق است حمایت نمی‌کند. کتاب ذکر می‌کند حتی روز حمله، ترامپ هنوز گزینه‌هایش را نبسته بود و به ونس و ویتکاف گفت بار دیگر با ایرانی‌ها تماس بگیرند و ببینند پیشنهادی را می‌پذیرند یا نه. چند ساعت پیش از حمله به یکی از دستیارانش گفت مطمئن نیست و به بی‌بی گفته بود این کار را نکند.

جنگ ۱۲ روزه

روز دوشنبه ۹ ژوئن، نتانیاهو در تماس با ترامپ می‌گوید قصد حمله به ایران را دارد. وقتی رژیم اسرائیل حمله را شروع می‌کند، ترامپ در دو ساعت اول از اظهار نظر خودداری کرد که اگر کارزار بد پیش رفت، بخشی از آن نباشد. نخستین بیانیه رسمی دولت آمریکا را روبیو می‌دهد که به روایت کتاب بیانیه‌ای آرام و فاصله‌گذار بود؛ اقدامی که به صورت آشکاری، برخلاف سنت حمایت علنی دولت‌های آمریکا از اسرائیل در زمان جنگ محسوب می‌شد. به باور مگی هابرمن و جاناتان سوان، دلیل انتخاب این لحن آن بود که آمریکایی‌ها بیم آن داشتند که جمهوری اسلامی ایران در تلافی، به پایگاه‌های آمریکا حمله کند. دستگاه اطلاعات آمریکا یک طرح احتیاطی آماده از جانب ایران را شناسایی کرده بود که براساس آن، اگر ایران هدف حمله قرار گیرد، فرماندهانِ میدانی اختیار داشتند همزمان اهداف آمریکایی و اسرائیلی، از جمله پایگاه‌های آمریکا در منطقه را بزنند. بنابراین بیانیه اولیه پیامی به تهران بود که این عملیات اسرائیل است، نه آمریکا و دولت ترامپ می‌خواست زمان بخرد تا اگر قرار است وارد شود، با شرایط خودش وارد شود.

به گزارش کتاب «تغییر رژیم»، ترامپ پس از مدتی طولانی تماشای فاکس نیوز، زمانی که احساس کرد حملات به خوبی پیش می‌روند، خواست تا سهمی از آن داشته باشد و در تماس با خبرنگاران، حملات را می‌ستاید، می‌گوید خودش نقش مرکزی در هماهنگی با اسرائیلی‌ها داشته و به ایران هشدار می‌دهد حملات بیشتری در راه است. کتاب از قول یکی از مقام‌های دولت اول ترامپ می‌گوید هیچ چیز مثل موفقیت توجه ترامپ را جلب نمی‌کند. همان اتفاقی که در توافق‌های ابراهیم رخ داده بود، اینجا هم تکرار می‌شود: ترامپ بعد از دیدن پوشش خبری پرشور، نمی‌تواند کنار بایستد. او خصوصی شروع می‌کند درباره انداختن «بمب بزرگ» حرف زدن: همان بمب ۱۵ تنی سنگرشکن که نتانیاهو می‌خواست و فقط آمریکا در اختیار داشت.

کتاب در این نقطه به خوبی نشان می‌دهد جریان ماگا چگونه بر سر حمله به ایران دچار انشقاق شدند. به روایت کتاب، کارلسن با ترامپ تماس می‌گیرد و با لحنی تندتر از معمول می‌گوید همه فکر می‌کنند اسرائیل ترامپ را دنبال خود می‌کشد. ترامپ جواب می‌دهد: همه چیز خوب پیش خواهد رفت و باید از زور برای رسیدن به صلح استفاده کرد. کارلسن دوباره هشدار می‌دهد که اگر ترامپ وارد جنگ تغییر رژیم با ایران شود، ریاست‌جمهوری‌اش تمام است و روز بعد هم وقتی خبرنگار آتلانتیک از ترامپ می‌پرسد حمایت از جنگ اسرائیل با ایران چگونه با «America First» سازگار است، ترامپ می‌گوید چون خودش این اصطلاح را ساخته، خودش هم تعیین می‌کند معنایش چیست. سپس می‌گوید کسانی که صلح می‌خواهند باید بفهمند با ایران هسته‌ای صلح ممکن نیست.

به گزارش کتاب، چهار روز پس از آغاز تجاوز رژیم اسرائیل، ترامپ تقریباً پیام رسمی آمریکا مبنی بر عدم شرکت در جنگ را خراب می‌کند. در ساعت ۶:۳۰ عصر ۱۶ ژوئن در Truth Social می‌نویسد همه باید فوراً تهران را تخلیه کنند. نیروهای آمریکایی هنوز مأموریت رزمی بر فراز ایران انجام نمی‌دادند، اما پست ترامپ طوری به نظر می‌رسید که انگار آمریکا حمله را شروع کرده است. خبرنگاران اسرائیلی به اشتباه گزارش می‌دهند آمریکا به ایران حمله می‌کند. مقام‌های ارشد پنتاگون هم نگران می‌شوند جمهوری اسلامی ایران این پیام را اعلان جنگ تلقی کند و پایگاه‌های آمریکا در قطر یا عراق را بزند. وقتی ترامپ از توضیح پنتاگون خشمگین می‌شود، او توضیح و شفاف‌سازی نمی‌خواست؛ «می‌خواست ایرانی‌ها بترسند و سردرگم بمانند و ندانند چه چیزی در راه است». کتاب «تغییر رژیم» این کار را بخشی از ترجیح ترامپ در عملیات نظامی می‌داند؛ یعنی ابهام و تهدید. صبح روز بعد هم او می‌نویسد آمریکا کنترل کامل آسمان ایران را دارد و سپس خواسته‌ای مطرح می‌کند که حتی بعضی اعضای تندرو دولتش را شوکه می‌کند: تسلیم بی‌قید و شرط. از آن لحظه، تیم‌های ارتباطی کاخ سفید و پنتاگون عملاً کنار می‌کشند. کسی نمی‌خواهد جلوتر از ترامپ حرف بزند و وقتی خبرنگاران دنبال روشن شدن موضع آمریکا هستند، به صفحه Truth Social ترامپ ارجاع داده می‌شوند.

در نهایت کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان به نقطه عملیات چکش نیمه‌شب می‌رسد و تصریح می‌کند که در این مرحله بیشتر مقام‌های ارشد دولت تردیدهای خود را زیر پا گذاشته‌اند و از اقدام ترامپ حمایت می‌کنند، چون می‌دانند توان قانع کردن او را به راه دیگر ندارند. ونس همان شب پس از حمله مضطرب به نظر می‌رسد و برخی مشاوران این را به ترس او از گسترش جنگ نسبت می‌دهند. در اتاق آبی کاخ سفید، وقتی ترامپ متن سخنرانی‌اش را آماده می‌کند، ونس پیشنهاد می‌دهد بعضی عبارات نرم‌تر شود. ترامپ با تندی پاسخ می‌دهد که می‌داند چه می‌کند و سپس پشتش را به ونس می‌کند. کتاب می‌نویسد بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران در ژوئن، باور نتانیاهو را تقویت کرده بود که ترامپ نهایتاً از هرچه او بخواهد پشتیبانی می‌کند. بعضی مشاوران نزدیک ترامپ هم که معتقد بودند نتانیاهو او را به حملات ژوئن کشانده، همین فرصت را برای مهار نتانیاهو می‌دیدند.

جنگ ۱۲ روزه به روایت کتاب «تغییر رژیم» با تردیدهایی در رابطه با میزان آسیب حملات آمریکا به تأسیسات فردو به پایان می‌رسد. برخی از مشاوران ترامپ در میانه جنگ ۱۲ روزه احساس کردند ترامپ حتی به رژیم اسرائیل حسادت می‌کند و میل دارد تا نقشی بیشتر در جنگ علیه ایران داشته باشد. اما باور مگی هابرمن و جاناتان سوان این است که نوع پایان‌بندی جنگ ۱۲ روزه و پاسخ جمهوری اسلامی ایران به حمله آمریکا، ترامپ را در نهایت برای اقدامات بعدی جسورتر کرد.

کتاب «تغییر رژیم» از همان مقدمه ایران را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های ریاست‌جمهوری دوم ترامپ معرفی می‌کند. نویسندگان می‌گویند بزرگ‌ترین قمار زودهنگام او، پیوستن به جنگ تمام‌عیار اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ بود؛ تصمیمی که به روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان، می‌توانست مهم‌ترین تصمیم کل ریاست‌جمهوری او باشد

فشار برای دور بعدی

مگی هابرمن و جاناتان سوان در کتاب «تغییر رژیم» می‌نویسند در زمستان ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶، با افزایش فشار اسرائیل برای حمله دوباره، جان رتکلیف، رئیس سازمان سیا، مجموعه‌ای از نتایج ممکن یک کارزار نظامی را به ترامپ ارائه می‌کند. اینها پیش‌بینی قطعی نبودند، بلکه ارزیابی‌هایی مشروط به نوع و طول کارزار بودند. رتکلیف حداقل کارزار را چهار تا شش هفته فرض کرده بود؛ اما در نهایت تصویر اطلاعاتی درباره تغییر رژیم تیره بود. رتکلیف تأکید می‌کند بمباران نظام جمهوری اسلامی ایران را ساقط نخواهد کرد و در نهایت توانایی‌های نظامی ایران را هم بعید است به چالش بکشد.

به باور کتاب، ترامپ این ارزیابی‌های بدبینانه را نمی‌پذیرد. او فکر می‌کند جنگ سریع تمام می‌شود و رژیم سیاسی در ایران ضعیف است؛ به باور نویسندگان این برداشتی بود که پس از جنگ ۱۲ روزه در ذهنش تثبیت شده بود و پس از عملیات موفق علیه مادورو هم بیشتر مجذوب توان نظامی آمریکا شده بود. او به دستیارانش می‌گفت دوست دارد در ایران هم وضعیتی شبیه ونزوئلا شکل بگیرد؛ یعنی همه مزایای تغییر رژیم، بدون دردسر تغییر ساختار کشور را امتحان کند. مدل ذهنی او این بود که رئوس سیاسی حکومت حذف شوند و یک کارگزار ترسیده و مطیع ترامپ جایگزین شود. اما مشاورانش باور نداشتند در ایران بتوان سناریوی ونزوئلا را پیاده کرد. کتاب «تغییر رژیم» می‌گوید ترامپ چندان هم از واقعیت‌ها بی‌خبر نبود، چون رتکلیف و دن کین او را کامل توجیه کرده بودند و اطلاعات روزآمد امنیتی نشان می‌داد نظام ایران عمق بسیار بیشتری دارد، از جمله بعد مذهبی قدرتمند؛ با این حال ترامپ بارها به مشاورانش گفت درباره حمله به ایران «حس خوبی» دارد و می‌خواهد پیش برود.

کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان در این نقطه یک ماجرای جالب از ذهنیت ترامپ، به نقل از اطرافیان او نقل می‌کند. به باور نویسندگان کتاب، اعتماد به نفس ترامپ برای عملیات علیه ایران پس از ربایش مادورو بسیار افزایش پیدا کرد، اما در تمام مدتی که او مشغول شنیدن شرح عملیات توسط ارتش آمریکا یا مشاهده عملیات بود، داشت خودش را با کارتر و این عملیات را هم با ماجرای طبس مقایسه می‌کرد و درد طبس برایش بسیار زیاد بود و گویی دوست داشت تا این عملیات در خاطره تاریخی آمریکا به جای شکست مفتضحانه طبس بنشیند. نکته دیگری که در مقایسه کودکانه با مادورو در کتاب ذکر می‌شود، این است که ازدیاد اعتماد به نفس ترامپ ناشی از ربایش مادورو و بمباران کم هزینه فوردو، این حس را در او به وجود آورده بود که حتی نیازی به گفت‌وگوی عمومی با مردم آمریکا یا حتی به مانند اسلاف خود، پرونده‌سازی برای آغاز جنگ ندارد. کتاب «تغییر رژیم» تصریح می‌کند ترامپ هیچ تلاشی برای ساختن پرونده عمومی جنگ نکرد. او از ابهام کامل درباره نیت خود را ترجیح می‌داد و هرکس را که می‌کوشید شفاف‌سازی کند سرزنش می‌کرد. وقتی حمله رخ داد، چرخشی ناگهانی بود، به‌ویژه چون کمتر از سه ماه قبل، راهبرد امنیت ملی دولتش اعلام کرده بود خوشبختانه روزهایی که خاورمیانه بر سیاست خارجی آمریکا مسلط بود، تمام شده است.

به روایت مگی هابرمن و جاناتان سوان، نقطه عطف دور دوم جنگ با جمهوری اسلامی و آغاز جنگ رمضان در ۱۱ فوریه رقم می‌خورد؛ زمانی که برای اولین بار، یک رهبر خارجی، یعنی نتانیاهو در اتاق وضعیت کاخ سفید حاضر می‌شود. نتانیاهو در کنار ترامپ، گروه کوچکی از مشاوران ارشد، مقام‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا و مقام‌های اسرائیلی می‌نشیند و روی صفحه هم، بارنئا، رئیس موساد و چند مقام از رژیم اسرائیل حاضرند. ونس هم غایب آن جلسه است، چون در مأموریت رسمی در جمهوری آذربایجان است؛ وزیر انرژی، وزیر خزانه‌داری و تولسی گبرد هم در جلسه نیستند.

به گزارش کتاب «تغییر رژیم»، نتانیاهو در حدود یک ساعت تلاش می‌کند ترامپ را قانع کند که ایران آماده فروپاشی است و این می‌تواند لحظه تغییر رژیم با حمله مشترک آمریکا و رژیم اسرائیل باشد. او در بخشی از ارائه، ویدیویی پخش می‌کند که در آن چهره‌هایی به عنوان رهبران احتمالی پس از سقوط حکومت دیده می‌شوند؛ از جمله رضا پهلوی که نتانیاهو تلاش می‌کند تا او را به عنوان رهبر اپوزیسیون ایران جا بزند. نتانیاهو و تیمش شرایط را طوری ترسیم می‌کنند که تقریباً پیروزی قطعی به نظر برسد: برنامه موشک بالستیک ایران در چند هفته نابود می‌شود؛ ایران آنقدر ضعیف خواهد شد که نمی‌تواند تنگه هرمز را ببندد؛ احتمال ضربه جدی به منافع آمریکا در کشورهای همسایه حداقلی است. نتانیاهو در آن جلسه این ایده را به ترامپ می‌فروشد که اطلاعات موساد نشان می‌دهد اعتراضات در ایران دوباره آغاز می‌شود و با کمک سرویس جاسوسی اسرائیل برای تحریک شورش و آشوب، بمباران شدید می‌توانند شرایط را برای سرنگونی رژیم توسط اپوزیسیون ایران فراهم کند. اسرائیلی‌ها حتی امکان ورود جنگجویان کرد ایرانی از عراق برای باز کردن جبهه زمینی در شمال‌غرب ایران را مطرح می‌کنند.

کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان در این بخش به خوبی نشان می‌دهد که ترامپ عمیقاً تحت‌تأثیر نتانیاهو است و ارائه نتانیاهو برای ترامپ قانع‌کننده و آماده به نظر می‌رسد. ترامپ به نتانیاهو می‌گوید خوب به نظر می‌رسد. از نگاه نتانیاهو، این یعنی چراغ سبز احتمالی برای عملیات مشترک آمریکا و رژیم اسرائیل. مشاوران خود ترامپ هم می‌بینند که او عمیقاً تحت‌تأثیر نمایش توان ارتش و سرویس اطلاعاتی اسرائیل قرار گرفته است. نتانیاهو استدلال می‌کند خطر بی‌عملی اکنون از خطر عمل بیشتر است. او می‌گوید اگر حمله به تعویق بیفتد و ایران فرصت بیشتری برای بازسازی برنامه موشکی و ایجاد سپر اطراف برنامه هسته‌ای‌اش پیدا کند، هزینه اقدام بعداً بالاتر می‌رود. نتانیاهو این ایده را به ترامپ می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند موشک و پهپاد را با هزینه‌ای بسیار کمتر و سرعتی بسیار بیشتر از ساخت رهگیرهای گران آمریکایی تولید کند. کتاب می‌گوید نتانیاهو یک مزیت دیگر هم داشت و آن اینکه با وجود بی‌اعتمادی بسیاری از مشاوران ترامپ به او، نتانیاهو روی موضوعی پافشاری می‌کرد که عمیقاً در ذهن ترامپ شبیه به گره‌ای شده بود. ایران برای ترامپ از میان چالش‌های سیاست خارجی دو دوره‌اش جایگاهی مهم داشت. به باور نویسندگان کتاب «تغییر رژیم» او تهران را دشمنی به‌طور خاص خطرناک می‌دید و حاضر بود برای محدود کردن توان آن در جنگ‌های منطقه‌ای و دستیابی به بمب خطرهای بزرگی بپذیرد. مگی هابرمن و جاناتان سوان در نهایت می‌نویسند نتانیاهو، ترامپ را این‌طور فریفت که او می‌تواند با ساقط کردن رژیم سیاسی در ایران، بزرگ‌ترین رئیس جمهوری تاریخ آمریکا شود.

مشورت آمریکایی

کتاب «تغییر رژیم» می‌نویسد دقیقاً از فردای آن روز، دستگاه اطلاعاتی آمریکا به جنب و جوش می‌افتد. دو مقام ارشد اطلاعاتی، پیش از ورود ترامپ، حلقه نزدیک او را توجیه می‌کنند. آنها ارائه نتانیاهو را به چهار بخش تقسیم کرده بودند: اول، حذف رهبران سیاسی؛ دوم، فلج کردن توان ایران برای اعمال قدرت و تهدید همسایگان؛ سوم، قیام مردمی داخل ایران؛ چهارم، تغییر رژیم با نصب رهبر سکولار جدید. ارزیابی آنها این بود که دو هدف اول با توان اطلاعاتی و نظامی آمریکا قابل دستیابی است، اما بخش سوم و چهارم، از جمله ایده حمله زمینی کردها از عراق، از واقعیت جدا است.

کتاب توصیف می‌کند وقتی ترامپ وارد جلسه می‌شود، رتکلیف او را از ارزیابی اطلاعاتی آمریکا درباره ارائه نتانیاهو مطلع می‌کند و سناریوی تغییر رژیم او را با یک واژه توصیف می‌کند: مضحک و غیرواقعی. روبیو هم بلافاصله با عبارتی تندتر همان را تأیید می‌کند. رتکلیف اضافه می‌کند که در جنگ همیشه رخدادها غیرقابل پیش‌بینی‌اند و تغییر رژیم می‌تواند اتفاق بیفتد، اما نباید آن را هدفی قابل تحقق دانست. ونس هم که از آذربایجان برگشته، نسبت به امکان تغییر رژیم بسیار بدبین است. ترامپ نظر دن کین، رئیس ستاد مشترک، را می‌پرسد. کین می‌گوید این، طبق تجربه او، شیوه معمول اسرائیلی‌هاست که ایده‌هایشان را بیش‌فروشی می‌کنند، طرح‌های‌شان همیشه پخته نیست، می‌دانند به آمریکا نیاز دارند و برای همین سخت می‌فروشند. ترامپ ارزیابی می‌کند و نتیجه می‌گیرد تغییر رژیم «مشکل آنها» خواهد بود؛ کتاب در این نقطه می‌گوید روشن نیست منظورش اسرائیلی‌ها بودند یا مردم ایران. اما تصمیمش برای جنگ علیه ایران به تحقق‌پذیر بودن بخش سوم و چهارم ارائه نتانیاهو، یعنی تغییر رژیم در ایران وابسته نمی‌ماند. او همچنان به دو هدف اول علاقه‌مند است: حذف سران سیاسی و رهبران ارشد ایران و برچیدن توان نظامی ایران. دن کین نگرانی‌های جدی خود را مطرح می‌کند. او به ترامپ و اعضای کابینه می‌گوید یک کارزار بزرگ علیه ایران، ذخایر تسلیحات آمریکایی را به‌شدت تهی می‌کند و مسیر روشنی برای جایگزینی سریع وجود ندارد. او از احتمال تلفات قابل توجه آمریکایی، کمبود مهمات و رهگیرها پس از سال‌ها حمایت از اوکراین و اسرائیل و دشواری عظیم تأمین امنیت تنگه هرمز نگران است. ترامپ خطر بستن تنگه را با این تصور کنار می‌زند که رژیم پیش از رسیدن به آن نقطه تسلیم خواهد شد.

به باور نویسندگان کتاب «تغییر رژیم»، مسأله مهمات فراتر از ایران بود. اگر ذخایر کافی وجود نداشت، توان آمریکا در هر جنگ آینده‌ای می‌توانست به‌طور جدی آسیب ببیند. دولت از پیمانکاران دفاعی خواسته بود تولید را به‌شدت افزایش دهند، اما توان صنعتی موجود نمی‌توانست به سرعت و حجم مورد نیاز برای چنین جنگ‌افزارهای پیچیده‌ای برسد. ترامپ هم نمی‌خواست درباره کمبود مهمات علناً حرفی زده شود، چون آن را نمایش ضعف آمریکا می‌دانست. کین هم نقش خود را نه توقف رئیس‌جمهوری، بلکه ارائه گزینه‌ها و پیامدها می‌دید. او مرتب می‌پرسید «بعدش چه؟» اما ترامپ اغلب چیزی را می‌شنید که می‌خواست بشنود. به روایت بسیاری از مشاوران ترامپ که در کتاب با آنان گفت‌وگو شده است، ترامپ توصیه تاکتیکی کین را با مشورت راهبردی اشتباه می‌گرفت و مثال می‌زند که اگر کین در یک جمله از دشواری‌ها می‌گفت و در جمله بعد توضیح می‌داد آمریکا پس از برتری هوایی می‌تواند هفته‌ها با بمب‌های هدایت‌شونده دقیق و ارزان ایران را بزند، این برای کین دو گزاره جدا بود، اما برای ترامپ دومی اولی را خنثی می‌کرد. کتاب می‌گوید هیچ‌گاه در روند تصمیم‌گیری، کین چنان محکم مقابل ترامپ ننشست که بگوید جنگ با ایران ایده‌ای فاجعه‌بار است؛ هرچند برخی همکارانش فکر می‌کردند نظر واقعی او همین است.

در نقطه اتخاذ تصمیم برای آغاز تجاوز علیه ایران، کتاب «تغییر رژیم» تلاش می‌کند تصویری روشن و واضح از فضای اطرافیان ترامپ و تیم امنیت ملی و کابینه او بدهد. به گزارش کتاب، حلقه‌ای از چهره‌های بانفوذ برای حمله به ایران فشار می‌آوردند: ژنرال بازنشسته جک کین، روپرت مرداک، مارک لوین، مارک تیسن و سناتور لیندزی گراهام. نتانیاهو هم ماه‌ها بود که فشار می‌آورد و می‌دانست که بدون آمریکا در یک جنگ بزرگ دستش بسته است. کتاب می‌گوید او (نتانیاهو) که سابقه فعالیت رسانه‌ای در آمریکا داشت، با دقت کانال‌های اثرگذار بر ترامپ را انتخاب کرده بود. او با گراهام هماهنگ بود و از این مزیت بهره می‌برد که حلقه اطلاعاتی ترامپ در دوره دوم بسته‌تر از دوره اول شده بود. مگی هابرمن و جاناتان سوان به خوبی بیان می‌کنند که ترامپ کمتر از منتقدان می‌شنید، بیشتر با چاپلوسان کاخ سفید و مارالاگو احاطه شده بود، و در مارالاگو گروهی از ثروتمندان و سالمندان پالم‌بیچ تلاش و برای پیوستن به اسرائیل در جنگ با ایران را تشویق می‌کردند.

در نقطه اتخاذ تصمیم برای آغاز تجاوز علیه ایران، کتاب «تغییر رژیم» تلاش می‌کند تصویری روشن و واضح از فضای اطرافیان ترامپ و تیم امنیت ملی و کابینه او بدهد. به گزارش کتاب، حلقه‌ای از چهره‌های بانفوذ برای حمله به ایران فشار می‌آوردند: ژنرال بازنشسته جک کین، روپرت مرداک، مارک لوین، مارک تیسن و سناتور لیندزی گراهام. نتانیاهو هم ماه‌ها بود که فشار می‌آورد و می‌دانست که بدون آمریکا در یک جنگ بزرگ دستش بسته است

بیعت در اتاق وضعیت

اکنون نوبت وضعیت کابینه است. درون کابینه، هگست بزرگ‌ترین حامی رفتن به جنگ علیه ایران بود. روبیو به گزارش کتاب به صورت خصوصی تردید داشت؛ باور نداشت ایرانی‌ها به توافق تن دهند، اما ترجیحش ادامه فشار حداکثری بود، نه عملیات نظامی تمام‌عیار. با این حال، روبیو در برابر ترامپ با قدرت از این موضع دفاع نمی‌کرد. بیش از همه، ونس نگران جنگ ایران محسوب می‌شد و بیش از دیگران برای توقف آن تلاش می‌کرد. او کار سیاسی خود را بر مخالفت با همین نوع ماجراجویی نظامی ساخته بود و جنگ با ایران را اتلاف عظیم منابع و بسیار پرهزینه می‌دانست. با این حال، کتاب می‌گوید او در همه موارد کبوتر صلح نبود؛ مثلاً در ژانویه، وقتی ترامپ علناً به ایران هشدار داد کشتن معترضان را متوقف کند و وعده داد کمک در راه است، ونس خصوصی او را تشویق کرده بود خط قرمزش را اجرا کند، اما منظورش حمله محدود و تنبیهی شبیه حمله موشکی ۲۰۱۷ به سوریه بود. ترجیح واقعی ونس این بود که اصلاً حمله‌ای انجام نشود؛ اما چون فکر می‌کرد ترامپ احتمالاً به شکلی مداخله می‌کند، تلاش کرد او را به اقدامات محدودتر سوق دهد. کتاب «تغییر رژیم» صورت خوبی از نگرانی‌های ونس به دست می‌دهد که در آن ایام مرتباً به همکارانش می‌گفت جنگ با ایران می‌تواند ائتلاف سیاسی ترامپ را بشکند و برای رأی‌دهندگانی که به وعده عدم ورود به جنگ‌های جدید رأی داده‌اند خیانت به نظر برسد. او نگران کمبود مهمات، تلفات آمریکایی، هرج‌ومرج منطقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی بودن پاسخ ایران هم بود. بزرگ‌ترین ریسک، از نگاه او، تنگه هرمز بود؛ اگر این آبراه که حامل مقادیر عظیم نفت و گاز است بسته می‌شد، پیامدهای سیاسی داخلی در آمریکا از جمله قیمت بنزین غیرقابل محاسبه می‌شد. کارلسن هم بارها طی سال گذشته به اتاق بیضی آمده بود تا به ترامپ بگوید جنگ با ایران ریاست‌جمهوری‌اش را نابود می‌کند. کتاب ذکر می‌کند که چند هفته پیش از آغاز جنگ، ترامپ تلفنی سعی کرد تا نگرانی او را برطرف کند و به او گفت همه چیز خوب خواهد شد. وقتی کارلسن پرسید از کجا می‌داند، ترامپ به سادگی تنها پاسخ داد که چون همیشه همین‌طور است!

مذاکرات در این میان اما متوقف نشده است و هنوز ادامه دارد. کتاب شرحی هم بر دور آخر مذاکرات دارد. کوشنر و ویتکاف به ترامپ می‌گویند شاید بتوانند با مذاکره به چیزی شبیه توافق اوباما، حتی کمی بهتر برسند، اما ماه‌ها طول می‌کشد. از نگاه آنها ایرانی‌ها عجله ندارند و شاید می‌خواهند دوره ترامپ را پشت سر بگذارند. کوشنر می‌گوید اگر ترامپ از آنها می‌پرسد آیا می‌توانند صادقانه بگویند مسأله را حل می‌کنند یا نه، رسیدن به آن نقطه کار زیادی می‌برد. کتاب «تغییر رژیم» در این نقطه یک اعتراف هم دارد و آن هم استفاده از پوشش مذاکره برای انتقال امکانات نظامی است و بیان می‌کند مذاکرات هدف دیگری هم داشت و به ترامپ زمان داد تا جنگ‌افزارهای نظامی را به منطقه منتقل کند و برای جنگ آماده شود.

چند روز پیش از آغاز جنگ، ماجرای دلخوری دن کین و ترامپ بدل به سرخط اخبار شد؛ ماجرایی که ترامپ آن را با نقل‌قولی وفادارانه از کین زود درز گرفت، اما کتاب مگی هابرمن و جاناتان سوان، شرح متفاوتی از آن ماجرا دارد. براساس روایت کتاب، آکسیوس گزارشی کار می‌کند که براساس آن رئیس ستاد مشترک درباره خطر گرفتار شدن و تلفات قابل توجه آمریکایی به ترامپ هشدار داده و او را نسبت به جنگ با ایران بسیار بی‌میل توصیف می‌کند. در همین زمان، واشنگتن‌پست نیز گزارش مشابهی درباره کمبود مهمات و نبود حمایت متحدان منتشر می‌کند. کین از این گزارش‌ها ناراحت می‌شود و می‌گوید نقش او [رفع و رجوع] این موارد نیست. ترامپ سریع روایت را مصادره می‌کند و در Truth Social می‌نویسد کین مخالف جنگ نیست و اگر لازم شود در جنگ به آسانی پیروز خواهد شد؛ کتاب می‌گوید کین چنین چیزی نگفته بود.

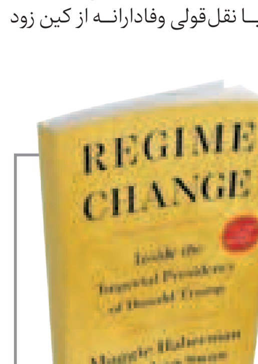

Regime Change
Inside the Imperial Presidency of Donald Trump

تغییر رژیم
درون ریاست جمهوری امپریالیستی دونالد ترامپ

- نویسندگان: Maggie Haberman, Jonathan Swan
- مگی هابرمن، جاناتان سوان
- انتشارات: Simon & Schuster
- تعداد صفحات: ۴۹۶ صفحه
- قیمت: ۲۸/۰۱ دلار

به گزارش مگی هابرمن و جاناتان سوان، جدول زمانی حمله به ایران به دلیل تبادل اطلاعاتی مبنی بر جلسه رهبر شهید با فرماندهان تغییر می‌کند و جلو می‌افتد. کتاب می‌گوید ترامپ هفته‌ها قبل در عمل تصمیمش برای حمله را گرفته بود، اما زمان دقیق را نه؛ اما با این گزارش، نتانیاهو او را به سرعت عمل ترغیب می‌کرد. جلسه نهایی تصمیم در ساعت حدود ۵ عصر پنجشنبه ۲۶ فوریه در اتاق وضعیت برگزار می‌شود. همه مواضع روشن شده بود؛ به روایت کتاب، «تنهارئیس‌جمهوری بود» و دیگران از تصمیم او حمایت می‌کردند. نه ارائه‌ای بود، نه کاغذی؛ فقط یک بحث حدوداً ۹۰ دقیقه‌ای. ترامپ در رأس میز بود. در سمت راستش ونس، سپس وایلز، رتکلیف، وارینگتن و استیون چونگ نشسته بودند؛ روبه‌رو لویت، دن کین، هگست و روبیو بودند. حلقه برنامه‌ریزی آن‌قدر بسته بود که وزیر خزانه‌داری و وزیر انرژی، یعنی دو نفری که باید بزرگ‌ترین اختلال عرضه در بازار جهانی نفت را مدیریت می‌کردند، حتی یک روز پیش از شروع جنگ در جریان نبودند. تولسی گبرد هم در جریان نبود.

کتاب «تغییر رژیم» شرحی از این جلسه نهایی اتاق وضعیت دارد. براساس این گزارش، ترامپ جلسه را آغاز می‌کند و می‌خواهد نظر همه را بشنود. ونس اول حرف می‌زند و می‌گوید ترامپ می‌داند او این کار را ایده بدی می‌داند، اما اگر بخواهد انجامش دهد، حمایت خواهد کرد. وایلز می‌گوید اگر ترامپ احساس می‌کند برای امنیت ملی آمریکا باید پیش برود، پس بهتر است که پیش برود. رتکلیف نظر قطعی درباره انجام عملیات نمی‌دهد، اما اطلاعات جدید درباره جلسه رهبر شهید با فرماندهان در مجموعه بیت رهبری را ارائه می‌دهد. دیوید وارینگتن، مشاور حقوقی کاخ سفید هم در این جلسه حاضر بود و بیان می‌کند طرح از نظر حقوقی، به شکلی که مقام‌های آمریکایی طراحی و به رئیس‌جمهوری ارائه کرده‌اند، مجاز است. او ابتدا نظر شخصی نمی‌دهد، اما وقتی ترامپ فشار می‌آورد، می‌گوید به عنوان کهنه‌سرباز تفنگداران دریایی، نظامی آمریکایی‌ای را می‌شناخته که سال‌ها قبل به دست ایران کشته شده بود و مسأله برایش شخصی است. او می‌گوید اگر اسرائیل به هر حال قرار است به ایران حمله کند، آمریکا باید به آن بپیوندد. چونگ هم در جلسه پیامدهای افکار عمومی را توضیح می‌دهد و می‌گوید ترامپ با مخالفت با جنگ‌های تازه انتخاب شده بود، رأی‌دهندگان به جنگ خارجی رأی نداده بودند و این طرح‌ها با همه حرف‌های دولت پس از عملیات چکش نیمه‌شب ناسازگار بود. او از ترامپ می‌پرسد چطور می‌توان توضیح داد که ۸ ماه گفته‌اند تأسیسات هسته‌ای ایران کاملاً نابود شده و حالا دوباره چنین جنگی لازم است؟

کارولین لویت هم که در جلسه حاضر است، می‌گوید این تصمیم ترامپ است و تیم رسانه‌ای پیامدها را مدیریت خواهد کرد. هگست هم در نهایت موضعی محدود و تهاجمی می‌گیرد و بیان می‌کند بالاخره باید روزی با ایرانی‌ها جنگید، پس بهتر است حالا انجام شود. کین با احتیاط ریسک‌ها و پیامدها برای ذخایر مهمات را توضیح می‌دهد و می‌گوید اگر ترامپ دستور دهد، ارتش اجرا می‌کند. روبیو می‌گوید اگر هدف تغییر رژیم یا قیام است، نباید انجام شود؛ اما اگر هدف نابودی برنامه موشکی ایران است، این هدف قابل تحقق است. در نهایت، کتاب می‌گوید همه به غریزه ترامپ واگذار کرده بودند. ترامپ هم در نهایت گفت فکر می‌کند که باید انجامش دهند.

دن کین به ترامپ می‌گوید هنوز کمی وقت دارد و لازم نیست تا ساعت ۴ عصر فردا تصمیم نهایی را بدهد. اما جمعه ۲۷ فوریه، ساعت ۳:۳۸ عصر، در مسیر یک برنامه در تگزاس، ترامپ دستور نهایی را صادر می‌کند. در ساعات اولیه صبح روز بعد، عملیات خشم حماسی و تجاوز به ایران آغاز می‌شود. کتاب کمی به پیامدهای جنگ برای آمریکا و جهان می‌پردازد و آن را از بزرگ‌ترین تصمیم ترامپ برای آسیب به بدنه رأی خود می‌داند و نکات جالبی از بررسی جنگ در کاخ سفید را ذکر می‌کند.

به گزارش کتاب «تغییر رژیم»، جنگ برای تیم رسانه‌ای کاخ سفید به مواد اولیه ویدیوهای ویروسی تبدیل شده بود؛ کلیپ‌هایی از حملات هوایی آمریکا با موسیقی پرهیجان و گرافیک شبیه بازی‌های ویدیویی و در همین حال پشت صحنه، برخی دستیاران می‌گفتند ای کاش ترامپ نسبت به خطرهایی که ایجاد کرده و سقوط نظرسنجی‌هایش مضطرب‌تر بود. کتاب به روشنی ذکر می‌کند که ترامپ بسیار آسان و زود، با آغاز جنگ علیه ایران وارد یک قمار با آینده سیاسی و ریاست جمهوری خود شد و جنگ چندان برایش آسان نبود. او گرفتار معضلی شد که بارها از آن گزیده شده بود و آن هم این است: اول اعمال زور عظیم، بعد فکر کردن به پیامدها.

روایت گزارشگران نیویورک‌تایمز از ترامپ

مگی هابرمن روزنامه‌نگار آمریکایی و خبرنگار بخش کاخ سفید «نیویورک‌تایمز» است. او اهل نیویورک و فارغ‌التحصیل کالج سارا لارنس است. فعالیت حرفه‌ای هابرمن از «نیویورک‌پست» آغاز شد؛ سپس به پوشش اخبار شهرداری و سیاست شهری پرداخت و بعد به «نیویورک‌دیلی‌نیوز» رفت، سپس به «نیویورک‌پست» بازگشت و انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ را گزارش کرد. هابرمن در سال ۲۰۱۰ به «پولیتیکو» پیوست و خبرنگار ارشد سیاسی شد. «نیویورک‌تایمز» در سال ۲۰۱۵ او را برای پوشش انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ استخدام کرد و پس از پیروزی ترامپ، گزارشگری دولت و کاخ سفید به محور کارش تبدیل شد. او با «سی‌ان‌ان» نیز به‌عنوان تحلیلگر سیاسی، همکاری حرفه‌ای مستمر داشته است.

جاناتان سوان نیز روزنامه‌نگاری استرالیایی، زاده سیدنی و خبرنگار کاخ سفید «نیویورک‌تایمز» است. او کار خود را در استرالیا، در «فرفکس مدیا» و «سیدنی مورنینگ هرالد» آغاز کرد و به‌عنوان خبرنگار سیاسی ملی در گالری مطبوعاتی پارلمان فدرال در کانبرا فعالیت داشت. او اواخر ۲۰۱۶، پیش از آغاز رسمی «اکسیوس»، به این رسانه رفت و در مقام خبرنگار سیاسی ملی، کاخ سفید، حزب جمهوری‌خواه و دولت اول ترامپ را پوشش داد. سوان در ژانویه ۲۰۲۳ به «نیویورک‌تایمز» پیوست. هابرمن و سوان اکنون همکاران بخش کاخ سفید این روزنامه و نویسندگان مشترک کتاب «تغییر رژیم» هستند.

هابرمن و سوان در کتاب «تغییر رژیم»، که حاصل بیش از ۱۰۰۰ مصاحبه است، روایتی از سال اول دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ ارائه می‌دهند. یکی از مضامین کتاب این است که چگونه چالش‌های حقوقی، محکومیت‌ها و تلاش‌های ترور قبلی ترامپ، ریاست‌جمهوری فعلی او را شکل داده است. ترامپ در پستی در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از عناوین توهین‌آمیز مثل «انگل» (magot) و «نویسنده درجه سه» درباره هابرمن، به انتشار کتاب واکنش نشان داد و محتوای آن را «ساختگی و تخیلی» خواند. این کتاب به گسترش قدرت ریاست‌جمهوری ترامپ، از جمله دورزدن بررسی‌های کنگره، نادیده گرفتن احکام دادگاه و تکیه بر غریزه شخصی برای تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر بازارهای جهانی و رهبری خارجی می‌پردازد.

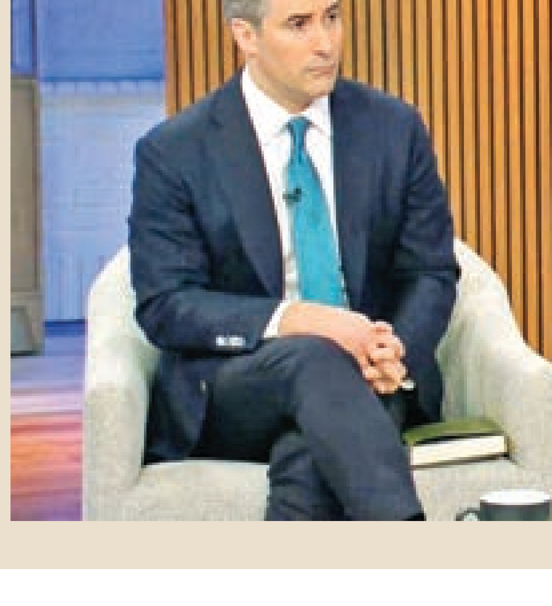

سازمان حمایت از احتمال تشکیل پرونده تعزیراتی برای یک شرکت خودروساز مونتاژی خبر داد

دور تازه تقابل بر سر قیمت خودرو

اختلاف بر سر سازوکار قیمت‌گذاری خودرو بار دیگر بالا گرفت

گزارش

گروه خودرو

بازار خودرو بار دیگر درگیر پرونده‌ای شده که محور آن نه تولید است و نه عرضه، بلکه «قیمت‌گذاری» است. این بار پای یک شرکت خودروساز مونتاژی در میان است که به گفته سازمان حمایت، قیمت‌های اعلامی آن با نرخ‌های ابلاغ‌شده همخوانی ندارد و در صورت عرضه محصولات با همین قیمت‌ها، پرونده تخلف برای رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد. هرچند هنوز سرنوشت این پرونده مشخص نیست، اما همین هشدار کافی بود تا اختلاف قدیمی بر سر سازوکار قیمت‌گذاری و حدود اختیارات نهادهای مختلف، دوباره به صدر اخبار بازگردد.

ماجرایی که تازگی ندارد

ماجرای قیمت خودرو در سال‌های اخیر همواره با اختلاف نظر میان خودروسازان، شورای رقابت، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان حمایت همراه بوده است. هر بار که فهرست تازه‌ای از قیمت‌ها منتشر می‌شود، این پرسش نیز دوباره مطرح می‌شود که در نهایت چه نهادی مسئول تعیین قیمت است و کدام مرجع باید بر اجرای آن نظارت کند. هشدار اخیر سازمان حمایت درباره عملکرد یک شرکت خودروسازی نیز بار دیگر همین ابهام قدیمی را زنده کرد.

پای تعزیرات به ماجرا باز شد

در همین رابطه، احمد شانیان، معاون سازمان حمایت، اعلام کرد: «قیمت‌های اصلاحی این شرکت پیش‌تر مطابق ضوابط شورای رقابت محاسبه و به شرکت ابلاغ شده بود، اما اطلاعیه اخیر شرکت نشان می‌دهد قیمت‌های اعلامی با نرخ‌های ابلاغی سازمان حمایت مغایرت دارد. بر همین اساس، اگر خودروها با همان قیمت‌های اعلام‌شده به فروش برسند، میزان تخلف محاسبه و پرونده برای رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد.»

وزارت صمت نقشی در تعیین قیمت خودرو ندارد

همزمان، رئیس سازمان حمایت نیز در اظهاراتی تازه، درباره سازوکار تعیین قیمت خودرو توضیح داد. اظهاراتی که بار دیگر توجه‌ها را به ساختار پیچیده قیمت‌گذاری در بازار خودرو جلب کرد.

حسین فرهیدزاده، گفت: «وزارت صنعت، معدن و تجارت هیچ نقشی در تعیین قیمت خودرو ندارد و در دستورالعمل شورای رقابت نیز اختیاری برای این وزارتخانه در نظر گرفته نشده است.»

او در ادامه توضیح داد: «قیمت خودرو از سوی خودروسازان تعیین و پیشنهاد می‌شود و سازمان حمایت تنها وظیفه دارد این قیمت‌ها را بر اساس دستورالعمل شورای رقابت بررسی و تطبیق دهد.» به گفته فرهیدزاده، «سازمان حمایت صرفاً مجری ضوابط ابلاغی شورای رقابت است و اختیار مستقلی برای تعیین قیمت ندارد.»

گره قیمت‌گذاری خودروها

در کنار هشدار درباره احتمال معرفی یک خودروساز به تعزیرات، این اظهارات بار دیگر گره‌های نظام قیمت‌گذاری خودرو را نشان داد. از یک سو، خودروسازان قیمت محصولات خود را اعلام می‌کنند و از سوی دیگر، اگر این قیمت‌ها با محاسبات سازمان حمایت همخوانی نداشته باشد، احتمال تشکیل پرونده تعزیراتی وجود دارد. همین وضعیت این پرسش را پررنگ‌تر می‌کند که مسئولیت نهایی قیمت خودرو بر عهده کدام نهاد است؟ و در صورت بروز اختلاف، چه نهادی باید پاسخگوی بازار و مصرف‌کنندگان باشد؟

البته که ابهام در سازوکار قیمت‌گذاری، موضوع تازه‌ای نیست. در سال‌های گذشته نیز هر بار اختلافی بر سر قیمت خودرو شکل گرفته، هر یک از نهادهای این حوزه تلاش کردند نقش خود را در چارچوب قوانین و دستورالعمل‌های موجود تعریف کنند. با این حال، برای بازار و خریداران، نتیجه تفاوت چندانی نداشته است. چراکه آنچه در نهایت اهمیت دارد، قیمت نهایی خودروست، نه اینکه این قیمت از چه مسیری و با تصمیم کدام نهاد تعیین شده است. در همین حال، رئیس سازمان حمایت انتقادهایی را نیز متوجه شیوه قیمت‌گذاری شورای رقابت کرده است. او در این باره گفت: «مبنای فعلی قیمت‌گذاری که براساس صورت‌های مالی شرکت‌ها تعیین می‌شود، با ایرادهایی همراه است و حتی وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز پیش‌تر در مکاتبات رسمی، مخالفت خود را با این شیوه اعلام کرده است.» با این حال، تا زمانی که دستورالعمل شورای رقابت تغییری نکند، سازمان حمایت خود را موظف به اجرای همان ضوابط می‌داند.

پرونده اخیر یک شرکت خودروسازی، اگرچه در ظاهر اختلافی بر سر چند عدد و رقم است، اما در واقع بار دیگر ضعف‌های ساختاری نظام قیمت‌گذاری خودرو را آشکار می‌کند. مشکلی که هرچند تازگی ندارد اما بالاخره باید یک بار برای همیشه تعیین تکلیف شود.

> وزارت صنعت، معدن و تجارت هیچ نقشی در تعیین قیمت خودرو ندارد و در دستورالعمل شورای رقابت نیز اختیاری برای این وزارتخانه در نظر گرفته نشده است

رصد پلتفرم‌های آنلاین در روزهای پایان هفته

قیمت خودرو باز هم از دلار عقب ماند

بازار خودرو

یاسمن صادق شیرازی

گروه خودرو

بازار خودرو در آخرین روزهای کاری هفته نیز تغییر محسوسی را تجربه نکرد. در حالی که قیمت دلار در بازار غیررسمی با افزایش به محدوده ۱۸۸ هزار تومان رسید، بازار خودرو واکنش هم‌جهتی به این رشد نشان نداد و حتی قیمت برخی محصولات با کاهش همراه شد.

بررسی آگهی‌های منتشرشده در پلتفرم‌های خرید و فروش خودرو نشان می‌دهد که روند نزولی قیمت همچنان در بخشی از بازار ادامه دارد. خودروهای وارداتی و تعدادی از محصولات داخلی و مونتاژی روز گذشته افت قیمت را ثبت کردند. اتفاقی که نشان می‌دهد افزایش نرخ ارز، دست‌کم در شرایط فعلی، نتوانسته موتور رشد قیمت‌ها را در بازار خودرو روشن کند. البته این موضوع شامل همه خودروها نمی‌شود.

فعالان بازار، تداوم رکود و افت قدرت خرید مصرف‌کنندگان را مهم‌ترین عامل این وضعیت می‌دانند. به باور آنها، ضعف تقاضا باعث شده انتظارات تورمی نیز اثرگذاری گذشته را بر بازار خودرو از دست بدهد و رشد نرخ دلار به تنهایی نتواند مسیر قیمت‌ها را تغییر دهد. در چنین شرایطی، تا زمانی که سمت تقاضا تقویت نشود، شکل‌گیری یک روند صعودی پایدار در بازار خودرو دور از انتظار به نظر می‌رسد.

به هرحال جزئیات این تغییرات قیمت در بازار به شرح زیر است:

در میان خودروهای داخلی، قیمت صفر تاراتوماتیک V4، روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه ۲میلیارد و ۶۳۰ میلیون تومان قیمت خورد. درحالی که روز سه‌شنبه ۲۳ تیرماه ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان قیمت داشت.

قیمت صفر زامیاداکستند EX، روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه یک میلیارد و ۸۸۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو روز سه‌شنبه ۲۳تیرماه یک میلیارد و ۹۲۵ میلیون تومان قیمت خورده بود.

اما در مقابل راناپلاس موتور TU5 پلاس، شامل افزایش قیمت شد. این خودرو درحالی روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه یک میلیارد و ۶۶۰ میلیون تومان قیمت خورد که روز سه‌شنبه یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان قیمت داشت.

کاهش ۵۰ میلیونی کی‌ام سی T9

در میان محصولات دیگر، قیمت صفر کی‌ام سی T9 روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان محاسبه شد. درحالی که این خودرو روز سه‌شنبه ۶ میلیارد و ۷۵۰ میلیون قیمت خورده بود.

البته قیمت صفرام وی ام X77 الیت روز چهارشنبه نسبت به روز قبلش تغییری نداشت و همچنان ۴ میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان تعیین شد.

بررسی قیمت خودروهای وارداتی

در بازار خودروهای وارداتی، ریزش قیمت خودروها محسوس‌تر بود. قیمت صفر اشکودا اوکتاویا پرو مدل ۲۰۲۴، روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه ۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان تعیین شد. درحالی که روز قبلش ۶ میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان محاسبه شده بود.

قیمت صفر اوتار11EV مدل ۲۰۲۴، روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه ۲۰ میلیارد تومان تعیین شد. این خودرو روز سه‌شنبه ۲۳ تیرماه ۲۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

قیمت صفر جی ای سی ES9 پرمیوم مدل ۲۰۲۴، روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه ۱۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان تعیین شد. درحالی که روز قبلش ۱۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

خیزیانگ‌وانگ U9 برای عبور از مرز ۵۰۰ کیلومتر بر ساعت

ترجمه/ به گزارش سایت carnewschina، یانگ‌وانگ U9 فقط یک خودروی الکتریکی گران‌قیمت نیست؛ این خودرو، پرچم‌دار تکنولوژی جدید شرکت بزرگ «بی‌وای‌دی» است که قصد دارد در ماه نوامبر، دست به کاری غیرممکن بزند: عبور از مرز ۵۰۰ کیلومتر بر ساعت! تصور کنید با سرعتی حرکت می‌کنید که در هر ثانیه، حدود ۱۴۰ متر را طی می‌کنید. در این سرعت، هوا دیگر یک گاز لطیف نیست، بلکه مثل یک دیواره سفت عمل می‌کند. خودروها در این سرعت تمایل دارند از زمین بلند شوند و به پرواز درآیند! رکوردشکنی در این سطح، فراتر از قدرت موتور است؛ این نبرد مهندسی با قوانین طبیعت است. سال گذشته، یانگ‌وانگ در پیست «پاینبورگ» آلمان به سرعت ۴۹۶ کیلومتر بر ساعت رسید. این موفقیت، دنیا را شوکه کرد. بسیاری فکر می‌کردند این نهایت توانایی این خودروست، اما مدیران یانگ‌وانگ می‌گویند: «تازه کار ما شروع شده است.» طبق گفته‌های مسئولان این شرکت، داده‌های کامپیوتری نشان داده که راننده آنها در تست قبلی، هنوز اجازه داشته که پدال گاز را تا انتها فشار دهد، اما به دلیل مسائل ایمنی و محدودیت‌های پیست، مجبور به ترمزگیری شده است. حالا آنها با اعتمادبه‌نفس کامل، دوباره به همان پیست برمی‌گردند تا ثابت کنند که U9 می‌تواند بسیار فراتر از آن چیزی برود که ما تصور می‌کردیم. مهم‌ترین سؤال اینجاست؛ چطور یک خودروی برقی می‌تواند چنین سرعتی بگیرد؟ راز این سرعت در پلتفرم چهارموتوره بی‌وای‌دی نهفته است. در بیشتر خودروها، یک موتور وجود دارد که قدرت را به چرخ‌ها می‌فرستد، اما در یانگ‌وانگ U9، هر چرخ یک موتور مستقل فوق‌العاده قوی دارد. این موتورها در مجموع حدود ۳۰۰۰ اسب بخار قدرت تولید می‌کنند! این عدد برای یک خودروی خیابانی، دیوانه‌کننده است. این سیستم چهارموتوره به یک «مغز کامپیوتری» بسیار سریع متصل است که می‌تواند قدرت را در هر لحظه بین چرخ‌ها تقسیم کند. اگر یکی از چرخ‌ها ذره‌ای چسبندگی خود را از دست بدهد، این سیستم ۱۰۰ بار در ثانیه محاسبه می‌کند که چقدر قدرت به کدام چرخ بفرستد تا خودرو کوچک‌ترین لغزشی نداشته باشد. این یعنی، امنیت در اوج سرعت.

آگهی ارزیابی و شناسایی پیمانکاران واجد صلاحیت

شرکت فجر انرژی خلیج‌فارس
Persian Gulf Fajr Energy Co.

شماره ۴۰۵/۰۱۳ — نوبت اول

شرکت فجر انرژی خلیج فارس از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت و دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری معتبر از سازمان برنامه و بودجه کشور در رشته نیرو با رتبه ۱ (در رسته‌های تولید، توزیع و انتقال) و دارای سابقه مستند و موفق، در طراحی، تأمین، ساخت، نصب و راه‌اندازی پروژه‌های نیروگاهی به روش EPCC (پروژه‌های نیروگاهی کلاس F، سیکل ترکیبی هوا خنک و حداقل ظرفیت ۳۰۰ مگاوات) جهت ارزیابی و شناسایی صلاحیت دعوت می‌نماید.

بدیهی است صرفا شرکت‌هایی که دارای تجربه اجرایی مشابه به‌عنوان پیمانکار اصلی EPCC پروژه‌های نیروگاهی باشند، وارد فرآیند ارزیابی کیفی خواهند شد و درخواست شرکت‌های فاقد سوابق مرتبط مورد بررسی قرار نخواهد گرفت.

جهت دریافت اسناد و شرکت در فرآیند ارزیابی کیفی؛ پیمانکاران می‌توانند به آدرس: خوزستان - بندرامام خمینی (ره) - منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی - شرکت فجر انرژی خلیج‌فارس- سایت ۲ - کدپستی: ۶۳۵۶۱۷۸۷۲۱ - صندوق پستی: ۱۱۷ - تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۱۳۹۷ و ۰۶۱۵۲۱۷۱۴۰۱ امور حقوقی و پیمان‌ها مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت فجر انرژی خلیج‌فارس

آگهی مزایده نوبت سوم

شرکت شاهد درنظر دارد تعداد ۳ دستگاه خودروی سواری با مشخصات مندرج در جدول ذیل را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. لذا از متقاضیان دعوت می‌گردد از تاریخ نشر آگهی ظرف ۱۰ روز جهت هماهنگی، بازدید و اطلاع از شرایط مزایده و دریافت اسناد مزایده در ساعات اداری (۸:۰۰ الی ۱۳:۰۰) به دفتر مرکزی شرکت به آدرس تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان کوه نور، پلاک ۲۲، طبقه منفی یک، مدیریت اداری و پشتیبانی به تلفن ۰۲۱۸۳۸۹۵۰۰۰ مراجعه نمایند. زمان دریافت اسناد مزایده و تحویل پاکات پیشنهاد قیمت از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ لغایت روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵می باشد.

تاریخ جلسه بازگشایی پاکات روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ در محل شرکت می‌باشد.

شرکت در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادها در هریک از اقلام مزایده مختار است و بازگشایی پاکات هیچ حقی را برای متقاضیان و شرکت‌کنندگان ایجاد نمی‌نماید لذا شرکت نیز براساس صرفه و صلاح خود اختیار تام دارد.

۱۰ درصد ازمبلغ پیشنهادی برای هریک از اقلام مزایده به‌عنوان سپرده شرکت در مزایده تعیین گردیده که متقاضیان می‌بایست مبلغ مذکور را در وجه شرکت شاهد با شماره شبا IR۵۳۰۶۰۰۳۰۱۴۰۱۱۱۳۳۸۲۳۸۳۰۰۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۸۶۸۸۰ نزد بانک قرض‌الحسنه مهر ایران شعبه شهید مطهری کد ۳۰۱۴ واریز و ضمانت مذکور (رسید بانکی پرداختی) را به‌همراه درج مشخصات شامل نام و شناسه ملی شرکت برای اشخاص حقوقی و نام و نام خانوادگی و کدملی برای اشخاص حقیقی و شماره تماس تحویل دبیرخانه شرکت نمایند.

کلیه کسورات قانونی مربوطه، هزینه‌های مالی حادث شده بر اثر مزایده و هزینه‌های متعلقه (هزینه کارشناسی، هزینه درج آگهی، انتقال سند، حق‌التحریر، حق ثبت، بیمه و مالیات و...) برعهده برنده مزایده می‌باشد.

تشریفات انتقال سند و یا وکالت ظرف دوهفته پس از واریز کل وجه انجام خواهد شد.

حداقل اعتبار پیشنهادات ۲۰ روز می‌باشد.

سپرده نفرات اول تا سوم درصورت انصراف به نفع شرکت شاهد ضبط و برداشت خواهد شد.

کل وجه مزایده نقداً دریافت خواهد گردید.

به پیشنهاداتی که مخدوش یا مشروط و یا بعد از مهلت مقرر واصل گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

برنده مزایده موظف است حداکثر ظرف مدت دو روز پس از اعلام کتبی یا تلفنی از طرف شرکت جهت پرداخت نقدی بهای خودروها اقدام نماید در غیر این‌صورت سپرده واریزی به نفع شرکت ضبط خواهد شد.

ردیف	خودروهای صفر کیلومتر
۱	تارا اتومات مدل ۱۴۰۵ رنگ سفید
۲	تارا اتومات مدل ۱۴۰۵ رنگ سفید
۳	هایما S8 مدل ۱۴۰۴ رنگ مشکی متالیک (آبنوس)

آگهی تغییرات شرکت سهامی عام صنایع پتروشیمی شهید رئیسی گلستان به شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۴۴۵۸۲ و به‌شماره ثبت ۵۷۵۷

به استناد صورتجلسه هیأت‌مدیره مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

آقای عادل گردون به‌شماره ملی ۱۸۲۸۵۶۰۱۲۱ به نمایندگی شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۶۳۴۰ به سمت رئیس هیأت‌مدیره و غیرموظف، - آقای سید محمدحسین جزایری موسوی به‌شماره ملی ۰۰۶۶۰۵۲۹۹۸ به نمایندگی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۶۳۰۱ به سمت نایب رئیس هیأت‌مدیره و موظف، - آقای مهدی علیپور به‌شماره ملی ۰۳۸۴۱۷۸۷۵۸ به نمایندگی شرکت صنایع پلیمر گچساران (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۲۰۰۴۵۶ به سمت عضو هیأت‌مدیره و غیرموظف، - آقای عبدالرضا متولی به‌شماره ملی ۱۵۳۲۵۲۹۴۷۳ به نمایندگی شرکت عملیات غیرصنعتی و خدمات صنایع پتروشیمی (سهامی خاص) به شناسه ملی۱۰۸۶۰۷۲۷۶۹۰ به سمت عضو هیأت‌مدیره و غیرموظف، - جناب آقای عیسی اتراچالی به‌شماره ملی ۲۱۲۲۳۸۶۸۵۱ به نمایندگی شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۷۲۷۵۶ به سمت عضو هیأت‌مدیره و غیرموظف و سید محمدحسین جزایری موسوی به‌شماره ملی ۰۰۶۶۰۵۲۹۹۸ به‌عنوان مدیرعامل برای مدت دوره باقی مانده تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۹/۱۵ انتخاب گردید. هیأت‌مدیره صاحبان امضای مجاز را به‌شرح زیر مصوب نمود: **الف)** کلیه اوراق، قراردادها و اسناد تعهدآور شرکت: **الف-۱)** مساوی و کمتر از سه برابر سقف نصاب معاملات متوسط در هر سال با امضای مدیرعامل به‌همراه مهر شرکت معتبر می‌باشند. **الف-۲)** بیشتر از سه برابر سقف نصاب معاملات متوسط در هر سال با دو امضای متفق به‌شرح زیر به‌همراه مهر شرکت معتبر می‌باشند: امضای اول: مدیرعامل یا رئیس هیأت‌مدیره امضای دوم: یکی از اعضای هیأت‌مدیره **تبصره۱:** الحاقیه‌ها و ابلاغیه‌های زمانی قراردادها (بدون بار مالی) با افزایش / کاهش ۲۵٪ مبلغ قراردادها منفرداً و با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است. **تبصره۲:** اوراق عادی و مکاتبات شرکت با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. **ب)** چک‌های صادره شرکت: **ب-۱)** مساوی و کمتر از سه برابر سقف نصاب معاملات متوسط در هر سال با دو امضای متفق به‌شرح زیر به‌همراه مهر شرکت معتبر می‌باشند: امضای اول: مدیرعامل یا رئیس هیأت‌مدیره امضای دوم: مدیرمالی **ب-۲)** بیشتر از سه برابر سقف نصاب معاملات متوسط در هر سال با دو امضای متفق به‌شرح زیر به‌همراه مهر شرکت معتبر می‌باشند: امضای اول: مدیرعامل یا رئیس هیأت‌مدیره امضای دوم: یکی از اعضای هیأت‌مدیره. هیأت‌مدیره بخشی از اختیارات خویش به‌شرح مندرج در ماده ۳۷ اساسنامه شرکت به‌شرح زیر را (در چارچوب آیین‌نامه معاملات شرکت) به مدیرعامل تفویض نمود: - نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام، کلیه ادارات دولتی و غیر دولتی، مؤسسات عمومی، مراجع قضایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی - تصویب شرایط استخدام و میزان حقوق و دستمزد. - افتتاح هر نوع حساب و استفاده از آن به‌نام شرکت نزد بانک‌ها و مؤسسات قانونی دیگر. - دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت. - صدور، ظهر نویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجاری. - اتخاذ تصمیم در مورد امور مرتبط با ثبت کلیه حقوق غیرمادی یا معنوی از جمله هر گونه حق اختراع، نام یا علائم تجاری و صنعتی، کپی رایت، سرقفلی و کلیه امتیازات متصوّره - به امانت گذاردن هر نوع سند، مدرک، وجوه شرکت یا اوراق بهادار و استرداد - اقامه هرگونه دعوای حقوقی و کیفری و دفاع از هردعوای حقوقی و کیفری اقامه شده، در هریک از دادگاه ها، دادسراها، مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، از طرف شرکت، دفاع از شرکت در مقابل هر دعوای اقامه شده علیه شرکت چه کیفری و چه حقوقی در هریک از مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری با حق حضور و مراجعه به مقام‌های انتظامی و استیفای کلیه اختیارات مورد نیاز در دادرسی از آغاز تا اتمام، از جمله حضور در جلسات، اعتراض به رأی، درخواست تجدید نظر، فرجام، واخواهی و اعاده دادرسی، مصالحه و سازش، استرداد اسناد یا دادخواست یا دعوا، ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند، تعیین جاعل، حق امضای قراردادهای حاوی شرط داوری یا توافق نامه داوری و ارجاع دعوا به داوری و تعیین و گزینش داور منتخب (با حق صلح یا بدون آن)، اجرای حکم نهایی و قطعی داور، درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به وجوه ایداعی و تعقیب آنها، تعیین مصدق و کارشناس، انتخاب و عزل وکیل و نماینده با حق توکیل مکرر، اقرار در ماهیت دعوا، جلب ثالث و دفاع از سوگند، تأمین خواسته، تأمین ضرر و زیان ناشی از جرائم و امور مشابه دیگر. - تنظیم صورت‌های مالی سالانه و گزارش فعالیت هیأت‌مدیره و ارائه آن به بازرس و حسابرس، - تنظیم صورت‌های مالی میان دوره‌ای در مقاطع سه (۳) ماهه و ارائه صورت‌های مالی شش (۶) ماهه به‌حسابرس و بازرس، - دعوت مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده و تعیین دستور جلسه آنها ۵) در راستای اجرای مفاد مندرج در ماده ۴۲ اساسنامه شرکت، هیأت‌مدیره انتخاب دبیر هیأت‌مدیره را به مدیرعامل تفویض نمود.

شناسه ۲۲۲۸۲۶۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری گرگان

پیدا شدن پسر گمشده در خانه دوست

گروه حوادث: پسر نوجوانی که ۴ روز ناپدید شده بود با تلاش پلیس استان گیلان در خانه دوستش پیدا شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، یک نوجوان ۱۴ ساله از روز شنبه در رشت، منطقه حمیدیان، پاره‌بیجار ناپدید شد و خانواده او وقتی همه جا را گشتند و اثری از او ندیدند موضوع را به پلیس خبر دادند. در حالی که عکس‌های این پسر در فضای مجازی منتشر شده و مادرش با گریه و بی‌تابی خواهان کمک مردم برای یافتن پسرش بود، صبح دیروز پلیس از پیدا شدن این پسر نوجوان خبر داد. سرهنگ «علیرضا حدادی» رئیس پلیس آگاهی استان گیلان در تشریح این خبراظهار کرد:« با اعلام شکایت مبنی بر ناپدید شدن یک نوجوان ۱۴ ساله پرونده‌ای در پلیس آگاهی تشکیل شد و با توجه به حساسیت موضوع، کارآگاهان بلافاصله تحقیقات خود را برای پیدا کردن او آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد این نوجوان از ۴ روز پیش از منزل خارج شده بود، اما خانواده‌اش با تأخیر زیادی موضوع را به پلیس اعلام کرده بودند که این اقدام، روند پیگیری‌ها را با چالش مواجه کرد. با وجود این، کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات تخصصی، موفق شدند در کمتر از ۲۴ ساعت پس از وصول پرونده با اقدامات فنی محل حضور وی را که در منزل یکی از دوستانش بوده، شناسایی کنند.»

وی درپایان از مردم خواست در صورت بروز چنین اتفاقاتی خیلی سریع موضوع را به پلیس خبر دهند چرا که زمان در پیگیری سرنخ‌ها اهمیت زیادی دارد.

سارقان، جهیزیه نوعروس را سرقت کردند

گروه حوادث: ۳ سارق حرفه ای که پس از سرقت جهیزیه یک نوعروس آن را برای فروش در فضای مجازی آگهی کرده بودند از سوی پلیس دستگیر شد ند.

سرهنگ کارآگاه امین‌الله بیرانوند فرمانده پایگاه چهارم پلیس آگاهی با تشریح جزئیات این پرونده اظهار کرد: «در پی ارجاع پرونده‌ای با موضوع سرقت از انباری یک مجتمع مسکونی، شاکی اعلام کرد بخشی از جهیزیه دخترش را که به دلیل کمبود فضا امکان نگهداری آن در واحد مسکونی وجود نداشت، مقابل اتاقک انباری قرار داده بود که در جریان سرکشی، متوجه سرقت آن توسط افراد ناشناس شد.»

این مقام انتظامی افزود: «پرونده به‌صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان تیم مبارزه با سرقت اماکن پایگاه چهارم قرار گرفت. بررسی‌های میدانی و تحقیقات تخصصی نشان داد سارقان به‌صورت گروهی و با استفاده از یک دستگاه خودروی دارای پلاک مخدوش، پیش از طلوع آفتاب اقدام به سرقت می‌کردند.»

وی ادامه داد: «کارآگاهان با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی، هویت مالک خودرو را که از سارقان سابقه‌دار و حرفه‌ای بود، شناسایی کردند. پس از اخذ دستور قضایی، مخفیگاه متهم اصلی شناسایی و در عملیاتی هماهنگ، وی به همراه دو نفر از همدستانش دستگیر شدند.»

فرمانده پایگاه چهارم پلیس آگاهی با بیان اینکه متهمان در بازجویی‌ها به ۱۰ فقره سرقت از اماکن خصوصی اعتراف کردند، گفت: «متهم اصلی اظهار کرد هنگام عبور از مقابل مجتمع مسکونی، متوجه باقی ماندن کلید روی درِ ورودی شده و با سوءاستفاده از غفلت ساکنان، وارد ساختمان شده است. وی پس از سرقت اموال داخل انباری، با مشاهده لوازم خانگی و جهیزیه قرارگرفته مقابل یکی از انباری‌ها، آنها را نیز به سرقت برده است.»

بیرانوند خاطرنشان کرد: «در ادامه تحقیقات، بخشی از جهیزیه سرقتی که توسط سارقان در فضای مجازی برای فروش عرضه شده بود، شناسایی و کشف شد و این موضوع در تکمیل پرونده نقش مؤثری داشت.»

وی در پایان با تأکید بر ضرورت رعایت نکات ایمنی از سوی مردم از جمله اطمینان از قفل بودن درهای ورودی و نگهداری نکردن اموال ارزشمند در فضاهای مشاع گفت: «متهمان پس از تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات، برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.»

درخواست دیه از بیت المال در پرونده قتل عام خانوادگی

گروه حوادث / کامران علمدهی: پرونده قتل زنی جوان و ۳ فرزندش به دست پدر خانواده در حالی به دادگاه کیفری یک استان تهران رسید که اولیای دم خواهان دریافت دیه مقتولان از صندوق بیت المال شدند.

به گزارش «ایران»، یکسال قبل مردی در تماس با پلیس از ناپدید شدن خواهرش خبر داد و گفت: «چند روزی است از خواهرم خبری ندارم. هرچه تماس می گیرم جواب نمی دهد همسر و پسر نوجوانش هم پاسخگوی تماس‌هایم نبودند به خانه‌شان رفتم اما کسی در را باز نکرد و حالا هم نگرانم و احتمال می‌دهم اتفاقی برایشان افتاده باشد.»

پس از این اظهارات مأموران با مجوز قضایی به خانه خواهر وی رفتند و پس از ورود با دستور قضایی به خانه با جسد زن جوان، ۳ فرزند و همسرش مواجه شدند. اجساد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان این سازمان پس از معاینه و مشخص کردن ساعت فوت دریافتند که به احتمال زیاد پدر خانواده در فواصل نیم تا یک ساعت ابتدا فرزندانش را به قتل رسانده و پس از آن به انتظار همسرش نشسته و وقتی او از بیرون به خانه برگشته وی را نیز به قتل رسانده و در نهایت با حلق آویز کردن خودش به زندگی‌اش پایان داده است.

در ادامه مأموران پلیس به تحقیقات درباره ابعاد این فاجعه پرداختند اما نتیجه تحقیقات نشان می‌داد که پدر خانواده مرد آرام و بدون سابقه اعتیاد یا کیفری بوده و زندگی آنها هیچوقت به خاطر اختلافات خانوادگی درگیر تنش نشده بود.

با مشخص شدن این موضوع و احراز این مسأله که مرد خانواده عامل قتل اعضای خانواده‌اش بوده پرونده مختومه شد اما ۸ عضو خانواده زن جوان با مراجعه به دادسرا درخواست دریافت دیه از بیت المال را مطرح کردند.

به این ترتیب پرونده برای رسیدگی به شعبه ۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در این جلسه اولیای دم عنوان کردند که هنوز هم باور نمی‌کنند چنین اتفاقی در این خانواده افتاده باشد چرا که آنها همیشه زندگی خوب و آرامی داشتند.

در ادامه این جلسه اولیای دم عنوان کردند که باتوجه به خودکشی عامل قتل‌ها و اینکه اموالی به نام عامل قتل‌ها نیست درخواست دیه از صندوق بیت‌المال را داریم.

با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

بازداشت سازنده ۱۴ هزار لیتر مشروبات الکلی

عامل تولید و توزیع ۱۴ هزار لیتر مشروبات الکلی دست‌ساز در یکی از روستاهای شهرستان نکا دستگیر شد.

«علی‌اصغر قاسمیان عزیزی» دادستان عمومی و انقلاب شهرستان نکا در تشریح روند رسیدگی به این پرونده اظهار کرد: «در پی گزارش‌های واصله از پلیس اطلاعات و امنیت عمومی شهرستان نکا مبنی بر تولید و توزیع ۱۴ هزار لیتر مشروبات الکلی دست‌ساز در یکی از روستاهای شهرستان، با صدور دستور قضایی، پرونده برای انجام تحقیقات مقدماتی در یکی از شعب بازپرسی دادسرای نکا تشکیل و دستور جلب متهم صادر شد. با توجه به متواری بودن متهم از زمان ارجاع پرونده به شعبه بازپرسی، موضوع دستگیری وی به صورت مستمر در دستور کار قرار گرفت تا اینکه با جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف و شناسایی مخفیگاه وی متهم در عملیاتی ویژه و پیچیده دستگیر شد.»

وی گفت: «پس از انجام تحقیقات و رسیدگی، با عنوان اتهامی مباشرت در ساخت مشروبات الکلی، قرار تأمین وثیقه سنگین برای وی صادر و به دلیل عجز از تودیع وثیقه، به زندان بهشهر معرفی شد همچنین قرار جلب به دادرسی متهم نیز صادر شده است.»

از گوشه و کنار ایران

کارگر شهرداری کیف میلیاردی را به صاحبش رساند

کارگر پاکدست شهرداری چابهار با پیدا کردن کیف حاوی طلا کنار خیابان آن را به صاحبش رساند.

به گزارش ایلنا در روزهای گذشته یکی از کارگران خدماتی شهرداری چابهار، در حالی که مشغول جمع‌آوری زباله بود با یک کیف دستی مواجه شد. این کارگر بلافاصله کیف را از کنار خیابان برداشته و محتویات داخلش را برای پیدا کردن صاحب اصلی‌اش کنترل کرد.

محتویات کیف حاوی مقادیری طلا به ارزش تقریبی ۲۵ میلیارد ریال بوده است. بر اساس این گزارش، کارگر مذکور بلافاصله برای پیدا کردن صاحب کیف با واحد حراست شهرداری تماس گرفته و پس از انجام بررسی‌های لازم، کیف با محتویات آن به صاحبش بازگردانده شد.

مرگ زن رهگذر در سقوط مصالح ساختمانی

سقوط مصالح ساختمانی از بالای یک ساختمان در حال ساخت منجر به مرگ یک خانم رهگذر و تشکیل پرونده قضایی در این حادثه شد.

در پی این حادثه که در یک پروژه در حال احداث در شهرستان دورود رخ داد، دادستان عمومی و انقلاب دورود با صدور دستور رسیدگی ویژه بر بررسی دقیق ابعاد فنی و قانونی حادثه و برخورد بدون درنگ با متخلفان تأکید کرد. مسلم الماسی با ابراز تأسف از وقوع این حادثه ناگوار، اعلام کرد که بلافاصله پس از اطلاع از وقوع حادثه، دستورات لازم به ضابطان قضایی و مراجع ذی‌ربط صادر شده است.

وی تأکید کرد که فرآیند جمع‌آوری مستندات و شناسایی عوامل احتمالی حادثه با دقت در حال انجام است. تمامی جوانب حادثه از جمله میزان رعایت الزامات قانونی، استانداردهای فنی و پروتکل‌های ایمنی در پروژه ساختمانی مذکور را با دقت مورد بررسی قرار خواهیم داد. در صورت احراز هرگونه قصور، تقصیر، سهل‌انگاری یا تخلف از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی، دستگاه قضایی بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای و با قاطعیت کامل نسبت به برخورد قانونی با عاملان این حادثه اقدام خواهد کرد.

زن قاچاقچی در دام پلیس

یک زن قاچاقچی با ۲ کیلو و ۴۰۰ گرم تریاک در فاروج دستگیر شد.

فرمانده انتظامی شهرستان فاروج گفت: «در پی رصد اطلاعاتی و اقدامات تخصصی مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر، زنی که قصد داشت محموله مواد مخدر را در پوشش مسافر و با استفاده از یک خودروی مسافربری جابه‌جا کند، شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. مأموران در بازرسی از متهم، ۲کیلو و ۴۰۰ گرم تریاک کشف و ضبط کردند و متهم پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۷۵

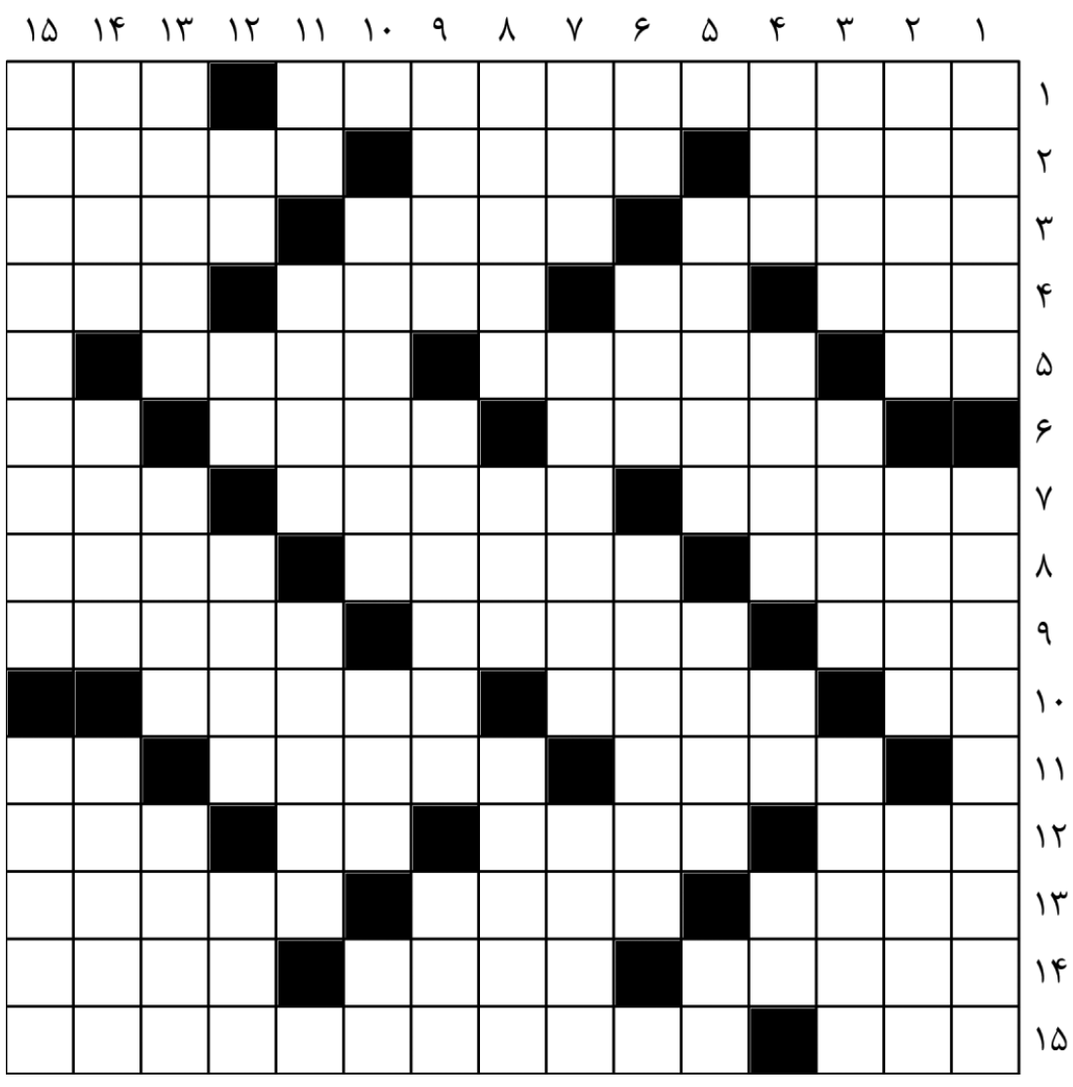

جدول عادی

افقی

۱- یک توپ سرپر که گلوله‌ها را با شتاب کم و در مسیرهای بالستیک کمانی به فواصل نزدیک پرتاب می‌کند - متحیر
۲- بازگشتن - وقت - درجات
۳- همنشین - شهر استان اردبیل - کشوری در اقیانوس هند
۴- حرکت کرم‌گونه - گونه برجسته - زبانی در برنامه‌نویسی - امر به آمدن
۵- سنگریزه - جنب و جوش - تفنگ‌دار یا گشتی سواره
۶- ایجاد طرح و نقش روی فلزات، کاشی، چوب و موارد دیگر - مشهور - نهر
۷- فقیر، نیازمند - بهت و تعجب - پسوند پاک کننده
۸- آسایش - پارچه سبک نخی - قسمت کم‌عمق رودخانه
۹- کمند - پرنده نامه‌بر - خیمه
۱۰- گلابی - ابتدایی - گلی خوشبو
۱۱- سر کوه - شرم‌آور - موضوع
۱۲- پخش کردن خبر - مادر خودمانی - برکت برنج - وتر
۱۳- کلمه خطاب - یواش‌یواش - غارت
۱۴- نمایش دنباله‌دار - بلندپایه - ساده‌لوح
۱۵- غول برف‌ها - غذای محلی استان آذربایجان غربی

عمودی

۱- بی‌سر و صدا - از علوم اجتماعی
۲- کلام تشکر - گل پخته شده - نام‌آوری
۳- عضو ماشین - جمع حاکم - علت، دلیل
۴- قطب مثبت جریان برق - حسینیه - عضو تیم فوتبال - حرف انتخاب
۵- شهر استان آذربایجان شرقی - کلمه پرسشی - بیکاره
۶- حرف جمع فارسی - تمیز، مطهر - جزیره دریاچه ارومیه
۷- معلق - حرکت به جلو در نبرد - سنگ ساختمانی
۸- شهرت‌طلب - گذرگاه فرودگاهی - فیلمی به کارگردانی محمدحسین مهدویان (روی پرده سینما)
۹- جهان - آب، عصاره یا شیره چیزی را با فشار گرفتن - کدام کس را؟
۱۰- تازه سرسبز شده - کلمه شرط - ظرف مکان و زمان
۱۱- برودت - فقرالدم - واحد آپارتمانی کوچک
۱۲- خاک سرخ - محله‌ای در تهران - بین سر و تن - ساکن جایی
۱۳- نرم‌افزار تلفن‌های هوشمند - امر از زدودن - لامپ
۱۴- خشمگین - فرزند عاد - فروزش
۱۵- تنگه معروف اروپا و آفریقا - متروک و دور افتاده

جدول ویژه

افقی

۱- فیلم پیمان معادی - هراس
۲- واحدی در طول - قدرت - نقاش «صحنه‌های خودمانی»
۳- سندی که قبل از تصویب قانون ثبت نوشته می شد - بخشنده - شهر «آذربایجان»
۴- رمان‌نویس فرانسوی - رنج و محنت - بیمار - جوانمرد
۵- پاسخ منفی - هر لحظه تغییر عقیده دهد - محل وقوع
۶- بوق - ماشین‌نویسی - محلی حومه تهران
۷- مارکت قانونی و رسمی ایران برای خرید و فروش ارزهای دیجیتال - کارها و تکالیف - گندم سوده
۸- آگهی تبلیغاتی بزرگ - هزینه استفاده از خدمات یک مؤسسه - پاندول ساعت
۹- یک خط شعر - نوعی ساندویچ - اخلالگر
۱۰- نیم‌صدای سگ - رنگی نزدیک به سبز - مارکی بر تلفن همراه
۱۱- فیلم علیرضا داوودنژاد - گوشی وسایل صوتی - سطح
۱۲- مجلس شیوخ - نویسنده - حرف تنفر - ضمیر متصل مخاطب
۱۳- نقدنویس - ته‌نشین شونده - تخت سلطنت
۱۴- اثر «میشل ولبک» - کفشک - ورزش رزمی
۱۵- مقیاس - اثری از «پل الوار»

عمودی

۱- فیلمی به کارگردانی مرتضی علیزاده - رهاورد بروجرد
۲- طرد شده - خدا نکند که گرفتار بد آن بشویم - عابد و زاهد
۳- قلم موی درشت - وسیله پرواز انفرادی - زرنگ و متقلب
۴- بالاپوش - پرچم - حرف تمسخر - ماه برفی
۵- یکی از صنایع دستی - سنگینی‌ای که بر جسم فرود آید - چشیدن
۶- پسوند نسبت - دریوزه‌گر - شهری در جنوب شهرکرد
۷- حرکتی در کاراته - بستنی خوشمزه - پیک
۸- زبان باستانی - آوند - برابر در وزن
۹- جنم - کشور «معابد طلایی» - زشتی و قبح
۱۰- در مثل فطیر است! - بجا آوردن عهد - اطراف دهان
۱۱- آب در لغت محلی - بی‌حال و کم‌بنیه - ویژگی غنچه باز شده
۱۲- عصاره گوجه‌فرنگی - نوعی موسیقی - زندان تهران - شوق
۱۳- بیمارنمایی - قلعه - قتل سیاسی
۱۴- مایع ظرفشویی - تواضع - طرد کردن
۱۵- کتاب معروف «مشفق کاشانی» شاعر توانای معاصر - نقاش هلندی

حل جدول عادی شماره ۹۰۷۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ا	ن	ت	و	م	ی	م	■	ک	ا	ک	ا	ی	و
۲	س	ر	م	■	م	گ	ا	و	ا	ت	■	ل	و	و	ر
۳	ت	ک	ا	ن	■	ر	ک	ی	ک	■	ن	و	ا	ز	ش
۴	ه	ا	م	و	ن	■	ن	ی	■	م	س	ک	ن	■	ک
۵	ا	ن	■	ا	م	ی	د	■	ت	ا	ب	ه	■	م	س
۶	ی	■	ه	ز	ا	ر	■	ش	ر	چ	ی	■	م	ا	ت
۷	■	ه	ل	ن	■	ت	ا	ک	ی	د	■	ب	ا	ن	گ
۸	م	ا	ن	د	ه	■	ن	ا	ک	■	ک	ا	ه	ل	ی
۹	ر	ن	د	ه	■	م	ت	ر	و	ک	■	س	و	ی	■
۱۰	د	ر	ی	■	س	ح	ر	ی	■	م	ه	ت	ر	■	س
۱۱	م	ی	■	ا	ر	ل	ن	■	ت	ر	ی	ا	■	د	ر
۱۲	ا	■	ن	ق	د	ه	■	ه	ش	■	چ	ن	گ	ی	ز
۱۳	ز	ی	ا	د	ی	■	ر	ا	و	ر	■	ی	و	ا	ن
۱۴	ا	ت	ک	ا	■	ت	و	ر	ی	س	ت	■	ز	ن	د
۱۵	ر	ی	س	م	ا	ن	■	ب	ش	ت	و	ب	ن	ا	ه

حل جدول ویژه شماره ۹۰۷۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ر	و	ل	ز	ر	و	ی	س	■	ش	ن	ا	ش	ی	ل
۲	ا	ر	و	■	ب	ل	ا	گ	ف	ا	■	ی	ا	ر	ا
۳	د	س	ت	ک	■	ت	ز	ا	ر	■	ه	چ	د	ه	م
۴	ی	ا	ر	ر	س	■	د	ل	■	س	ر	ا	ی	■	ا
۵	و	ی	■	د	ل	م	ه	■	ه	ر	ا	ز	■	ب	ر
۶	م	■	د	ا	ک	ا	■	م	ا	ک	ت	■	م	ا	ت
۷	■	و	ه	ب	■	د	ر	و	ی	ش	■	ر	س	م	ی
۸	ک	ا	ی	ا	ک	■	ز	ن	د	■	د	و	م	ی	ن
۹	ا	ر	ا	د	■	م	ب	ی	ن	ا	■	ب	ا	ر	■
۱۰	ز	ی	ر	■	ط	ا	ب	خ	■	ب	ا	و	ر	■	گ
۱۱	ی	ش	■	ب	و	د	ن	■	ر	ا	ز	ک	■	ی	و
۱۲	م	■	س	ن	ب	ل	■	ل	خ	■	ت	ا	ت	ا	ر
۱۳	و	ر	و	د	ی	■	ا	ی	ت	ی	■	پ	ر	س	ش
۱۴	د	ی	ا	ر	■	پ	ل	ی	ک	ا	ن	■	ک	م	ا
۱۵	و	ا	ر	ی	ت	ه	■	م	ن	ب	ر	ک	ه	ن	ه

ایران در «ایران»

چالش شبکه برق سیستان و بلوچستان با آسیب‌های جنگ و گرمای بی‌سابقه

زاهدان - مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان با اشاره به شرایط خاص صنعت برق کشور پس از جنگ ۴۰ روزه و همزمانی آن با موج شدید گرما، گفت: «مدیریت مصرف برق از سوی مشترکان مهم‌ترین عامل حفظ پایداری شبکه سراسری در روزهای پیش‌روست و صرفه‌جویی در این مقطع یک ضرورت فنی، ملی و مسئولانه محسوب می‌شود.

سید محسن صدر با بیان اینکه صنعت برق کشور در ماه‌های اخیر با شرایطی متفاوت و پیچیده روبه‌رو بوده است، اظهار کرد: «بخشی از زیرساخت‌ها و تجهیزات صنعت برق در جریان جنگ تحمیلی ۴۰ روزه دچار آسیب شد که اگرچه با تلاش شبانه‌روزی متخصصان صنعت برق بخش عمده‌ای از این خسارات جبران شده است، اما آثار فنی آن همچنان بر فرآیند بهره‌برداری از شبکه باقی مانده و حساسیت تأمین برق پایدار را افزایش داده است.»

وی افزود: «از سوی دیگر افزایش کم‌سابقه دمای هوا در استان سیستان و بلوچستان و سراسر کشور موجب رشد چشمگیر مصرف برق بویژه در بخش سرمایشی شده است و این در حالی است که دمای بالا علاوه بر افزایش بار شبکه، راندمان تجهیزات انتقال و فوق‌توزیع برق را نیز کاهش داده و بهره‌برداری از شبکه را با دشواری بیشتری همراه می‌کند.»

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان با اشاره به ویژگی‌های اقلیمی استان تصریح کرد: «استان سیستان و بلوچستان به دلیل گستردگی جغرافیایی، فاصله زیاد مراکز جمعیتی، اقلیم گرم و خشک و ثبت دماهای بسیار بالا در بسیاری از مناطق همواره یکی از استان‌های حساس در حوزه تأمین برق به شمار می‌رود که در چنین شرایطی حفظ پایداری شبکه نیازمند همکاری همه مشترکان است.»

صدر ادامه داد: «همکاران صنعت برق در بخش‌های بهره‌برداری، تعمیرات و دیسپاچینگ به صورت شبانه‌روزی در حال پایش وضعیت شبکه و آماده‌باش کامل هستند تا برق پایدار برای مردم، مراکز درمانی، صنایع، بخش کشاورزی و سایر مشترکان تأمین شود اما استمرار این پایداری بدون همراهی مردم امکان‌پذیر نخواهد بود.»

ایجاد بازارچه‌های عرضه مستقیم محصولات کشاورزی در سمنان

سمنان - فرماندار شهرستان سمنان از آغاز فرآیند راه‌اندازی بازار عرضه مستقیم میوه و تره‌بار در مرکز استان خبر داد و گفت: «با بهره‌برداری از این بازارچه‌ها و واگذاری غرفه‌ها به تولیدکنندگان، گام مؤثری در تنظیم بازار و همچنین قیمت میوه و تره‌بار برداشته خواهد شد.»

مهدی صمیمیان، با اشاره به اجرای دستور استاندار سمنان برای ایجاد بازارهای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی، اظهار کرد: «با همکاری شهرداری و شورای اسلامی شهر، اقدامات لازم برای راه‌اندازی بازار عرضه مستقیم میوه و تره‌بار در شهرستان سمنان انجام شده و فرآیند واگذاری غرفه‌ها به‌زودی آغاز خواهد شد.»

وی با بیان اینکه ۱۲ غرفه برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی پیش‌بینی شده است، افزود: «فراخوان واگذاری این غرفه‌ها طی روزهای آینده منتشر می‌شود و اولویت بهره‌برداری با تولیدکنندگان خواهد بود تا محصولات بدون واسطه و با قیمت مناسب به دست مصرف‌کنندگان برسد.»

بنگاه

از سوی سازمان تأمین اجتماعی اعلام شد

تداوم ارزیابی «مطلوب» کمیته حسابرسی هگتا در شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۴

رئیس هیأت‌مدیره و رئیس کمیته حسابرسی شرکت رفاه و گردشگری تأمین (هگتا) با اشاره به اعلام نتایج ارزیابی عملکرد کمیته‌های حسابرسی از سوی اداره‌کل نظارت بر عملکرد شرکت‌های سازمان تأمین اجتماعی، گفت: «کمیته حسابرسی هگتا در ارزیابی عملکرد شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۴، برای دومین دوره متوالی موفق به کسب سطح «مطلوب» شده است.»

به گزارش روابط عمومی هگتا، مصطفی ابویی اردکان اظهار کرد: «براساس نتایج اعلام‌شده در نامه اداره‌کل نظارت بر عملکرد شرکت‌های سازمان تأمین اجتماعی، عملکرد کمیته حسابرسی هگتا در شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۴ همانند شش‌ماهه اول، در سطح «مطلوب» ارزیابی شده است که این موضوع بیانگر تداوم عملکرد اثربخش کمیته حسابرسی در حوزه راهبری شرکتی، ارتقای نظام‌های نظارتی، تقویت کنترل‌های داخلی و پیگیری مستمر مصوبات است.»

وی افزود: «هگتا که در اولین ارزیابی سال ۱۴۰۴ موفق شده بود با ارتقای جایگاه خود به سطح «مطلوب» دست یابد، اکنون با حفظ این جایگاه در ارزیابی شش‌ماهه دوم، روند رو به رشد خود در استقرار سازوکارهای نظارتی و ارتقای اثربخشی کمیته حسابرسی را تثبیت کرده است.»

رئیس هیأت‌مدیره و رئیس کمیته حسابرسی هگتا با بیان اینکه این دستاورد حاصل حمایت‌های مدیریتی، برگزاری منظم جلسات، همدلی و مشارکت فعال اعضای کمیته و همکاری واحدهای تخصصی مجموعه است، تصریح کرد: «استمرار این موفقیت، مسئولیت هگتا را در حفظ و ارتقای استانداردهای حاکمیت شرکتی، شفافیت و سلامت نظام مدیریتی دوچندان می‌کند.»

ابویی اردکان خاطرنشان کرد: «کسب ارزیابی «مطلوب» برای دومین دوره متوالی، بیانگر استمرار رویکرد هگتا در تقویت شفافیت، انضباط سازمانی، توسعه نظام کنترل‌های داخلی و استقرار هرچه مؤثرتر اصول حاکمیت شرکتی است و امیدواریم با تداوم این مسیر، زمینه ارتقای هرچه بیشتر عملکرد مجموعه فراهم شود.»

مثلث اضطراب‌آور ترافیک، اشعه فرابنفش و «اوزون سطحی» چالش چله تابستان شده است

توصیه به رعایت تدابیر تمدنی پوشش

صادق ضیاییان در گفت و گو با «ایران»: به جای دلهره نیازمند رعایت رفتارهای مراقبتی و سازگاری با اقلیم بومی هستیم

گزارش

شیما جهان‌بخش
گروه ایران زمین

این روزها با گرم شدن هوا انتشار اخباری درباره افزایش «گاز اوزون سطحی» در شهرهای استان البرز و به بازه خطرناک رسیدن «اشعه فرابنفش»، موجی از دلهره و نگرانی را در میان شهروندان استان‌های مختلف ایجاد کرده است. اما واقعیت علمی ماجرا چیست؟ آیا آسمان ایران واقعاً ناامن شده یا این شرایط، چهره طبیعی تابستان‌های فلات ایران است که سال‌هاست با آن زندگی می‌کنیم؟ برای پاسخ به این ابهامات و آرامش خاطر افکار عمومی، «ایران» به سراغ «صادق ضیاییان»، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوای سازمان هواشناسی کشور رفت. وی با تکیه بر آمارها و نقشه‌های علمی، در این گزارش مرز میان شایعه و واقعیت را مشخص می‌کند و از پشت‌پرده اشعه فرابنفش، اوزون سطحی و وضعیت دمای استان‌ها می‌گوید.

میراث جغرافیایی استان‌های ایران

یکی از موضوعاتی که در هفته‌های اخیر مایه نگرانی گسترده مردم در استان‌های مختلف شده، اخبار مربوط به ورود شاخص پرتو فرابنفش به بازه‌های خطرناک است. ضیاییان در تشریح علمی این پدیده می‌گوید: «پیش از هر چیز باید بدانیم که پرتو فرابنفش بخشی طبیعی از طیف تابش خورشید است که با چشم دیده نمی‌شود، اما اثرات مستقیمی بر پوست و چشم انسان دارد. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، همواره در فصل تابستان با شاخص‌های بالای پرتو فرابنفش مواجه بوده است. در اصل این یک پدیده جدید یا ناشی از یک اتفاق جوی ناگهانی در سال جاری نیست و همواره با آن مواجه بوده‌ایم.»

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی مخاطرات وضع هوا با مشخص کردن ساعات دقیق اوج تابش تأکید می‌کند: «داده‌های آماری نشان می‌دهند در فصل تابستان، به طور طبیعی از ساعت ۱۰ صبح تا ۵ عصر، شدت تابش پرتوهای فرابنفش در محدوده خطرناک و بالاتر قرار می‌گیرد. این ویژگی اقلیمی کشور ماست و در سال‌های گذشته نیز وجود داشته است.»

درس‌هایی از پوشش سنتی مردم در مناطق مختلف

ضیاییان با پیوند زدن هواشناسی مدرن به پوشش سنتی مردم در استان‌های مختلف می‌افزاید: «نیاکان ما بدون داشتن دستگاه‌های سنجش فرابنفش، این جغرافیا را عمیقاً فهمیده بودند. اگر به پوشش سنتی مردم در استان‌های کویری، جنوبی و حتی دامنه‌های البرز نگاه کنید، لباس‌های نخی، گشاد، آستین‌بلند به همراه کلاه‌های لبه‌دار و دستارهای سر را می‌بینید. اینها تدابیر تمدنی برای فرار از گزند همین آفتاب صریح بوده‌اند. بنابراین، تداوم این وضعیت نیازی به دلهره ندارد، بلکه نیازمند رعایت رفتارهای مراقبتی و سازگاری با اقلیم بومی است.» رئیس مرکز ملی پیش‌بینی مخاطرات وضع هوا با تأکید بر اهمیت حفظ سلامت شهروندان در ساعات پیک تابش، توصیه می‌کند: «افراد تا حد امکان از حضور غیرضروری در معرض تابش مستقیم خورشید، بویژه بین ساعات ۱۰ صبح تا ۵ عصر خودداری کنند.»

وی همچنین بر استفاده مستمر از کرم‌های ضد آفتاب مناسب و استاندارد تأکید کرده و از شهروندان می‌خواهد برای محافظت بیشتر از پوشش‌های آستین‌بلند، سبک و روشن استفاده کنند و بهره‌گیری از کلاه‌های لبه‌دار و عینک‌های آفتابی استاندارد را در اولویت قرار دهند.

کیمیاگری معکوس در اتمسفر کلان‌شهرها

دومین پدیده‌ای که در روزهای گرم تابستان به کاهش کیفیت هوای کلان‌شهرها دامن زده و در استان‌هایی چون البرز و تهران خبرساز شده، افزایش غلظت «گاز اوزون» در سطح زمین است.

> رئیس مرکز ملی پیش‌بینی مخاطرات وضع هوا با مشخص کردن ساعات دقیق اوج تابش تأکید می‌کند داده‌های آماری نشان می‌دهند در فصل تابستان به طور طبیعی از ساعت ۱۰ صبح تا ۵ عصر شدت تابش پرتوهای فرابنفش در محدوده خطرناک و بالاتر قرار می‌گیرد. این ویژگی اقلیمی کشور ماست و سال‌های گذشته نیز وجود داشته است

ضیاییان با تشریح تفاوت میان اوزون مفید و مضر می‌گوید: «ما دو نوع اوزون در جو داریم: اوزون مفید در ارتفاعات بسیار بالا (استراتوسفر) قرار دارد و کارش جذب پرتوهای فرابنفش خورشید است، اما اوزونی که در پایش‌های شهری با آن مواجه‌ایم، «اوزون سطح زمین» یا «اوزون تروپوسفری» است که یک آلاینده ثانویه و مضر به شمار می‌رود.»

وی در توضیح نحوه شکل‌گیری این گاز می‌افزاید: «این گاز به طور مستقیم از خودروها یا کارخانه‌ها منتشر نمی‌شود. در کلان‌شهرها، گازهای آلاینده ناشی از ترافیک و صنایع در هوا معلق می‌مانند. هنگامی که در اواسط روز، این مواد در معرض تابش مستقیم نور خورشید و گرمای بالا قرار می‌گیرند، یک واکنش شیمیایی رخ می‌دهد و گاز اوزون در سطح زمین پدید می‌آید. بنابراین، هرچه آلودگی اولیه کلان‌شهرهایی مانند کرج و تهران بیشتر باشد، در ساعات بعدازظهر اوزون سطحی بیشتری تولید شده و کیفیت هوا کاهش می‌یابد.»

ضیاییان هشدار می‌دهد: «اوزون سطحی گازی بشدت اکسیدکننده است که استنشاق آن می‌تواند موجب تحریک گلو، سرفه و تنگی نفس بویژه در کودکان، سالمندان و مبتلایان به آسم شود.»

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوای سازمان هواشناسی کشور، با اشاره به تأثیر مستقیم این پدیده بر استان‌های پرجمعیت مجاور پایتخت می‌گوید: «ما در کلان‌شهرهایی مانند کرج با پدیده تجمع آلاینده‌ها روبه‌رو هستیم. این حجم از افزایش دما در شهرهای بزرگ و پرجمعیت، دقیقاً نقش کاتالیزور و شتاب‌دهنده را برای تولید گاز اوزون در ساعات بعدازظهر ایفا می‌کند. از این رو، مدیریت ترددهای شهری و کاهش فعالیت‌های بدنی در فضای باز طی ساعات اوج دما، برای حفظ سلامت شهروندان این مناطق حیاتی است. این وضعیت بویژه در استان البرز که با ترافیک عبوری سنگین و گردوغبار محلی مواجه است، نمود بیشتری دارد.»

تداوم هوای گرم در سراسر کشور

یکی از سؤالات کلیدی هموطنان در استان‌های مختلف این است که این توده هوای گرم چه زمانی از کشور خارج می‌شود؟ ضیاییان با نگاهی واقع‌بینانه به نقشه‌های هواشناسی در این زمینه می‌گوید: «روند صعودی و شدید افزایش دما در حال حاضر متوقف شده است؛ یعنی دیگر شاهد رکوردهای عجیب جدید نخواهیم بود. اما توده هوای گرم کنونی بسیار پایدار است و این استقرار تا هفته آینده همچنان در اغلب مناطق کشور ادامه خواهد داشت.»

وی درباره تغییرات دما توضیح می‌دهد: «در روزهای آینده شاهد کاهش‌های جزئی و موقتی دما در حد ۱ تا ۲ درجه در برخی مناطق خواهیم بود، اما این کاهش ماندگار نیست و دما دوباره افزایش می‌یابد. به طور کلی، هوای گرم همچنان در کشور مستقر است و تغییر ملموسی در جهت خنک شدن واقعی هوا تا اواسط مردادماه رخ نخواهد داد.»

نبض کند کیفیت هوا زیر سایه اوزون سطحی

«کامران حقی‌آبی»، مدیرکل هواشناسی استان البرز نیز با تأیید هشدارهای کشوری و تشریح آخرین وضعیت جوی این استان می‌گوید: «بر اساس پیش‌بینی‌های هواشناسی استان، روند افزایش دما از چهارشنبه ۲۴ تیر تا دوشنبه ۲۹ تیر تداوم خواهد داشت و طی این مدت علاوه بر تجربه هوای گرم، شاهد پدیده گردوغبار محلی در البرز خواهیم بود.»

وی ادامه می‌دهد: «در این بازه زمانی، افزایش اوزون سطحی به دلیل تابش شدید اشعه فرابنفش خورشید موجب کاهش کیفیت هوا بویژه هنگام ظهر و عصر در مناطق شهری و ساعات اوج ترافیک خواهد شد.»

حقی‌آبی با ارائه جزئیات و آمارهای دقیق ایستگاهی در سطح استان البرز می‌افزاید: «آخرین پیش‌بینی‌های ما نشان می‌دهد دمای هوا در نقاط مختلف استان نوسانات شدیدی را ثبت خواهد کرد؛ به طوری که بیشینه دمای کرج به عنوان مرکز استان به ۴۱ درجه سلسیوس می‌رسد که ترکیب آن با ترافیک ظهرگاهی، محرک اصلی تولید اوزون است. همچنین شهرستان اشتهارد با ثبت دمای ۴۳ درجه، داغ‌ترین نقطه استان البرز خواهد بود و شهرهای چهارباغ و نظرآباد نیز دمای ۴۲ درجه را تجربه می‌کنند. در فردیس دمای ۴۱ درجه به همراه تراکم جمعیتی بالا کیفیت هوا را در عصرها کاهش می‌دهد و حتی مناطق کوهپایه‌ای و ییلاقی مانند هشتگرد با دمای ۳۷ درجه و طالقان با دمای ۳۶ درجه از این چتر حرارتی مصون نخواهند بود. لذا از عموم مردم استان درخواست می‌کنیم فعالیت‌های خود را به ساعات خنک‌تر منتقل کنند.»

سازگاری؛ رمز عبور از روزهای داغ تابستان

برش

پدیده‌هایی مانند اشعه فرابنفش و اوزون سطحی، بخشی از واقعیت اقلیمی و جغرافیایی فلات ایران در چله تابستان هستند. پیام اصلی سازمان هواشناسی واضح است: ترس و دلهره گره‌ای از کار باز نمی‌کند. آنچه امروز استان‌ها و کلان‌شهرهای ما به آن نیاز دارند، از یک‌سو مدیریت آلودگی هوا برای جلوگیری از تولید اوزون سطحی و از سوی دیگر رعایت نکات ایمنی ساده مانند استفاده از کلاه، عینک آفتابی و کرم ضدآفتاب است. با کمی تدبیر و آگاهی، می‌توان این روزهای سوزان را به سلامت پشت سر گذاشت و به استقبال پاییزی پربارش رفت.

استاندار البرز خبرداد

بهره‌برداری از آزادراه شمالی کرج تا پایان مردادماه

گزارش

ایران‌زمین- هرچند انفجار پل مهم و کلیدی B1 در مسیر آزادراه شمالی کرج که با نام بزرگراه شهید سلیمانی شناخته می‌شود، در تکمیل و بهره‌برداری از این آزادراه وقفه ایجاد کرده است اما استاندار البرز از بهره‌برداری از این آزادراه تا پایان مردادماه خبر داده است. البته در فرآیند بهره‌برداری، پل B1 مستثنی است چراکه تخریب و بازسازی آن به ۶ تا ۸ ماه زمان نیاز دارد.

استاندار البرز با تأکید بر ضرورت تسریع در اجرای بخش‌های باقی‌مانده آزادراه شمالی کرج که به نام شهید سلیمانی نامگذاری شده است، گفت: «تمامی بخش‌های آزادراه شهید سلیمانی، به‌جز پل شهید رئیسی، باید تا پایان مردادماه تکمیل و آماده بهره‌برداری شود.»

مجتبی عبداللهی، با بیان اینکه دستگاه‌های اجرایی و پیمانکاران باید با بسیج تمامی ظرفیت‌ها، برنامه زمان‌بندی پروژه را با دقت دنبال کنند تا این مسیر در موعد مقرر زیر بار ترافیک قرار گیرد، بر تسریع در اجرای پل اتصال آزادراه شهید سلیمانی به آزادراه کرج-قزوین تأکید کرد و افزود: «راه‌اندازی این نقطه اتصال، نقش تعیین‌کننده‌ای در تکمیل کارکرد ترافیکی پروژه دارد و باید با جدیت در دستورکار قرار گیرد.»

استاندار البرز با بیان اینکه بهره‌برداری از این مسیر، تأثیر قابل توجهی در روان‌سازی ترافیک مبادی ورودی و خروجی استان البرز و کاهش بار ترافیک ملی خواهد داشت، خاطرنشان کرد: «تکمیل این پروژه علاوه بر تسهیل تردد شهروندان، موجب افزایش ایمنی، کاهش زمان سفر و بهبود جریان عبور و مرور در یکی از مهم‌ترین کریدورهای ارتباطی کشور خواهد شد.»

علیرضا رحیمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر کرج با اشاره به اینکه این پروژه با مجموع طول ۳۸ کیلومتر (رفت و برگشت) و شامل ۲۱ پل، در آستانه بهره‌برداری نهایی قرار دارد، اظهار کرد: «قطعه چهارم و تکمیلی کنارگذر شهید سلیمانی در دو فاز افتتاح خواهد شد؛ به‌طوری‌که لاین شمالی در ایام پیش رو و کل پروژه تا یک ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد.»

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر کرج هم موضوع پل شهید آیت‌الله رئیسی (B1) را مستثنی از بهره‌برداری کامل پروژه دانست و اظهار کرد: «این پل به دلیل آسیب‌های وارده، در حال تخریب و آماده‌سازی است. فرآیند مقاوم‌سازی، تخریب بخش‌های آسیب‌دیده و آماده‌سازی برای عرشه گذاری، حدود ۶ تا ۷ ماه زمان نیاز دارد.»

رحیمی خاطرنشان کرد: «همچنین، ساخت و تکمیل نهایی آن به حدود ۸ ماه زمان و اعتباری حدود ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان نیاز دارد که امیدواریم دولت در تأمین مالی آن اهتمام ویژه‌ای داشته باشد.

امید آن می‌رود که با تأمین به‌موقع منابع مالی، عملیات اجرایی بدون وقفه ادامه پیدا کند و این پروژه در زمان پیش‌بینی‌شده به بهره‌برداری کامل برسد.»

> پل شهید آیت‌الله رئیسی (B1) به دلیل آسیب‌های وارده در حال تخریب و آماده‌سازی است. فرآیند مقاوم‌سازی، تخریب بخش‌های آسیب‌دیده و آماده‌سازی برای عرشه گذاری، حدود ۶ تا ۷ ماه زمان نیاز دارد

بنگاه

روایت یک سال موفق در مجمع عمومی عادی سالیانه پتروشیمی شهید تندگویان

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل پتروشیمی شهید تندگویان، مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت، روز هفتم تیرماه ۱۴۰۵ با حضور ارکان مجمع و ۸۶.۶۲ درصدی سهامداران در پژوهشگاه صنعت نفت تهران برگزار شد.

ریاست این مجمع برعهده محمود رضایی، مدیر مالی گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس بود و محرم هادی اصل سرای و صلح‌جوی ابراهیم‌آبادی به ترتیب به عنوان ناظران اول و دوم مجمع، مازیار معدولی بهبهانی، مدیرعامل پتروشیمی شهید تندگویان، به عنوان منشی مجمع، اشرف‌زاده نماینده سازمان بورس و نیلوفری نماینده سازمان حسابرسی و همچنین محمد شایگان به‌عنوان مدیر مالی نیز در این نشست حضور داشتند. در ابتدای این جلسه، مدیرعامل پتروشیمی شهید تندگویان، با ارائه گزارشی از عملکرد شرکت، «شگویا» را یکی از شرکت‌های پیشرو بازار سرمایه معرفی کرد و گفت: «با اجرای برنامه‌های راهبردی و به‌روزرسانی فرآیندهای تولید، پیش از آغاز جنگ اخیر، دو رکورد تولید بیش از ۱۰۰ هزار تن در مجتمع به ثبت رسید.»

معدولی با اشاره به حملات ناجوانمردانه آمریکایی-صهیونی به کشورعزیزمان ایران، افزود: «با شروع جنگ رمضان و تحقق ۱۱۰ درصدی برنامه تولید، رکورد ماندگار دیگری در کارنامه شگویا ثبت شد.» وی در ادامه بیان کرد: «این عملکرد موجب شد شرکت موفق به تحقق ۸۹ درصد برنامه مصوب فروش شود و درآمدهای عملیاتی نیز با رشدی ۱.۲۹ برابری به حدود ۴۸ همت برسد. همچنین پتروشیمی شهید تندگویان در سال گذشته ۴.۱ همت سود به ثبت رساند.»

معدولی با اشاره به مهم‌ترین دستاوردهای سال گذشته اظهار کرد: «صعود ۱۰ پله‌ای در رتبه‌بندی IMI-۱۰۰۰ و کسب رتبه ۶۲، رشد ۱۲ درصدی تولید در نیمه دوم سال گذشته، ثبت بیشترین میزان ساخت داخل تجهیزات، به‌روزرسانی سند استراتژیک شرکت و تدوین اهداف جدید از مهم‌ترین دستاوردهای این شرکت بوده است.»

مدیرعامل پتروشیمی شهید تندگویان همچنین مهم‌ترین برنامه‌های پیش روی شرکت را راه‌اندازی تجاری واحد تولید پنبه مصنوعی (Staple) پس از راه‌اندازی آزمایشی در سال گذشته، اجرای پروژه‌های مدیریت انرژی و بازیافت آب و افزایش ظرفیت تولید و توسعه انعطاف‌پذیری خطوط تولید عنوان کرد. در ادامه این جلسه، گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی قرائت شد و پس از پاسخگویی هیأت‌مدیره به پرسش‌های سهامداران، صورت‌های مالی شرکت با اکثریت آرا به تصویب رسید.

در پایان مجمع نیز سهامداران با تقسیم ۹۰ درصد از سود سهام به مبلغ ۱۱۰ تومان معادل ۱۱۰۰ ریال موافقت کردند. گفتنی است؛ در پایان مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پتروشیمی تندگویان، بودجه ۵۰ میلیارد تومانی مسئولیت‌های اجتماعی به تصویب رسید.

«ایران» تحولات ساختاری در تولید برنامه‌های جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

وقتی هیاهو از تحلیل سبقت می‌گیرد

سینا حسینی/ از روزگاری که فوتبال برای مخاطب ایرانی در صدای گزارشگرانی چون بهرام شفیع و اسماعیل کوتی خلاصه می‌شد تا امروز که ده‌ها برنامه در قاب‌های متنوع تلویزیونی و پلتفرم‌های آنلاین برای تصاحب «چشم» و «ذهن» مخاطب با یکدیگر رقابت می‌کنند، رسانه‌های ورزشی ایران مسیری پرپیچ و خم، پرهزینه و البته تعیین‌کننده را پشت سر گذاشته‌اند. جام جهانی ۲۰۲۶ را می‌توان نقطه عطفی در این مسیر دانست؛ مقطعی که نه‌تنها کمیت تولیدات به شکلی بی‌سابقه افزایش یافت، بلکه الگوهای تولید، نوع روایت و حتی مناسبات مالی پشت صحنه نیز دستخوش تغییرات اساسی شد.

در نگاه نخست، این تحولات در برخی از برنامه‌ها نشانه‌ای از رشد و حرفه‌ای‌تر شدن به نظر می‌رسند؛ دکورهای عظیم، گرافیک‌های پیشرفته، ارتباط‌های زنده بین‌المللی، حضور میهمانان سرشناس داخلی و خارجی که در ظاهر نشان از رقابت حرفه‌ای می‌دهد. اما با نگاهی دقیق‌تر، پرسشی کلیدی در ذهن افکار عمومی شکل می‌گیرد که آیا این حجم از تولید و این سطح از هزینه‌کرد، واقعاً در خدمت پیشرفت فوتبال بوده یا صرفاً به بازاری پررزرق و برق صرفاً برای درآمدزایی بوده است؟

ساختار حرفه‌ای تولید در رسانه‌های برخط و تلویزیونی

در صنعت حرفه‌ای رسانه در جهان، تولید محتوا - چه در تلویزیون و چه در پلتفرم‌های برخط - بر اساس ساختاری مشخص، چندلایه و مبتنی بر تقسیم کار دقیق انجام می‌شود. این ساختار معمولاً شامل اتاق فکر، تیم‌های تحقیق و داده، سردبیران محتوایی، تهیه‌کنندگان اجرایی، تیم‌های فنی (تصویر، صدا، گرافیک) و در نهایت تیم‌های توزیع و بازاریابی است.

در چنین مدلی، هر برنامه پیش از تولید از چند فیلتر حرفه‌ای عبور می‌کند؛ تعریف هدف، شناسایی مخاطب، طراحی روایت، پیش‌بینی خروجی و حتی ارزیابی اثرگذاری. همچنین، نظام‌های شفاف مالی و قراردادی وجود دارد که دستمزدها، هزینه تولید و بازگشت سرمایه را در چارچوبی مشخص تنظیم می‌کند.

اما در فضای رسانه‌ای ایران، اگرچه در ظاهر نشانه‌هایی از این ساختار دیده می‌شود، در عمل بخش قابل توجهی از این فرآیند همچنان مبهم است. بسیاری از برنامه‌ها فاقد اتاق فکر مستقل و نظام پژوهشی مستمر هستند و تصمیم‌گیری‌ها بیشتر به سلیقه افراد یا اقتضائات لحظه‌ای وابسته است. از سوی دیگر، شفافیت مالی—به‌ویژه در حوزه دستمزد میهمانان و هزینه‌های تولید—به‌ندرت وجود دارد. این ابهام ساختاری باعث می‌شود حتی با وجود افزایش هزینه‌ها، الزاماً کیفیت و عمق محتوا افزایش نیابد. به بیان دیگر، «حرفه‌ای‌سازی ظاهری» جایگزین «حرفه‌ای‌سازی ساختاری» شده است.

روایت رسمی و تلاش برای کنترل نقدهای حتی فنی

شبکه سه با برنامه «جام ۲۶» تلاش کرد همچنان پرچمدار روایت رسمی فوتبال باقی بماند. این برنامه از نظر فرم، پیشرفتی قابل توجه نسبت به گذشته داشت؛ از طراحی صحنه تا بهره‌گیری از فناوری‌های تصویری. اما در سطح محتوا، رویکرد محافظه‌کارانه‌ای داشت. برنامه عملاً در خدمت تیم ملی تعریف شده بود؛ به طوری که نقدها یا اساساً مطرح نمی‌شدند یا در قالبی کنترل‌شده و کم‌اثر ارائه می‌شدند.

چنین رویکردی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به ایجاد همبستگی ظاهری کمک کند، در بلندمدت به مانعی جدی برای پیشرفت تبدیل می‌شود. فوتبال بیش از هر چیز، نیازمند نقد صریح و تحلیل بی‌طرفانه است و وقتی رسانه از این وظیفه فاصله بگیرد، چرخه اصلاح نیز متوقف خواهد شد.

در سوی دیگر، شبکه ورزش با برنامه «جام۲۲» کوشید با دعوت از چهره‌های موافق و مخالف، فضایی بازتر ایجاد کند. این تلاش، گامی رو به جلو بود، اما همچنان با چالش‌هایی مانند فقدان ساختار حرفه‌ای مناظره و غلبه هیجان بر منطق روبه‌رو بود. به بیان دیگر، «چندصدایی» شکل گرفت، اما «تحلیل عمیق» همچنان غایب ماند.

استانداردسازی تولید یا تجاری‌سازی محتوا؟

در میان برنامه‌های تولیدشده برای جام‌جهانی ۲۰۲۶، «فوتبال ۳۶۰» بدون تردید یکی از شاخص‌ترین نمونه‌ها بود. این برنامه با تکیه بر ساختاری حرفه‌ای، استفاده از داده‌های آماری، حضور کارشناسان معتبر و پرداختن به سوژه‌های متنوع، سطحی متفاوت از برنامه‌سازی فوتبالی را به نمایش گذا شت.

اما تمایز اصلی «فوتبال ۳۶۰» تنها در کیفیت تولید خلاصه نمی‌شود، بلکه در رویکرد اقتصادی آن نیز قابل مشاهده است. این برنامه در مسیر تبدیل شدن به یک برند رسانه‌ای گام برمی‌دارد؛ برندی که نه‌فقط تولیدکننده محتوا، بلکه مدیریت‌کننده بازار مخاطب نیز هست.

تغییر قواعد بازی رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره، ورود پول‌های قابل توجه به حوزه میهمانان برنامه‌ها بود. برخلاف گذشته که بسیاری از کارشناسان با دستمزدهای محدود یا حتی به‌صورت افتخاری در برنامه‌ها حاضر می‌شدند، اکنون پرداخت‌های چشمگیر به میهمانان به رویه‌ای نسبتاً رایج تبدیل شده است.

این پدیده، هرچند در رسانه‌های جهانی امری طبیعی است، در فضای رسانه‌ای ایران کم‌سابقه به شمار می‌رود. اما پرسش اصلی اینجاست؛ آیا این تغییر تأثیری بر کیفیت محتوا و دانش فوتبال ایران خواهد داشت؟ واقعیت آن است که این روند بخشی از یک معادله بزرگ‌تر است؛ رقابت برای جذب مخاطب. در بازاری که «توجه» ارزشمندترین دارایی است، حضور یک چهره شناخته‌شده می‌تواند تفاوتی جدی در میزان بازدید ایجاد کند. به همین دلیل، بسیاری از برنامه‌ها به‌جای سرمایه‌گذاری بر پژوهش و تحلیل، به جذب چهره‌های مشهور روی آوردند.

نتیجه، این استراتژی شکل‌گیری نوعی «اقتصاد ستاره‌محور» در رسانه‌های ورزشی است؛ اقتصادی که در آن ارزش یک برنامه نه بر اساس عمق تحلیل، بلکه بر مبنای فهرست میهمانان سنجیده می‌شود. پیامد چنین رویکردی، کاهش عمق محتوا و افزایش سطحی‌نگری است. طبیعی است وقتی بخش عمده‌ای از بودجه صرف دستمزد میهمانان می‌شود، منابع کمتری برای تولید محتوای تحلیلی، استفاده از آنالیزورهای حرفه‌ای و توسعه آیتم‌های آموزشی باقی بماند. به همین دلیل، با وجود افزایش هزینه‌ها، در بسیاری از موارد رشد محسوسی در کیفیت تحلیل‌ها مشاهده نمی‌شود.

اخلاق؛ حلقه مفقوده در رقابت پرهیاهو

در کنار این تحولات، یکی از نگران‌کننده‌ترین موضوعات، کمرنگ شدن مرزهای اخلاق حرفه‌ای در برخی برنامه‌ها بود. در جریان رقابت فشرده برای جذب مخاطب، گاه مجریان و برنامه‌سازان به‌سادگی از اصول اولیه اخلاق رسانه‌ای عبور کردند؛ کنایه‌های نیش‌دار، متلک‌های مستقیم و غیرمستقیم و تخریب رقبا، به بخشی از ادبیات برخی برنامه‌ها تبدیل شد.

این رفتارها معمولاً با توجیه «پاسخ به رقبا» یا «افزایش جذابیت» صورت می‌گرفت، اما در عمل سطح گفت‌وگوی رسانه‌ای را تنزل داد. به‌جای رقابت بر سر کیفیت تحلیل، میدان به جدال‌های کلامی و حاشیه‌های شخصی واگذار شد؛ مسیری که نه‌تنها کمکی به فوتبال نمی‌کند، بلکه اعتبار رسانه را نیز زیر سؤال می‌برد. نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که به ترکیب مخاطبان این برنامه‌ها توجه کنیم؛ بخش قابل توجهی از بینندگان را نسل جوان و نوجوان تشکیل می‌دهند، نسلی که در حال شکل‌دهی به الگوهای رفتاری و گفتاری خود است. مواجهه مستمر با ادبیات طعنه‌آمیز و تخریبی، می‌تواند این الگوها را به‌صورت ناخودآگاه در ذهن آنان تثبیت کند. رسانه صرفاً بازتاب‌دهنده واقعیت نیست؛ بلکه سازنده فرهنگ نیز هست. هر جمله، هر کنایه و هر نوع مواجهه با رقبا می‌تواند اثری ماندگار در افکار عمومی بر جای بگذارد. آنچه امروز «شوخی رسانه‌ای» تلقی می‌شود، ممکن است فردا به یک هنجار رفتاری در میان نسل جوان تبدیل شود.

پیروزی در بازدید، شکست در اعتبار

در کنار برنامه‌های حرفه‌ای‌تر، برخی تولیدات مسیر متفاوتی را برگزیدند؛ تولید جنجال. برنامه‌هایی که با تکیه بر تنش‌های ساختگی، بحث‌های تند و درگیری‌های لفظی، در پی جذب مخاطب بیشتر بودند. این برنامه‌ها اگرچه در کوتاه‌مدت موفق به جلب توجه شدند، اما در بلندمدت به اعتبار رسانه‌ای خود آسیب زدند. مخاطب امروز به‌خوبی می‌تواند میان «تحلیل واقعی» و «نمایش رسانه‌ای» تمایز قائل شود. برنامه‌ای که بیش از حد به حاشیه وابسته باشد، به‌تدریج از دایره اعتماد خارج خواهد شد.

آزادی بیشتر، مسئولیت کمتر

ورود پلتفرم‌های نمایش خانگی به عرصه پوشش جام جهانی ۲۰۲۶، فضای تازه‌ای برای برنامه‌سازی ایجاد کرد. این پلتفرم‌ها با منابع مالی گسترده‌تر و محدودیت‌های کمتر، امکان تجربه قالب‌های متنوع‌تری را فراهم کردند. با این حال، در بسیاری از موارد این آزادی به سمت سرگرمی صرف سوق پیدا کرد.

بخش قابل توجهی از این برنامه‌ها بر گفت‌وگوهای سبک، شوخی و حضور چهره‌های غیرتخصصی تمرکز داشتند. اگرچه این رویکرد در جذب مخاطب مؤثر بود، اما از دیدگاه توسعه فوتبال، دستاورد قابل توجهی به همراه نداشت.

شبکه‌های ماهواره‌ای؛ آلترناتیوی با چالش‌های خاص

در این میان، شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نیز تلاش کردند سهمی از این بازار داشته باشند. حضور چهره‌های شناخته‌شده و فضای بازتر، امکان جذب مخاطب را برای آن‌ها فراهم کرد، اما حواشی غیرورزشی و رسانه‌ای در بسیاری از موارد تمرکز را از فوتبال دور ساخت.

هزینه‌های فراوان، دستاوردهای مبهم

آنچه در جام جهانی ۲۰۲۶ در رسانه‌های ایرانی رخ داد، بیش از هر چیز نشانه یک «انفجار اقتصادی» در تولید محتوای فوتبالی بود. هزینه‌های بالا، دستمزدهای قابل توجه برای میهمانان و رقابتی شدید برای جذب مخاطب، همگی بیانگر تغییر قواعد بازی هستند.

با این حال، پرسش کلیدی همچنان پابرجاست: آیا این روند به پیشرفت فوتبال ایران کمک می‌کند؟

با شرایط فعلی، پاسخ چندان امیدوارکننده نیست. اگرچه کیفیت ظاهری برنامه‌ها افزایش یافته و تنوع بیشتری ایجاد شده، اما در سطح عمیق‌تر، مشکلات جدی همچنان پابرجاست: فقدان تحلیل ساختاری، کمبود نگاه آموزشی و غلبه سرگرمی بر محتوا.

پرداخت‌های سنگین به میهمانان، اگر با تولید محتوای عمیق و اثرگذار همراه نباشد، در نهایت به هزینه‌ای بی‌ثمر تبدیل خواهد شد. در کنار آن، تضعیف اخلاق حرفه‌ای نیز می‌تواند سرمایه اجتماعی رسانه‌ها را فرسایش دهد.

فوتبال ایران برای پیشرفت، به چیزی فراتر از برنامه‌های پررزق‌وبرق نیاز دارد؛ به نقد صادقانه، تحلیل دقیق، آموزش مستمر و پایبندی به اصول حرفه‌ای. اگر این ظرفیت عظیم رسانه‌ای به‌درستی هدایت شود، می‌تواند به یکی از موتورهای محرک فوتبال تبدیل شود. در غیر این صورت، آنچه باقی می‌ماند، بازاری شلوغ و پرهیاهوست؛ بازاری که در آن صداها بسیارند، اما صدای واقعی فوتبال کمتر شنیده می‌شود.

مجید رضائیان، استاد دانشگاه و پژوهشگر رسانه در گفت‌وگو با «ایران»:

تولید محتوا باید به سمت فرهنگ‌سازی برود

مهری رنجبر/ با نزدیک شدن به روزهای پایانی جام جهانی ۲۰۲۶ و قرار گرفتن در آستانه برگزاری دیدار فینال، تب‌وتاب رسانه‌ای این رویداد به اوج خود رسیده است؛ جایی که رقابت تیم‌ها در زمین، با رقابت رسانه‌ها برای روایت بهتر، تحلیل عمیق‌تر و جذب مخاطب بیشتر گره خورده است. در این مقطع حساس، نقش برنامه‌های ورزشی چه در تلویزیون و چه در پلتفرم‌های خصوصی و تلویزیون‌های اینترنتی بیش از هرزمان دیگری برجسته می‌شود. این شرایط، ضرورت بازنگری در شیوه تولید محتوا، فاصله گرفتن از برنامه‌های صرفاً شخص‌محور و حرکت به سوی الگوهای حرفه‌ای و تحلیلی را دوچندان کرده است. برای بررسی موضوع چگونگی افزایش کیفیت تولید محتوا در برنامه‌های ورزشی به سراغ مجید رضائیان استاد دانشگاه و پژوهشگر رسانه رفتیم و با وی درباره ابعاد مختلف استانداردهای مدرن در این حوزه به گفت‌وگو پرداختیم. رضائیان در گفت‌وگو با «ایران» به زوایای مختلف این موضوع از نگاه رسانه‌ای پرداخته است. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

مجید رضائیان، پژوهشگر رسانه، درباره تعدد برنامه‌های فوتبال محور با موضوع جام جهانی ۲۰۲۶ می‌گوید: «نخستین نکته این است که باید از تولید چنین برنامه‌هایی در تلویزیون و پلتفرم‌های خصوصی استقبال کرد. این روند باید تقویت شود، چراکه با ساخت این برنامه‌ها، پلتفرم‌های خصوصی وارد عرصه‌های ورزش، فرهنگ و اقتصاد می‌شوند که اتفاق مثبتی است. این نشان می‌دهد تک‌رسانه‌ای بودن و اتکای صرف به تلویزیون، آثار منفی بیشتری نسبت به تأثیرات مثبت آن دارد. حضور بخش خصوصی، شبکه‌های اینترنتی و پلتفرم‌های نمایش خانگی در حوزه‌های مختلف، اتفاقی مطلوب است، چراکه می‌توانند مخاطبان خاص خود را داشته باشند. این حضور، رقابت حرفه‌ای را افزایش می‌دهد. در نتیجه، تولید برنامه‌هایی مانند «فوتبال ۳۶۰» یا دیگر برنامه‌های پلتفرم‌های نمایش خانگی در حوزه ورزش نظیر «برجام»، به‌صورت طبیعی در رقابت با برنامه‌های تلویزیون قرار می‌گیرد و ما را از تک‌صدایی و تک‌تصویری دور می‌کند. بنابراین، این روند یک اتفاق مثبت است.»

او در ادامه تأکید می‌کند: «باید دید یک برنامه حرفه‌ای در دنیا چه ویژگی‌هایی دارد. برنامه نباید شخص‌محور باشد؛ یعنی همه بار برنامه روی دوش یک فرد یا چند نفر قرار گیرد. کارشناس در برنامه حضور دارد تا نظر بدهد، اما نباید فراموش کرد که یک برنامه از عناصر مختلفی تشکیل می‌شود. در ایران معمولاً برنامه‌ها شخص‌محور هستند و این مسأله ما را از کارهای عمیق‌تر، پخته‌تر و کارشناسی‌تر دور می‌کند. برای مثال، یک برنامه تحلیلی درجه‌یک می‌تواند شامل تحلیل آماری، نقد با حضور موافق و مخالف و بررسی‌های چندجانبه باشد؛ چنین برنامه‌ای تفاوت زیادی با نمونه‌های رایج دارد.»

رضائیان با اشاره به دشواری اجرای این الگو در ایران می‌گوید: «هرچند در ایران این کار دشوارتر است و نیاز به کار فنی‌تری دارد. در بسیاری از برنامه‌های تولیدشده در شبکه‌های اینترنتی و حتی تلویزیون، به دلیل محدودیت امکانات، نوعی شخص‌محوری دیده می‌شود. در حالی که باید از این رویکرد فاصله گرفت. البته این به معنای حذف کارشناس نیست، بلکه باید ترکیبی از مصاحبه، میزگرد، ارزیابی کارشناسی و گزارش تحلیلی در برنامه وجود داشته باشد.»

او درباره اصول ساخت برنامه نیز توضیح می‌دهد: «امروز ژانر غالب روزنامه‌نگاری، ژانر تحلیلی است که بر دو عنصر «چه کسی» و «چرایی» استوار است. البته مخاطب به سایر عناصر نیز توجه دارد، بنابراین برنامه باید بر پایه ترکیبی از این عناصر ساخته شود.»

این پژوهشگر رسانه در عین حال، حاشیه را بخشی جدایی‌ناپذیر از ورزش می‌داند: «ورزش را نمی‌توان بدون حاشیه تصور کرد. طبیعی است که ورزش حاشیه دارد و برخی افراد نیز وارد این حوزه می‌شوند، بدون آن‌که الزاماً موجب رنجش دیگران شوند. نمی‌توان ایراد گرفت که چرا از حاشیه برای جذب مخاطب استفاده می‌شود؛ این موضوع طبیعی است. بسیاری از برنامه‌ها بخشی از انرژی خود را برای این مسأله صرف می‌کنند و این ایرادی ندارد. اما در کنار آن باید گزارش‌های تحلیلی، آماری و ارزیابی‌های فنی دقیق‌تر نیز ارائه شود تا علاوه بر جذب مخاطب، سطح سواد او نیز ارتقا یابد. این دو باید در کنار هم دیده شوند. حاشیه، یکی از عناصر جذب در ورزش است و به‌دلیل ذات این حوزه، برای مخاطب جذابیت دارد. یکی از وظایف رسانه، سرگرمی در کنار اطلاع‌رسانی و آموزش است. منظور این نیست که عنصر سرگرمی حذف شود، بلکه باید در کنار آن، آموزش و تغییر نگرش نیز وجود داشته باشد و میان این عناصر تعادل برقرار شود.»

او در ادامه بر اهمیت حفظ مخاطب تأکید می‌کند: «من درباره برنامه‌های خاص داوری نمی‌کنم، اما در یک ارزیابی کلی باید گفت در حوزه‌هایی مانند ورزش، سبک زندگی، مسائل اجتماعی یا اقتصاد معیشتی، جذب مخاطب کار دشواری نیست. اما مهم‌تر از جذب، حفظ مخاطب است. مخاطب باید احساس کند با پایان برنامه، اطلاعات، نوع نگاه و نگرش او ارتقا یافته است. این مسأله نیازمند نگاه سردبیری دقیق است.»

رضائیان در پایان، نقش «اتاق سوژه» را در رسانه‌ها کلیدی می‌داند: «در دنیای رسانه، بر اهمیت اتاق سوژه تأکید زیادی می‌شود، زیرا سردبیر نباید به‌تنهایی تصمیم‌گیر باشد. اساساً سردبیری در رسانه‌های حرفه‌ای بر پایه اتاق سوژه شکل می‌گیرد. این اتاق است که به رسانه حیات می‌بخشد و مسیر کار را پیش می‌برد. بنابراین، باید اتاق سوژه را جدی گرفت. برنامه‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که در کنار جذب مخاطب، به افزایش آگاهی و تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی او نیز منجر شوند.»

> باید اتاق سوژه را جدی گرفت. برنامه‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که در کنار جذب مخاطب، به افزایش آگاهی و تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی او نیز منجر شوند

عکس: www.Gettyimages.com

امپراطوری پلتفرم‌ها در جهان فوتبال

گروه ورزشی/ جام جهانی ۲۰۲۶ به روزهای پایانی خود نزدیک شده، اما اگر فکر می‌کنید در جریان جام همه‌چیز در زمین مسابقه تعیین شده، سخت در اشتباهید. این تورنمنت، یک جدول دیگر هم داشت؛ جدولی بیرون از چمن، جایی که تاک‌شوها و پلتفرم‌های دیجیتال برای تصاحب ذهن مخاطب تا آخرین دقیقه جنگیدند. در جام فرسایشی ۲۰۲۶ با ۱۰۴ بازی، تماشاگر خیلی زود فهمید که نمی‌تواند همه چیز را در زمین فوتبال ببیند. اینجا بود که تاک‌شوها وارد شدند؛ مثل هافبک‌هایی که ریتم بازی را کنترل می‌کنند. «The Rest is Football» با استقرار در نیویورک، از دل شلوغی تورنمنت، هر روز یک روایت تازه بیرون کشید. ترکیب لینه‌کر، شیرر و ریچاردز نه فقط تحلیل کرد، بلکه داستان ساخت؛ داستانی که برای میلیون‌ها مخاطب، مهم‌تر از خود مسابقه شد. آن‌ها در نگاهی متفاوت و جذاب با پرداختن به نکات پنهان بازی‌ها روایت جدیدی را به مخاطب ارائه می‌دادند که از آنها کمتر سخن گفته شده بود و برای بیننده تازگی داشت. این روند بی‌دلیل نیست؛ بازار پادکست‌های ورزشی در سال‌های اخیر رشد انفجاری داشته و طبق آمار Spotify و Edison Research، بیش از ۳۰ درصد شنوندگان پادکست در جهان به محتوای ورزشی علاقه دارند. «The Rest is Football» نیز در بسیاری از روزهای تورنمنت در صدر چارت‌های بریتانیا و ایرلند قرار گرفت و میلیون‌ها دانلود روزانه ثبت کرد. در سوی دیگر، «Stick to Football» و دیگر برنامه‌های مشابه، تلاش کردند با تکیه بر شوخی، جدل و چهره‌های شناخته‌شده، سهمی از این بازی ببرند. رقابت دیگر بر سر تعداد بازی‌های پخش‌شده نبود؛ بر سر این بود که چه کسی بهتر می‌تواند لحظه‌ها را قاب بگیرد و به زبان مخاطب ترجمه کند. در این میان، نقش پلتفرم‌ها تعیین‌کننده شد. نتفلیکس بدون داشتن حق پخش، با یک تاک‌شوی روزانه وارد زمین شد و نشان داد مالک تصویر بودن، دیگر شرط لازم برای پیروزی نیست. این استراتژی ادامه همان رویکردی است که با مستندهایی مثل «Drive to Survive» در فرمول یک جواب داد و باعث رشد چند ده درصدی مخاطبان این ورزش در آمریکا شد. یوتیوب و تیک‌تاک هم با پخش لحظات کوتاه، سرعت بازی رسانه‌ای را چند برابر کردند. طبق داده‌های TikTok، در جریان جام جهانی ۲۰۲۲، هشتگ WorldCup بیش از ۲۶۰ میلیارد بازدید داشت و ویدیوهای فوتبالی به‌طور متوسط نرخ تعامل بسیار بالاتری نسبت به سایر محتواها ثبت کردند. در واپسین روزهای جام، یک حقیقت بیشتر از همیشه روشن است؛ مخاطب امروز، فقط تماشاگر نیست؛ او انتخاب می‌کند چه چیزی را و از چه زاویه‌ای ببیند. این انتخاب را تاک‌شوها شکل می‌دهند.

یادداشت

مازیار ناظمی
کارشناس رسانه

مخاطب تشنه احترام و کیفیت

جام جهانی فوتبال، فرصتی مغتنم بود تا پلتفرم‌های فعال در بستر فضای مجازی توانمندی خود را به‌عنوان جایگزینی جدی برای تلویزیون سنتی به نمایش بگذارند؛ اما آنچه در بسیاری از برنامه‌ها به چشم آمد، بیش از آنکه نشانه‌ای از بلوغ رسانه‌ای باشد، بازتابی از نوعی سردرگمی در تعریف مرز میان «سرگرمی» و «تحلیل» بود.

به‌نظر می‌رسد برخی برنامه‌سازان، تمایز ظریف اما اساسی میان «با هم خندیدن» و «به هم خندیدن» را از یاد برده‌اند. بی‌تردید، شوخی، طنز و فضای صمیمی، بخشی جدایی‌ناپذیر از ذات برنامه‌های ورزشی است؛ اما هنگامی که محور برنامه به تمسخر، متلک‌پرانی، پریدن در کلام یکدیگر و رقابتی بی‌پایان برای خنداندن به هر قیمت بدل می‌شود، دیگر مجالی برای گفت‌وگوی حرفه‌ای باقی نمی‌ماند. مخاطب امروز ایران، بیش از هر زمان دیگری، تشنه تحلیل، احترام و کیفیت است.

در میان برنامه‌های اینترنتی، شاید تنها عادل فردوسی‌پور در پلتفرم فوتبال ۳۶۰ توانست تا حد زیادی بر سرمایه‌ای چون اعتبار شخصی، تجربه، انصاف و اعتماد سال‌های گذشته تکیه کند. هرچند حتی در برنامه‌های او نیز برخی شوخی‌ها و متلک‌های تکرارشونده، نسبت به گذشته رنگ کهنگی به خود گرفته و گاه خسته‌کننده به نظر می‌رسید، اما همچنان فاصله‌ای محسوس با بسیاری از تولیدات دیگر حفظ شده بود. در سوی دیگر، برنامه مشترک جواد خیابانی و خداداد عزیزی، بیش از آنکه یادآور یک برنامه تحلیلی ورزشی باشد، فضایی شبیه به فیلم‌فارسی‌های قدیمی را تداعی می‌کرد؛ جایی که اغراق، شوخی‌های بی‌وقفه و جدل‌های نمایشی، جای تحلیل را اشغال کرده بود. افسوس برای دو چهره‌ای که هر یک، بخشی از خاطرات خوش فوتبال ایران را در ذهن مخاطبان ثبت کرده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که در مسیر جذب مخاطب و تأمین منافع اقتصادی پلتفرم، هر نوع نمایش مجاز شمرده شده و تنها گامی تا عبور از مرزهای حرفه‌ای باقی مانده است.

با این همه، نمی‌توان از نکات مثبت نیز چشم پوشید. از دیدگاه رسانه‌ای، حجم تولید برنامه‌ها قابل توجه بود و رقابت میان پلتفرم‌ها، دامنه انتخاب مخاطبان را گسترده‌تر کرد. علاوه بر این، حضور شماری از بانوان متخصص و مسلط به فوتبال، رویدادی امیدبخش بود که نشان داد بهره‌گیری از کارشناسان توانمند، فارغ از جنسیت، می‌تواند به ارتقای کیفیت گفت‌وگوها منجر شود.

رسانه ورزشی امروز ایران، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند بازنگری جدی است؛ بازنگری در تعریف سرگرمی، احترام به شعور مخاطب و بازگشت به تحلیل حرفه‌ای. مخاطب ایرانی دیگر صرفاً در پی هیاهو و شوخی نیست؛ او برنامه‌ای می‌طلبد که در عین جذابیت، آگاهی‌بخش باشد و شأن رسانه را نیز حفظ کند. اگر پلتفرم‌های اینترنتی بتوانند میان سرگرمی، نقد، دانش و احترام به مخاطب توازن برقرار کنند، آینده از آن آنان خواهد بود؛ اما اگر معیار همچنان افزایش بازدید به هر قیمت باقی بماند، این موج نیز دیری نخواهد پایید و به‌سرعت فروکش خواهد کرد.

مستطیل سبز

خروس‌ها در آتش اسپانیا سوختند

شب رویایی ماتادورها

گروه ورزشی/ اسپانیا در یک نمایش کاملاً حساب‌شده و کم‌اشتباه، با نتیجه ۲ بر صفر فرانسه را شکست داد و به فینال جام جهانی ۲۰۲۶ رسید؛ بردی که بیشتر از هر چیز، قدرت «تیم» را مقابل «ستاره‌ها» به رخ کشید.

از همان دقایق ابتدایی مشخص بود که برنامه اسپانیا چیست؛ کنترل بازی، بستن فضاها و استفاده از فرصت‌ها. فرانسه اما برخلاف انتظار، پراکنده و کم‌اثر ظاهر شد. کیلیان امباپه که همیشه یکی از تعیین‌کننده‌ترین بازیکنان زمین است، این‌بار در روز کم‌فروغ خود نه گلی زد و نه پاس گلی داد و در خلق موقعیت هم موفق نبود. خط دفاع منظم اسپانیا در عمل او را از جریان بازی خارج کرد. در سوی مقابل، اسپانیا با بازی تیمی و هماهنگ، به‌موقع ضربه زد. پدرو پورو، مدافع پیش تاخته این تیم، یکی از چهره‌های اصلی مسابقه بود؛ بازیکنی که با گلزنی مقابل فرانسه، نامش را در تاریخ ثبت کرد و نشان داد حتی مدافعان هم می‌توانند در لحظات بزرگ تعیین‌کننده باشند.

این پیروزی، سی‌وهفتمین بازی بدون شکست اسپانیا بود؛ آماری که نشان‌دهنده ثبات و کیفیت بالای این تیم در سال‌های اخیر است. شاگردان دلافوئنته حالا برای سومین بار در سه سال اخیر به فینال یک تورنمنت مهم رسیده‌اند و بیش از هر زمان دیگری آماده قهرمانی به نظر می‌رسند.

در طرف مقابل، فرانسه با وجود داشتن ستاره‌های بزرگ، از رسیدن به فینال بازماند و این رقابت را بدون پایان خوش ترک کرد. اسپانیا اما حالا تنها یک قدم تا فتح جام فاصله دارد.

irannewspaper.ir

پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۷۵
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۴۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۰۳/۱۹ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۰۱

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
فکر تو گنجایش هر چیز را ندارد، پس آن را برای آنچه «مهم» است، فارغ گردان.
غررالحکم ج۲ ص۶۰۶

بازیگر و تماشاگر باید همسنگ هم باشند

نقل قول

عطش قدرت، عطش پول درآوردن از چیزهای بد دوران ماست. بازیگر به تماشاگر احتیاج دارد و تماشاگر هم به بازیگر. این دو باید با هم همسنگ باشند. بازیگرانی بودند در برخی نقش‌ها موفق بودند اما دوباره موفقیتشان تکرار نشد. بازیگر باید سعی کند پیشرفت کند و در حال درجازدن نباشد. بازیگرانی بودند که بلافاصله بعد از یکی دو کار فید شدند چون از بازیگری چیز دیگری می‌خواستند. نقش برای بازیگر باید جایی برای نفس کشیدن باشد و از تازگی‌اش لذت ببرد.

گزیده‌ای از صحبت‌های منتشر شده زنده یاد داوود رشیدی در ایسنا به بهانه سالروز تولد او ۲۵ تیرماه

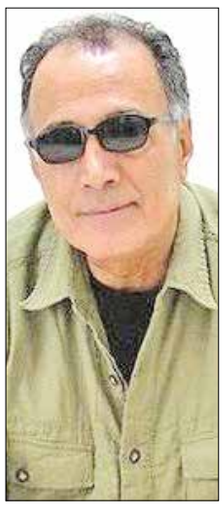

شب «عباس کیارستمی» در موزه سینمای ایران

اندیشکده دیپلماسی ملل، همزمان با آغاز به کار رسمی دپارتمان دیپلماسی هنری، با همکاری موزه سینمای ایران آیین ویژه‌ای را به مناسبت بزرگداشت زنده‌یاد عباس کیارستمی، سینماگر برجسته و چهره ماندگار فرهنگ و هنر ایران، در روز پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ از ساعت ۱۶ تا ۲۱ در سالن فردوس موزه سینمای ایران، برگزار می‌کند. در بخش گفت‌وگو و بزرگداشت این برنامه، ابراهیم حقیقی، سیف‌الله صمدیان، سید محمد بهشتی و شادمهر راستین به‌عنوان میهمانان ویژه حضور خواهند داشت و درباره ابعاد مختلف شخصیت هنری و میراث فرهنگی عباس کیارستمی سخن خواهند گفت. /مهر

کارگردانی «ژاله صامتی» در «ماهی رها»

نمایش «ماهی رها» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی ژاله صامتی از ۲۵ تیر تا ۱۲ مردادماه ساعت ۲۰:۳۰ در تماشاخانه جوانمرد عمارت خانه تئاتر به روی صحنه می‌رود. نویسندگی این کار برعهده مهدی غلامحیدری و ژاله صامتی بوده است. صامتی پیش‌تر همین نمایش را در عمارت نمایشی هما روی صحنه برده بود؛ نیاز سنجری (دختر صامتی) از بازیگران این نمایش است. در خلاصه داستان «ماهی رها» آمده است: تفاوت دو نسل دهه ۵۰ و ۸۰. غم‌ها و شادی‌های‌شان. حسرت‌ها، خواسته‌ها و نداشته‌های‌شان. /ایرنا

«تام کروز» در میان چهره‌های حاضر در مراسم اختتامیه جام جهانی ۲۰۲۶

فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) اعلام کرده گروهی از چهره‌های سرشناس دنیای سرگرمی، از جمله تام کروز و استریمر مشهور آی‌شواسپید، در مراسم اختتامیه جام جهانی ۲۰۲۶ حضور خواهند داشت و رابی ویلیامز و جنیفر هادسون نیز از دیگر اجراکنندگان این مراسم هستند. فیفا فهرست هنرمندان و میهمانان این مراسم را منتشر کرده است. این برنامه قرار است ۹۰ دقیقه پیش از دیدار فینال روز یکشنبه برگزار شود و به گفته فیفا، با هدف «گرامیداشت سفر فراموش‌نشدنی ۴۸ تیم» در طول رقابت‌هایی که در ۱۶ شهر میزبان و سه کشور برگزار شد، تدارک دیده شده است. /خبرآنلاین

واکنش هنرمندان به حملات اخیر دشمن به شهرهای جنوبی کشور

همه جای ایران سرای من است

گزارش

گروه فرهنگی

«ایران سرزمین ماست. ما از یک آب و خاک هستیم. ما فرزندان ایران هستیم.» این جملات را باشو، کودک خاک‌آلود و جنگ‌زده بهرام بیضایی، با لرزش صدایی که بوی غربت می‌دهد، برای کودکان گیلک می‌خواند. همان لحظه که کلمات از دهانش خارج می‌شود، جادویی در فضا معلق می‌شود؛ بچه‌ها، همان‌هایی که دایره خشونت دورش کشیده بودند، سنگ‌ها را زمین می‌گذارند و سکوت، جای هیاهو را می‌گیرد. آن‌ها نه فقط به کلمات کتاب درسی که به حقیقتی بزرگ‌تر گوش می‌سپارند: این که ما از یک آب و خاکیم. حالا که جنوب، در تب داغ اضطراب جنگ است انگار دوباره همان حلقه تشکیل شده است؛ هنرمندانی از تمام اقلیم‌ها دست‌به‌دست هم داده‌اند تا بگویند: «اینجا قلب ایران است» و همه دور یک حقیقت واحد ایستاده‌ایم؛ حلقه‌ای که مرکز ثقلش جنوب است و شعاعش، تمام آن چیزی است که ما را «ما» می‌کند.

پرویز پرستویی از جمله هنرمندانی است که در نوشته کوتاهش بر این همبستگی ملی تاکید کرده و جانم فدای ایران را این گونه زمزمه کرده است: «از بلوچستان تا بوشهر، از جزیره قشم تا کیش، از هرمزگان تا خوزستان جانم فدای ایران.» هوتن شکیبا و محسن کیایی با بازنشر صحنه‌هایی از «باشو، غریبه کوچک» به همان مرکز مشترک برگشتند؛ همان جایی که بچه‌ها دور باشو حلقه می‌زنند و ایران را از دل یک کتاب درسی می‌خوانند. بهرام افشاری و زانکو تصویری از بهبهان منتشر کرده و نوشتند: «بهبهان قلب ایران.» عباس جمشیدی‌فر هم چابهار را نشانه رفت و نوشت: «چابهار قلب ایران است.» کاظم دانشی با انتشار تابلو ورودی بندرعباس این عبارت را اضافه کرد «به بندرعباس خوش آمدید. جمعیت ۹۰ میلیون نفر». وقتی روی تابلو بندرعباس نوشته می‌شود «جمعیت ۹۰ میلیون نفر»، معنایش این است که این خاک، خانه همه ماست. فرقی نمی‌کند کجا زاده شده باشی؛ بوشهر، خرمشهر، چابهار یا دورترین نقاط کوهستانی. جنوب، «مادر زمین» است؛ همان‌جا که ریشه‌ها از گرما و سختی، آب می‌خورند و صبوری می‌آموزند. فاطمه معتمدآریا با انتشار استوری‌هایی از جنوب و موسیقی جنوب، بی‌نیاز از توضیح، همان دلبستگی قدیمی را زنده کرده است و احترام برومند هم در بخشی از پیام اینستاگرامی خود آورده است: «هر شعله‌ای از هر نقطه کشورم... عزیزانم در قشم، بندرعباس، چابهار، به کدامین گناه داغدار می‌شوند؟»

> هنرمندانی از تمام اقلیم‌ها دست‌به‌دست هم داده‌اند تا بگویند: «اینجا قلب ایران است» و همه دور یک حقیقت واحد ایستاده‌ایم؛ حلقه‌ای که مرکز ثقلش جنوب است و شعاعش، تمام آن چیزی است که ما را «ما» می‌کند

جنوب، پاره تن همه ماست. اگر این پهنه، زخمی بردارد، دردش در جان تک‌تک ما می‌پیچد. محسن چاوشی با جمله‌ای کوتاه در این باره نوشته است: «جنوب خون من است که می‌ریزد. به یاد جای خالی مردانی که دیگر بازنمی‌گردند.» غزل شاکری درد جنوب را رنج پیکره واحد ایران عنوان کرده است: «ایران یک پیکر است. وقتی جنوبش درد دارد، هیچ جایش آرام نیست. رنج جنوب رنج همه ماست.» صابر ابر با نقل قولی از احمد محمود، نسبت به عادی شدن جنگ هشدار داده و در ادامه آورده است: «کاش هیچ‌وقت دیدن خانه‌ای که می‌سوزد، کودکی که می‌ترسد، مادری که چشم به راه است و شهری که هر روز زخمی‌تر می‌شود، برایمان عادی نشود.» او در ادامه تأکید کرده است: «این روزها، جنوب ایران فقط یک جغرافیا نیست؛ تکه‌ای از قلب ماست که زیر صدای جنگ می‌تپد.» در این میان، صدای کسانی که جنگ را زیسته‌اند، رنگ دیگری دارد. رضا صادقی با لحنی صریح آمیخته به غرور ملی نوشته است: «جنوبی جماعت پای خاک که بیاد وسط قصه‌اش فرق می‌کنه. از زمان پرتغالی‌ها تا الان، هر حروم لقمه‌ای خواسته پاش رو بذاره تو خاک وطن، فقط پاش باقی مونده.» او همچنین در ادامه آورده است: «اینجا خاک اجداد منه؛ با جون نشد با خون نگهش می‌داریم.» مهرداد خوشبخت هم با نقد واژه «پرتابه» که رسانه‌ها برای بمب به کار می‌برند، تجربه زیسته خود را چنین روایت کرده است: «اینا که رو سر جنوب می‌باره پرتابه نیست، بمب و موشکه، وقتی می‌گی پرتابه می‌باره، انگار مث بارون می‌باره لطیفه... مو بچه آبادائم، بچه جنوب، تمام هشت سال جنگ‌زده بودیم زیر بمبارون اهواز و نمی‌گفتیم پرتابه. پرتابه خیلی لطیفش می‌کنه... توی مدرسه می‌دویدیم کنار دیوار حیاط دراز می‌کشیدیم، دستمونو می‌نهادیم رو سرمون و می‌گفتیم داره بمبارون می‌کنه. با تغییر اسم که جنگ لطیف نمیشه، می‌شه؟» یوسف حاتمی‌کیا تصویری از پوتین‌های سربازان در آسایشگاه ایرانشهر منتشر کرده است؛ تصویری که بدون کلمه به قلب آدم چنگ می‌زند. الهام پاوه‌نژاد کوتاه و تلخ نوشته است: «آخ بمیرم برای لرزش دلتون.»

سام درخشانی، علی قمصری، وحید آقاپور، سیدعلی صالحی، شکیب شجره، نعیمه نظام‌دوست، سوگل طهماسبی، راغب، مهران غفوریان، حسام منظور، گرشا رضایی، گیتی قاسمی و ... دیگر هنرمندانی هستند که هر کدام با زبانی متفاوت، یک حرف را زدند: جنوب، پاره تن ماست.

گفت‌وگوی اختصاصی «ایران» با فرنوش جعفری، اولین گزارشگر زن فوتبال ایران

زنی که صدای فوتبال شد

گفت‌وگو

گروه فرهنگی

فرنوش جعفری، گزارشگر فوتبال که این روزها بازی‌های جام جهانی را گزارش می‌کند، در گفت‌وگو با «ایران» درباره فعالیت خود در عرصه گزارشگری فوتبال اظهار کرد: «از سال ۱۳۹۶ کارم را شروع کردم و چند سال طول کشید تا به جایی برسم که بتوانم فوتبال مردان را گزارش کنم. سال ۱۳۹۸ تلاشی داشتم تا بتوانم در رادیو گزارش فوتبال مردان را بر عهده بگیرم، اما آن تلاش موفق نبود و در آن زمان اجازه گزارشگری پیدا نکردم. آن موضوع مشکلات زیادی برایم ایجاد کرد، اما در نهایت از آن دوران عبور کردم.» او ادامه داد: «دو سال پیش و هم‌زمان با رقابت‌های یورو ۲۰۲۴، به‌عنوان کارشناس به دعوت آپارات اسپرت حضور پیدا کردم. همان‌جا به من پیشنهاد شد مسابقات یورو را هم گزارش کنم. این پیشنهاد برایم کاملاً غیرمنتظره، اما بسیار خوشحال‌کننده بود و آن را پذیرفتم.»

من تابوشکن بودم

این گزارشگر فوتبال درباره سختی‌های این مسیر گفت: «هیچ کاری بدون سختی نیست. من تابوشکن بودم و هنوز هم هستم. البته خیلی استقبال می‌کنم که خانم‌های دیگری هم وارد این عرصه شوند، چون به نظرم آنها دیگر کمتر از من سختی خواهند کشید. جامعه در ابتدا این موضوع را قبول نمی‌کرد و همچنان هم ممکن است بخشی از جامعه در پذیرش آن مقاومت کند که یک خانم، گزارشگر فوتبال مردان باشد. البته خوشبختانه بخش دیگری از جامعه استقبال می‌کند. برایشان جالب و متفاوت است که یک خانم اطلاعات فوتبالی داشته باشد، بازیکنان را بشناسد و بتواند مسابقات را تحلیل و گزارش کند. این موضوع مثل یک تیغ دولبه است؛ از یک طرف خیلی خوب است و از طرف دیگر، هنوز بعضی‌ها نمی‌توانند آن را باور یا قبول کنند.» جعفری در پاسخ به این سؤال که آیا در این مدت خانم‌هایی برای ورود به عرصه گزارشگری فوتبال با او مشورت کرده‌اند، اظهار کرد: «واقعیتش نه. البته خانم‌های زیادی را دیده‌ام که درباره فوتبال با هم صحبت می‌کنیم، هوادار تیم‌های بزرگ هستند و حتی تاریخچه بسیاری از تیم‌ها را هم می‌دانند، اما اینکه به‌صورت جدی مشتاق باشند وارد عرصه گزارشگری شوند، هنوز چنین اتفاقی نیفتاده است. شاید خودشان را در این جایگاه نمی‌بینند یا اعتماد به نفس لازم را ندارند.»

بهترین و بدترین واکنش‌ها به گزارشگری‌ام

این گزارشگر در پاسخ به این پرسش که بهترین و

بدترین بازخوردی که درباره گزارش‌هایش دریافت کرده چه بوده است، گفت: «یکی از بهترین حرف‌هایی که شنیده‌ام این بوده که خیلی‌ها می‌گویند دوست دارند جای من باشند. می‌گویند شما تابوشکن هستید. اینکه می‌گویند اطلاعات گسترده و خوبی دارید و از اطلاعات فوتبالی و ورزشی آقایان چیزی کم ندارید که برای من بسیار ارزشمند است.» او ادامه داد: «بدترین واکنش‌ها هم این بوده که: «خانم، چرا فوتبال گزارش می‌کنی؟ برو ظرف بشور یا لباس بشور.» اینها بدترین نظراتی است که دریافت کرده‌ام. البته بخشی از کامنت‌ها هم به تن صدای من مربوط می‌شود. مثلاً می‌گویند: «چرا جیغ می‌زنی؟» اتفاقاً اینها برای من سازنده هستند. شاید در ابتدا ناراحت‌کننده باشند، اما بعد از مدتی باعث می‌شوند روی صدایم کار کنم. در همین جام جهانی تلاش کردم روی صدایم کار کنم، آن حالت جیغ‌گونه را از بین ببرم و انرژی صدا را کنترل کنم.» جعفری درباره اینکه بازخوردهای منفی بیشتر از سوی چه کسانی بوده است، گفت: «بیشتر آقایان چنین نظراتی می‌دهند. خانم‌ها معمولاً حامی هستند، اما بخشی از آقایانی که فوتبال را خیلی جدی دنبال می‌کنند، هنوز نگاه مثبتی به حضور یک خانم در گزارشگری ندارند. البته نکته جالب اینجاست که همین آقایان به گزارشگران مرد هم ایرادهای زیادی وارد می‌کنند. آنجا متوجه می‌شوید که برایشان چندان فرقی نمی‌کند گزارشگر زن باشد یا مرد، اما چون من تازه وارد این عرصه شده‌ام، حساسیت نسبت به من دوچندان است.»

هنوز گزارشگری فوتبال را مردانه می‌دانند

او درباره اینکه آیا پس از تجربه گزارشگری فوتبال مردان پیشنهادی از سوی تلویزیون دریافت کرده است یا خیر، گفت: «خیر. اساساً در برخی رسانه‌ها این محدودیت وجود دارد. حتی می‌بینید که این محدودیت به حدی است که در برنامه‌های فوتبالی هم از کارشناسان خانم استفاده نمی‌شود. در جام جهانی و یورو، شبکه‌های اینترنتی از مجری و کارشناس خانم استفاده می‌کنند، اما تلویزیون همچنان بر این موضوع اصرار دارد که این حوزه کاملاً مردانه است. در این مدت از طرف یکی از شبکه‌های ورزشی در ماهواره پیشنهاد همکاری دریافت کردم. حتی درخواست کردند دیدار فینال را هم برای آنها گزارش کنم، اما چون خودم در چارچوب یک رسانه فعالیت می‌کنم، امکان همکاری با آن مجموعه را نداشتم.» جعفری در پاسخ به این پرسش که چرا همچنان این محدودیت در برخی رسانه‌ها وجود دارد، گفت: «واقعاً نمی‌دانم قرار است چه اتفاقی بیفتد. یادم هست چند سال قبل در مجموعه ای مانع کارم شده بودند، گفتند که الان بحث اصلی ما این است که «چرا شما باید گزارش کنید؟» و «چرا شما نباید گزارش کنید؟» گفتند هر زمان زودتر به جواب یکی از این دو سؤال برسیم، شاید شرایط بهتر شود. فکر می‌کنم هنوز به پاسخ هیچ‌کدام از این سؤال‌ها نرسیده‌اند.»

> از سال ۱۳۹۶ کارم را شروع کردم و چند سال طول کشید تا به جایی برسم که بتوانم فوتبال مردان را گزارش کنم. سال ۱۳۹۸ تلاشی داشتم تا بتوانم در رادیو گزارش فوتبال مردان را بر عهده بگیرم

جلب رضایت مخاطبان مرد سخت است

جعفری درباره استرس پیش از گزارش مسابقات گفت: «هنوز هیجان دارم، اما این هیجان بیشتر مربوط به کنترل صدایم است تا تعداد بیشتری از مخاطبان با من همراه شوند. دیگر مثل روزهای اول نگران این نیستم که بازیکنان را نشناسم یا گزارش خوبی ارائه ندهم. جلب نظر مخاطبان مرد کار خیلی سختی است. در یورو، چون این کار تازه و متفاوت بود، تقریباً همه بازخوردها مثبت بود، اما حالا که این موضوع عادی‌تر شده، تمرکز بیشتر روی ایرادها قرار گرفته است.»

وی درباره سخت‌ترین تجربه گزارشگری خود نیز گفت: «سخت‌ترین بازی‌هایی که گزارش کردم، دیدار انگلیس و مکزیک و همچنین مسابقه انگلیس و نروژ بود؛ چون هر دو مسابقه بیش از ۹۰ دقیقه طول کشیدند و حساسیت بازی در دقایق پایانی به اوج رسید. همین حساسیت باعث می‌شود در بعضی لحظه‌ها کنترل صدا سخت‌تر شود. البته این دو مسابقه از زیباترین بازی‌هایی بودند که گزارش کردم.»

همچنان از فردوسی‌پور مشورت می‌گیرم

این گزارشگر درباره ارتباط خود با عادل فردوسی‌پور نیز گفت: «بله، همچنان از ایشان مشورت می‌گیرم. اخیراً هم در باکس گزارش یکی از پلتفرم‌های برخط ایشان را دیدم و درباره تیم‌هایی که به آنها علاقه داریم صحبت کردیم و حتی کمی هم کری خواندیم.» جعفری در پاسخ به این سؤال که دوست دارد با کدام گزارشگر اجرای دونفره داشته باشد، گفت: «بدون شک عادل فردوسی‌پور.»

نگاهی به تنوع آثار در بیست‌وپنجمین حراج تهران

از سهراب سپهری تا استاد فرشچیان

گزارش

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

بیست‌وپنجمین حراج تهران با ارائه حدود ۱۰۰ اثر از برجسته‌ترین هنرمندان مدرن، کلاسیک و سنتی ایران، بار دیگر تلاش کرده است تصویری جامع از سیر تحول هنر ایرانی را پیش روی مخاطبان و مجموعه‌داران قرار دهد. این دوره از حراج که بخش نمایشگاهی آن در هتل پارسیان آزادی آغاز شده، پس از سه روز نمایش عمومی، روز جمعه با برگزاری مزایده آثار به کار خود ادامه خواهد داد.

حراج تهران در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین رویدادهای بازار هنر ایران تبدیل شده است؛ رویدادی که علاوه بر نقش اقتصادی، بستری برای معرفی جریان‌های مهم هنر ایران و ایجاد ارتباط میان هنرمندان، مجموعه‌داران و علاقه‌مندان به هنر به شمار می‌رود. در این دوره نیز آثاری از هنرمندان شاخص مدرنیسم ایران در کنار نمونه‌هایی از هنر کلاسیک، نگارگری، خوشنویسی و صنایع‌دستی به نمایش درآمده است. علیرضا سمیع‌آذر، مدیر حراج تهران، درباره رویکرد این دوره از حراج در تیرماه می‌گوید: «بیست‌وپنجمین دوره حراج تهران با هدف معرفی سه جریان مهم هنر ایران، یعنی هنر مدرن، هنر کلاسیک و هنر سنتی برگزار شده است. آثار مدرن متعلق به هنرمندانی است که اغلب تحصیلات آکادمیک داشتند، بسیاری از آنان در دانشگاه‌های اروپایی آموزش دیدند و پس از بازگشت به ایران، علاوه بر خلق آثار شاخص، در دانشگاه‌های هنر نیز تدریس کردند و نسل‌های بعدی هنرمندان مدرن ایران را پرورش دادند.» به گفته او، در کنار این جریان، بخشی از آثار به هنر کلاسیک ایران اختصاص دارد؛ هنری که ریشه در مکتب کمال‌الملک دارد و از اواخر دوره قاجار تاکنون ادامه یافته است. سمیع‌آذر توضیح می‌دهد: «کمال‌الملک و شاگردانش با تأسیس هنرستان هنرهای زیبا، بنیان هنر آکادمیک ایران را شکل دادند و مکتبی را پایه‌گذاری کردند که بیش از یک قرن سابقه دارد. آثاری از این جریان نیز در حراج امسال ارائه شده است.» مدیر حراج تهران بخش دیگری از این رویداد را به هنر سنتی ایران اختصاص می‌دهد؛ هنری که به گفته او حاصل قرن‌ها خلاقیت هنرمندان ایرانی است و در قالب‌هایی مانند نگارگری، خوشنویسی، فرش و هنرهای کاربردی جلوه یافته است. او می‌گوید: «نمونه‌های ارائه‌شده در این حراج متعلق به حدود یک قرن اخیر هستند، اما همگی ادامه همان سنت‌های ریشه‌دار هنر ایرانی محسوب می‌شوند. آثار استاد محمود فرشچیان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چهره‌های نگارگری معاصر، از جمله آثار شاخص این بخش است.» سمیع‌آذر همچنین به حضور آثار خوشنویسی و نقاشی خط اشاره می‌کند و می‌گوید: «خط در فرهنگ ایرانی همواره جایگاهی ویژه داشته و در دوره معاصر نیز هنرمندان بسیاری با بهره‌گیری از خوشنویسی، سیاه‌مشق و نقاشی خط، آثار ارزشمندی خلق کرده‌اند. بخشی از این آثار نیز در بیست‌وپنجمین حراج تهران عرضه می‌شود.»

به گفته او، ویژگی مهم این دوره، کنار هم قرار گرفتن جریان‌های مختلف هنر ایران است؛ رویکردی که امکان مقایسه و شناخت بهتر این جریان‌ها را برای مخاطبان فراهم می‌کند. وی می‌افزاید: «تمرکز این دوره بیشتر بر مرور تاریخ هنر ایران است. در مقابل، حراج بعدی که در مهرماه برگزار خواهد شد، بیشتر به آثار هنرمندان معاصر و نسل‌های جوان اختصاص خواهد داشت.»

سمیع‌آذر درباره حضور آثار سنتی در حراج تهران نیز تأکید می‌کند که این اتفاق برای اولین بار رخ نمی‌دهد. به گفته او، حراج تهران طی چند دوره اخیر به معرفی هنرهای سنتی پرداخته و سال گذشته نیز آثاری از دوره صفوی، قرآن‌های نفیس، نسخه‌های خطی، فرش و آثار دوره قاجار را در قالب پیش حراج ارائه کرده است. او معتقد است این رویکرد باعث می‌شود علاقه‌مندان به هنر مدرن با میراث هنری ایران آشنا شوند و در مقابل، دوستداران هنر سنتی نیز با جریان‌های مدرن ارتباط بیشتری برقرار کنند.

در بخش قیمت‌گذاری آثار، مدیر حراج تهران می‌گوید: «بیشترین برآورد قیمت به آثار پیشگامان مدرنیسم ایران اختصاص دارد.» به گفته او، همان گونه که در حراج‌های معتبر جهان نیز آثار مدرنیست‌ها معمولاً ارزش بیشتری نسبت به آثار کلاسیک پیدا می‌کنند، در ایران نیز این روند دیده می‌شود. بر همین اساس، آثار سهراب سپهری همچنان رکورددار حراج تهران هستند و در کنار او، آثاری از ابوالقاسم سعیدی و محمد احصایی نیز در شمار آثار شاخص این دوره قرار دارند. در میان هنرمندان سنتی نیز گران‌ترین اثر متعلق به استاد محمود فرشچیان است.

او درباره مضامین آثار حاضر در این دوره می‌گوید: «در میان آثار مدرنیسم، طبیعت یکی از مهم‌ترین موضوعات است؛ موضوعی که در آثار سهراب سپهری و ابوالقاسم سعیدی به شکلی برجسته دیده می‌شود. هنرمندان ایرانی همواره نگاه ویژه‌ای به طبیعت داشته‌اند و این ویژگی در نقاشی مدرن ایران نیز بازتاب یافته است.»

در بخش هنر سنتی، نگارگری با روایت‌های شاعرانه، اسطوره‌ها و داستان‌های کهن ایرانی حضوری پررنگ دارد. همچنین آثار خوشنویسی و نقاشی خط با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بصری خط فارسی، بخش دیگری از مجموعه را تشکیل می‌دهند. در کنار این آثار، نمونه‌هایی از نقاشی انتزاعی، مجسمه‌های مدرن و تعدادی از آثار صنایع‌دستی نیز در حراج امسال عرضه شده است. مدیر حراج تهران درباره شرایط بازار هنر در وضعیت اقتصادی کنونی نیز معتقد است برای قضاوت درباره میزان استقبال خریداران هنوز زود است. به گفته او، ارزیابی دقیق پس از پایان نمایشگاه و برگزاری مزایده امکان‌پذیر خواهد بود، هرچند انتظار می‌رود با وجود دشواری‌های اقتصادی، علاقه‌مندان و مجموعه‌داران همچنان از این رویداد استقبال کنند. سمیع‌آذر در پاسخ به پرسشی درباره اصالت آثار نیز تأکید می‌کند: «تمام آثاری که در حراج تهران عرضه می‌شوند اصل هستند و هیچ اثر کپی در این رویداد ارائه نمی‌شود. اصالت آثار یکی از مهم‌ترین اصول حراج تهران است.»

او در پایان، حراج تهران را از نظر شیوه برگزاری همسو با استانداردهای حراج‌های معتبر بین‌المللی می‌داند و می‌گوید: «نمایشگاه، کاتالوگ، پژوهش درباره آثار، نحوه ارائه و فرآیند فروش بر اساس الگوهای حراج‌هایی مانند کریستیز و ساتبیز طراحی شده است، هرچند از نظر حجم معاملات و قیمت آثار هنوز فاصله قابل توجهی با بازارهای بزرگ جهانی وجود دارد. با این حال، حراج تهران در میان حراج‌های منطقه جایگاه قابل توجهی پیدا کرده و حتی در برخی دوره‌ها از نظر ارزش کل فروش، عملکردی بالاتر از حراج کریستیز دوبی داشته است.»